

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

تاریخ معاصر ایران

کلیه رشته‌ها (به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی)

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

تاریخ معاصر ایران - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۰

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

علی‌اکبر ولایتی، جلیل عرفان‌منش، غلامرضا میرزایی و یعقوب توکلی (اعضای گروه تألیف) - با همکاری مسعود جوادیان - حشمت‌الله سلیمی (بازنگری و اصلاح

زیرنویس‌ها) - محمدرضا سرشار، سید اکبر میرجعفری (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - طاهره حسن‌زاده (طراح جلد) - زهره بهشتی شیرازی

(صفحه‌آرا) - صادق صندوقی، مجید غزنوی (تصویرگران) - سیده فاطمه محسنی، رضا جعفری،

علیرضا کاهه، سپیده ملک‌ایزدی، حمید ثابت‌کلاچاهی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

نشانی سازمان:

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج -

خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰

صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

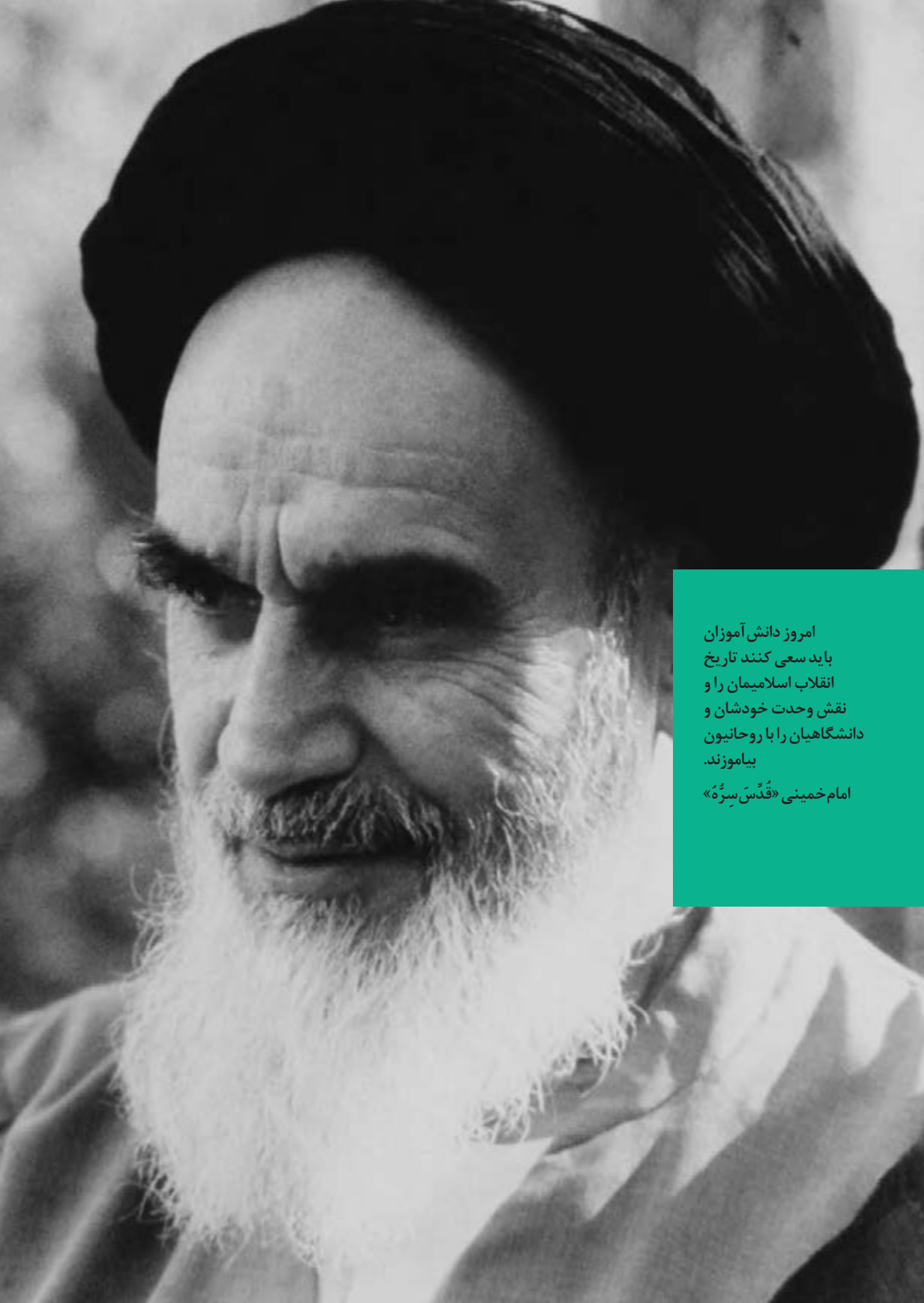
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ ششم ۱۴۰۱

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۳۴۹-۰

ISBN: 964-05-1349-0



امروز دانش آموزان
باید سعی کنند تاریخ
انقلاب اسلامیمان را و
نقش وحدت خودشان و
دانشگاهیان را با روحانیون
بیاموزند.
امام خمینی «قُدَس سرُّه»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

	سخنی با دبیران گرامی
	سخنی با دانش آموزان عزیز
۱	مروری بر پیشینه و تاریخ ایران از آغاز تا دوران قاجار (برای مطالعه)
۱۷	درس اول — حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه
۲۷	درس دوم — دوران ناصرالدین شاه
۳۸	درس سوم — زمینه‌های نهضت مشروطه
۴۴	درس چهارم — آغاز حرکت مردم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی
۵۳	درس پنجم — مشروطه در دوره محمدعلی شاه
۶۲	درس ششم — دوره دوم مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۹۳ ش)
۷۴	درس هفتم — کودتای ۱۲۹۹
۸۳	درس هشتم — رضاخان؛ تثبیت قدرت
۹۱	درس نهم — ویژگی‌های حکومت رضاشاه
۱۰۰	درس دهم — سقوط رضاشاه
۱۰۷	درس یازدهم — اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن
۱۱۴	درس دوازدهم — نهضت ملی شدن صنعت نفت
۱۲۰	درس سیزدهم — زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۰	درس چهاردهم — کودتای بیست و هشتم مرداد
۱۳۶	درس پانزدهم — ربع قرن سیطره آمریکا بر ایران
۱۴۳	درس شانزدهم — زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران
۱۴۷	درس هفدهم — پیدایش نهضت روحانیت و اوج‌گیری بیداری اسلامی
۱۵۳	درس هجدهم — قیام ۱۵ خرداد
۱۶۳	درس نوزدهم — تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی
۱۷۴	درس بیستم — ایران در مسیر انقلاب اسلامی
۱۸۲	درس بیست و یکم — پیروزی انقلاب اسلامی
۱۹۱	درس بیست و دوم — دولت موقت مهندس مهدی بازرگان
۲۰۰	درس بیست و سوم — اولین دوره ریاست جمهوری
۲۱۱	درس بیست و چهارم — جنگ تحمیلی رژیم بعثی حاکم بر عراق علیه ایران
۲۲۱	درس بیست و پنجم — آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی
۲۳۵	درس بیست و ششم — بیداری اسلامی در جهان اسلام

سخنی با دبیران گرامی

۱. در نگارش این کتاب، سعی بر این بوده است که به جای شیوه «وقایع نگاری» و «تاریخ نگاری نقلی» که به شرح رویدادها و توصیف حوادث می‌پردازد، از شیوه «تاریخ نگاری علمی و تحلیلی» استفاده شود. در این شیوه به جای پرداختن صرف به حوادث، به روابط علت و معلولی رویدادها، توجه می‌شود و در چارچوبی تحلیلی، با نگاهی مستدل و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک، رویدادهای تاریخی را بررسی می‌کنیم.
۲. در این کتاب کوشش شده است تا از آوردن اسامی، نام‌ها، و یا جدول‌های غیرضروری خودداری گردد. با این وجود، از دبیران محترم تاریخ و طراحان سؤال‌های امتحانی تقاضا شده است از طرح سؤال‌ها و موضوع‌ها، با رویکرد «حافظه‌مداری» که، در شیوه‌های وقایع‌نگاری و تاریخ‌نگاری نقلی متداول است اجتناب ورزند و به جنبه‌های تحلیلی وقایع تاریخی توجه بیشتری مبذول فرمایند.
۳. مطالبی تحت عنوان «بیشتر بدانید» و «برگی از تاریخ»، با هدف افزودن اطلاعات تاریخی دانش‌آموزان، به مباحث درس اضافه شده است. از این مطالب، و آنچه که در پی‌نوشت‌ها آمده است در امتحان‌های نیمسال و پایان سال، سؤالی طرح نمی‌گردد.
۴. فهرست منابع این کتاب، در سایت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در دسترس است.

هدف‌های آموزشی درس تاریخ معاصر ایران

- همکار گرامی انتظار می‌رود با تدریس درس تاریخ معاصر ایران، دانش‌آموزان نسبت به هدف‌های اصلی آن درس شناخت و درک نسبی پیدا کنند. بنابراین توصیه می‌شود به هنگام تدریس و ارزشیابی در طول سال تحصیلی، هدف‌های زیر را مدنظر قرار دهید:
۱. چگونگی تأسیس، استقرار و تثبیت حکومت قاجار با توجه به زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی
 ۲. اهداف و رقابت‌های استعماری دولت‌های بزرگ اروپایی (انگلستان، روسیه و فرانسه) در ایران در دهه‌های نخست حکومت قاجار
 ۳. شخصیت و مدیریت شاهان و کارگزاران عالی‌رتبه حکومت قاجار
 ۴. نفوذ و دخالت‌های مستمر انگلستان و روسیه در امور ایران در طول دوران حاکمیت سلسله قاجار
 ۵. ساخت اجتماعی و اقتصادی ایران (صورت‌بندی اجتماعی و اقتصادی) و تحولات آن در عصر قاجار

۶. آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترش مناسبات و ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه روابط با کشورهای اروپایی
۷. زمینه‌ها و عوامل جنبش‌های مردمی در دوره قاجار با تکیه بر جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه
۸. نتایج و پیامدهای جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه
۹. نقش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روحانیت، به‌ویژه در مخالفت و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی
۱۰. شکل‌گیری گروه روشنفکران و نقش اجتماعی و سیاسی آنان
۱۱. تأثیر و پیامدهای دو جنگ جهانی بر اوضاع ایران
۱۲. ظهور، استقرار و سقوط دیکتاتوری رضاشاه با توجه به زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی
۱۳. اهداف و نتیجه اقدامات رضا شاه
۱۴. رقابت قدرت‌های بزرگ (انگلستان، شوروی و آمریکا) برای نفوذ و سلطه بر ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰
۱۵. جنبش ملی شدن صنعت نفت (زمینه، عوامل و نتایج)
۱۶. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تأکید بر عوامل داخلی و خارجی
۱۷. نفوذ و سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا بر ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۱۸. زمینه‌ها و عوامل نهضت اسلامی مردم ایران
۱۹. نقش امام خمینی در مبارزه با سلطه خارجی و وابستگی حکومت پهلوی
۲۰. معترضان و مخالفان حکومت پهلوی (دیدگاه و روش مخالفت و مبارزه)
۲۱. انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام سلطنتی پهلوی در ایران
۲۲. استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی
۲۳. دسیسه و توطئه‌های قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران
۲۴. اقدامات خرابکارانه و فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی و ضدانقلاب داخلی
۲۵. ایستادگی ملت ایران در برابر توطئه و دشمنی‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب اسلامی
۲۶. جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران و دفاع ملت ایران در برابر متجاوز و پیامدهای آن
۲۷. رهبری و مدیریت حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
۲۸. دستاوردهای انقلاب اسلامی (استقلال در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)
۲۹. بیداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

سخنی با دانش آموزان عزیز

از آنجا که درس تاریخ جزو درس‌های تخصصی شما نیست، چه بسا تصور کنید که این درس اهمیتی ندارد و شما تنها برای نمره قبولی باید آن را بخوانید. این تصور در نگاه اول درست به نظر می‌رسد! شما حق دارید برای امور زندگی خود برنامه داشته باشید و به آینده بیندیشید. آینده‌نگری شما و برنامه‌ریزی‌تان برای آن با توجه به چه چیزهایی صورت می‌گیرد؟ شناختی که از خود دارید؛ ارزیابی و شناختی که از شرایط موجودتان دارید؛ و نیز ارزیابی‌تان از آینده.

اما بیایید طور دیگری به این موضوع بیندیشیم؛ شما چه قدر خود را می‌شناسید و شخصیت کنونی‌تان محصول چه چیزهایی است؟ خواهید گفت: قدری از آن محصول وراثت است، یعنی خصوصیات جسمانی، فکری و به‌ویژه اخلاقی که از طریق گذشتگان به شما رسیده است. تعلیم و تربیت و زندگی خانوادگی، محیط اطراف و دوستان و آشنایان و تحولات اجتماعی و نیز تجارب شخصی هم بخشی از آن را شامل می‌شود. آیا اینها چیزی جز گذشته و در واقع چیزی جز تاریخ‌اند؟ اکنون به «شرایط موجود» توجه کنید؛ آیا «شرایط موجود» در یک تأمل هرچند سطحی، چیزی جز حاصل حوادث، تحولات و عملکردهایی است که گذشتگان ما نقش اصلی را در شکل‌گیری آن داشته‌اند؟

بنابراین، هرچه در گذشته بیشتر تأمل کنیم، هم خود را بهتر می‌شناسیم و هم جامعه‌مان را؛ زیرا همه پدیده‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی، ریشه در گذشته دارد. با شناخت بیشتر این ریشه‌ها، می‌توانیم ارزیابی درست‌تری از خود داشته باشیم، از کرده‌های مان خواه فردی، خواه اجتماعی درس بگیریم. می‌توانیم راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات و مسائل اجتماعی ارائه کنیم، نیازهای واقعی مان را تشخیص دهیم و در راه سعادت و کامیابی گام برداریم. به همین دلیل است که بخش‌های قابل توجهی از آیات قرآن کریم و کلام همه بزرگان و دانشمندان به ذکر تاریخ و توصیه مطالعه و تأمل در آن اختصاص دارد. تاریخ پیامبران، اقوام، جوامع، و نیز زنان و مردانی که اکنون دیگر در میان ما نیستند. به علاوه همچنان که، می‌دانیم تاریخ تنها ذکر اعمال پادشاهان و تحولات سیاسی جوامع نیست بلکه سرگذشت علوم و فنون، هنرها و هنرمندان، ورزشکاران و قهرمانان، همه و همه تاریخ است و هر یک جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی انسان را شامل می‌شود که مطالعه آن مفید و لذت بخش است.

تاریخ دانشی بسیار گسترده است و در ساعات محدود درسی نمی‌توان به اندازه کافی بدان پرداخت. پس چه باید کرد؟ برای شما که درس تاریخ جزو درس‌های تخصصی‌تان نیست و تنها بخش کوچکی از برنامه‌های آموزشی‌تان را شامل می‌شود، مطالعه تاریخ معاصر ایران، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. این دوره از تاریخ به ما نزدیک‌تر است و نتایج حوادث و تحولات مربوط به آن، ملموس‌تر و زنده‌تر. شما در آینده هر رشته تحصیلی و نیز هر شغلی را انتخاب کنید و به اصطلاح جامعه‌شناسان، هر نقش اجتماعی را که ایفا نمایید، به مطالعه تاریخ نیازمندید و به‌ویژه هر چه بیشتر رشد کنید و بزرگتر شوید ارزش آن را بهتر و بیشتر در خواهید یافت. تاریخ معاصر ایران حوادث تلخ و شیرین بی‌شماری را به خود دیده است که در این کتاب به گونه‌ای فشرده و خلاصه، با بخش‌هایی از آن آشنا می‌شوید.

مروری بر پیشینه و تاریخ ایران از آغاز تا دوران قاجار

ایران کشوری ریشه‌دار و کهن است. مردم ایران دارای ۷۰۰۰ سال تاریخ و تمدن درخشان هستند. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران را می‌توان به دو دوره پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم کرد. دوره پیش از اسلام نیز به دوران قبل از آریایی‌ها و بعد از آریایی‌ها تقسیم می‌شود.

ایران پیش از اسلام

از بررسی آثاری که تاکنون توسط باستان‌شناسان کشف شده‌اند، معلوم می‌شود، سفال و سفال‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری (در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد) توسط ساکنان فلات ایران (قبل از ورود آریایی‌ها) اختراع شده است. همچنین، ساخت ازابه‌های چهارچرخ^۱، پرورش اسب و معماری طاق‌های هلالی گنبد شکل، از ابداعات ایرانیان بوده است که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان کهن رفته و رواج یافته است. در این میان می‌توان از مکان‌های مهم باستانی نظیر شهر سوخته (در سیستان)، تپه سیلک^۲ (در کاشان) و تپه مارلیک (در گیلان) نام برد. همچنین ایرانیان در پیدایش خط به عنوان یکی از مراحل مهم تمدن‌سازی و تولید میراث معنوی جهان از قبیل اندیشه‌های دینی، فلسفی، علم اعداد، نجوم و ریاضی سهم چشمگیری داشته‌اند. سرچشمه بسیاری از امور فرهنگی از فلات ایران آغاز شده است. در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، آریایی‌ها به فلات ایران^۳ مهاجرت کردند. آنها سرزمینی را که در آن وارد شده بودند ایران یعنی سرزمین آریایی‌ها نامیدند.

۱. برای اطلاع بیشتر، ن. ک: گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، صص ۱۳، ۱۸، ۳۱، ۳۸ و ۶۸

2. sialk

۳. کلمه ایران دست کم در حدود قرن سوم قبل از میلاد در منابع یونانی آمده است. شکل یونانی ایران ariane است.

اقوام آریایی^۱ شامل مادها، پارس‌ها و پارت‌ها بود که در غرب، جنوب و شمال شرقی فلات ایران ساکن شدند. اقوام ایرانی پس از استقرار و تثبیت موقعیت و مرزهای جغرافیایی خود، برای رفع نیازهای متقابل خویشتن با یکدیگر روابط مسالمت‌آمیزی داشتند و در هم‌گرایی عمومی به سر می‌بردند.

پس از مدتی، زردشت که پیامبر ایران باستان است در میان ایرانیان ظهور کرد. او مردم را به پیروی از خدای یگانه که اهورامزدا نام داشت، دعوت کرد و مروج اندیشه، گفتار و کردار نیک بود. اعتقاد به سرای آخرت و جهان پس از مرگ، عقیده به آخرالزمان و ظهور یک منجی که حکومتی با عدل و داد و به‌دوراز ناپاکی و ستم برپا خواهد کرد، از بنیان‌های استوار و اعتقادی ایرانیان بوده است که آن‌ها را از سایر ملل دوران باستان متمایز می‌ساخت.^۲



آثار یافت‌شده در شهر سوخته

قدر مسلم ایرانیان پیش از اسلام همچون اعراب دوران جاهلیت بت پرست نبودند، همانند یونانیان، رب‌النوع‌های متعدد را نمی‌پرستیدند و یا همچون هندوها گاوپرست نبودند. فرمانروایان سلسله‌های ایران باستان، به‌رغم همه خصلت‌های نیک و بد که تاریخ درباره آنها ثبت کرده است، هیچ‌گاه همچون فراعنه مصر باستان ادعای خدایی نمی‌کردند؛ زیرا ایرانیان مردمانی حق‌جو و یکتاپرست بودند.^۳

۱. آریا ایریا یا آرین Aryan در اوستا که کهن‌ترین متون پارسی به‌جا مانده است. خاستگاه ایرانیان «ایرینام ویجو» Airyanemvaejo آمده که در زبان پهلوی «ایران ویج» Eranvej می‌باشد که مرکب از دو واژه «ایران» و «ویج» به معنی تخمه و نژاد ایرانی و هنگامی که مکانی به این نام نامیده می‌شود به منزله جایگاه ایرانیان است. (ن.ک: بورد اوود، یشت‌ها، آبان یشت، بندهای ۱۷ و ۱۰۴)

۲. برای اطلاع بیشتر ن.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۷۹.

۳. ن.ک: معین، مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، ص ۴۱. برای اطلاع بیشتر، ن.ک: عرفان منش، حیات معنوی ایرانیان،

بیشتر بدانید

خصلت‌های اخلاقی ایرانیان

از سجایای اخلاقی ایرانیان که در گزارش‌های مورخان ثبت شده می‌توان به شجاعت، پاکدامنی، راستگویی، اعتدال، نجابت و پوشش زنان و مردان اشاره کرد. آثار برجای مانده نشان می‌دهند که زنان ایرانی در زمان مادها و پس از آن پوشش کاملی داشتند که شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار، چادر و شنلی روی لباس‌ها بود. این پوشش در زمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز معمول بود. در منابع یونانی آمده است که زنان پارسی، ساده (بدون آرایش) و با لباسی کاملاً پوشیده ظاهر می‌شدند و نجابت مردان پارسی نیز دست کمی از زنان نداشته است. آنان برهنه بودن و یا باز گذاشتن هر یک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را شرم‌آور و خلاف ادب می‌شمردند و به همین جهت سرتاپای ایشان با سریند (کلاه) و پاپوش پوشیده بود.^۱

به گفته شهاب‌الدین سهروردی، در گذشته به سال ۵۸۷ ق، در ایران باستان امتی زندگی می‌کردند که بین آنها پهلوانان و جوانمردانی یگانه پرست بودند که مشمول آیه «خداوند ولیّ کسانی است که ایمان آوردند، و ایشان را از ظلمات به سوی نور هدایت می‌کند»^۲ شدند و به مرحله‌ای از شهود نور الهی رسیدند.^۳ توجه سهروردی به حکمت ایرانیان، یادآور حدیث نبوی است که فرمود: اگر علم در ثریا هم باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند.^۴

سلسله هخامنشیان با فرمانروایی کوروش بزرگ آغاز شد. او توانست با متحد کردن اقوام پارس و ماد حکومتی را پایه‌گذاری کند که گستره قلمرو آن شامل تمدن‌های کهن به جز بخشی از قلمرو یونان باستان بود.^۵ کوروش به دلیل خداپرستی، عدالت خواهی و خردمندی‌اش، شهرت جهانی

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۱۳، مطهری، مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ج ۴۸، صص ۲۵ و ۶۳؛ محمدی آشتیانی، حجاب در ادیان الهی، صص ۹۵ و ۹۶؛ هرتسفلد، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۴۱؛ راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، صص ۵۱۸-۵۲۰؛ شهشهبانی، تاریخچه پوشش سر در ایران، ص ۴۰؛ تالیوت رایس، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی، ص ۴۵؛ دهخدا، امثال و حکم، ج ۳، صص ۱۵۴۹-۱۵۵۷؛ ذکاء، داستان پوشش زن در ایران، ص ۲.

۲. الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و... (سوره بقره، آیه ۲۵۷).

۳. سهروردی، مجموعه تصنیفات شیخ اشراق، صص ۵۰۲ و ۵۰۳.

۴. «لَوْ تَعَلَّقَ الْعِلْمُ بِأَكْتافِ السَّمَاءِ لَنَالَهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ»؛ مجلسی، بحارالانوار (ج ۱۶)، ص ۳۱۰؛ همچنین ن. ک: مستوفی،

زنده‌قلوب، ص ۱۱۳؛ سبیتی، سلمان فارسی، ص ۴۰.

۵. بار تولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۰۵.



کاخ آپادانا - شوش

یافته است.^۱ برخی معتقدند، «ذوالقرنین» که در قرآن مجید^۲ به عنوان فرمانروایی نیک سیرت ستوده شده، همان کوروش پادشاه ایران است.^۳ با اینکه مؤسس دولت مقتدر هخامنشیان از سرزمین پارس

۱. برخی از مورخان بیانیه کوروش در استوانه گلی را که با خط بابلی نوشته شده است، به عنوان اولین منشور جهانی حقوق بشر معرفی کرده‌اند. ن. ک: زرین کوب، روزگاران، ص ۵۴.

۲. سوره کهف، آیات ۸۳-۹۸.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۶۶۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۹. برای اطلاع بیشتر ن. ک: عرفان منش، تحقیقی علمی درباره پیشینه و کیستی ذوالقرنین، صص ۲۹۹-۳۵۵.

برخاست اما نام قوم و سرزمین خود را برای قلمرو تحت حاکمیت خود انتخاب نکرد^۱. باید دانسته شود که در کتیبه‌های داریوش کلمه آریا به سکنة ایران اطلاق می‌شد. پارس در کتیبه‌های هخامنشی به صورت پارسه^۲ در یونانی پرسیس^۳ که مُعَرَّب آن فارس می‌باشد آمده است. اما یونانیان پرسیس را که تنها نام ایالت فارس است بر تمام ایران اطلاق می‌کردند^۴. هخامنشیان برای کنترل قلمرو گسترده خود، چند پایتخت تأسیس کردند. یکی از آنها در شوش بود و به عنوان پایتخت زمستانه و دیگری در هگمتانه (همدان) که پایتخت تابستانه به شمار می‌رفت. اما مهم‌ترین و معروف‌ترین پایتخت هخامنشیان تخت جمشید است که پایتخت بهاری به حساب می‌آمد. بنای عظیم تخت جمشید نماد شکوه و عظمت تمدن ایرانی و توانایی مردم ایران باستان است.

هجوم اسکندر به ایران

فلات ایران از دیرباز به دلیل دارا بودن موقعیت حساس و مهم، مورد هجوم بیگانگان بوده است؛ به طوری که هریک از آنها آرزوی استیلا بر این سرزمین را داشته‌اند. حمله اسکندر و هجوم فرهنگ یونانی به ایران، از نخستین بحران‌های هویتی تاریخ کشور ما بود.^۵ این واقعه خرابی‌های جبران‌ناپذیری برجای گذاشت. اسکندر مقدونی شهرهای بسیاری را ویران و بسیاری از آثار فرهنگ و تمدن ایران را نابود کرد^۶، اما در مقابل آنچه که ویران کرد، تمدنی به ارمغان نیاورد. اگرچه مقاومت ایرانیان و نبرد دلیرانه آریوبرزن^۷، سردار شجاع ایرانی، با سپاه اسکندر نتوانست، مانع هجوم لشکریان اسکندر به ایران شود، اما ایرانیان به تدریج با مقاومت فرهنگی توانستند این بحران را از سر بگذرانند و بر آن غلبه کنند. پس از حاکمیت سلوکیان (جانشینان اسکندر) بر ایران، استقرار سلسله پارتیان، بار دیگر آغاز حاکمیت ایرانیان را نوید داد. پارتیان، یکی دیگر از اقوام آریایی، به تدریج سلوکیان را از ایران بیرون راندند.

۱. اقوام ایرانی برخلاف برخی از اقوام اروپایی که نام خود را به روی سرزمین خود گذاشتند، مانند انگل‌ها در انگلستان و یا فرانک‌ها در فرانسه نام یک قوم را بر روی تمامیت سرزمینی که اقوام دیگر در آن ساکن بودند نگذاشتند و در فرایند ملت‌سازی اقوام ایرانی با هم مشارکت داشتند.

2. pirsā

3. Persis

۴. ن. ک: اعتمادالسلطنه، *تطبیق جغرافیای قدیم و جدید ایران*، ص ۸۸.

۵. برای اطلاع بیشتر ن. ک: ولایتی، *بحران‌های تاریخی هویت ایرانی*، صص ۱۹-۲۰.

۶. ن. ک: اصفهانی، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا*، صص ۴۰-۴۳؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۴۳۶؛ ابن خلدون، *مقدمه*، ج ۲، ص ۱۰۰۲؛

این مسکویه، *تجارب‌الامم*، ج ۱، صص ۴۸-۴۰.

۷. این نبرد در منطقه دربند پارس در سال ۳۳۶ قبل از میلاد روی داد.

بیشتر بدانید

در متون کهن و روایات حماسی، ایرانیان دارای هویتی متمایز و میراثی مشترک هستند که قابل انتقال به غیر نیست و آنان را از سایر ملل همجوار متمایز می‌سازد. تا آنجا که سرزمین‌هایی را که ایرانیان گشودند هرگز «ایران» نام نگرفت. بلکه همواره «انیران» یعنی غیر ایرانی باقی ماندند.^۱ در تاریخ واقعی مردم ایران نشانه‌هایی از مهرورزی آنها نسبت به سایر ملل و غیر ایرانی یافت می‌شود که بیانگر روح بزرگ و میهمان‌نوازی ایرانیان است. با این وصف، ایرانیان نسبت به دشمنان خود از حساسیت و غیرت ملی برخوردارند. در روایات حماسی دشمن ایرانیان ستایش نمی‌شود و تجاوزکنندگان به مرز و بوم و آیین ایران همواره به بدی و زشتکاری یاد شده‌اند.^۲

نکته‌ای جالب از ویژگی‌های مردم ایران زمین این است که به رغم شکست از یونانیان، فرهنگ مهاجم را در خود ذوب کردند. ایران پس از فروپاشی سلوکیان، ایران باقی ماند، اما یونان مضمحل و امپراتوری روم جایگزین آن شد. با وجود این، ایرانیان بعدها شکست‌های سختی بر امپراتوری روم وارد کردند. «نبرد حران» به فرماندهی سورنای جوان، یکی از مشهورترین آنهاست.

در اواخر حکومت پارتیان، اختلاف و بی‌نظمی کشور را فرا گرفته بود.^۳ قیام اردشیر بابکان، بنیان‌گذار حکومت ساسانیان، به این وضع پایان داد. او حکومت مقتدر مرکزی را جایگزین حکومت ملوک الطوائفی کرد که موجب آشفتگی ایران شده بود. یکی دیگر از اقدامات او، رسمیت بخشیدن به دین زردشتی بود.

۱. ن. ک: بلعمی، تاریخ بلعمی، ج ۲، ص ۸۱؛ فردوسی، شاهنامه، ص ۲۶۹۶، به نقل از یار شاطر، تاریخ روایی ایران، مندرج در تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ج ۳، قسمت اول، ص ۵۲۱.

۲. به‌عنوان مثال اسکندر در متون کهن ایرانی فردی اهریمن صفت، ستمکار، ملعون، گجستک و بدکار، دشمن ایرانشهر و ویرانگر معرفی می‌شود. (مینوگ خرد، فصل ۸، بندهای ۲۹ و ۳۰؛ نامه تنسر به گئسنسب، ص ۸۷؛ شهرستان‌های ایران، بند ۴ و ۵؛ ارداویراف‌نامه، فرگرد اول، بند ۷۱) تصویری که بیشتر مورخان دوران اسلامی از اسکندر ارائه می‌دهند برگرفته از زندگانی واقعی اسکندر مقدونی نیست؛ بلکه با تصرف و نسب‌سازی و اختلاط تاریخ و افسانه همراه است. اسکندر زمانی ستوده می‌شود که شناسنامه ایرانی می‌گیرد تا چنین وانمود شود که اگر او توانست ایران را فتح کند و بر آن حکم‌فرمایی کند به این علت بود که پدری ایرانی داشت تا بدین وسیله با حفظ غرور و عزت ملی از محنت شکست ایران توسط یونانیان بکاهدند. از این رو اسکندر تبدیل به یک قهرمان ملی می‌شود و زمانی شایسته ستایش و تقدیس قرار می‌گیرد که به باور آنان او ذوالقرنین ستوده شده در قرآن مجید است. و هرگاه از اسکندر به بدی یاد می‌شود او نه ایرانی است و نه ذوالقرنین است. (ن. ک: دینوری، اخبار الطوال، صص ۵۳ و ۵۴)؛ جهت اطلاع بیشتر ن. ک: عرفان منش، کوروش ذوالقرنین و بازایی هویت ملی، ص ۳۵۱.

۳. بیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۳، صص ۲۵۱۷ و ۲۵۲۸.

اقتدار ایران در دوران ساسانی، فقط تا پایان حکومت خسرو انوشیروان دوام یافت و پس از آن، اوضاع ایران رو به آشفتگی و ضعف گذاشت. جنگ‌های بی‌دری میان ایران و روم، هر دو کشور را رو به زوال برد. علاوه بر آن، وجود نظام غیرعادلانه طبقاتی، ظلم و ستم، انحراف از تعالیم اولیه دین زردشت، فساد، قدرت طلبی، رقابت و توطئه‌های دائمی میان اشراف و درباریان، موجبات تضعیف و سقوط پادشاهی ساسانیان را فراهم آورد.^۱ در چنین شرایطی، ظهور آیین اسلام، سرآغاز دوره‌ای تازه برای مردم ایران شد.



قلمرو ساسانیان

۱. کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، صص ۶۴۵-۶۵۰؛ بویل، *تاریخ ایران*، ج سوم، قسمت اول، صص ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۷.

بیشتر بدانید

ایرانیان مردمانی حق جو و عدالت خواه بودند. گروهی از آنها همان طور که در آستانهٔ میلاد حضرت مسیح (ع) در انتظار ظهور آن حضرت بودند و به بیت لحم رفتند تا او را بیابند و از وی پیروی کنند،^۱ در آستانهٔ ظهور پیامبر اسلام (ص) نیز در انتظار یک منجی بودند.^۲ در متون پارسی زردشتی، پیشگویی‌هایی گزارش شده است که نوید ظهور پیامبر اسلام را می‌دهد. زندگانی پرماجرایی روزبه (سلمان فارسی)، نماد بارزی از حق‌جویی ایرانیان پیش از ورود اسلام به ایران است.^۳ به عقیدهٔ بسیاری از مورخان، اگر اسلام به ایران نمی‌آمد، مسیحیت ایران را فرا می‌گرفت.^۴ بنابراین حکومت ساسانیان از اسلام شکست نخورد. اگر اسلام هم نمی‌آمد، ساسانیان روند زوال و اضمحلال خود را می‌پیمودند. با همهٔ اینها، وقتی اسلام به ایران آمد، حتی مسیحیان هم به اسلام گرویدند.^۵ اسلام به تدریج در ایران فراگیر شد و از پیروان سایر مذاهب کاست. در طول تاریخ ایران، اسلام تنها دینی بود که توانست اکثریت قاطع جامعهٔ ایرانی را به پیروی از خود درآورد و سایر ادیان را تحت الشعاع قرار دهد.

ایران بعد از اسلام

یکی از بزرگ‌ترین حوادثی که در تاریخ ایران زمین روی داده است، اسلام آوردن مردم ایران بود. آنها مردمی با شعور و پاک‌اندیش بودند. به همین دلیل اسلام را انتخاب کردند. اصول مترقیانه و عدالت‌خواهانهٔ اسلام و طرد هرگونه برتری قومی، نژادی و طبقاتی، عامل تعیین‌کنندهٔ گرایش مردم ایران به اسلام محسوب می‌شود. انتظار مردم ایران، اجرای عدالت و جاری شدن احکام اسلام و سنت نبوی در کشورشان بود. اما بازگشت تدریجی فرهنگ جاهلیت در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس که به‌عنوان جانشین پیامبر (ص)، خلافت را غصب کرده بودند، مردم ایران را از آنها روی گردان کرد. خلفای جور، همان‌گونه که به ایرانیان ظلم می‌کردند، خاندان پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ معصومین (علیهم‌السلام) را نیز

۱. ن. ک: انجیل متی، باب دوم، آیهٔ ۱ و ۲.

۲. اساتیر، شمارهٔ ۱۴؛ تعالی، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، صص ۶۲۹ و ۶۳۰؛ رسولی محلاتی، زندگانی حضرت خاتم‌النبین، صص ۴۱ و ۵۵.

۳. ن. ک: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۳۸-۱۴۵؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۵۸؛ ابن حجر عسقلانی، الأصباه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۶۲؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، تمام النعمه، ص ۱۶۳؛ نوری طبرسی، نفس‌الرحمان فی فضایل سلمان، ص ۲۰.

۴. کریستین سن، همان، صص ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۷، ۳۲۱، ۳۲۲؛ زرین کوب، تاریخ مردم ایران، صص ۵۱۷-۵۲۰.

۵. آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، صص ۵۲-۵۳ و ۸۰-۹۶.

مورد تعدی و ستم قرار می‌دادند. ایرانیان به دلیل مشی عدالت خواهانه امیر مؤمنان حضرت علی (ع) و فضایل و شایستگی‌هایی که در رفتار او و خاندانش موج می‌زد، گم‌شده خود را در دوستی با اهل بیت یافتند و به پیروی از آیین تشیع روی آوردند.

گسترش اسلام در ایران موجب تحولی شگرف و عمیق در زندگی و فرهنگ مردم شد. ایرانیان به دلیل داشتن پیشینه تمدن دوران باستان، در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا کردند. در تمامی حوزه‌های علمی، دانشمندان بزرگی در ایران پس از اسلام ظهور کردند که بسیاری از آنها مانند محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و ابن‌سینا، شهرت جهانی دارند. علاوه بر آن، ایرانیان در عرصه سیاست، در انقراض حکومت ستمگر اموی نقش مهمی ایفا کردند. در قیام‌هایی که علیه حکومت عباسی شکل گرفت نیز مشارکت داشتند. بعد از حکومت جابرانه بنی‌امیه و در دوران خلفای بنی‌عباس، به تدریج خاندان‌های ایرانی طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه و آل‌زیار، به تشکیل حکومت مستقل دست زدند.

بیشتر بدانید

دوران سامانیان را باید یکی از نقاط عطف تاریخ فرهنگ و زبان فارسی بدانیم. در این دوران تلاش زیادی برای استقلال سیاسی ایرانیان از خلافت عباسی صورت گرفت که لازمه آن، احیای فرهنگ و زبان فارسی بود. در پرتو حمایت امیراسماعیل سامانی، نصر بن احمد سامانی و امیر منصور بن نوح سامانی، و وزیران دانشمندی چون ابوالفضل بلعمی و ابوعلی بلعمی، آثار زیادی در زمینه‌های ادبیات و علوم گوناگون به فارسی تألیف و ترجمه شد.^۱ علمای ماوراءالنهر برای ترجمه تفسیر (قرآن) طبری به زبان فارسی فتوا صادر کردند.^۲ در این دوران، شاعران نامداری چون رودکی توانستند، تحوّل بزرگی در شعر و ادبیات فارسی ایجاد کنند. در زمان سامانیان، هنگامی که فرهنگ پویای اسلام به زبان و فرهنگ فارسی درآمد، توسعه و گسترش شگرفی یافت و توانست فرهنگ ایرانی و اسلامی را به مناطق دیگر منتقل کند.^۳ به گفته مقام معظم رهبری، اسلام به زبان عربی وارد ایران شد، اما به زبان فارسی ترویج پیدا کرد و در طول قرن‌های متمادی، بیشترین معارف اسلامی و سخنان حکمت‌آمیز به وسیله ایرانیان فارسی‌زبان در میان ملت‌ها انتشار یافت.^۴

۱. ن. ک: بلعمی، تاریخ بلعمی، ص ۱.

۲. ترجمه تفسیر طبری، صص ۵ و ۶.

۳. صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، صص ۳۵۶-۳۶۱.

۴. روزنامه/اطلاعات، ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۸۶. همچنین ن. ک: www.khamenei-ir

با قدرت گرفتن آل بویه و تسلط آنان بر بغداد در سال ۳۳۴ ق، تعصبات کاهش یافت و زمینه آزادی بیان و مباحث علمی و فرهنگی پیروان مذاهب گوناگون اسلامی، اعم از شیعه و سنی، فراهم شد. شیعیان در این زمان مراسم عزاداری امام حسین (ع) را برگزار می‌کردند. در این مراسم، مردم ایران و دوستداران اهل بیت از مذاهب گوناگون اسلامی، در سوگ امام حسین (ع) اطعام می‌کردند.^۱

ایران از دوران غزنویان تا خوارزمشاهیان

غزنویان، به ویژه سلطان محمود غزنوی، لشکرکشی‌هایی گسترده و پیاپی به هند کردند که یکی از پیامدهای آنها، گسترش اسلام و زبان فارسی در هند بود. می‌دانیم که در این دوران حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ ایرانی به گردآوری و منظم کردن شاهنامه اقدام کرد.^۲ این اثر گران بها، برای شناخت و درک فرهنگ ایران باستان، از اهمیت خاصی برخوردار است. در دوران سلجوقیان، قلمرو ایران گسترش یافت. آل ارسلان در نبرد ملازگرد^۳ امپراتوری روم شرقی^۴ را به سختی شکست داد. پس از تصرف منطقه آسیای صغیر، زمینه برای گرایش مردم این منطقه به اسلام و گسترش زبان فارسی فراهم شد.^۵ در این دوران، تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی شکوفایی بیشتری یافت. اوج اقتدار سلجوقیان در زمان ملک شاه بود که توانست به کمک وزیر دانشمند خود، خواجه نظام الملک توسی، پایه‌های حکومتش را تحکیم بخشد. خواجه نظام الملک، نظامیه‌هایی را که مرکز تعلیم و تعلم بودند، پایه‌گذاری کرد که نظامیه‌های نیشابور و بغداد مشهورترین آنها هستند.

یکی از موضوعات مهم دوران خوارزمشاهیان، کشمکش بی‌دری آنها با خلفای عباسی بود. همین عامل، با ورود مغولان به ایران، زمینه را برای ضعف و زوال آنها فراهم ساخت.

هجوم مغول به ایران

یکی از دلایل حمله مغول به ایران، واقعه اترار بود که به کشته شدن بازرگانان اعزامی از سوی

۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. فردوسی، شاهنامه را به مدت ۳۰ سال در حدود سال‌های ۳۷۱ تا ۴۰۲ به پایان رساند.

۳. منطقه‌ای در ترکیه امروز

۴. بیزانس

۵. پس از استقرار حاکمیت سلجوقیان در آسیای صغیر، شاخه‌ای از آنان که به سلجوقیان روم شهرت یافتند، در این منطقه حاکمیت

چنگیزخان انجامید. این حادثه بهانه‌ای برای حمله به ایران بود.^۱ لشکرکشی مغولان یکی از بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های نظامی تاریخ به‌شمار می‌رود. حدود ۲۵۰ هزار نفر از قبایل مغول، در سرمای سخت از سرزمین مغولستان در شمال چین، به فرماندهی تموچین (چنگیزخان) به سوی ایران سرازیر شدند.^۲ هدف نخستین آنها شهر اُترار بود، اما پس از قتل عام اهالی این شهر و دستگیری عاملان قتل بازرگانان، به سوی شهر بخارا و سایر ایالت‌های ایران پیشروی کردند.^۳ حمله مغول همچون طوفانی سهمگین، نه تنها طومار حکومت خوارزمشاهی را در هم پیچید، بلکه بیشتر شهرهای ایران را ویران و مظاهر تمدن باشکوه دوران اسلامی را نابود کرد. دامنه این تندباد، علاوه بر ایران، بخش‌های زیادی از جهان اسلام را نیز درنوردید.^۴



مقبره الجایتو، سلطانیه

۱. ابن اثیر، همان، ج ۲۲، صص ۱۳۲-۱۳۸؛ جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۱ صص ۶۰-۶۶.
۲. گروسه، امپراتوری صحرائنوردان، صص ۳۹۲-۴۰۲.
۳. جوینی، همان، ج ۱، صص ۶۰-۱۴؛ گروسه، همان، صص ۳۹۲-۴۰۲.
۴. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، صص ۶۸۴-۷۳۶؛ جوینی، همان ص ۸۹ به بعد.

پس از مرگ چنگیزخان، حدود یک قرن حکومت ایلخانان بر ایران تحمیل شد.^۱ اگرچه مغولان در عرصه نظامی گری بر ایران پیروز شدند، اما در عرصه فرهنگ و تمدن مغلوب ایران شدند. پویایی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، قوم مهاجم را در خود حل کرد. مغولان به تدریج دست از تندخویی کشیدند و اعتقادات خرافی خود را کنار گذاشتند. غازان خان، علاوه بر پذیرش آیین اسلام، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد. در این دوران، بزرگانی چون خواجه شمس الدین صاحب دیوان، خواجه نصیرالدین توسی، عظاملک جوینی، رشیدالدین فضل الله همدانی، مصلح الدین سعدی شیرازی و مولوی بلخی، با فعالیت های سیاسی، علمی و ادبی خود، علاوه بر مهارخوی ویرانگر مغولان، چراغ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام را افروخته نگه داشتند.

با آنکه مغولان در آغاز ویرانی های بسیاری به همراه آوردند، ولی بر اثر آشنایی با فرهنگ ایران و اسلام، از طریق آنان فرهنگ، هنر و تمدن ایران و اسلام رواج یافت. پس از پایان حکومت ایلخانان، حکومت های ملوک الطوائفی و محلی متعددی چون تیموریان، آل جلائر، آل مظفر، سرداران و آل کرت، اتابکان، قراقویونلوها و آق قویونلوها طی قرن های هشتم و نهم قمری بر ایران حکومت کردند، اما هیچ کدام نتوانستند یکپارچگی ایران را حفظ کنند. سرانجام در سال ۹۰۷ق، حکومت صفوی توانست پس از



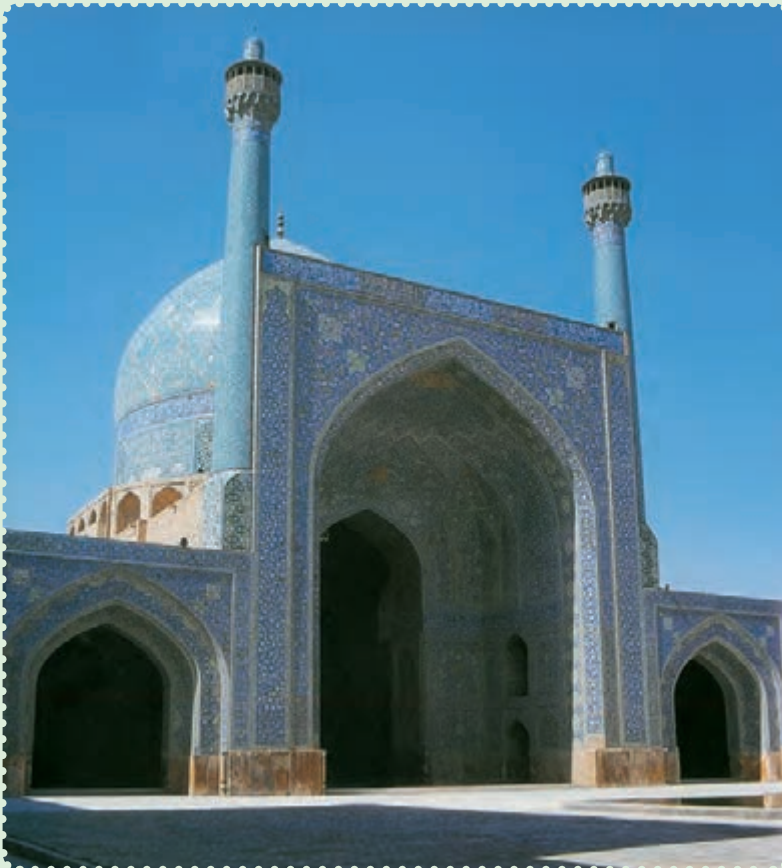
میدان تاریخی امیر چخماق در مرکز شهر یزد

۱. باسورث، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، صص ۳۲۱-۳۲۶.

نه قرن، با محور قرار دادن مذهب تشیع و ملیت ایرانی، سرزمین تجزیه شده ایران را متحد و یکپارچه سازد و هویت ملی و استقلال آن را همچون گذشته احیا کند.

ایران در عصر صفویه

صفویان حکومتی تشکیل دادند که بیش از دو سده دوام یافت. در پرتو این حکومت مقتدر، علاوه بر برقراری امنیت و رونق اقتصادی، پیشرفت بازرگانی و کشاورزی و صنعت، تشکیل ارتش منظم و سیاست خارجی مقتدرانه، آنها توانستند فرهنگ و تمدن ایران و اسلام را بار دیگر شکوفا کنند. هنر و معماری در این دوره نیز از نظر کمی و کیفی توسعه و تحول یافت. اصفهان، پایتخت صفویان، دارای مجموعه‌ای از معماری عصر صفوی است که نشان می‌دهد، معماری ایرانی



مسجد امام از آثار دوره صفوی در اصفهان

اسلامی به روزگار طلایی خود رسیده است.^۱ این شهر در عصر شاه عباس اول یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای جهان بود، به طوری که شاردن، جهانگرد فرانسوی، آن را بزرگ‌تر و پررونق‌تر از پاریس توصیف کرده است.^۲ در عصر صفویه، دانشمندان و فلاسفه‌ای چون میرداماد، شیخ بهایی، ملاصدرا شیرازی، میرفندرسکی و علامه مجلسی با نگارش آثار ارزشمند و طرح اندیشه‌های نو، زمینه‌های رشد و شکوفایی رشته‌های علوم اسلامی مانند حدیث، فقه و فلسفه را فراهم آوردند.^۳ همچنین، هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد، علی‌رضا عباسی و رضا عباسی در زمینه خط و نقاشی، آثار گران قدری پدید آوردند.^۴

صفویه در عصر شاه عباس بزرگ به اوج اقتدار رسید.^۵ پس از مرگ وی، اختلاف‌های درون خاندان صفوی و سران طایفه‌ها، موجب تضعیف روزافزون این سلسله شد. با به سلطنت رسیدن شاه سلیمان، سلسله صفویه به سرعت وارد دوره‌ای از زوال شد، تا آنکه عاقبت با تحریک و حمایت پادشاه گورکانی هند، افغانان غلجایی قندهار شورش کردند و پس از محاصره طولانی اصفهان، شاه سلطان حسین، پادشاه بی‌کفایت صفویه را به تسلیم واداشتند و به حیات این دولت پایان دادند.^۶ در فاصله زوال صفویان تا پیدایش افشاریه، ایران دچار بی‌نظمی و ناامنی بود و مدعیان حکومت در گوشه و کنار کشور، برای کسب قدرت باهم در ستیز بودند. نادرشاه افشار توانست افغان‌های شورشگر را سرکوب کند و عثمانی‌ها را شکست دهد و هند را تصرف نماید. وی که در تلاش بود با کشورگشایی بر توسعه سرزمینی و اقتدار ایران بیفزاید، مذهب شیعه را مورد حمایت رسمی حکومت قرار نداد. با کشته شدن نادر در سال ۱۱۵۹ ق به دست سرداران سپاهش، بار دیگر ایران دچار ضعف و اختلاف شد.^۷

فرمانروایی کریم خان زند، پس از یک دوره کشمکش از سال ۱۱۶۵ ق آغاز شد. او شیراز را به پایتختی خود انتخاب کرد و هیچ‌گاه خود را پادشاه نخواند و لقب وکیل‌الرعیایا را برگزید. کریم خان زند

۱. سیوری، *ایران عصر صفوی*، صص ۱۱۰-۱۱۲؛ زکی، *هنر ایران*، صص ۳۷-۴۴.

۲. کیانی، *پایتخت‌های ایران*، صص ۵۷۱-۶۰۱.

۳. کرین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، صص ۴۷۶-۴۸۶.

۴. ن. ک: کن‌بای، *نقاشی ایرانی*، صص ۹۷-۱۰۳.

۵. سیوری، همان، ص ۶۶.

۶. ن. ک: لاکهارت، *انقراض سلسله صفویه*، صص ۱۰۰-۱۵۴.

۷. نجفی و حقانی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، ۱۳۹۱، ص ۹۰.



مجسمه و آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد مقدس

توانست با شیوه حکومت داری توأم با ملاحظت، عدالت و رفاه نسبی، نام نیکی از خود بر جای بگذارد.^۱ وی تلاش کرد روابط خارجی ایران را که به دلیل هرج و مرج و نبود امنیت دچار اختلال شده بود، سامان بخشد، همچنین در برابر گسترش فعالیت‌های بازرگانی انگلستان در ایران ایستادگی کرد^۲ و از منافع نامشروع و استعماری این دولت جلوگیری به عمل آورد.

۱. ن.ک: آصف، رسم/تواریخ، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ گلستانه، مجمل‌التواریخ، پس از نادر، ص ۱۷۲؛ نوایی، ایران و جهان از

مغول تا قاجار، ج ۱، ص ۴۲؛ نامی اصفهانی، گیتی‌گشا در تاریخ زنده، ص ۲۸.

۲. نوایی، همان، ج ۱، صص ۵۹۳-۵۹۸.

بیشتر بدانید

کریم خان زند دربارهٔ سیاست‌های استعماری انگلستان به کارگزاران خود گفته است: این فرنگیان همچنان که هندوستان را به مکر و خدعه و تزویر و نیرنگ مسخر کردند، می‌خواهند ایران را نیز مالک و متصرف شوند. اگر فکر می‌نمایید که فرنگی صاحب حسن سلوک است، بدانید چنانچه بر ایران غالب و مسلط گردد شما صاحب مناصب عالی‌ه نخواهید بود، آنان همهٔ شما را می‌کشند و احدی از شما را زنده نخواهند گذاشت... اگر العیاذبالله فرنگی ایران را مالک شود برای اینکه خاطرش کاملاً جمع شود اسلام را برمی‌اندازد و بزرگان ایران را خوار و ذلیل می‌سازد.^۱

کریم خان بدون اینکه جانشینی برای خود تعیین کند، درگذشت. پس از مرگ او، کشمکش بر سر تصاحب قدرت، در میان جانشینان او ادامه یافت. این وضعیت موجب بهره‌برداری رقیب آنها یعنی ایل قاجار شد که مدت‌ها در انتظار حکمرانی به سر می‌بردند.^۲ سرانجام طومار حکومت لطفعلی خان، آخرین فرمانروای خاندان زند، توسط آقا محمدخان قاجار در هم پیچیده شد.^۳

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد یکی از شهرهای باستانی ایران که در سال‌های اخیر اکتشافات باستان‌شناسی در آن انجام شده است، مقاله‌ای تهیه کنید.
۲. دربارهٔ یکی از آثار باستانی مربوط به دوران باستان در استان خود، مطلبی تهیه کنید.
۳. دربارهٔ خصوصیات معنوی و یکتاپرستی ایرانیان پیش از اسلام مقاله‌ای تهیه کنید.
۴. در مورد خدمات ایرانیان و سهم آنان در تمدن جهان، مطلبی برای روزنامه دیواری مدرسهٔ خود بنویسید.

۱. آصف، همان صص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۲. حسینی فسایی، *فارس نامه ناصری*، ج ۱، صص ۶۱۷-۶۵۹.

۳. ن. ک: شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، ص ۳۲ به بعد.



حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه

در این درس ابتدا با شکل‌گیری سلسله قاجار و سپس با جنگ‌های ایران و روس و پیامدهای آن آشنا می‌شوید. تداوم تلاش‌های استعمارگران، و جنگ هرات، از دیگر موضوع‌های این درس است. «معاهده ارزنه الروم» بحث پایانی این درس را تشکیل می‌دهد.

بنیاد سلسله قاجار

ایل قاجار^۱ مانند سایر ایل‌ها و عشایر بزرگ ایران، یکی از عوامل مؤثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به شمار می‌آید. این ایل از ترکمانان بود و در زمان مغولان به ایران کوچ کرد. به هنگام تشکیل سلسله صفوی توسط شاه اسماعیل، ایل قاجار در شمار ایل‌هایی بود که به یاری او پرداخت و بعدها در جرگه قزلباش‌ها درآمد.^۲

پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار میانه خوبی با قاجاریان نداشت، زیرا آنان مدافع حکومت قبلی یعنی حکومت صفوی بودند. پس از مرگ نادرشاه، قاجارها، مانند دیگر ایلات کوشیدند قدرت را در ایران به دست بگیرند. امّا رهبر قاجارها یعنی، محمدحسن خان، جان خود را بر سر دستیابی به قدرت، از دست داد، و فرزندش، آقامحمدخان، به اسارت کریم خان زند درآمد و حکومت به خاندان زند منتقل شد.

با مرگ کریم خان زند، آقامحمدخان از دربار او گریخت، و سرانجام با غلبه بر لطفعلی خان، آخرین فرمانروای زند، حکومت را در کشور به دست گرفت.

۱. واژه قاجار برگرفته از واژه ترکی قاج یا قاج (کاج) است که از مصدر قاجمک (گیتمک) به معنی فرار کردن می‌باشد و پسوند «ار» نشانه اسم فاعلی آن است. بنابراین واژه (قاج + ار) به معنی کسی که فرار می‌کند، یا کسی که در کوهستان می‌دود و نیز مرد دونده و به عبارت روشن‌تر مردی که تند می‌دود، آمده است.

۲. در جنگ با عثمانی‌ها نیز، شاه اسماعیل از یاری قاجارها بهره جست. ر.ک. : نفیسی، «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره



آقامحمدخان مؤسس حکومت قاجاریه

به این ترتیب، آقامحمدخان توانست سلسله قاجار را در ایران بنیاد نهد. وی تهران را که در آن زمان روستایی در حومه ری بود به پایتختی برگزید. این سلسله از سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ش، یعنی قریب ۱۳۰ سال، بر ایران فرمانروایی کرد.

تلاش برای اعاده حاکمیت ایران بر قفقاز

قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران درگیر رقابت‌های دولت‌های اروپایی شده بود. کاترین کبیر امپراتریس روسیه و جانشینان او می‌خواستند بر گرجستان که تحت حاکمیت مسیحیان بود و خان‌نشین‌های قفقاز که تحت کنترل مسلمانان بود، استیلای کامل خود را برقرار سازند. درحالی که اینها سرزمین‌هایی بودند که زمانی تحت حاکمیت صفویه قرار داشت و آقامحمدخان و قاجاریه مدعی آن بود. وی برای اعمال حاکمیت دوباره بر ایالت‌های شروان و گرجستان که در دوران زند به زیر سلطه روس‌ها رفته بودند، دست به تلاش‌هایی زد. یکی از موفقیت‌های وی، بازپس‌گیری شهر تفلیس از دست روس‌ها، در سال ۱۱۷۴ ش. بود.^۱ اما بعداً در لشکرکشی به قفقاز، توسط عده‌ای از همراهانش به قتل رسید.^۲

هجوم سیاسی — نظامی استعمارگران اروپایی به ایران

الف) جنگ‌های ایران و روس: قتل آقامحمدخان در قفقاز، موجب بروز هرج و مرج در نیروی نظامی ایران شد. فتحعلی‌شاه برادرزاده او در شرایطی به سلطنت رسید که روسیه با حمله‌های پی‌درپی، ابتدا گرجستان و سپس ایالت‌های دیگر را مورد تاخت و تاز قرار داد، و باعث بروز دوره اول جنگ‌های

۱. آصف، همان، ص ۴۷۳.

۲. در سال ۱۱۷۶ ش/۱۲۱۲ ق.



فتحعلی‌شاه، دومین پادشاه قاجاریه

ایران و روس شد. این جنگ‌ها از سال ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۱ ش به درازا کشید، و به بسته شدن «عهدنامه گلستان»^۱ انجامید. به موجب این عهدنامه، ایران حاکمیت روسیه را بر ولایت‌هایی که تا آن زمان اشغال کرده بود به رسمیت شناخت. به این ترتیب ایالات داغستان و گرجستان و شهرهای باکو، دربند، شیروان، قره‌باغ، شکگی، گنجه، موقان و قسمت بالای طالش، به روسیه واگذار شد. به علاوه، حق کشتی‌رانی در دریای خزر، از ایران سلب گردید، در برابر، روسیه نیابت سلطنت عباس میرزا را در ایران به رسمیت شناخت و رساندن او به سلطنت را تعهد کرد. این بند که ظاهراً امتیازی برای ایران به حساب می‌آمد، در واقع به منزله نادیده گرفتن استقلال کشور و به رسمیت شناختن دخالت روسیه در امور داخلی آن بود.

۱. چون این معاهده در روستای گلستان از توابع قره‌باغ نوشته شد، به این نام مشهور گردید.



قلمرو ایران (در اوایل قاجاریه)

هجوم سیاسی- نظامی دولت‌های استعمارگر اروپایی، زمینه‌ساز بیداری اسلامی در ایران شد. عالمان دین برای مبارزه با نفوذ بیگانگان و مخالفت با سلطه استعماری از قواعد قرآنی و اسلامی مانند «قاعدة نفی سبیل»، «جهاد» و «فتوا» بهره بردند. عالمانی همچون آیت‌الله شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و آیت‌الله سید محمد مجاهد، که مقیم عتبات عالیات بودند، و ملا احمد نراقی و برخی از علمای ایران علیه روس‌ها فتوای جهاد دادند، و بعضی از آنها خود نیز در جبهه‌های جنگ شرکت کردند. این امر موجب شد که مردم ایران و حتی شهرهای نجف و کربلا، مشتاقانه در مناطق اشغالی به مقابله با روس‌ها پردازند و جلوی پیشروی آنان را بگیرند.

عباس میرزا در این جنگ‌ها از خود شجاعت و کاردانی زیادی نشان داد. اما متأسفانه، به سبب ضعف و غفلت فتحعلی‌شاه و دربارش و خیانت انگلستان به ایران، سرانجام این دوره از جنگ‌ها، به

نفع دولت روسیه و زبان مردم ایران خاتمه یافت.^۱

بدرفتاری روس‌ها با ساکنان ولایت‌هایی که طبق معاهده گلستان به آن کشور واگذار شده بود، موجب نارضایتی این مردم شد و آنان شروع به دادخواهی کردند. از سوی دیگر، معاهده گلستان در مورد تعیین خط‌های مرزی بین ایران و روسیه، مبهم بود. همین مسئله نیز، موجب دست‌درآزی روس‌ها به خاک ایران، از جمله اراضی اطراف ایروان و آذربایجان شد.

این عوامل سبب بروز جنگ‌های دوم ایران و روس، طی سال‌های ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش شد. در ابتدا، در اثر فتوای علمایی همچون آیت‌الله سیدمحمد هاشم مجاهد، مردم مسلمان، مشتاقانه وارد جنگ با روس‌ها شدند و عباس‌میرزا موفق شد مناطق بسیاری را از دست دشمن آزاد کند. اما بار دیگر خیانت دولت انگلستان^۲ و بی‌کفایتی دربار ایران، سرنوشت جنگ را به نفع دولت روسیه تزاری رقم زد. این دوره از جنگ‌ها، با بسته شدن قرارداد ننگین دیگری به نام «ترکمانچای» خاتمه یافت. مطابق این معاهده، علاوه بر سرزمین‌هایی که در عهدنامه گلستان به روس‌ها واگذار شده بود، ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت؛ ایران متعهد به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت به روسیه شد. همچنین، برقراری حق کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی، بر ایران تحمیل گردید. به موجب این حق، هرگاه اتباع روسی مقیم ایران مرتکب جرمی می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق رسیدگی نداشتند، بلکه مراجع قضایی دولت روسیه می‌بایست به آن جرم رسیدگی می‌کردند.

بیشتر بدانید

قاعده نفی سبیل

سبیل در لغت به معنای راه است. این قاعده ریشه قرآنی دارد و از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (و خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است) (سوره نساء، آیه ۱۴۱)، نشئت گرفته است و حدیث نبوی اعتلا (الاسلام یعلو و لا یعلی علیه) با آن ربط دارد. آیات و روایات بسیاری بر این دلالت دارند که هرگونه ارتباط و داد و ستدی که موجب تسلط بیگانگان بر مسلمانان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ناروا و مردود است. فقها از این مطلب تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» یاد می‌کنند.

۱. ضعف دستگاه اداری کشور نیز در این شکست‌ها تأثیر داشت زیرا در آن زمان، بار اصلی جنگ با روس‌ها بر دوش چهار ایالت

شمالی ایران بود.

۲. سرگور اوزلی سفیر وقت انگلستان در ایران (در تأیید نقش تخریبی انگلستان در وادار کردن ایران به انعقاد قراردادهای ننگین)، با افتخار طی متنی به وزیر خارجه انگلستان می‌نویسد: «ما توفیق یافتیم به متحد خود روسیه از این راه دور کمک کنیم... با این ترتیب روس‌ها خواهند توانست از سبایان قفقاز بر ضد دشمن مشترک (فرانسه) استفاده نمایند.» (نجفی و حقانی، همان، ص ۱۱۸).

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا روس‌ها خواستار اجرای کابیتولاسیون در ایران شدند؟

ب) ایران در دام رقابت و توسعه‌طلبی فرانسه و انگلستان: علاوه بر روس‌ها که توسعه‌طلبی و منفعت‌خواهی آنان سبب تحمیل جنگ‌های زیان‌بار بر ایران شد، دو دولت فرانسه و انگلیس نیز در جهت کسب منافع خود در ایران، با یکدیگر به رقابت پرداختند.



ناپلئون بناپارت

ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، که از حمله مستقیم به انگلستان ناتوان بود، قصد داشت با تصرف مستعمره‌های انگلیس، این کشور را شکست دهد. مهم‌ترین مستعمره انگلیس، هندوستان بود که دسترسی به آن، از راه ایران امکان‌پذیر بود. به این منظور، ناپلئون قرارداد «فین‌کن‌اشتاین»^۱ را با ایران بست. براساس این معاهده، فرانسه متعهد شد که ایران را در جنگ با روسیه کمک کند. در مقابل، ایران برای حمله به متصرفات انگلستان در هند، با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار متحد شود و به انگلستان، اعلان جنگ دهد. همچنین، در صورتی که تصمیم ناپلئون بر لشکرکشی به هندوستان قرار گیرد، اجازه عبور لشکر او از ایران، به آن کشور داده شود.

از آنجا که همه استعمارگران به دنبال منافع، و نه دوستی دائمی با ایران بودند، پس از آنکه ناپلئون با تزار روس عهدنامه «تیلسیت»^۲ را بست، تعهدهای خود نسبت به ایران را زیر پا گذاشت؛ و دربار ایران که از حمایت فرانسه ناامید شده بود، به انگلستان روی آورد.

۱. چون انگلستان یک جزیره و دارای نیروهای دریایی قوی بود، قدرت دفع هرگونه تهاجم دریایی را داشت.

2. Finkenestein

3. Tilsit

انگلستان ایران را سدّ محکمی در برابر تهاجم به مستعمره‌های خود در هندوستان می‌دانست، و علاقه‌مند بود که در دربار ایران نفوذ کند. دولت ایران، با امضای توافق‌نامه‌ای با انگلستان در سال ۱۱۸۷ ش، کوشید که حمایت این کشور را جلب کند. به موجب این توافق‌نامه که به عهدنامه «مجمّل» مشهور است، انگلستان تعهد کرد که هرگاه نیروی نظامی دولت‌های اروپایی به ایران حمله کنند، نیروی نظامی در اختیار ایران قرار دهد، و یا در عوض آن، به دولت ایران کمک مالی کند.

در سال ۱۱۹۰ ش، پس از پیروزی روس‌ها در مرحله‌ی اوّل جنگ، انگلستان معاهده‌ای با ایران منعقد کرد که به عهدنامه «مفصل» معروف شد. این عهدنامه در سال ۱۱۹۲ ش به امضای فتحعلی‌شاه رسید و مفاد آن به گونه‌ای بود که استقلال ایران را بر باد می‌داد.

برخی از تعهدهای ایران در این عهدنامه عبارت بودند از:

۱. قبول حاکمیت نماینده انگلیس در اختلاف‌های مرزی خود با روسیه
۲. خودداری از بستن قرارداد با روسیه یا هر دولت سومی که دشمن انگلیس باشد.
۳. استخدام نکردن افسر و افراد نظامی برای آموزش سپاه ایران، از کشورهایی که با انگلستان روابط دوستانه ندارند.

در برابر، انگلیس به تعهدات مبهم و پیشامدهای احتمالی ملزم شد؛ برای مثال:

۱. اگر دولت ثالثی به خاک ایران تعرض کند، انگلستان حتی المقدور از کمک و مساعدت به ایران خودداری نکند.

۲. انگلستان از کمک به سرکشان و شاهزادگانی که علیه تاج و تخت پادشاه قاجار قیام کنند، خودداری کند.

انگلستان نیز مانند فرانسه، در مقابل سازهایی که با روسیه انجام داد، به تعهدات خود عمل نکرد. این کشور نه تنها روابطی دوستانه با ایران برقرار نکرد، بلکه به منظور جلب دوستی دولت استعماری روسیه، مستشاران خود را از ارتش ایران فراخواند؛ از کمک به ایران خودداری کرد و داوری سفیر خود را در پیمان صلح ایران و روسیه، به ضرر ایران، بر کشور ما تحمیل کرد. کارگزاران ایران در طول نزاع با کشورهای استعماری، بیشتر از آنکه به قدرت و بسیج مردمی تکیه کنند، به هم‌پیمانی با کشورهای خارجی امیدوار بودند.

جنگ هرات

شهر هرات دروازهٔ هندوستان شمرده می‌شد، و در آن زمان جزء ایران بود. اما حکمران آنجا، کامران میرزا، با تحریک انگلیس‌ها علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده بود، و حتی گاهی به مناطق دیگر ایران دست‌اندازی می‌کرد.

پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، فتحعلی‌شاه برای جبران ناکامی‌های خود متوجه شرق ایران و بازپس‌گیری هرات شد. فتحعلی‌شاه، ولیعهد خود، عباس میرزا، را به سوی هرات روانه کرد. ولی او قبل از انجام مأموریت فوت کرد و فتحعلی‌شاه نیز پس از زمان کوتاهی درگذشت. روس‌ها نیز ایران را در حمله به هرات تشویق می‌کردند زیرا از سویی با انگلستان رقابت داشتند، و به خطر افتادن مستعمره‌های انگلیس در هند را به مصلحت خود می‌دانستند، و از سوی دیگر، مشغول شدن ایران در جنگ هرات را مایهٔ فراموشی ایالت‌های از دست رفتهٔ شمالی، توسط دولت ایران می‌دانستند.



محمدشاه قاجار

پس از مرگ فتحعلی‌شاه، محمد میرزا (فرزند عباس میرزا) به پادشاهی رسید. محمدشاه پس از سرکوب مدعیان سلطنت، صدراعظم خوش‌نام و شایستهٔ خود میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی را به قتل رساند. پس از آنکه کامران میرزا حاکم هرات دوباره نافرمانی کرد، محمدشاه اقدام به محاصرهٔ هرات کرد.

انگلستان به کمک عاملان خود در دربار ایران، تلاش زیادی کرد که ایران را از حمله به هرات باز دارد. محمدشاه به تحریک‌ها و دخالت‌های آشکار «مک‌نیل» سفیر انگلیس، اعتراض کرد. در پی این اعتراض، مک‌نیل با

اعلام قطع روابط ایران و انگلیس (۱۲۱۷ ش) از ایران خارج شد؛ و هشدار داد که در صورت خاتمه نیافتن محاصرهٔ هرات، جنگ بین انگلستان و ایران، آغاز خواهد شد.

انگلیسی‌ها سرانجام جزیرهٔ خارک را اشغال کردند و تهدید کردند که در صورت ادامهٔ محاصرهٔ هرات، در خاک ایران پیشروی خواهند کرد. محمدشاه که توان رویارویی با انگلیسی‌ها را در خود نمی‌دید و از جانب روس‌ها هم، حمایت عملی دریافت نکرده بود. دست از محاصرهٔ هرات برداشت.

بیشتر بدانید

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (قائم مقام ثانی)

میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی وزیر عباس میرزا نایب السلطنه و صدر اعظم محمدشاه، پسر میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از رجال بزرگ ادب و سیاست ایران است. وی مدتی وزارت عباس میرزا را بر عهده داشت و پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ ق. منصب قائم مقامی نیز به او اعطا شد. از این تاریخ به بعد، بیشتر اوقات همراه عباس میرزا بود. در آن مدت، فتحعلی شاه او را به وزارت و سرپرستی پسر خود فرخ میرزا نیرالدوله که حاکم همدان بود، منصوب کرد. میرزا ابوالقاسم که از اوایل دوره دوم جنگ‌های ایران و روس وارد دستگاه عباس میرزا شده بود، مخالف از سرگیری جنگ با روسیه بود. وی در ابتدای سلطنت محمدشاه به منصب صدارت منصوب شد. اما در حالی که در صدد انجام اصلاحات در مملکت بود، محمدشاه فرمان قتل او را در ماه صفر ۱۲۵۱ ق. صادر کرد. منشآت از جمله آثار قائم مقام فراهانی است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا انگلیسی‌ها ایران را از محاصره و تصرف هرات باز داشتند؟

معاهده دوم ارزنة الروم^۱

دو کشور ایران و عثمانی، از دوره حکومت صفوی با یکدیگر اختلاف داشتند. دولت‌های استعمارگر نیز به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند. چون جنگ بین دو کشور مسلمان را، به نفع خویش می‌دانستند. در زمان قاجارها نیز، این اختلاف‌ها ادامه پیدا کرد. در دوره فتحعلی شاه، عباس میرزا به خاک عثمانی لشکر کشی کرد. اما با وجود پیشروی قابل توجه، این لشکر کشی برای ایران نتیجه‌ای به دنبال نداشت، و دو کشور، تن به سازش دادند.

در زمان حکومت محمد شاه، اختلاف‌های مرزی بین ایران و عثمانی افزایش یافت، و درگیری‌های پراکنده‌ای بین دو کشور روی داد. سرانجام در شهر ارزنة الروم مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عثمانی با حضور نمایندگان روسیه و انگلستان برای حل اختلاف‌ها انجام شد. نماینده ایران در این مذاکره‌ها میرزا تقی خان فراهانی امیر نظام بود که بعدها صدراعظم ناصرالدین شاه شد و به «امیر کبیر» مشهور گردید.

۱. عهدنامه اول ارزنة الروم در سال ۱۲۰۲ ش بین نمایندگان ایران و عثمانی به امضاء رسید. با این حال به دلیل عدم تعیین دقیق مرزهای دو کشور، مدتی بعد مذاکرات دوباره آغاز و سرانجام به امضای معاهده دوم ارزنة الروم منجر شد.

این مذاکره‌ها به عهدنامهٔ دوم ارزنة الروم انجامید. به موجب این قرارداد، ایران از ادعاهای خود دربارهٔ بعضی مناطق، از جمله سلیمانیه، دست برداشت. در مقابل، دولت عثمانی، حاکمیت ایران بر خرمشهر و ساحل چپ اروندرود، نیز کشتی‌رانی در این رودخانه را، به رسمیت شناخت. علاوه بر آن، دولت عثمانی متعهد شد که از آزار و اذیت زائران ایرانی عتبات عالیات جلوگیری کند، و تسهیلات لازم را برای بازرگانان کشور ما در آن سرزمین، فراهم آورد.

نتایج و عبرت‌های دو جنگ ایران و روس را می‌توان چنین برشمرد:

۱. بی‌اعتمادی کامل به اروپاییان و اینکه آنها به هیچ‌وجه به قول خود پایبند نیستند و فقط به منافع خود می‌اندیشند.

۲. در مبارزه با یک قدرت خارجی نباید به قدرت دیگر اتکای جدی کرد.

۳. با شکست اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران که نتیجه روحیه خودباختگی در حاکمان بود، بستر برای ورود مبلغین غربی و نفوذ فرهنگی در ایران ایجاد شد.

۴. مذاکراتی که طی این دو جنگ انجام شد، برای سرگرم کردن ایرانیان و تأمین منافع دولت‌های استعمارگر بود.

علمای بزرگ در سخت‌ترین شرایط اعلام بسیج عمومی کردند و این نیرو بزرگ‌ترین محرک ملی در برابر بیگانگان بود.^۱

پرسش‌های نمونه

۱. مفاد عهدنامهٔ گلستان چه بود؟

۲. چه عواملی موجب بروز دورهٔ دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد؟

۳. مفاد عهدنامهٔ ترکمانچای چه بود؟

۴. براساس کاپیتولاسیون، اتباع دولت روسیه در ایران از چه حقی برخوردار شدند؟

۵. هرکدام از دو دولت فرانسه و ایران براساس معاهدهٔ فین‌کن‌اشتاین چه تعهداتی داشتند؟

۶. چرا روس‌ها ایران را به لشکرکشی به سوی هرات تشویق می‌کردند؟

۷. مفاد عهدنامهٔ دوم ارزنة الروم چه بود؟

۱. نجفی و حقانی، همان، ص ۱۲۷.



دوران ناصرالدین شاه

دوران ناصرالدین شاه، چهارمین پادشاه قاجار، که پنجاه سال به طول انجامید، موضوع این درس است. در این درس همچنین با سه شخصیت بزرگ دوران معاصر، یعنی میرزای شیرازی، امیرکبیر و سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا خواهید شد.



ناصرالدین شاه

دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه با چند

موضوع شناخته می‌شود:

۱. قتل صدراعظم دانشمند و ایران‌دوست، میرزا تقی خان امیرکبیر، به تحریک فاسدان و بدخواهانی که منافعشان به خطر افتاده بود.

۲. آشنایی تدریجی گروهی از ایرانیان با پیشرفت‌های اروپاییان.

۳. واگذاری امتیازات اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان؛ نظیر امتیاز رویترا، امتیاز لاتاری و امتیاز خرید و فروش تنباکو.

صدارت امیرکبیر

پس از مرگ محمدشاه، فرزند شانزده‌ساله‌اش، ناصرالدین میرزا، به سلطنت رسید. او امیرکبیر را به صدارت برگزید.

میرزاتقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از شخصیت‌های استقلال‌طلب و میهن‌دوست تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. او در دوران زندگی سیاسی خود، چه قبل از صدارت و چه در زمان

کوتاه صدارت، برای حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با دخالت بیگانگان، تلاش زیادی کرد. در روزگار او، سیاست داخلی و خارجی ایران به شدت تحت تأثیر دولت‌های بیگانه، به‌ویژه روسیه و انگلیس قرار



میرزا تقی‌خان امیرکبیر

داشت، و کار امیرکبیر در اتخاذ سیاست مستقل، بسیار دشوار و تحسین برانگیز بود.

امیرکبیر از مردان بزرگ تاریخ ایران است. او با اراده‌ استوار به اصلاح امور پرداخت و در مدت سه سال و سه ماه صدارت، اقدام‌های بزرگی انجام داد. که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. لغو لقب‌های طولانی و بی‌معنی، و اکتفا به کلمه جناب، حتی نسبت به مقام صدارت.

۲. منع رشوه‌خواری، و برقراری حقوق ثابت برای مأموران دولت.

۳. فرستادن شاگردانی به اروپا، برای کسب مهارت‌ها و دانش‌های جدید.

۴. استخدام معلمان و استادان خارجی، به‌ویژه از کشورهای غیر از انگلیس و روس.

۵. ترجمه کتاب، نشر روزنامه.

۶. تأسیس مدرسه عالی در تهران و ارائه طرح مدرسه دارالفنون؛ که پس از برکناری او شروع به کار کرد.

۷. جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران.



مدرسه دارالفنون

۸. دفع فتنه سالار^۱ در خراسان، و فرقه بایبه.
۹. تقویت ارتش ملی کشور.
۱۰. تلاش در جهت استقلال اقتصادی و توسعه صنعتی ایران.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف امیرکبیر از مقابله با دخالت نمایندگان دولت‌های خارجی در امور داخلی ایران چه بود؟

بیشتر بدانید

یکی از ترفندهای استعمار برای از بین بردن بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی کشورهای اسلامی، به‌وجود آوردن فرقه‌های منحرف مانند مسلک بابی در دوره محمدشاه و فرقه بهایی در دوره ناصری، در ایران بود. سیدعلی محمد باب، رهبر فرقه گمراه و منحرف بایبه، که ابتدا ادعا می‌کرد باب، یعنی واسطه میان امام زمان (عج) و مردم است، در نهایت مدعی پیامبری و آوردن دین جدید شد. او پس از آنکه در مجلس مناظره توانست از ادعاهای واهی خود دفاع کند، توسط علمای شیعه تکفیر گردید. وی در زمان ناصرالدین‌شاه در قلعه چهریق آذربایجان زندانی بود؛ و پس از سرکوب اغتشاش‌های بایبان در مازندران و زنجان، به دستور امیرکبیر، به اتفاق یکی از همراهانش، در میدان صاحب‌الزمان (عج) تبریز اعدام شد.^۲

واگذاری امتیازات به بیگانگان

کشورهای اروپایی با برده‌داری گسترده و ثروت حاصل از غارت ملت‌های آسیایی و آفریقایی، توانستند شرایط اقتصادی و اجتماعی برای انقلاب علمی و صنعتی را فراهم کرده و به جهشی در رشد اقتصادی دست پیدا کنند. در نتیجه، به بازارهای مصرف و مواد اولیه ارزان قیمت نیاز داشتند. بنابراین، دولت‌های استعماری، روزبه‌روز بر نفوذ خود در کشورهای دیگر می‌افزودند. دولت ایران، به ویژه از عهد ناصرالدین‌شاه، که با هزینه‌های سرسام‌آور خوش‌گذرانی‌ها و مسافرت‌های او به اروپا روبه‌رو بود، با واگذاری امتیازات به دولت‌های استعماری، سعی در تأمین این مخارج داشت. در زمان

۱. سالار؛ پسر آصف‌الدوله، والی خراسان در زمان محمدشاه قاجار بود، که علم شورش و تجزیه‌طلبی را در آن ایالت برافراشت. شورش او تا زمان ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. امیرکبیر با اعزام سپاهیان زیادی، سرانجام موفق به ختم غائله شد؛ و سالار و همراهانش به قتل رسیدند (ن. ک: پینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ همچنین: سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۳، صص ۱۰۹۷-۱۱۰۱).

۲. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۴۷؛ خسروشاهی، اسناد و مدارک درباره بهائی‌گری، ج ۲، ص ۴۵ به بعد؛ شهبازی، جستارهایی

از تاریخ بهائی‌گری، ص ۱۳.



میرزا ملکم خان

او ده‌ها امتیاز اقتصادی به بیگانگان واگذار شد که سهم روسیه و انگلستان بیش از سایر کشورها بود. در نتیجه واگذاری این امتیازات، ثروت و دارایی ایران (معادن، جنگل‌ها، صنایع، گمرکات، بنادر، شیلات و...) که پشتوانه کشور و متعلق به نسل حاضر و آینده بود به تاراج رفت.

بی‌تردید افرادی که زیر نفوذ این دولت‌های استعماری بودند، در دادن این امتیازها نقشی چشمگیر داشتند. همچنان که میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان، عاملان اصلی واگذاری امتیاز رویتر و امتیاز لاتاری به دولت استعماری انگلیس بودند.

از سوی دیگر، علمای دین که پناهگاه مردم در مبارزه با بیگانگان بودند، در ناکام گذاردن استعمارگران و عاملان آنان در رسیدن به هدف‌های شومشان، تأثیر بسیار داشتند. در اینجا به سه امتیاز استعماری رویتر، لاتاری و توتون و تنباکو اشاره می‌شود:

امتیاز رویتر

این امتیاز در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۵۰ ش. / ۱۸۷۲ م.) با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم وقت و همکاری میرزا ملکم خان به یک یهودی به نام بارون جولوس دو رویتر واگذار شد. به موجب قرارداد رویتر، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک‌ها و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویتر واگذار شد. در مقابل، رویتر تنها مبلغ دو بیست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد.^۱

۱. بعداً معلوم شد که میرزا حسین خان سپهسالار ۵ هزار لیره، میرزا ملکم خان ۲ هزار لیره، معین‌الملک ۲ هزار لیره و مبالغی نیز اقبال‌الملک به عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از سوی انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند. اعتماد السلطنه، کتاب *خلسه*، ص ۱۰۳؛ *بامداد*، تاریخ رجال ایران، صص ۴۰۷-۴۱۱.

بیشتر بدانید

وقتی خیر اعطای این امتیاز منتشر شد، شگفتی و حیرت بسیاری را برانگیخت. به طوری که لرد کرزن یکی از مأموران امپراتوری انگلیس در هند و خاورمیانه، درباره این امتیاز نوشت: «عجیب‌ترین امتیازی که در طول تاریخ نظیر ندارد و به موجب آن، تمام منابع طبیعی کشوری به یک خارجی تسلیم گشته است».^۱

واگذاری امتیاز رویترا، اعتراض و مخالفت علما را برانگیخت؛ چراکه در صورت اجرای آن امتیاز، زمینه سلطه کامل انگلستان بر ایران همچون هند فراهم می‌آمد. آیت‌الله حاج ملاعلی کنی، مجتهد بزرگ تهران، رهبری مخالفان را بر عهده داشت. ایشان علاوه بر امتیاز رویترا، با میرزا حسین خان سپهسالار، صدر اعظم وقت نیز مخالف بود؛ زیرا سپهسالار آشکارا تقلید از قوانین، اصول زندگی و مدنیت غربی را در پیش گرفته بود و ناصرالدین شاه را به اجرای سیاست‌های خود ترغیب می‌کرد. روس‌ها نیز از منافع سرشماری که این قرارداد برای رقیب آنها داشت، ناراضی بودند و خواستار لغو آن شدند. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیاز شد. همچنین میرزا حسین خان سپهسالار را از صدارت برکنار کرد.^۲ رویترا که امتیاز بزرگی را از دست داده بود به تلاش برای جبران این خسارت پرداخت و در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال، از شاه بگیرد.

برگی از تاریخ



آیت‌الله حاج ملاعلی کنی

آیت‌الله ملاعلی کنی ملقب به رئیس‌المجتهدین (۱۱۸۴ - ۱۲۶۷ ش.) از علمای معروف و مبارز ایران در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم

وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود که با وجود رابطه خویش با دولتمردان عصر ناصری، از سیاست‌های دولت در سپردن امور به میرزا ملکم خان ارمنی و تأسیس فراموشخانه توسط وی انتقاد می‌کرد و آن را موجب ویرانی دین و دولت می‌دانست.

۱. کرزن، ایران و قضیه ایران، ص ۴۲۱.

۲. اسناد وزارت خارجه، صندوق ۱۴؛ یک‌صد سند تاریخی، گزارش مشیرالدوله، صص ۲۱۰ و ۲۱۱.

آیت‌الله کنی از مخالفان جدی اصلاحات غرب‌گرایانه سپهسالار نیز بود و آن را موجب مناهی و محرمات و مخالفت شریعت و دین و برهم خوردن نظم اجتماعی و در نهایت وابستگی و تحت‌الحمایگی ایران می‌دانست. آیت‌الله کنی از مخالفان سرسخت قرارداد استعماری رویتز بود و آن را زیانبار می‌دانست و با هوشمندی سیاسی تحسین‌برانگیزی مقاصد انگلیس را از تحمیل چنین قراردادهای استعماری افشا می‌کرد. وی نامه‌های مختلفی در این زمینه به ناصرالدین‌شاه نوشت. عاقبت در ۱۲ مهر ۱۲۶۷ ش در هشتاد و شش سالگی درگذشت و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده شد.

امتیاز لاتاری

در سال ۱۲۶۷ ش میرزا ملکم‌خان (معروف به ناظم‌الدوله) که خود را از روشنفکران مخالف استبداد و مدافع قانون می‌شمرد، ناصرالدین‌شاه را قانع کرد که امتیاز تأسیس قمارخانه (لاتاری) را، بدون ذکر نام صاحب امتیاز، به او واگذار کند. در آن امتیاز نامه شرط شده بود که میرزا ملکم‌خان بدون اجازه نهایی شاه آن را به کسی انتقال ندهد. اما او در ازای دریافت چهل هزار لیره، آن را به یک کمپانی انگلیسی واگذار کرد. پس از آشکار شدن امتیاز لاتاری، علمای دینی ایران با اعلام حرام بودن لاتاری به عنوان یک قمار، انگلیسی‌ها را در دستیابی به منافع آن ناکام گذاشتند.

شاه و دربار نیز وقتی متوجه سوء استفاده ملکم‌خان از این امتیاز شدند، از همان تاریخ او را از تصدی به کلیه مقام‌های مهم دولتی محروم کردند و سهام‌داران شرکت سرمایه‌گذاری، ملکم‌خان را به تقلب و کلاهبرداری متهم و از وی به مراجع قانونی شکایت کردند.

بیشتر بدانید

میرزا ملکم‌خان در سال ۱۲۳۷ ش به پیروی از لژهای فراماسونری اروپایی، در ایران اقدام به تأسیس فراموش‌خانه (نوع ایرانی فراماسونری) کرد. او با استفاده از موقعیت تدریس در دارالفنون، عده‌ای از دانش‌آموزان آن مرکز را به عضویت فراموش‌خانه درآورد. ملکم‌خان ایرانیان را فاقد شعور می‌دانست، و با عبارات‌هایی زننده و توهین‌آمیز از مردم ایران سخن می‌گفت. او معتقد بود که باید بدون هیچ دخل و تصرفی، در همه چیز از غرب تقلید کرد.^۱

۱. ن. ک.: الگار، میرزا ملکم‌خان، صص ۱۱۴-۱۲۰؛ تیموری، عصر بی‌خبری، ص ۱۹۱؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱،

صص ۳۸-۳۵؛ کتیرایی، فراماسونری در ایران، صص ۶۲-۸۲.

نهضت تحریم تنباکو؛ نخستین حرکت مردمی فراگیر بر ضد استعمار

یکی از امتیازاتی که در دوره قاجار به دولت استعماری انگلیس واگذار شد، انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو^۱ در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال بود، که به یک انگلیسی به نام «تالبوت» داده شد. از این رو، این قرارداد به «قرارداد تالبوت» مشهور شده است؛ و از آنجا که نام شرکت او «رژئی» بود، این عهدنامه را رژئی نیز می‌نامند.

ناصرالدین شاه این امتیاز را برابر دریافت سالانه پانزده هزار لیره و $\frac{1}{4}$ سود سالانه، به تالبوت واگذار کرده بود. در حالی که دولت عثمانی، با وجودی که از محصول توتون و تنباکوی کمتری برخوردار بود، این امتیاز را برابر دریافت سالانه هفتصد هزار لیره، به یک کمپانی خارجی واگذار کرده بود.

مردم ایران که می‌دیدند محصول توتون و تنباکوی خود را باید به بهای کمی به بیگانه بفروشند و برای مصارف داخلی، دوباره آن را به قیمت گزافی بخرند، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. این مخالفت، در شهرهایی مانند تبریز، شیراز، اصفهان و تهران، به اوج خود رسید. عالمان دین، در شهرهای مختلف رهبری این نهضت را به دست گرفتند. آیت‌الله آقاجفی اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز^۲، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در تهران و آیت‌الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی در تبریز، از جمله این روحانیون بودند. آنان خطر سلطه استعمار انگلیس را به مردم گوشزد کردند. در این میان، شیخ فضل‌الله نوری، به عنوان نماینده میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان، در ایران عمل می‌کرد و نقش اساسی در گرفتن فتوای تحریم تنباکو از مرجعیت بزرگ شیعه داشت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز به مخالفت با این قرارداد برخاست، او در این باره، نامه‌ای به آیت‌الله میرزای شیرازی که در سامرا بود، نوشت. سرانجام حکم تاریخی این مجتهد بزرگ و صاحب نفوذ صادر شد، و نهضتی بزرگ در سراسر ایران پدید آورد که حتی به درون دربار شاه

۱. باید توجه داشت که توتون و تنباکو، از کالاهای مهم بازرگانی آن دوران به حساب می‌آمد، و نقش زیادی در اقتصاد کشور بازی

می‌کرد.

۲. در آن زمان، اهمیت محصول توتون و تنباکو در فارس بیش از نقاط دیگر ایران بوده است. سید علی‌اکبر فال اسیری، در شیراز، پس از تجمع مردم در مسجد وکیل، بر بالای منبر رفت و سخنانی آتشین علیه دولت و صاحب امتیاز آن بیان کرد. در پایان سخنرانی، شمشیری را از زیر عبا بیرون آورده و اظهار داشت: «موقع جهاد عمومی است. ای مردم، بکوشید! من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شمشیر را با این شمشیر پاره خواهد کرد». تیموری، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۶۹.

نیز نفوذ کرد.^۱

حکم مذکور چنین بود :



آیت الله میرزای شیرازی

«بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم، استعمال تنباکو و توتون بآئی
نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان
عجل الله تعالی فرجه است.^۲
حررة الاحقر، محمدحسن الحسينی».

بیشتر بدانید

خودداری زنان دربار از استعمال تنباکو

اعتمادالسلطنه یکی از شخصیت‌های مشهور زمان سلطنت ناصرالدین شاه است. یکی از آثار اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات* اوست. او در *روزنامه خاطرات* نوشته است :

«طوری مسأله تنباکو مهم است که حتی اندرون شاه، به هیچ‌وجه قلیان نمی‌کشند. شنیدم شاه به زنان خودش فرموده بود : «چه کسی قلیان را حرام کرده؟ بکشید...» یکی از خانم‌ها عرض کرد : «همان کسی که ماها را به شما حلال کرده.» شاه فرمود : «من می‌کشم؛ شما هم بکشید!» یکی از آنان گفت : «تکلیف مردم این نیست که تقلید شما را بکنند.»^۳

هم‌گرایی مسیحیان و یهودیان ایران در حمایت از تحریم تنباکو

بنا به روایت رسالهٔ دخانیه، حکم میرزای شیرازی در همان نیم‌روز اول تا صد هزار نسخه رسید و مایهٔ شگفتی ایرانیان و اعجاب خارجیان شد. حتی بانوان و نوکران ناصرالدین شاه از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کردند، به طوری که هیچ‌کس را یارای آن نبود که در خیابان به معامله یا مصرف تنباکو مشغول شود. تا جایی که مسیحیان و یهودیان هم تحریم شرعی را رعایت می‌کردند.^۴

۱. کر بلائی، *قرارداد رزی*، ۱۸۹۰م با تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ ق، صص ۱۳۹-۱۴۷.

۲. ترجمهٔ این حکم چنین است : امروز استعمال تنباکو و توتون به هر شکلی در حکم دشمنی و ستیز با امام عجل الله تعالی فرجه است.

۳. اعتمادالسلطنه، «*روزنامه خاطرات / اعتمادالسلطنه*»، ص ۷۸۱.

۴. هیدجی، *رسالهٔ دخانیه*، صص ۵۲ و ۵۳.



سید جمال الدین اسدآبادی

(۱۲۱۷-۱۲۷۵ ش.)

محمد بن سید صفدر، معروف به «سید جمال» اندیشمند و سخنور بزرگ انقلابی، و از رهبران ضد استعماری ملت‌های مسلمان در عهد قاجار بود. وی در سال ۱۲۱۷ ش. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. از آنجا که وی از بنیانگذاران وحدت ملت‌های مسلمان بود، عمده‌اً ملیت ایرانی و شیعه بودن خود را مخفی نگاه می‌داشت. سید جمال حافظه‌ای نیرومند داشت؛ و از فلسفه، نجوم، علوم دینی و

دانش‌های زمان خود بهره‌های فراوان برد. او مسافرت‌های زیادی به شرق و غرب عالم کرد؛ و در سراسر عمر، با استبداد و استعمار در مبارزه بود. در پاریس مجله‌/العروة الوثقی را انتشار داد و در آن، به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد و به همین دلیل با فشار انگلیسی‌ها، دولت فرانسه که مدعی دفاع از آزادی عقیده و مطبوعات آزاد بود مجله او را توقیف کرد! در قاهره، استانبول، هند و افغانستان، با سخنرانی‌های آتشین خود، افکار آزادی خواهی را در بین مردم مسلمان پراکنده ساخت. تأثیر سخنان او موجب ترور ناصرالدین شاه، پادشاه خودکامه قاجار، توسط میرزا رضا کرمانی شد.

سید جمال الدین اسدآبادی یکی از بیدارگران برجسته عصر ناصری بود که در کنار پیگیری اتحاد اسلامی در جهان اسلام، به جریان بیداری اسلامی در ایران توجه ویژه داشت. نقطه کانونی اندیشه وی وحدت مسلمانان و یگانگی دولت‌های اسلامی بود. شعار او «بازگشت به اسلام» و «بازگشت به قرآن» برای بازسازی هویت اسلامی مسلمانان بود. وی علت عقب ماندگی ملت‌های مسلمان را تفرقه و تعصب و دور شدن از اسلام اصیل می‌دانست. حتی ارتباط او با سلاطین کشورهای اسلامی نیز به هدف احیای مجد و عظمت مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی بود؛ اگرچه در این زمینه توفیقی حاصل نکرد. او عاقبت در سال ۱۲۷۵ ش به طور مشکوکی فوت کرد.

صدور این حکم سبب شد که شاه ناچار به تسلیم گردد؛ و ابتدا امتیاز داخلی دخانیات و سپس امتیاز خارجی آن، لغو شد. میرزای شیرازی، تا زمانی که به وسیله شیخ فضل الله نوری از لغو قرارداد تنباکو مطمئن نشد، تحریم تنباکو را لغو نکرد.^۱

نهضت تحریم تنباکو موجب انسجام بیشتر مرجعیت شیعه، علما و مردم متدین ایران شد و نشان داد که بیداری اسلامی در ایران به بلوغ فکری و سیاسی رسیده است.

این پیروزی بزرگ به رهبری روحانیون، سبب شد که ضربه‌ای سخت به استعمارگران و عاملان داخلی آنان وارد آید؛ و مردم باور کنند که توانایی ایستادگی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی را دارند. بسیاری از تاریخ‌نویسان، این قیام را سرآغاز بیداری ایرانیان و طلیعه نهضت مشروطه دانسته‌اند.^۲ نهضت تحریم تنباکو، در شرایطی باور نکردنی به بار نشست. آن زمان، اوج اقتدار امپراتوری انگلیس

۱. حسن زاده، شیخ فضل الله نوری در ظلمت مشروطه، ص ۳۹.

۲. ناظم الاسلام کرمانی، کتاب تاریخ بیداری ایرانیان را با شرح این واقعه آغاز کرده است.

بود؛ گستردگی این امپراتوری به اندازه‌ای بود که ملکه انگلستان ادعای کرد که در قلمرو کشورش، آفتاب هرگز غروب نمی‌کند. در واقع در این نهضت، مردم ایران توانستند برای نخستین بار، در برابر مقتدرترین دولت عالم، در آن زمان، ایستادگی کنند، و آن را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند.^۱

بیشتر بدانید

دغدغه ابتدایی کار از نیمه اول سال ۱۳۱۶ هجری قمری و در خطبه‌های مرحوم آقا نجفی در مسجد جامع عباسی اصفهان آغاز شد؛ سخنانی مبنی بر لزوم حفظ و حراست از ثروت ملی و تولید کالای داخلی که به ایده راه‌اندازی شرکت اسلامیہ منجر شد. حاج آقا نورالله بلافاصله پس از این سخنرانی تجار بزرگ شهر را گرد هم آورد و با کمک تجار سرشناس به راه‌اندازی شرکت مبادرت نمود. پس از آن جمعی از مراجع همچون آیت‌الله آخوند خراسانی در نامه‌ای به مظفرالدین شاه وی را دعوت به حمایت از شرکت اسلامیہ می‌کنند. فعالیت شرکت اسلامیہ در ابتدا معطوف به صنعت نساجی و پوشاک بود. اما نیازهای متنوع مردم و اقبال عمومی آنان سبب شد تا فعالیت شرکت وارد بخش‌های دیگر از جمله ایجاد مدرسه، بیمارستان و حتی راه شوسه و راه آهن شود. این شرکت به صورت سهامی عام اداره می‌شد و به سرعت با استقبال گسترده مردم در خرید سهام و همچنین محصولات خود مواجه شد.

محل اصلی شرکت در اصفهان بود ولی شعبه‌هایی در تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و حتی نمایندگی‌هایی را در خارج از کشور در شهرهایی مثل لندن، کلکته، بمبئی، قاهره، استانبول، بغداد، مسکو و بادکوبه تأسیس نمود. تأثیرگذاری شرکت اسلامیہ چنان گسترده شد که وزارت خارجه انگلستان در پی ایجاد خلل در امور آن افتاد؛ به نحوی که سفیر انگلستان در نامه‌ای به وزارت خارجه خودشان می‌نویسد: از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد علمای آنجا بر ضد تجارت خارجه می‌باشند. علمای مزبور سعی بلیغ در رد مال التجاره خارجی دارند و در مساجد و در سایر نقاط علناً می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجی را بخرند. نشریه تایمز انگلیسی هم در واکنش به تأسیس این شرکت نوشت: معلوم می‌شود ایرانیان اندک اندک از خواب غفلت بیدار شده و قدر و اهمیت تجارت خارجه تجارت شرکت را به نیکی فهمیده‌اند. همچنین در نامه‌ای چارزمارلین سفیر کبیر بریتانیا به میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران می‌نویسد: علمای اصفهان در تلاش‌اند تا نگذارند امتعه اروپایی به فروش برسد و به خریداران مهم ایرانی اخطار کرده‌اند که در مدت چهار ماه محاسبات خود را با تجارخانه‌های اروپایی قطع کنند. او با لحنی تهدیدآمیز از وزیر خارجه ایران می‌خواهد که احکامی را به کارگزاران اصفهان صادر کرده و از اقدامات فتنه‌انگیز این اشخاص علیه منافع اروپاییان جلوگیری به عمل آورد. شرکت اسلامیہ اولین تلاش در صنعت مدرن در ایران خصوصاً در زمینه نساجی بود و هسته اولیه کارخانجات بزرگ به سبک نوین در اصفهان و سایر شهرها به شمار می‌رفت. این شرکت هدف عمده خود را کاهش احتیاجات مردم ایران به کشورهای خارجی عنوان کرده بود. علما نیز به شکل‌های مختلف، از این کار، حمایت کردند. تفکر مقاومت اقتصادی و اتکا به توان داخلی، در سال‌های بعد و با ظهور سلطنت پهلوی از این رفت و ایران به مصرف‌کننده‌ای ناتوان از تولید و رقابت تبدیل شد.

۱. درباره نهضت تحریم تنباکو، نسخه‌ای خطی با عنوان: رساله دخانیه و اجازه کمیانی و تلگرافات از شیخ حسن کربلایی برج‌مانده

است. همچنین رساله دیگری به همین نام، تألیف حکیم حاج محمدعلی هیدجی به کوشش علی اکبر ولایتی در این باره منتشر شده است.

پرسش‌های نمونه

۱. امیرکبیر در دورهٔ صدارت خود چه اصلاحات و اقداماتی انجام داد؟
۲. چرا کشورهای اروپایی در دیگر کشورها نفوذ می‌کردند؟
۳. در داخل و خارج از ایران چه مخالفت‌هایی علیه امتیاز روتر ایجاد شد؟ چرا؟
۴. امتیاز توتون و تنباکو با چه شرایطی به تالبوت واگذار شد؟ آن را با امتیازی که دولت عثمانی به یک شرکت خارجی واگذار کرده بود، مقایسه کنید.
۵. چه کسی فتوای تحریم توتون و تنباکو را صادر کرد و این فتوا چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟

اندیشه و جست و جو

۱. مطلبی دربارهٔ نقش درباریان و عوامل بیگانه در بدبینی ناصرالدین شاه نسبت به امیرکبیر تهیه کنید.
۲. در مورد خودکامه بودن ناصرالدین شاه و تأثیر آن در جلوگیری از اصلاحات در ایران، مطلبی تهیه کنید.
۳. دربارهٔ مزایا و معایب مدارس جدید که از زمان ناصرالدین شاه تأسیس شد، مطلبی تهیه کنید و بحث کنید که چه نوع مدرسی در آن زمان شروع به فعالیت کرد؟



زمینه‌های نهضت مشروطه

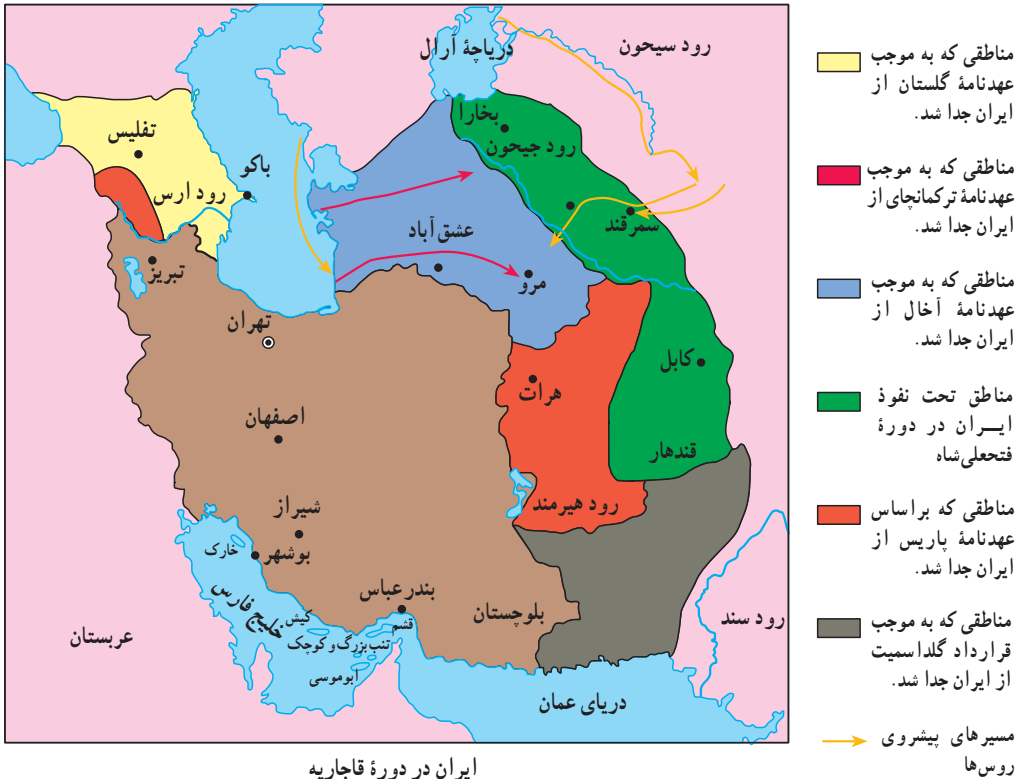
مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

«باید به مشروطه افتخار بکنیم و مشروطه را جزو نقاط عطف تاریخ ایران بدانیم. خواسته‌ی علما در مشروطه، عدالت‌خواهی بود. تحصن‌ها، فداکاری‌ها، ایستادگی‌ها و مقابله‌هایی که با دستگاه استبداد صورت گرفت، فقط یک درخواست اخلاقی محض نبود. عدالتی که آنها می‌خواستند، عدالت در زمینه‌ی مسائل حکومتی بود...»^۱

نهضت مشروطه یکی از حوادث بزرگ تاریخ معاصر ایران است، که تأثیر عمیق و پایداری در تحولات فکری و سیاسی جامعه ما گذاشته است. در بررسی ریشه‌های پیدایش این نهضت، عواملی چند قابل تأمل‌اند که به تشریح آنها می‌پردازیم.

۱. از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن سرزمین‌هایی بود که به وسیله دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شده بودند. قسمت‌هایی که توسط روسیه از ایران جدا شد عبارت بودند از: کل قفقاز در شمال غربی و منطقه ماوراءالنهر در شمال شرقی (شامل کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان کنونی) به این ترتیب، در شرق و غرب دریای خزر، مناطق و ایالت‌های وسیع و زرخیزی از ایران جدا شد. سرزمین‌هایی که توسط انگلستان از ایران جدا شد عبارت بودند از: ایالت‌های هرات و قندهار؛ و بخش بزرگی از بلوچستان.



ایران در دوره قاجاریه

۲. غلبه استعمار بر مملکت

کشورهای استعمارگر اروپایی از قرن شانزدهم میلادی شروع به اشغال سرزمین‌هایی در آسیا، آفریقا، و قاره آمریکا کردند و تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کشورهای متعددی را زیر سلطه خود درآوردند. ایران نیز به دلایل موقعیت ویژه جغرافیایی و برخورداری از منابع سرشار مواد اولیه، مورد توجه کشورهای استعمارگر قرار گرفت.

ضعف حکومت قاجار، دسیسه‌های عناصر نفوذی بیگانه و طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینه سلطه بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجه این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجی‌ان داده می‌شد.

علاوه بر آن، قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند موجب سلطه بیشتر استعمارگران بر مملکت شد. علاقه شاهان قاجار به مسافرت به اروپا، انگیزه و میزان دریافت وام از بیگانگان را افزایش داد. ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قرض‌هایی از روس و انگلیس دریافت کردند و به جای اینکه این پول را هزینه کارهای اساسی کنند، آن را خرج سفرهای خود به اروپا کردند.

دادن امتیازات، گرفتن وام و اعمال حق کاپیتولاسیون که از عهدنامه ترکمانچای برقرار شد و همچنین دخالت‌های دولت‌های بیگانه در امور داخلی ایران احساسات ملی را جریحه‌دار کرده بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

موقعیت جغرافیایی ایران چه نقشی در توجه استعمارگران به مملکت ما داشته است؟

۳. استبداد دستگاه حاکم

حکومت قاجار بر بنیاد استبداد متکی بود و قدرت در دست شاه و اراده او متمرکز بود. مردم ایران هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان و مال و ناموس خود در مقابل دستگاه استبدادی نداشتند. شاه و بستگانش هر کاری که مایل بودند، انجام می‌دادند و هر بلایی که می‌خواستند، بر سر مردم می‌آوردند. در ایالت‌ها (استان) وضع بدتر از مرکز حکومت بود. حاکمان ایالت‌ها از میان شاهزادگان انتخاب می‌شدند و در منطقه خود مانند یک شاه عمل می‌کردند. روش انتصاب حاکمان ایالت‌ها به این طریق بود که این ایالت‌ها در ازای دریافت مالیات‌های سنگین ثابت سالیانه، به‌طور کامل در اختیار شاهزادگان قرار می‌گرفتند. این نوع واگذاری شبیه به فروش ایالت‌ها بود؛ بدین‌گونه فشار مالیاتی کم‌رشدگی بر مردم تحمیل می‌شد. به این دلیل مردم از حکومت قاجار ناراضی بودند.

۴. مخالفت‌های مردم و علما با استبداد و استعمار

توجه مردم مسلمان ایران به آموزه‌های دین اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی و لزوم دفع ظلم که در آیات قرآن کریم و سیره معصومین به آن پرداخته شده است، موجب می‌شد نسبت به این آموزه‌ها احساس تکلیف کنند. از سوی دیگر مکتب شیعه قدرت مطلق سلاطین را نامشروع می‌دانست و مشروعیت نسبی قدرت حاکم، مشروط به پاسداری از باورهای دینی مردم و حفظ تمامیت ارضی کشور بود. مرجعیت شیعه در جریان نهضت تحریم تنباکو خط بطلانی بر مطلق بودن قدرت شاه

۱. یک روز در بازگشت ناصرالدین شاه از زیارت حضرت عبدالعظیم (ع)، سربازهایی که پرداخت حقوقشان ماه‌ها عقب افتاده بود، می‌خواستند عریضه‌ای به شاه تقدیم کنند اما از طرف همراهان او، با ضرب و شتم پس رانده شدند. آن‌ها نیز از شدت ناراحتی چند تکه سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب کردند. یکی از این سنگ‌ها به کالسکه شاه خورد و اسب‌ها رمیدند. به دستور ناصرالدین شاه، سربازان شاک‌ی را که نفر بودند، با دستان بسته به شهر آوردند و همگی آن‌ها را در حضور او، با طناب خفه کردند. (ن. ک: شیخ الاسلامی، *افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران*، ص ۱۵).

کشید. در آستانه نهضت مشروطیت ایران، روحانیون و حوزه‌های علمیه شیعه به استحکام و انسجام سیاسی و مبارزاتی رسیده بودند. در نتیجه یک قرن مبارزه و بیدارگری، ارتباط منظمی میان علما و مردم به وجود آمد و زمینه پیدایش حرکتی فکری به رهبری عالمان دینی فراهم شد. گسترش این حرکت فکری موجب افزایش آگاهی مردم در زمینه مسائل اعتقادی و دینی شد و باورهای مذهبی و فرهنگی جامعه را در مقابل آیین‌های ساختگی و دسیسه‌های بیگانگان تقویت کرد. اولین ثمره این فعالیت‌ها، پیروزی در نهضت تنباکو بود که علاوه بر لغو قرارداد توتون و تنباکو، قدرت و رهبری روحانیون شیعه را در صحنه سیاسی کشور آشکار کرد و آسیب‌پذیری استبداد داخلی و استعمار خارجی را در برابر اراده ملت نشان داد. این جریان فکری و اعتراض‌آمیز از دوره ناصرالدین شاه به دوره سلطنت مظفرالدین شاه منتقل شد و به تدریج به نهضتی عظیم به رهبری روحانیون تبدیل گردید که آیت‌الله سید محمد طباطبائی، آیت‌الله سید عبداللّه بهبهانی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در داخل ایران و مراجعی همچون آیت‌الله محمد کاظم خراسانی، آیت‌الله شیخ عبداللّه مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزا خلیل تهرانی در نجف اشرف آن را رهبری می‌کردند. اساس این نهضت بر مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و تلاش برای برقراری عدالت در مملکت قرار داشت، تا با ایجاد عدالت‌خانه و «دارالشورا» قدرت و اختیارات پادشاه و حکام را محدود و با اجرای قوانین اسلامی از لجام گسیختگی آنها جلوگیری کند.

۵. ورود اندیشه‌های جدید

عصری که در آن، شاهان سلسله قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحول‌های فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود، و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. از سال ۱۲۳۸ تا سال ۱۲۹۰ ش کشورهای انگلیس، ایتالیا، دانمارک، اتریش، مجارستان، آلمان، فرانسه، ژاپن، روسیه، چین و مصر به حکومت مشروطه و یا جمهوری دست یافتند.^۱ ایرانیان نیز به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند. زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجو به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج، و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد.

دستاورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و

۱. حائری، تسبیح و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، دیپاچه، ص ۱.

دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای غربی در تماس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها، و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان، به جامعه منتقل می‌شد.

الف) روزنامه‌ها: یکی از عامل‌هایی که در دوره قاجار سبب ایجاد تحولی بزرگ در مردم شد، انتشار روزنامه‌ها بود. در آن زمان روزنامه‌های فارسی زبان دو دسته بودند: داخلی و خارجی. روزنامه‌های داخلی خود به دو دسته روزنامه‌های «دولتی» و «غیردولتی» تقسیم می‌شدند. «کاغذ اخبار»، «وقایع اتفاقیه»، «شرف» و «شرافت» از جمله روزنامه‌های دولتی بودند. «کاغذ اخبار» اولین روزنامه ایران بود که توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. «تربیت» و «ادب» از معروف‌ترین روزنامه‌های غیردولتی چاپ ایران بودند. «عروة الوثقی»، «اختر»، «قانون»، «حبل‌المتین»، «حکمت» و «ثریا» از مشهورترین روزنامه‌های فارسی زبان بودند که در خارج از کشور چاپ و وارد ایران می‌شدند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا برخی روزنامه‌های فارسی زبان در خارج از کشور چاپ می‌شد؟

ب) آثار روشنفکران

۱. **سفرنامه‌ها:** اولین نشانه‌های اندیشه‌های نوین، در سفرنامه‌های عهد قاجار مشاهده می‌شود. سفرنامه میرزا صالح شیرازی - از اولین دانشجویان اعزامی به خارج - از معروف‌ترین این آثار است. میرزا صالح شیرازی در سفرنامه خود به روشنی از اندیشه‌های نوین غربی، به ویژه نظام حکومت مشروطه انگلیس، تعریف و تمجید کرده است. *سیاحت‌نامه / براهیم بیگ* اثر حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای، یکی دیگر از این آثار است. در این سفرنامه، اوضاع نابسامان کشور به زبان ساده بیان گردیده و در مقابل، از ویژگی‌های مثبت تمدن غرب سخن گفته است.

۲. **کتاب‌ها و آثار دیگر:** نوشته‌های میرزا ملکم خان، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، عبدالرحیم خان طالبوف و میرزا فتحعلی آخوندزاده معروف‌ترین آثاری هستند که در پیدایش مشروطه خواهی مؤثر بودند. پذیرش اندیشه‌های غربی و شیفتگی و خودباختگی بی‌چون و چرا در برابر فرهنگ بیگانه، از ویژگی‌های بارز افکار این افراد بود. آنان نهضت مشروطه‌طلبی مردم ایران را که بر مبنای عدالت خواهی و نفی استبداد و استعمار بود، با عقاید برخاسته از اندیشه‌های وارداتی و غربی خود درآمیختند.

پرسش‌های نمونه

۱. چه عواملی زمینه‌های نهضت مشروطه را فراهم کرد؟
۲. اندیشه سیاسی اسلام و فعالیت عالمان دینی چه نقشی در پیدایش مشروطه خواهی داشت؟
۳. نهضت تحت رهبری روحانیون در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بر چه پایه‌هایی استوار بود و چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
۴. در دوره قاجار اندیشه‌های سیاسی جدید از چه طریقی به ایران راه یافت؟
۵. در آثار روشنفکران ایرانی دوره قاجار، به چه مسائلی توجه شده است؟

اندیشه و جست و جو

۱. سفرنامه یکی از ایرانیانی را که در زمان ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرده، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.
۲. در مورد یکی از روزنامه‌های زمان ناصرالدین شاه، مطلبی تهیه کنید.



آغاز حرکت مردم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی

در این درس با سیر حوادث و رویدادهایی که به پیروزی نهضت مشروطه انجامید، آشنا می‌شوید و به ماهیت آن بیشتر پی می‌برید.

مظفرالدین شاه

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه، مردم، رفته رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین شاه، آخرین نمونه این نارضایتی عمومی بود. او پادشاهی خودکامه بود که در طی حکمرانی پنجاه ساله‌اش، با شیوه‌های استبدادی، از ابراز علنی انتقادهای مردم جلوگیری می‌کرد. جانشین او، مظفرالدین شاه، فردی سست‌عنصر، بی‌اراده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. مظفرالدین شاه، عین‌الدوله را که فردی مستبد بود، به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و اداره مملکت را به او سپرد.^۱

مظفرالدین شاه نیز مانند پدرش، سه بار به اروپا سفر کرد. پیامد این سفرها، هزینه‌هایی سنگین بود که دولت با گرفتن وام از بیگانگان، آن را تأمین می‌کرد^۲ و در مقابل، دستاوردی برای اقتصاد، علم و صنعت ایران نداشت.

هم‌زمان، در روزنامه‌ها ماجراهایی از این سفرها درج می‌شد و خشم عمومی را برمی‌انگیخت.^۳ خشونت‌های عین‌الدوله و حاکمان ایالت‌ها، همراه با فقر عمومی و رکود شدید اقتصادی نیز، بر این نارضایتی‌ها می‌افزود و کشور را در آستانه یک شورش سراسری قرار می‌داد.

۱. مرآت‌الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین، کتاب دوم، صص ۴۹، ۵۲-۵۴، ۵۸، ۶۴، ۶۵ و ۶۸.

۲. ن. ک: سفرنامه فرنگستان (سفر اول مظفرالدین شاه)، صص ۸۹ و ۲۱۷-۲۲۹؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۱، صص

۱۲۸-۱۳۱.

۳. ن. ک: محیط مافی، مقدمات مشروطیت، صص ۸۲ و ۸۳.

محرم سال ۱۳۲۳ ق / فروردین ۱۲۸۴ ش مناسب‌ترین فرصت را برای اعتراض‌های مردمی فراهم کرد. روحانیون در مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، ضمن تکیه بر جنبهٔ ستم‌ستیزی قیام آن حضرت، پیام عدالت‌خواهی را بین مردم تبلیغ می‌کردند. از این تاریخ تا ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق / ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش سلسله حوادثی رخ داد که سرانجام به پیروزی نهضت مشروطه انجامید.^۱ در ادامه با مهم‌ترین حوادثی که منجر به پیروزی این نهضت شد، آشنا می‌شوید.

۱. ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب‌دهندهٔ جنبش مشروطیت ماجرای نوز بلژیکی بود. این واقعه واکنشی در برابر توهین به مقدسات مردم مسلمان ایران به‌شمار می‌رود که آغازگر یک جنبش عمومی شد. اروپاییانی که در تهران بودند، در مراسم سال نو محفلی می‌آراستند و در آن، با پوشیدن لباس‌های مختلف و زدن صورتک (ماسک) بر چهره، جشن بالماسکه برپا می‌کردند. در مراسم سال ۱۲۸۳ ش موسیو نوز بلژیکی که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه (۱۲۸۰ ش) کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران بود، در ایام محرم با لباس روحانیان و در حالی که قلیان به‌دست داشت، عکس گرفت. این عکس در محرم ۱۳۲۳ ق / ۱۲۸۳ ش در میان مردم عزادار پخش و موجب اعتراض مردم شد؛ زیرا بلژیکی‌ها که از سال ۱۳۱۵ ق / ۱۲۷۶ ش ادارهٔ گمرک‌های ایران را به‌دست گرفته بودند، با بدرفتاری، افکار عمومی را بر ضد خود تحریک کرده بودند.

رهبری این حرکت را آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی به‌عهده داشت. در واقع این اولین جرقهٔ نهضت مشروطه بود. پس از آن، طرفداران نهضت تلاش کردند حرکتی را که سیدعبدالله بهبهانی آغاز کرده بود، بدون نتیجه رها نشود. به اعتقاد آنان، این گام اگر با موفقیت به پیش می‌رفت، قدم‌های مهم‌تر پشت سر آن برداشته می‌شد.^۲ بنابراین، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی با آیت‌الله سید محمد طباطبایی متحد شد. این اتحاد، تا پایان حرکت مذکور، ادامه یافت.^۳

همکاری این دو سید روحانی، مردم ستم‌دیده و آزادی‌خواهی را که از مدّت‌ها قبل در «انجمن‌های مخفی» تشکّل‌های کوچکی فراهم آورده بودند، امیدوار ساخت، تا از گوشه و کنار سر برآورند و آمادهٔ قیام شوند. در ادامهٔ این جریان و هم‌زمان با سفر سوم مظفرالدین‌شاه به اروپا، عده‌ای از بازرگانان در

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بخش اول، مقدمه، صص ۱۳۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۶۶-۲۷۳، ۲۸۰-۲۹۳.

۲. ن. ک: اعظام قدسی، *خاطرات من*، ج ۱، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۳. رضوانی، *انقلاب مشروطیت*، صص ۷۶ و ۷۷.



آیت الله بهبهانی



آیت الله طباطبایی

حرم حضرت عبدالعظیم (ع) تحصن کردند.^۱

۲. نارضایتی مردم ایالت‌ها

در ایالت‌ها نیز حادثه‌هایی رخ داد که نشانگر فراگیر بودن نارضایتی مردم بود. معروف‌ترین این حوادث ماجرای شلاق خوردن سه تن از علمای کرمان بود که برای مقابله با فرقه «شیخیه» در این شهر قیام کرده بودند. این سه، پس از آنکه به فلک بسته شدند، از شهر اخراج گردیدند.

در ماه رمضان سال ۱۳۲۳ ق، به‌ویژه ایام عزاداری امیرالمؤمنین (ع)، محور اصلی سخنرانی واعظان تهران، موضوع توهین به این عالمان بود که برای حفظ تشیع در برابر فرقه‌های ساختگی به پاخاسته بودند.^۲

در دیگر ایالت‌ها و شهرها نیز شرایط نامساعد بود؛ شعاع السلطنه، حاکم فارس، باستمگری‌های خود، موجب نارضایتی مردم شده بود. مردم خراسان ازستمگری‌های غلامرضا خان آصف‌الدوله به‌جان آمده بودند.

۱. آبراهامیان نوشته است: نخستین اعتراض به‌صورت یک راهپیمایی آرام در جریان مراسم عزاداری ماه محرم بود. حدود دویست تن از مغازه‌داران و وام‌دهندگان، خواستار عزل موسیو نوز بلژیکی و بازپرداخت وام‌هایی شدند که دولت از آن‌ها گرفته بود (ایران بین دو انقلاب، ص ۱۰۴).

۲. ن. ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، بخش اول، صص ۳۱۲-۳۲۴؛ ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، صص ۸۰-۸۶.

بیشتر بدانید

در قم، فردی که امتیاز جابه‌جایی مسافران تهران- قم را به دست آورده بود، آشکارا به خودسری می‌پرداخت. او که به «عسکر گاریچی» شهرت داشت، با بی‌احترامی به یک زن پاک‌دامن، عالمان قم را به واکنش واداشت، اما دولت به‌سادگی از کنار این حوادث گذشت. در نتیجه، دامنه اعتراض‌ها بیشتر گسترش یافت.^۱

۳. ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک استقراضی روس را بنا نهادند. در ضمن انجام عملیات خاک‌برداری، جسد تازه‌ای در محل گورستان کشف شد و روس‌ها بدون توجه به حساسیت این مطلب نزد مسلمانان، جسد را درون چاهی انداختند.^۲ آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی به شدت به این کار اعتراض کرد. مردم نیز از این اقدام روس‌ها، ناخشنود بودند. بنابراین، یک اعتراض عمومی شکل گرفت، اما روس‌ها، با بی‌اعتنایی، به کار خود ادامه دادند. تا اینکه موضوع به اطلاع مراجع تقلید نجف رسید.

آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و روحانی دیگری به نام میرزا مصطفی آشتیانی^۳، به همراه مردم تهران در یک حرکت عمومی، ساختمان مذکور را با خاک یکسان کردند.^۴

۴. فلک شدن بازرگانان

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت^۵ و شعله‌های اعتراض مردم را برافروخت.

بیشتر بدانید

عین‌الدوله گران شدن قند را بهانه کرد تا از مردم، زهر چشم بگیرد. به اشاره او، علاءالدوله، حاکم تهران، بازرگانانی را که در ماجرای نوز بلژیکی به حرم حضرت عبدالعظیم پناهنده شده بودند، احضار کرد و برخی از آنان، از جمله حاج سیدهاشم، تاجر خوش‌نام قند را به فلک بست. به همین سبب، شهر

۱. اعظام قدسی، همان، ج ۱، صص ۱۲۸-۱۳۲.

۲. نجفی و حقانی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۴.

۳. او پسر کوچک میرزا حسن آشتیانی معروف بود که در نهضت تنباکو نقشی فعال داشت.

۴. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۱، صص ۳۲۴-۳۲۷.

۵. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۲، ص ۳۲۲.



عبدالمجید میرزای عین الدوله

به هم ریخت؛ بازارها بسته شد و مردم در «مسجد شاه» گرد آمدند. در پی این تجمع، مردم نیرو گرفتند و کشمکش بین طرفداران استبداد و عدالت خواهان، شدت گرفت. دولت به وحشت افتاد و با پادرمیانی حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه، به طور موقت، قضیه فیصله یافت. حاج میرزا ابوالقاسم، داماد مظفرالدین شاه بود. او از جانب شاه به امامت جمعه تهران منصوب شده بود و از وی و دربار، پشتیبانی می کرد.

به دنبال آزار و اذیت بازرگانان، در مسجد شاه، مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمع، با توطئه امام جمعه درباری و عوامل او که پشتیبان نظام استبدادی بودند، به تشنج کشیده شد و مأموران، با چوب و چماق به جان مردم افتادند. در پی این حادثه، اجتماع های بزرگی در منزل های علما برپا شد. به پیشنهاد آیت الله سید محمد طباطبایی، روحانیون و مردم، با حالت اعتراض تهران را ترک و در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کردند.^۱

۵. مهاجرت صغری

مهاجرت روحانیون و مردم به شهر ری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغری مشهور است.

این مهاجرت، اولین مرحله اتحاد نیروهای ضد استبداد بود. هر روز بر عده این مهاجران افزوده می شد. عین الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران، به هر شیوه که متوسل شد، نتیجه نگرفت.^۲ از آنجا

۱. اعظام قدسی، همان، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۲، صص ۲۷۵-۲۸۱.

۲. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۶۶.

که درباریان فاسد، مانع از رسیدن خبرهای صحیح به مظفرالدین شاه بودند، مهاجران مجبور شدند سفیر عثمانی را واسطه قرار دهند و توسط او، خواسته‌های خود را به گوش شاه برسانند.

مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود:

— ایجاد عدالت‌خانه در همه شهرها، برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه.

— عمل به قانون اسلامی، به‌طور دقیق و به دور از ملاحظه‌های شخصی.^۱

مظفرالدین شاه و عین‌الدوله اعلام کردند که با خواسته‌های مهاجران موافق هستند. بنابراین،

این مهاجرت، پس از یک ماه، خاتمه یافت.

۶. مهاجرت کبری

هنوز مدت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعده دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌الله طباطبایی چند بار به مظفرالدین شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی عین‌الدوله را به او یادآور شد. اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا به آنها توجه نکرد. در نتیجه شعله‌های قیام بار دیگر افروخته شد و مردم به خاطر بی‌اعتنایی شاه دست به قیام زدند، در این میان، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به شهادت رسید. این حادثه، خشم مردم را برانگیخت و آنان جنازه آن طلبه را به مسجدی در مرکز شهر رساندند.

عین‌الدوله به سخت‌گیری بیشتر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت.^۲ عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. اما رهبران مردم پس از بحث و تبادل نظر، تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر مقدس قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبری» معروف شد.

تحصن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عده‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و به بست نشستند. سنت «بست‌نشینی» و تحصن که از دیرگاه در ایران معمول بود، بیشتر در مساجد و زیارتگاه‌ها و اماکنی صورت می‌گرفت که مورد احترام مردم قرار داشت و با باورهای دینی آنها سازگار بود. مشروطه‌خواهان،

۱. برای دریافت اطلاعات بیشتر ن. ک: کسروی، همان، ص ۷۱؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲. حاکم نظامی، محمد ولی تنکابنی بود: ن. ک: ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳-۱ در یک مجلد، ص ۳۵۷.



دیگ‌های غذا در سفارت انگلیس برای مشروطه خواهان

بدون پناهندگی به سفارت انگلستان، می‌توانستند به خواسته‌های خود دست یابند. دولت انگلستان بر خلاف دولت روسیه که از دربار حمایت می‌کرد، به ظاهر پشتیبان نهضت مشروطه بود. انگلستان، برای نیل به مقاصد و منافع استعماری‌اش این سیاست را در پیش گرفته بود. اما کسانی که از سیاست پیچیده استعمار انگلستان درک روشنی نداشتند

و نسبت به غرض‌های بیگانگان غافل بودند، از تجربه جنبش تنباکو، درس و عبرت لازم را نگرفتند. از این رو، سفارت انگلستان در تهران که آرزویی جز اخراج طرفداران روسیه را از دربار نداشت، عده‌ای از عامل‌های شناخته شده خود را در بین آزادی خواهان وارد و مردم را به تحصن در سفارتخانه تشویق کرد.^۱

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملی

همراه با مهاجرت علمای تهران به قم، عالمان سایر شهرستان‌ها و مراکز ایالت‌ها نیز وارد میدان شدند و نهضت مردمی به اوج خود رسید. بخصوص، حضور شیخ فضل‌الله نوری، روحانی طراز اول تهران، در کنار آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی، بر استحکام قیام افزود.

با اوج‌گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد.

مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از:

۱. برکناری عین‌الدوله از صدارت
۲. فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران
۳. ایجاد عدالت‌خانه

۱. راتین، انجمن‌های ستری در انقلاب مشروطیت، ص ۸۹. همچنین ن. ک: نامور، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت،

۴. تشکیل دارالشورا (مجلس نمایندگان)

مظفرالدین شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد. هفت روز بعد، علما، با استقبال پرشکوه مردم، از قم بازگشتند. شهر چراغانی و جشن شادی به پا شد و در ۲۸ مرداد، اولین دوره مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان تهران تشکیل گردید. عده‌ای از سیاستمداران مشروطه‌خواه، به تدوین قانون اساسی پرداختند^۱. آنان با عجله آن را نوشتند و به امضای مظفرالدین شاه رساندند. شاه، ده روز پس از امضای قانون اساسی، درگذشت. به این ترتیب، کشور استبداد زده‌ی ما، با بهره‌گیری از اندیشه‌های سیاسی عالمان بزرگ دینی، کوشش فرهیختگان جامعه و مجاهدت مردم، به حکومتی دست یافت که می‌بایست براساس قانون اداره می‌شد.



بازگشت علما از مهاجرت کبری

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا نمایندگان مجلس شورای ملی در نوشتن قانون اساسی مشروطه شتاب داشتند؟

۱. هدایت (مخبر السلطنه) نوشته است: «صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، مشیرالملک، مؤتمن‌الملک و نگارنده، معین شدیم نظام‌نامه انتخابات را بنویسیم.» (خاطرات و خطرات، صص ۱۴۱ و ۱۴۲).

پرسش‌های نمونه

۱. پیش از جریان مهاجرت صغری چه حوادثی موجب خشم و اعتراض مردم شد؟
۲. علل جنبش عمومی مردم تهران علیه نوز بلژیکی را توضیح دهید.
۳. مهاجران در مهاجرت صغری چه خواسته‌هایی داشتند؟
۴. منظور از سنت بست‌نشینی چیست و سفارت انگلستان در نهضت مشروطه چگونه از این سنت به سود منافع آن کشور استفاده کرد؟
۵. به هنگام مهاجرت کبری، چه خواسته‌هایی مطرح شد؟
۶. مظفرالدین شاه در راستای خواسته‌های مشروطه خواهان چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد مهاجرت مشروطه خواهان به قم، مطلبی تهیه کنید.
۲. با راهنمایی معلم خود یکی از کتاب‌هایی را که در زمان مشروطه نوشته شده و جریان مشروطه خواهی در آن وجود دارد، تهیه کنید و بخش‌هایی از آن را در کلاس بخوانید.



مشروطه در دوره محمدعلی شاه

در این درس با مشکل‌های موجود بر سر راه اولین دوره مجلس شورای ملی، و کارشکنی‌های محمدعلی شاه در این مورد و همچنین، جریان‌های سیاسی - فکری حاکم بر مجلس و دولت آشنا می‌شوید.

محمدعلی شاه



محمد علی شاه قاجار

بعد از مظفرالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، یکی از شاهان خودکامه دوره قاجار بود که نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی‌اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود. او ملت را بنده و برده خود می‌پنداشت و نمایندگان مجلس را برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست، لایق نمی‌دانست.^۱

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته مشروطه نبود. بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش رو داشت، که به شرح آنها می‌پردازیم:

۱. ملک‌زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب دوم، ص ۴۱۲.

تدوین متمم قانون اساسی و شدت گرفتن اختلاف‌ها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که اداره امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.^۱

برگی از تاریخ

محقق نائینی (۱۲۳۹-۱۳۱۵ ش)



میرزا محمد حسین نائینی در یک خانواده مشهور و محترم در شهر نائین چشم به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مقدماتی، در پانزده سالگی عازم اصفهان شد. پس از ده سال تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، عازم عتبات عالیات شد و در سامرا از محضر میرزا محمدحسن شیرازی بزرگ کسب فیض کرد. دو سال پس از درگذشت میرزای شیرازی به کربلا رفت و بعد از دو سال اقامت در آن شهر، عازم نجف اشرف شد و در آن شهر مشغول تحقیق و تدریس گردید. او یکی از بزرگ‌ترین و نامورترین مراجع عصر خویش و یکی از محققان بزرگ در اصول فقه بود. به حدی که او را «احیاگر علم اصول» و نوآور در آن نامیده‌اند.

از وی آثاری متعدد بر جای مانده است که یکی از معروف‌ترین آنها کتاب مشهور تنبیه الأئمة و تنزیه الملة است. این کتاب برای آگاهی مردم از انواع استبداد و خودکامگی پادشاهان به رشته تحریر درآمده و نظام مشروطه را از نظر مذهب شیعه بررسی کرده است. بنابراین، او یکی از رهبران فکری نهضت مشروطه، و به تعبیری، نظریه پرداز آن به شمار می‌رود.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اصل دوم متمم قانون

۱. اعضای کمیسیون عبارت بودند از: سعدالدوله، نماینده اعیان تهران؛ حاج امین‌الضرب، نماینده تجار؛ حاج سید نصرالله سادات اخوی، نماینده علما؛ سیدحسن تقی‌زاده، نماینده تبریز؛ مشارالملک و مستشارالدوله (ن.ک: کسروی، همان، ص ۲۲۴).

اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضاهای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می‌کردند، تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستوره‌های شرع نباشد.^۱ در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود. تا آنکه سرانجام شیخ فضل‌الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه مشروعه» ایجاد شود.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنائی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد

۱. ن. ک: ترکمان، مجموعه رسائل و اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری، ج ۱، ص ۳۷۸.

داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه ایران مخالفت می کرد :

۱. جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه خواهی، از مشروطه طلبان حمایت می کرد.
۲. کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.
۳. پیشگیری از قیام ملت های منطقه قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه خواهان در ایران

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت :

۱. افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه؛
 ۲. به قدرت رساندن مهره های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛
- کمک های بی دریغ انگلیس به بست نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت؛^۱
۳. محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.^۲

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آن ها را وادار به رفع اختلاف ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آن ها اختلاف ها را کنار گذاشتند و به موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند.^۳ بر اساس این قرار داد روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند : منطقه شمال، از خط فرضی بین قصر شیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان، حوزه نفوذ روسیه شناخته شد. منطقه جنوب، از خط فرضی بین بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحداتی

۱. ن. ک. : معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۱، صص ۹۰-۹۹؛ شریف کاشانی، واقعات/تفاهیه در روزگار، ص ۸۲؛

ملک زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب دوم، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. زینوف، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۸؛ همچنین ن. ک. : کرمانی، تاریخ انحلال مجلس، ص ۲۵.

۳. قبل از آن، فرانسه و انگلستان برای جلوگیری از نفوذ آلمان، در آفریقا به تفاهم رسیده و اختلاف های خود را در شمال این قاره حل کرده بودند. بنابراین در آسیا هم با پادرمیانی فرانسه، دولت های انگلیس و روس، این قرارداد را امضا کردند که شامل سه توافق نامه بود : در توافق نامه اول، افغانستان در منطقه نفوذ انگلستان قرار گرفت. طبق قرارداد دوم، تبت جزء منطقه نفوذ روسیه شناخته شد. بر اساس قرارداد سوم، ایران تقسیم شد (برای کسب اطلاع بیشتر ن. ک. به : کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران، فصل هفتم).



نقشه تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

افغانستان که دارای ارزش حیاتی برای دفاع از هند بود، قلمرو نفوذ انگلستان مقرر گردید. قسمت سوم که شامل کویرها و بیابان‌های بی‌آب و علف بود، منطقه بی‌طرف و متعلق به ایران شناخته شد. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آنها، جلوگیری شود.

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرار داد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آراء، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را

رد و برای حلّ این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهمّ مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمّم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدّی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد، تارياست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.^۱

او که در دورهٔ نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمدعلی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید^۲ شاه، این اقدام را به مشروطه خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرماندهٔ نیروهای قزاق به فرمان محمدعلی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد.^۳ به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی، توسط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل،

۱. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۳۱.

۲. ن. ک: روزنامهٔ جبل‌المتین، مورخ ۲۷ محرم ۱۳۲۶، شماره ۲۴، ص ۳، اعظام قدسی، همان، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۶؛ ملک‌زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب سوم، ص ۶۲۲؛ کسروی، همان، ج ۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ رضا زاده ملک، حیدرخان عمواوغلی، صص ۱۲۰-۱۲۲.

۳. راجع به همکاری روسیه با محمدعلی شاه، ن. ک: معاصر، همان، ج ۲، صص ۶۸۲-۶۸۹؛ ماموتوف، مبارزان مجلس شورای ملی، حکومت تزار و محمدعلی شاه خاطرات ن. ب، ماموتوف؛ ص ۱۵۱-۱۵۴؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، صص ۲۴۰-۲۴۳؛ کاظم‌زاده، همان، صص ۵۰۱-۵۰۳؛ کسروی، همان، صص ۶۳۱-۶۴۰.



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط
لیاخوف در ایام مشروطیت

ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند.^۱ بدین گونه، دوباره، برای مدتی، استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره استبداد صغیر نامیده‌اند.

مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب‌گرایان که داعیه مشروطه‌خواهی و وطن‌دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل‌هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطبه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، آیت‌الله سیدعبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند.^۲

با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنه مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت در

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۴، صص ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۴، ۲۳۱.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۳۴۴، ۳۵۰-۳۵۳؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴-۵ در یک مجلد، کتاب پنجم، صص

تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز در مانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود.^۱ سرانجام در تیر سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.^۲

بیشتر بدانید

نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه‌ای دست زدند. اکثر فعالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی اسلامی بوده است. به عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایه بانک ملی را تهیه کردند و پس اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست خارجی‌ان و استقراض از آنها انجام شود.

زمانی که مشروطه خواهان تصمیم گرفتند با تحریم کالاهای وارداتی و استفاده از کالاهای داخلی مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنند، زنان ایرانی برای تقویت اقتصاد و حمایت از صنایع داخلی، و کالاهای بومی و عدم خرید کالاهای وارداتی، نقش داشتند. در هنگام محاصره تبریز توسط نیروهای جرأت یافتند که جسد مجاهدین و مبارزان را از زمین بردارند. در هنگام محاصره تبریز توسط نیروهای دولتی، زنان در پشت جبهه خدمات متعددی از جمله تهیه غذا و لباس برای مجاهدان، پرکردن بوکه‌های خالی فشنگ و پرستاری از مجروحان را به عهده داشتند. آنان همچنان با فروش زیورآلات قیمتی و دارایی‌های شخصی خود، بخشی از هزینه‌های مبارزاتی و تبلیغاتی را تأمین می‌کردند.^۳

۱. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۴۰۴، ۴۰۶ و ۴۶۰؛ ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، صص

۱۱۷۲، ۱۱۷۳ و ۱۱۸۱.

۲. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۴۹۴؛ ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، صص ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳؛

مدنی، همان، ج ۲، صص ۱۹۵-۱۹۸.

۳. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: شوستر، *اختناق ایران*، صص ۲۳۶-۲۴۲؛ محیط طباطبایی، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، صص

۱۷۲ و ۱۷۳؛ فوران، *مقاومت شکننده*، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

پرسش‌های نمونه

۱. دو مورد از بی‌اعتنایی‌های محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه و نمایندگان مجلس شورای ملی را ذکر کنید.
۲. اصل دوم متمم قانون اساسی درباره چه موضوعی بود؟
۳. دولت روسیه به چه دلایلی با انقلاب مشروطه ایران مخالفت می‌کرد؟
۴. روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟
۵. نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی در قبال سیاست‌های استعماری روس و انگلیس چه تصمیماتی گرفتند؟

اندیشه و جست و جو

۱. درباره زندگی و مبارزات مشروطه‌خواهی ستارخان و یا باقرخان مطلبی تهیه کنید.
۲. درباره جریان فتح تهران توسط مجاهدان هوادار مشروطه، گزارشی تهیه کنید.
۳. درباره چگونگی و چرایی تأسیس بانک ملی در دوره مشروطه، گزارشی تهیه کنید.



دوره دوم مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۹۳ ش)

در این درس با اوضاع کشور پس از سقوط و فرار محمدعلی شاه و تسخیر تهران و به شهادت رسیدن آیت الله شیخ فضل الله نوری و نیز ادامه مداخله های روسیه و انگلیس برای تداوم سلطه بر ایران آشنا خواهید شد.

دوره دوم مشروطه یکی از برهه های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

۱. اختلاف های شدید بین طرفداران مشروطه
۲. مداخله های آشکار و سلطه گرانه روس و انگلیس در سرنوشت ایران



قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی شاه از سلطنت خلع، و پسر دوازده ساله او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد. چون احمد شاه به سن قانونی سلطنت نرسیده بود، شاهزاده عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، به عنوان «نایب السلطنه» انتخاب شد.^۱

احمد شاه

۱. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۴۹۴-۴۹۷.

بیشتر بدانید

ملک زاده - یکی از تاریخ نویسان آن عصر (فرزند ملک المتکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می شد که عده زیادی از کرسی نشینان باغ شاه و مشاورین و همدرستان محمدعلی شاه که دستشان آغشته به خون آزادی خواهان بود، لباس مشروطه خواهی در بر کرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهیم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می شدند، دوش به دوش نایب السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»^۱.

پس از آنکه دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه خواهان تبریز شعله ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند.

آنان همچنین خواستار اخراج تدریجی غرب گرا نظیر تقی زاده از مجلس بودند.^۲

شهادت شیخ فضل الله نوری

با پیروزی مشروطه خواهان، انتظار می رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه - همان گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه مشروعه» و قانون اساسی بر پایه ارزش های اسلامی، با مشروطه اقتباس شده از غرب، مخالفت کرده بود.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آنجا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ یک از اینها را نپذیرفت

۱. ن. ک: ملک زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، ص ۱۲۴۸.

۲. کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

و گفت: «در مقابل مشیت و اراده الهی، تسلیم صرف است»^۱. همچنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم»^۲.

پیرم خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل الله نوری، یکی از فجیع ترین اعمال مشروطه خواهان بود. عده ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت های مشابه آن می دانند.^۳

برگی از تاریخ

شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۲۲-۱۲۸۸ ش)



حاج شیخ فضل الله کجوری، معروف به نوری، فرزند ملاعباس، در سال ۱۲۲۲ ش متولد شد. او پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل آن به عراق رفت و در زمره شاگردان برجسته میرزا محمدحسن شیرازی قرار گرفت. وقتی به تهران برگشت، مقام علمی و فقهی او در مقایسه با علمای هم عصر خود در ایران، بالاترین بود. او با جدایی دین از سیاست که در آن ایام تحت تأثیر افکار غربی و توسط عوامل استعمار در ایران تبلیغ می شد، شدیداً مخالف و رزید. در جریان نهضت تنباکو به عنوان نماینده میرزای شیرازی عمل می کرد و به حمایت جدی

۱. دانشور علوی، تاریخ انقلاب مشروطه و جنبش وطن پرستان بختیاری، ص ۱۷۸.

۲. انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، ص ۳۵.

۳. طبری، جامعه ایران در دوران رضاشاه، ص ۱۰۶؛ صفایی، رهبران مشروطه، دوره اول؛ ص ۵۴۲؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، ص ۳۲۳؛

بامداد، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

از این نهضت پرداخت. وی در اوایل مشروطه، از پیشگامان این نهضت بود ولی پس از چندی بی‌برد که دست‌هایی پلید، در حال پایمال کردن خون‌های ریخته شده در راه این نهضت و قطع پیوندهای مشروطه با اسلام هستند. بنابراین مخالفت خویش را با مشروطه غیرمشروع اعلام و بر مشروطه مشروع پا فشاری کرد و عاقبت جان بر سر آن گذاشت.

جلال‌آل احمد درباره او گفته است: «من نعلش آن بزرگوار را بر سر دار، همچون پرچی می‌دانم که به علامت استیلاي غرب زدگی، پس از دو‌یست سال کشمکش، بر بام سرای این ملت افراشته شد».^۱

تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان

به دنبال اعدام شیخ فضل‌الله نوری و تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند.

اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی‌عدالتی می‌دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات‌ها به رهبری سید حسن تقی‌زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌ورزیدند تا مشروطه را از جنبه‌های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان‌های اصیل آن دور سازند.

با شدت گرفتن درگیری‌های سیاسی، به تدریج، جو وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات‌ها ترور شد. تقی‌زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود،^۲ از کشور گریخت و به اروپا رفت.^۳ به فاصله‌ای کوتاه، چند تن از دمکرات‌ها ترور شدند.^۴

۱. آل احمد، غرزدگی، ص ۷۸.

۲. سید عبدالله بهبهانی توسط چهار نفر که به اشاره حیدر عمو اوغلی و سران دموکرات و کمیته دهشت و تقی‌زاده فرستاده شده بودند، به قتل رسید. (صفایی، همان، دوره دوم، صص ۲۵۸ و ۲۵۹) هر چند تقی‌زاده این اتهام را رد کرده است. (تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۴۴) اما به گفته کسروی اگرچه کشندگان به نام شناخته نشدند، ولی بی‌گمان از گروه حیدر عمو اوغلی بودند و این کار را به دستور تقی‌زاده انجام دادند. (کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۱۳ و ۱۳۱). دولت‌آبادی یکی از علت‌های قتل بهبهانی را دستیاری وی در صدور حکم تکفیر تقی‌زاده توسط علمای نجف خوانده است. (دولت‌آبادی، همان، ج ۳، ص ۱۳۶).

۳. ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، صص ۱۳۲۳-۱۳۲۷.

۴. برای دریافت اطلاع بیشتر، ن. ک: بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران؛ ج ۲، صص ۱۰-۲۱.

ستارخان سردار ملی

ستارخان از اهالی ارسباران و ساکن تبریز بود. او به همراه باقرخان، سالار ملی، مدافعان مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه در دوره استبداد صغیر بودند. ستارخان اول کسی بود که مردم را به مقاومت دعوت کرد و چندین ماه با قوای دولتی درگیر شد و نگذاشت تبریز به دست مستبدان بیفتد. او در اصل از پایین ترین طبقات اجتماعی و دارای خوی عیاری و جوانمردی بود. ستارخان و باقرخان به دعوت تلگرافی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، مرجع تقلید بزرگ شیعیان جهان، در روز چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۸ ق به تهران آمدند و مردم پایتخت استقبال گرمی از آنها به عمل آوردند اما در گیرودار اختلاف های حزبی و جناحی در واقعه خلع سلاح گروه ها در ۳۰ رجب سال ۱۳۲۸ ق ستارخان که به اتفاق تفنگچی های همراهش، در پارک اتابک، توسط نیروهای پیرم خان ارمنی، محاصره شده بودند، پایش تیر خورد و سرانجام در ۲۸ ذی الحجه سال ۱۳۳۲ ق در اوایل جنگ جهانی اول، دارفانی را وداع گفت.

معروف است که وقتی در جریان مبارزه های تبریز عرصه بر او تنگ شد، کنسول روس پیام داد که پرچم روس را بالای خانه اش نصب کند. او پاسخ داد: «ژنرال کنسول؛ من می خواهم که هفت دولت به زیر بیرق دولت ایران بیایند. من زیر بیرق بیگانه نمی روم.» و این مشابه پاسخی بود که مرحوم شیخ فضل الله به پیام سفارت روس داد.



مجلس نوپای مشروطه و مداخله بیگانگان

طبق تصمیم دوره دوم مجلس شورای ملی، عده ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره دارایی و

خزانه‌داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری، و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند.^۱ مورگان شوستر آمریکایی، معروفترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح‌هایی دامنه‌دار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ش روسیه، طی اخطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

۱. اقدام‌های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.
 ۲. بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود.
 ۳. هزینه‌نگهداری قوای روسیه در ایران را، دولت ایران پرداخت کند.
- با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد.^۲ اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت. مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام‌السلطنه، نخست‌وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آنها در اداره کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سر و سامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند.^۳ آیت‌الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند، تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه عراق، آماده عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.^۴

۱. در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه‌جویانه آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته نشان نداده بود و دولتمردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه‌گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می‌دادند.

۲. هوشنگ مهدوی، همان، صص ۳۳۹-۳۴۱.

۳. جهادیه، صص ۲۲ و ۴۱-۵۲؛ شوستر، *اقتصاد ایران*، ص ۲۴۱.

۴. نجفی فوجانی، *سیاحت شرق*، صص ۲۸۳-۲۸۵.

آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۱۸-۱۲۹۰ ش)



در سال ۱۲۱۸ ش در مشهد متولد شد و در بیست و دو سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی تحصیل فلسفه، به نجف مشرف شد و دو سال محضر درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرد. آخوند خراسانی بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بود، اما خود نیز مستقلاً در نجف حوزه درس تشکیل می داد، و گفته می شود ۱۲۰۰ شاگرد از محضرش استفاده می کردند. شهرت اصلی او در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول که مرجع درسی مهم حوزه های علمی به شمار می رود، توسط وی نگاشته شده است. در اثنای

نهیض مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان یکی از مراجع تقلید مهم شیعه بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعه عراق، برای اصلاح اوضاع ایران پس از مشروطه و مقابله با غرب گرایان آماده عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

روس ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم (ع) را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.

در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد.^۱ سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش / ۱۹۱۲ م این دو کشور سلطه گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.^۲

۱. سفیری، پالیس جنوب ایران، ص ۳۵.

۲. اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم، صص ۳۶-۴۳.

تاج گذاری احمدشاه

چند روز پس از آنکه احمدشاه قاجار تاجگذاری و مجلس شورای ملی دوره سوم شروع به کار کرد، جنگ جهانی اول درگرفت؛ اما شاه جوان و مجلس جدید نتوانستند ایران را از هجوم بیگانگان در امان نگاه دارند.

جنگ جهانی اول و اعلان بی طرفی

در سال ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش جنگ جهانی اول میان دولت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در مقابل آلمان و امپراتوری اتریش- مجارستان آغاز شد. ایران از نظر سیاسی و اقتصادی کشوری بحران زده و در اشغال نیروهای بیگانه بود و توان بهره برداری از شرایط جنگ را نداشت. رئیس الوزرای ایران یعنی مستوفی الممالک اعلان سیاست بی طرفی کرد ولی در این کار موفقیتی به دست نیاورد؛ زیرا موقعیت حساس ایران برای نیروهای درگیر جنگ مهم بود.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا دولت‌های روسیه و انگلیس به بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول توجه نکردند؟

برگی از تاریخ

آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری (۱۹ دی ۱۲۲۶ ش نجف - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۳ ش جهرم) خانواده آیت‌الله عبداللّه لاری از علما و روحانیون دزفولی الاصل ساکن نجف اشرف بودند. آیت‌الله لاری، فقیه و سیاستمدار و از شاگردان میرزای شیرازی بود که در ۲۲ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد و یکی از بزرگ‌ترین استادان حوزه علمیه نجف شد. بنا به درخواست مردم لارستان و موافقت میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۰ ش به لار آمد و به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد. وی مدرسه و حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد که توانست شاگردان نامداری را برای گسترش بیداری اسلامی تربیت کند. وی همچنین گروه‌هایی مسلح تربیت کرد که بعدها به تفنگچیان سید لاری و چریک‌های فارس مشهور شدند. وی فرمان اخراج مبلغان مسیحی و جمع‌آوری کتب ضاله را از آن منطقه صادر کرد. این اقدام وی خشم انگلیسی‌ها را برانگیخت. وی پس از این ماجرا

۱. فن میگوشت، واسموس، صص ۱۶۱-۱۸۳.

طی فتوایی وجوب انحلال رژیم سلطنتی قاجار را صادر کرد. آیت‌الله لاری موفق شد یک حکومت اسلامی در لارستان تأسیس کند. پس از چندی بندرعباس، بندرلنگه، بوشهر، استان کرمان و فارس زیر نظر حکومت اسلامی قرار گرفت. او در گام بعدی استفاده از کالاهای خارجی – به خصوص انگلیسی و روسی – را از آنجا که موجب تقویت دشمنان اسلام و افزایش قدرت استعمارگران می‌شد و وابستگی اقتصادی فراهم می‌کرد، تحریم کرد. وی از علمای مبارز دوره مشروطه و الگوی مورد نظر وی مشروطه مشروعه بود. از ایشان ۴۰ اثر بر جا مانده است که یکی از آنها «قانون مشروطه مشروعه» است.

از اواسط سال ۱۲۹۴ ش روس و انگلیس (متفقین) بر آلمان و عثمانی (متحدین) در این منطقه چیره شدند و انگلیس با جلب موافقت روسیه، عبدالحسین میرزا فرمانفرما را که به طرفداری انگلیس شهرت داشت، به عنوان رئیس‌الوزرای ایران بر سر کار آورد و از این پس دولت ایران در برابر خواسته‌های ننگین و سلطه‌گرانه روس و انگلیس تسلیم شد. چون دولت عثمانی همسایه غربی ایران به متحدین پیوست، اهمیت کشور ما برای متفقین دو چندان شد. به همین دلیل انگلستان و روسیه قرارداد ستری ۱۹۱۵ م را با هم امضا کردند. طبق این قرارداد دو منطقه نفوذ در عهدنامه ۱۹۰۷، به منطقه اشغالی تبدیل شدند. روسیه منطقه تحت نفوذ خود را اشغال کرد و در مقابل، دولت انگلستان نیز در سال ۱۹۱۶ م به تأسیس پلیس جنوب دست زد. فرماندهی پلیس جنوب به عهده سیر پرسی سایکس^۱ بود. او با استفاده از این قوای نظامی توانست، مقاومت دلیرانه رئیس‌علی دلواری و عشایر تنگستانی را سرکوب کند.^۲

بیشتر بدانید

امام و اشعار بهار

دفترچه شعری که از دوران نوجوانی امام خمینی برجای مانده است، نمایانگر آشنایی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود می‌باشد. اشعار این دفترچه حاوی سروده‌های شعرای مشهور آن زمان است. در بخشی از این دفترچه شعر که به خط امام در سنین ۹-۱۰ سالگی نوشته شده است، سروده‌ای از محمدتقی بهار، ملک الشعرا، به چشم می‌خورد که به حادثه اشغال قسمت‌هایی از مناطق شمالی و جنوبی ایران به وسیله انگلیس و روسیه و تشویق ایرانیان به قیام علیه بیگانه و دفع تجاوز پرداخته

1. Sir Percy Sykes

۲. ن. ک: سپهر، ایران در جنگ بزرگ، صص ۷۳-۸۶.

است. بخشی از این سروده چنین است:
های ای ایرانیان، ایران اندریلاست
ملک داریوش، دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن ازدهاست
غیرت اسلام کو، جنبش ملی کجاست
برادران رشید، برادریتان چه شد؟
به عرصه رزمگاه دلاوریتان چه شد؟
خضم به ما خیره گشت، خیره سریتان چه شد؟
به دشمن کینه جوی، کینه گزیتان چه شد؟^۱

در این دوران، دولت را به ظاهر شاه و مجلس تعیین می کردند، ولی در نهان توافق سفارت های روس و انگلیس شرط اصلی انتخاب نخست وزیر بود. در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش حکومت تزاری روسیه در مقابل انقلاب بلشویکی شکست خورد و روس ها خروج سربازان خود از ایران را آغاز کردند؛ بنابراین انگلیس یکه تاز میدان سیاست ایران شد.

بدون تردید نهضت عدالت خواهی و مشروطه طلبی از نقاط عطف تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران است که آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت. این نهضت نتیجه تجربیات طولانی مردم ایران در حفظ استقلال و سربلندی این کشور کهن بود. البته به دلیل مداخله های بیگانگان و عوامل وابسته به آنها انحرافات در این نهضت به وجود آمد.

یکی از مهم ترین عبرت های مشروطه، لزوم دشمن شناسی است. بی توجهی به خطر استعمار و نقش آن در انحراف حرکت عدالت خواهانه ملت ایران، باعث شد تا نهضت مردمی به پیشسازی مجتهدان، به جایی برسد که سلطنت به غایت استبدادی و وابسته تر پهلوی، بر ایران تحمیل شود.

در درس های بعد با دخالت های انگلستان در ایران و قدرت یافتن رضاخان آشنا خواهید شد.^۲

۱. ن. ک: ملک الشعراء بهار، دیوان شعر، ج ۱، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲. به دلیل عمق ریشه نهضت دینی - ملی مشروطیت در بین ملت، بلافاصله پس از سقوط رضاشاه، شاهد رویش مجدد حکومت های نسبتاً مستقل تر و نزدیک تر به روح مشروطه در تاریخ دوازده ساله ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش و ملی شدن صنعت نفت و تشکیل حکومت ملی در کشور بودیم. بدون تردید جمهوری اسلامی ایران نیز شکل تکامل یافته حکومتی است که از ابتدا مورد نظر پیشکسوتان و بزرگان نهضت مشروطیت نظیر آخوند ملاکاظم خراسانی، محمدحسین نائینی، شیخ فضل الله نوری، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و سید حسن مدرس بوده است.

رئیس علی دلواری (۱۲۶۱ - ۱۲۹۴ ش)



رئیس علی، فرزند زایر محمد، در سال ۱۲۶۱ ش دیده به جهان گشود. در تیراندازی و سوارکاری که لازمه زندگی دشوار آن روزگار بود، از خود استعدادی شگرف نشان داد. او به مراسم و واجب‌های دینی مقید بود و هیچ‌گاه در گرفتن روزه و به پا داشتن نماز، غفلت نمی‌کرد. رئیس علی این روحیه را با عشق به مردم درهم آمیخت و از همان نوجوانی و جوانی، به مسائل کشور، توجهی خاص نشان می‌داد.

فعالیت‌های سیاسی را از دوره مشروطه آغاز کرد. او با پیروی از آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی اهرمی، در دوره استبداد صغیر، قیام کرد و با همراهی دیگر مبارزان، بوشهر را به تصرف درآورد. با آغاز جنگ جهانی اول و حضور نیروهای انگلیسی در بوشهر مردانه قد برافراشت تا آنکه به یک قیام عمومی دست یافت. حمله او در مرداد ۱۲۹۳ در بوشهر و غلبه بر دشمنان، ابهت انگلیس در ایران را درهم شکست و نام رئیس علی در هر کوی و برزن بر سر زبان‌ها افتاد، اما در یکی از حمله‌های بی‌امان خود به دشمن، توسط عوامل داخلی بیگانگان مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. جنازه رئیس علی توسط مادرش به نجف اشرف منتقل و در منطقه وادی السلام به خاک سپرده شد.

شعر زیر که بر سر در خانه او حک شده است، نشانگر عشق او به امام علی (ع) است :

ز تیغ شیر خدا چون رواج شرع نبی شد از این سبب به همه مسلمین، رئیس علی شد

پرسش‌های نمونه

۱. احمد شاه چگونه به سلطنت رسید؟
۲. سه نمونه از دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران را در دوره دوم مشروطه بنویسید.
۳. دولت روسیه در اخطاری که در سال ۱۲۹۰ ش به ایران داد، چه درخواست‌هایی مطرح کرد؟
۴. چرا نیروهای بیگانه در جنگ جهانی اول علی‌رغم اعلام سیاست بی‌طرف ایران، کشور ما را اشغال کردند؟
۵. پیامدهای قرارداد ۱۹۱۵ م چه بود؟

اندیشه و جست و جو

۱. در زمینه مقاومت‌های مردمی در جنوب ایران در مقابل نیروهای انگلیسی در جنگ جهانی اول گزارشی تهیه کنید.
۲. در مورد دولت موقت ملی (دولت مهاجرین) که در زمان جنگ جهانی اول در کرمانشاه تشکیل شد، مطلبی تهیه کنید.
۳. علل اصلی ایجاد انحراف در نهضت مشروطه چه بود؟ و چه نتایجی در پی آورد؟



کودتای ۱۲۹۹

در این درس با زمینه‌های کودتای ۱۲۹۹ ش آشنا می‌شوید. اهداف و سیاست‌های دولت انگلستان پس از شکست قرارداد ۱۹۱۹ م و چگونگی اجرای کودتا، از دیگر مباحث این درس است.

اهمیت ایران برای انگلستان

با وقوع انقلاب سوسیالیستی روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش که به حکومت تزارها در روسیه پایان داد، روس‌ها به سبب سرگرم شدن به مشکلات داخلی خود، نیروهای خود را از شمال ایران بیرون بردند.

این حوادث، زمینه را برای سلطه انحصاری دولت انگلستان در ایران فراهم کرد. انگلیسی‌ها که در صحنه سیاسی ایران بی‌رقیب مانده بودند، سیاست خارجی خود را، با توجه به تحولات سیاسی جهان پس از جنگ جهانی اول، تغییر دادند. تسلط بر منطقه حساس خاورمیانه و منابع نفت آن که اهمیت آن در جنگ جهانی اول مشخص شده بود و ایجاد کمر بند آهنین در برابر نفوذ شوروی، از جمله سیاست‌های جدید دولت انگلستان در خاورمیانه بود.

تا پیش از خارج شدن نیروهای روسی از ایران، سیاست دولت انگلستان، بر پایه جلوگیری از ایجاد حکومت مرکزی قدرتمند در ایران بود. اما پس از وقوع این تحولات سیاست انگلستان، به سوی ایجاد حکومت مرکزی مقتدر در ایران متمایل شد؛ زیرا دولت انگلستان برای تثبیت منافع دائمی خود در ایران، کنترل منطقه حساس خاورمیانه و سرکوب نهضت‌های ضد استعماری در کشور، نیازمند به یک دولت مرکزی قدرتمند بود.

پس از جنگ جهانی اول در واکنش به نفوذ بیگانه و فساد حاکم بر کشور جنبش ضد استعماری «جنگل» به رهبری میرزا کوچک خان، روحانی مبارز، شکل گرفت. هم‌زمان با آن، شیخ محمد خیابانی



محمد تقی خان پسیان

در تبریز، کُنل محمدتقی خان پسیان در خراسان و تنگستانی‌ها در جنوب، با حمایت علمای فارس، قیام‌های پی‌درپی را علیه نفوذ انگلستان سازمان دادند. این مسائل، به اضافهٔ مخارج سنگین پلیس جنوب که از سوی انگلیسی‌ها اداره می‌شد و اهمیت روزافزون نفت، ضرورت وجود یک حکومت مرکزی مقتدر و ابسته را، برای انگلستان، دو چندان می‌کرد.^۱

برگی از تاریخ

میرزا کوچک خان (۱۲۶۰-۱۳۰۰ ش)

یونس، معروف به «کوچک خان»، فرزند میرزا بزرگ، در سال ۱۲۶۰ ش در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال‌های اولیه عمر به مدرسه «حاجی حسن» در صالح آباد رشت رفت و به تحصیلات دینی مشغول شد اما حوادث ناگوار کشور و نفوذ بیگانگان، امر جهاد را ضروری‌تر از هر کار دیگر می‌نمود. بنابراین، در اواخر سال ۱۲۹۵ ش در حوالی تالش کمیته‌ای به نام «اتحاد اسلام» تشکیل داد، و قیامی مسلحانه را علیه بیگانگان آغاز کرد. او اصول نهضت را بر پایهٔ اسلام و تبعیت از تعالیم آن بنا کرد. این نهضت، بعد از مشروطه، یکی از بزرگ‌ترین قیام‌هایی بود که علیه نابسامانی موجود و نجات کشور از نفوذ بیگانگان شکل گرفته بود. نهضت مذکور و رهبران، یکی از مانع‌های اصلی نفوذ انگلیس در ایران، و به‌ویژه، اجرای قرارداد ۱۹۱۹م و ثوق‌الدوله با آن دولت بود. میرزا کوچک خان تا آخرین نفس در راه وطن جنگید و سرانجام در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ به شهادت رسید.

بیشتر اعضای نهضت جنگل، دارای باورها و روحیهٔ مذهبی بودند. آنان برخی از باورهای خود را در روزنامهٔ جنگل چنین اعلام کردند: «ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم. نباید مسلمانان برادرکشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی، به جان هم افتاده و مجال استفاده به دشمن عمومی بدهند. و به حکم اینکه ما ایرانی و مسئول و وظیفه‌دار حفظ این آب و خاک هستیم، ایران و وطن مقدس ایرانیان، در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیت، البته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود...»^۲

۱. مخارج سالیانهٔ پلیس جنوب، طبق برآورد هشت ماهه، بالغ بر بانصد و سی میلیون قران بود. پس از امضای قرارداد ۱۹۱۹م مقرر شد سایر قوای نظامی ایران، به همراه پلیس جنوب، یک قشون متحدالشکل تشکیل دهند. (ن. ک: کحال زاده، دیده‌ها و شنیده‌ها، ص ۴۱۷). جهت اطلاع بیشتر ن. ک: شیخ الاسلامی، اسناد محرمانهٔ وزارت خارجهٔ بریتانیا، ج ۱، صص ۵-۵۳ و ۵۸-۶۰؛ سفیری، پلیس جنوب، ص ۲۵۵؛ بیات، جنگ جهانی اول در جنوب ایران، ص ۱۴۲.

۲. رواسانی، نهضت جنگل، صص ۳۶-۴۸؛ عظیمی، نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه، صص ۱۵-۱۸.

تسلط انگلستان بر نیروهای نظامی ایران

انگلستان پس از انقلاب سوسیالیستی روسیه در صدد برآمد که نیروی قزاق و قوای نظامی ایران را به اختیار و اداره خود درآورد. همچنین، به بهانه‌های مختلف از جمله «خطر کمونیسم»، حاضر به بیرون بردن قوای نظامی خود از ایران نبود. نیروهای روسیه، پس از اینکه ناحیه‌های جنوبی کشور خود را از عنصرهای مخالف پاک‌سازی کردند، در تعقیب گروه‌هایی از آنان، وارد شهرهای شمالی ایران شدند. نیروهای انگلیسی در مقابله با نیروهای دولت انقلابی شوروی شکست خوردند و عقب‌نشینی کردند. در چنین شرایطی بود که دولت انگلستان، «ژنرال آیرون ساید» را به فرماندهی نیروهای خود در ایران برگزید.

قرارداد ۱۹۱۹

هنگامی که وثوق‌الدوله در سال ۱۲۹۸ش به نخست‌وزیری رسید، دریچه‌ای تازه برای اجرای سیاست‌های استعماری انگلستان، در ایران گشوده شد. با انجام مذاکرات محرمانه میان وثوق‌الدوله و سِرپرسی کاکس، قرارداد ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش موسوم به قرارداد «وثوق‌الدوله - کاکس» منعقد گردید. محتوای این قرارداد که در ابتدا کاملاً محرمانه نگه داشته شد، موجب شکل‌گیری سیستم «تحت‌الحماگی» ایران از سوی دولت انگلیس می‌شد، زیرا به موجب آن، نظارت بر تشکیلات نظامی، مالی و سیاسی ایران، منحصراً در اختیار مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت.^۱ انتشار خبر این قرارداد، موجب مخالفت آزادی‌خواهان و شخصیت‌های سیاسی - مذهبی ایران شد.

۱. برای کسب اطلاع بیشتر از مفاد قرارداد ۱۹۱۹، ن. ک: هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، ص ۳۶؛ ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره اول مشروطه، صص ۵۹ و ۶۰.

شیخ محمد خیابانی



خیابانی اصلاح‌گری ژرف‌نگر، روحانی‌ای آگاه، آزادی‌خواهی روشنگر و مجاهدی مؤمن از شاگردان آیت‌الله میرزا ابوالحسن انگلیسی بود. از علم منطق، حکمت، کلام، تاریخ، طبیعیات، نحو و هیئت بهره داشت و به اخلاق نیک و زهد و تقوا معروف بود. مدتی در مسجد کریم‌خان تبریز، محله خیابان، امامت جماعت بود و جمعیتی بسیار به او اقتدا می‌کردند. پس از بسته شدن قرارداد ننگین و وثوق‌الدوله که ایران را تحت‌الحمایه انگلیس می‌کرد، تبریز را علیه آن شوراند و شهر را تصرف کرد. وی در صدد تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام بود.

سرانجام این سرباز رشید اسلام و آزادی، به وسیله حاکم وقت ایالت آذربایجان، مخبرالسلطنه هدایت، به شهادت رسید. ملک الشعرای بهار در وصف او مرثیه بلندی سرود که بیتی از آن چنین بود:

سرتاسر ایران، کفن سرخ بیوشد

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد

سرانجام، با اوج‌گیری مخالفت‌های مردم و تلاش‌های آیت‌الله مدرس و دیگر شخصیت‌های سیاسی، اجرای قرارداد و وثوق‌الدوله متوقف ماند.

کودتای ۱۲۹۹

شکست انگلستان در اجرای قرارداد ۱۹۱۹م، آغازی برای طرح کودتای ۱۲۹۹ ش به شمار می‌رود^۱. سیاستمداران انگلستان با تجربه لغو قرارداد و وثوق‌الدوله، در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کردند و به جای «مداخله مستقیم» در امور داخلی ایران روش «مداخله غیرمستقیم» را در پیش گرفتند.

عامل دیگری که آن دولت را به سمت سیاست مداخله غیرمستقیم سوق داد، نفرت تاریخی مردم مسلمان ایران از نظام استعماری انگلستان بود. یکی از شاخصه‌های سیاست مداخله غیرمستقیم بود.

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: لوسوئر، زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹، ص ۷۱.

عاملان کودتا

دولت انگلیس برای اجرای هدف‌ها و برنامه‌های استعماری خود در ایران، نیازمند افرادی بود که قادر به اجرای سیاست‌های مورد نظرش باشند. برای این منظور، یک فرد سیاسی و یک فرد نظامی را انتخاب کرد. این دو نفر، سید ضیاء‌الدین طباطبایی (مدافع قرارداد ۱۹۱۹) و رضاخان میرپنج (فرمانده نیروی قزاق) بودند.

نقشه انگلستان این بود که توسط مهره‌های داخلی و بدون سلطه مستقیم نظامی، مقاصد خود را در ایران تأمین کند.^۱

بیشتر بدانید

حسن اعظام قدسی در کتاب خاطرات خود، علت‌های کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ را چنین بیان کرده است: «روزی برحسب خواسته‌ای با قنسول انگلیس در مشهد ملاقاتِ دوستانه‌ای انجام شد. قنسول انگلیس گفت: بعد از مأیوس شدن از قراردادی که با وثوق الدوله منعقد گردید [قرارداد ۱۹۱۹]، لطمه بزرگی به سیاست انگلستان وارد شد که شاید کمتر سابقه داشت. این بود که زمامداران انگلستان در مقام عمل تصمیم گرفتند که طرح و نقشه خود را به صورت دیگری به اجرا درآورند: اول اینکه در ایران قوای نظامی و سیاسی در یکجا متمرکز شود. دوم، استقلال پول ایران از راه نشر اسکناس [رواج یابد]. سوم، تجدید قرارداد نفت [امکان‌پذیر گردد]. چهارم، از میان بردن عشایر، خاصه در نقاط مرزی ایران. پنجم، از بین بردن روحانیون و ضعیف کردن آنها که عامل شکست‌های انگلستان بودند. ششم، برهم زدن بساط عزاداری امام حسین (ع) که خود بزرگ‌ترین وسیله برای خنثی کردن سیاست دولت انگلستان بود. هفتم، گرفتن کارهای بزرگ از مردان دوراندیش و دادن آنها به دست اشخاص فرومایه و بی‌ایمان...»^۲

چگونگی اجرای کودتا

در بهمن ماه ۱۲۹۹ با حضور آبرون‌ساید، میان دو عامل کودتا، ملاقاتی در قزوین صورت گرفت. در این دیدار، رضاخان پذیرفت که پس از فتح تهران توسط نیروهای قزاق، مقام نخست‌وزیری به سید ضیاء‌الدین طباطبایی سپرده شود.

با توجه به اینکه فرمانده نیروهای ژاندارم و دیگر محافظان پایتخت قبلاً از سوی انگلیسی‌ها تطمیع

۱. ن. ک: رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، صص ۲۰۸-۲۱۴.

۲. اعظام قدسی، همان، ج ۲، ص ۴.

شده بودند، نیروهای کودتاجی بدون هیچ گونه مقاومت جدی، در سوم اسفندماه، شبانه وارد تهران شدند و تمام مناطق حساس پایتخت را به اشغال خود درآوردند.^۱

بیشتر بدانید

ژنرال آبرون سایید در یادداشت‌های خود در ۱۴ ژانویه ۱۹۲۱/۲۴ دی ماه ۱۲۹۹ نوشته است: «شخصاً عقیده دارم که پیش از آنکه از اینجا بروم بتوانم قزاق را به حال خود رها کنم. در واقع یک دیکتاتوری نظامی می‌تواند گرفتاری‌های ما را برطرف کند و ما را قادر خواهد ساخت که بی‌هیچ دردمندی، این کشور را ترک کنیم».

وی پس از ملاقات با رضاخان در ۱۲ فوریه ۱۹۲۱/۲۳ بهمن ماه ۱۲۹۹ اعلام کرد: «من با رضاخان مصاحبه کردم، و سرکردگی [قزاق] ایرانی را به طور قطع به او سپردم».^۲

با تصرف تهران حکومت کودتا مستقر شد و بلافاصله به دستور سیدضیاءالدین طباطبایی، بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، از جمله آیت‌الله مدرّس، که از مخالفان سیاست‌های انگلستان در ایران بود، دستگیر و روانه زندان شد. سیدضیاء چند روز پس از کودتا به حضور احمدشاه رفت و رسماً کابینه خود را تشکیل داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید تفاوت استعمار نو و استعمار کهنه چیست؟

۱. برای مطالعه بیشتر درباره کودتای ۱۲۹۹ ن. ک: ملک الشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، صص ۶۶-۶۸، ۸۵ و ۸۶؛ کرونین، ارتش و حکومت پهلوی، صص ۱۳۱-۱۵۹، مدنی، همان، ج ۱، صص ۹۷-۹۹؛ خاطرات سری آبرون سایید، صص ۳۶۶-۳۶۸؛ رایت، همان، انگلیسیان در ایران، صص ۲۴۵-۲۵۱.

۲. آبرون سایید، خاطرات سری آبرون سایید، صص ۲۱۸-۲۲۵.

نیکی کدی در این باره چنین نوشته است: «اکنون این مطلب روشن شده که فرمانده نیروهای انگلیسی ایران، ژنرال آبرون سایید، ابتدا به رضاخان کمک کرد که قدرت را در تپ قزاق به دست آورد، سپس او را به انجام کودتا تشویق نمود». (کدی، ریشه‌های انقلاب، ص ۱۳۸). درباره نقش آبرون سایید در کودتای ۱۲۹۹، همچنین ن. ک: شیخ الاسلامی، قتل اتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، ص ۲۸۶؛ رایت، انگلیسیان در ایران، صص ۲۴۵-۲۵۱. آبرون سایید، خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرون سایید، صص ۶۰-۶۹ به بعد؛ آبرون سایید، خاطرات سری آبرون سایید، صص ۸-۳۶۶.

سیدضیاء که مورد حمایت کامل سفارت انگلیس بود، به قصد منحرف ساختن افکار عمومی، با تبلیغات فراوان، قرارداد ۱۹۱۹ را که به همت افرادی چون آیت‌الله مدرّس عملاً متروک مانده بود، لغو کرد، تا برای سرپوش نهادن بر نقش انگلستان در کودتا، دولت خود را کابینه‌ای ملی و ضدانگلیسی نشان دهد.



رضا خان

ظاهرسازی‌های سیدضیاء و تندروی‌های او، موجی از مخالفت را علیه وی برانگیخت. از سوی دیگر، خودسری‌های رضاخان سردار سپه در اختصاص درآمد شهرداری و اداره‌های مالی به نفع قزاق‌های زیر فرمایش، بر مشکلات دولت می‌افزود. بروز اختلاف و جنگ قدرت میان سیدضیاء و رضاخان، سیدضیاء را وادار کرد که وزارت جنگ را به او واگذار کند. به این ترتیب، رضاخان، دومین گام را در راه رسیدن به حکومت برداشت.

دولت انگلستان که از اختلاف میان سیدضیاء و رضاخان آگاه بود، تصمیم گرفت که از رضاخان حمایت کند.

به گفته مورخان، رضاخان از استعدادی

خارق‌العاده و برتر از دیگران برخوردار نبود، اما به خاطر روحیه استبدادی و نظامی‌گری‌اش، در مقایسه با رجال هم‌عصر خود برجستگی‌هایی داشت که او را در رسیدن به اهدافش یاری می‌کرد. وی در راه رسیدن به موقعیت مورد نظرش، نیت و قصد خود را تا آخرین لحظه مکتوم می‌داشت. به علاوه، چنان که خود او گفته است، از زیر هیچ کاری شانه خالی نمی‌کرد.^۱ بنابراین به آسانی می‌توانست برای مردان سست‌اراده و ناکارآمد خاندان قاجار، جایگزین مناسبی باشد.

۱. ارفع، در خدمت پنج سلطان، ص ۱۹۵؛ همچنین ن. ک: بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی تا انقراض قاجاریه، ج ۱، صص

بیشتر بدانید

ژنرال آیرون ساید که یکی از عامل‌های خارجی کودتا بود، در «خاطرات سری» خود نوشته است: «من اطلاع پیدا کردم که رضاخان نقشه کودتا را با موفقیت در تهران اجرا کرده است. تصور می‌کنم همه مردم ایران بر این عقیده باشند که نقشه کودتا را من کشیده و اجرای آن را از پشت پرده نظارت کرده باشم. اگر راست‌مطلب را بخواهم بنویسم، حقیقت هم همین است»^۱.

البته آنچه که آیرون ساید بیان کرده است همه واقعیت نیست، زیرا او تنها یکی از عاملان اجرایی کودتا بود. طراحان و عامل‌های اصلی، دست‌های آشکار و پنهانی بودند که در حاکمیت دولت انگلستان قرار داشتند. آنان با توسل به چند واسطه، گرداننده اصلی این غائله بودند و بی‌آن که ردپایی آشکار از خود باقی بگذارند، کودتا و چگونگی صعود رضاخان به سلطنت را مدیریت می‌کردند.

یکی از این عامل‌ها سِر وینستون چرچیل وزیر مستعمرات وقت انگلیس بود که در آن زمان، نقشی مؤثر در تعیین سیاست خارجی انگلستان داشت. او بر این باور بود که دولت انگلستان نباید در امور ایران دخالت مستقیم و آشکار داشته باشد؛ بلکه باید با استفاده از سیاست دخالت غیرمستقیم و ایجاد یک حکومت مقتدر و در عین حال وابسته، مقاصد و مطامع دولت انگلستان را در ایران عملی سازد. این سیاست با هدف کاهش نفوذ شوروی در منطقه حساس خاورمیانه توسط سه کشور ایران، ترکیه و افغانستان بود. روی کار آمدن سه عامل وابسته به سیاست انگلستان، یعنی رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه و امان‌الله‌خان در افغانستان، نتیجه این سیاست به شمار می‌رود.

علاوه بر نقش تعیین‌کننده وینستون چرچیل در روی کار آمدن حکومت‌های وابسته، باید از نقش دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی انگلستان، و اردشیرجی (ریپورتر)^۲، در ظهور سلسله پهلوی و کودتای ننگین سوم اسفند ۱۲۹۹ یاد کرد.

۱. آیرون ساید، *خاطرات سری آیرون ساید*، ص ۳۳۷.

۲. دکتر محمد مصدق با بیان خاطره‌ای به نقل از سردار سپه (رضا شاه) گواهی می‌دهد که انگلیسی‌ها او را روی کار آوردند. (کی استوان،

سیاست موازنه منفی، ج ۱، ص ۳۴).

ژنرال آیرون ساید در خاطرات خود اعتراف می‌کند، از طریق اردشیرجی با رضاخان آشنا شده است. سردنيس رایت نیز در کتاب خود می‌نویسد اردشیرجی برای نخستین بار در ۱۹۱۷ م با رضاخان آشنا شد و او را در جریان مأموریت آیرون ساید قرار داد. اردشیرجی، رضاخان را به آیرون ساید معرفی کرد. (آیرون ساید، *خاطرات سری آیرون ساید*، ص ۳۳۸؛ رایت، همان، ص ۲۰۹؛ *وصیت‌نامه اردشیر ریپورتر*؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، صص ۱۴۹-۱۵۱).

پرسش‌های نمونه

۱. دولت انگلستان پس از جنگ جهانی اول چه سیاست‌هایی در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کرد؟
۲. پس از پایان جنگ جهانی اول در ترکیب نیروهای نظامی انگلیس و روس در ایران چه تغییراتی ایجاد شد؟
۳. ماهیت قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس چه بود؟
۴. چه عواملی انگلستان را در دوران بعد از جنگ جهانی اول به سوی مداخله غیر مستقیم در ایران سوق داد؟
۵. سید ضیاء الدین طباطبایی پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به چه اقداماتی دست زد؟
۶. دولت سید ضیاء الدین طباطبایی با چه مشکلاتی مواجه بود؟

اندیشه و جست و جو

۱. با راهنمایی دبیر محترم، متن قرارداد ۱۹۱۹ را از یکی از منابع پیدا کنید و چند بند از آن را در کلاس بررسی کنید.
۲. تحقیق کنید که در عصر رضاشاه، تحولات فرهنگی در کشورهای ایران، ترکیه و افغانستان چه بود و کشورهای استعماری به دنبال چه هدفی بودند؟
۳. قراردادهای دوره فتح تهران تا پایان سلطنت احمدشاه را با قراردادهای دوره ناصرالدین و مظفرالدین شاه مقایسه کنید.



رضاخان؛ تثبیت قدرت

در این درس به رویدادهای پس از سقوط کابینه سیاه، دوران تثبیت قدرت رضاخان تا نخست وزیری و جمهوری خواهی او می پردازیم.

سقوط کابینه سیاه^۱

عمر دولت سیدضیاءالدین طباطبایی کوتاه بود. او پس از گذشت سه ماه، از مسند قدرت کنار گذاشته و با حمایت انگلستان از کشور خارج شد و به فلسطین که در آن زمان تحت قیمومت انگلیس بود، رفت. پس از سیدضیاء، قوام السلطنه^۲ مأمور تشکیل کابینه شد. سفارت انگلستان پیشنهاد کرد تا بعد از سیدضیاء، رضاخان، عامل دیگر کودتا، به نخست وزیری منصوب شود اما این پیشنهاد با مخالفت احمدشاه روبه رو شد و قوام به نخست وزیری رسید.^۳

دولت های ناپایدار

بعد از کودتای ۱۲۹۹ش، جاه طلبی های رضاخان، راه را برای ایجاد حکومت خودکامه و استبدادی هموار کرد. در این زمان دولت های ناپایدار یکی پس از دیگری تشکیل شد اما رضاخان، با وجود تعویض کابینه های سیدضیاء^۴، قوام السلطنه^۵، مشیرالدوله^۶ و مستوفی الممالک^۷، همچنان بر مصدر قدرت و وزارت

۱. کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی به دلیل اعمال خشونت و تندروی به کابینه سیاه معروف شد.

۲. احمد قوام (قوام السلطنه) از وابستگان معروف انگلستان و برادر وثوق الدوله، عاقد قرارداد ننگین ۱۹۱۹م بود.

۳. مکی، همان، ج ۱، ص ۳۷.

۴. نخست وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی از اسفند ۱۲۹۹ تا خرداد سال ۱۳۰۰ به طول انجامید. او پس از خارج شدن از ایران به سرزمین های اشغالی فلسطین رفت و اقدام به خرید زمین های مسلمانان و فروش آنها به صهیونیست های اشغال گر کرد.

۵. قوام السلطنه بعد از کودتا تا نخست وزیری رضاخان، دوبار منصب نخست وزیری را به عهده گرفت. بار اول از خرداد تا بهمن ماه ۱۳۰۰ و نوبت دوم از خرداد تا بهمن ماه سال ۱۳۰۱ ادامه یافت.

۶. نخست وزیری مشیرالدوله بار اول از بهمن ۱۳۰۰ تا خرداد ماه ۱۳۰۱ و نوبت دوم از خرداد تا آبان ماه ۱۳۰۲ ادامه یافت.

۷. نخست وزیری مستوفی الممالک از بهمن ماه ۱۳۰۱ تا خرداد ماه سال ۱۳۰۲ ادامه یافت.

جنگ باقی ماند. او در طول این مدت، تسلطش را بر ارتش تثبیت کرد، ژاندارمری را از «وزارت داخله» (وزارت کشور) به «وزارت جنگ» انتقال داد و بر نفوذ خود افزود.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا رضاخان و انگلیسی ها بیشتر به نیروهای نظامی و انتظامی متکی بودند؟

اقدام های خودسرانه و خشونت آمیز رضاخان در دوران تصدی وزارت جنگ، منجر به طرح استیضاح او در مجلس، به رهبری آیت الله سید حسن مدرس شد اما رضاخان، با طرح شایعه استعفای خود و صحنه سازی، طرفدارانش را علیه مجلس تحریک کرد و مخالفان را مورد ضرب و شتم و ارباب، قرار داد.



سید حسن مدرس نماینده ادوار مختلف مجلس شورای ملی

بیشتر بدانید

آیت الله مدرس در جلسه سیزدهم مجلس چهارم (مهر ماه ۱۳۰۱) خطاب به نمایندگان مردم اعلام کرد: «شماها مگر ضعف نفس دارید که این حرف ها را می زنید و در پرده سخن می گوید؟! ما [نمایندگان مجلس] بر هر کس قدرت داریم. از رضاخان [سردار سپه] هیچ ترس و وا همه ای نداریم. ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم. رئیس الوزراء را بیاوریم، سؤال کنیم، استیضاح کنیم، عزلش کنیم. و همچنین، رضاخان را استیضاح کنیم؛ عزل کنیم، می روند در خانه اش می نشینند ... قدرتی که مجلس دارد، هیچ چیز نمی تواند مقابلش بایستد. شما تعیین صلاحیت بکنید. مجلس بر هر چیزی قدرت دارد»^۲.

طرفداران و حامیان رضاخان، به شکلی سازمان یافته، راه او را در دستیابی به مقاصد شومی که در سر داشت، هموار می کردند. تیمورتاش، داور، تقی زاده و تدین، از نمایندگان تجدّدطلب مجلس و سلیمان میرزا که از اولین پایه گذاران «جریان کمونیستی» ایران به حساب می آمد، به همراه بعضی از

۱. ن. ک: آبراهامیان، همان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. ن. ک: مکی، همان، ج ۲، ص ۱۷۰.

فراماسونری‌های^۱ شناخته شده، نظیر محمد علی فروغی، به دفاع از رضاخان پرداختند. در چنین شرایطی، آیت‌الله مدرس، سرسختانه در میدان مبارزه با خودکامگی رضاخان ایستادگی می‌کرد. او کوشید با همراهی عده‌ای از نمایندگان مجلس، دولت و دربار را از سلطه استعمار انگلیس و رضاخان نجات دهد و تا پای جان، در این راه پایداری کرد.

نخست وزیری رضاخان

رضاخان با تبلیغ‌های گسترده، دسیسه‌چینی و دستاویز قراردادن ناامنی در کشور، خواهان قدرت و اختیارات بیشتری شد. سرانجام نیز، با وجود مخالفت‌ها، نه تنها موفق به تثبیت موقعیتش شد، بلکه احمدشاه و مجلس را ناچار به انتخاب خود به نخست‌وزیری کرد اما این، هدف نهایی او نبود. احمدشاه در سوم آبان ماه ۱۳۰۲ فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد و بلافاصله به اروپا رفت. شاه با این اقدام، عملاً کشور را به دست رضاخان سپرد. انگلیسی‌ها و عوامل وابسته آنها، از یک سو چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بحرانی و آشفته است و به شاه توصیه کردند که برای مدتی کشور را ترک کند و از دیگر سو، خروج احمدشاه را از کشور، نشانه بی‌کفایتی و بی‌علاقگی‌اش به ایران اعلام کردند!

قدرت طلبی به اسم جمهوری خواهی

اگر چه از ابتدای کودتای ۱۲۹۹، انگلستان نظام حکومتی معینی را برای ایران پیشنهاد نکرده بود اما با انتخاب رضاخان و حمایت از او، آشکار بود که هدف‌های مورد نظرش در ایران، تنها از طریق استقرار یک حکومت مستبد امکان‌پذیر است. لازمه این کار، تغییر نظام حکومتی در ایران بود. هم‌زمان با نخست‌وزیری رضاخان در ایران، مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) با حمایت دولت انگلستان، در کشور عثمانی (ترکیه) به قدرت رسید. او نظام امپراتوری عثمانی را لغو و نظام «جمهوری» را تأسیس کرد. این واقعه، بهانه مناسبی برای جایگزینی حکومت رضاخان به جای سلطنت قاجار بود.

۱. سابقه پیدایش فراماسونری به چند قرن پیش بازمی‌گردد. گروه‌های فراماسونری در کشورهای اروپایی در واقع انجمن‌هایی بودند که توسط سیاستمداران و تحصیل‌کردگان تشکیل می‌شد. آنان ابتدا مدعی تلاش برای همه انسان‌ها بودند اما به تدریج شبکه‌های قدرتمندی شدند که برای به دست گرفتن قدرت تلاش می‌کردند. دین‌زدایی یکی از اهداف فراماسون‌ها بود. فراماسون‌ها در کشورهای آسیا و آفریقا به عنوان عوامل استعمار و در جهت پیشبرد منافع دولت‌های استعماری‌ای چون انگلستان عمل می‌کردند. فراماسون‌ها در ایران از مروجان غرب‌زدگی و مدافعان منافع دولت‌های استعماری به شمار می‌روند.

رضاخان به سرعت و با اعمال نفوذ و تقلب، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی را برگزار کرد و در پناه حمایت حزب‌ها و جریان‌های سیاسی طرفدار خود توانست اکثریتی از نمایندگان موافق و طرفدار خود را روانه مجلس کند. با وجود این، نمایندگان چون آیت‌الله مدرس، مستوفی‌الممالک، دکتر مصدق، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک نیز که مورد توجه مردم بودند، به مجلس راه یافتند.

پس از تشکیل دوره پنجم مجلس در بهمن‌ماه ۱۳۰۲ کوشش برای برقراری نظام جمهوری در ایران، با اتحاد حزب «تجدد» به رهبری داور، تیمورتاش و تدین و حزب «سوسیالیست»، به رهبری سلیمان میرزا اسکندری آغاز شد. آیت‌الله مدرس که از ماهیت جمهوری رضاخانی به خوبی آگاه بود، رهبری مخالفان را در دست گرفت. او به همراه عده‌ای دیگر از نمایندگان اقلیت مجلس، مخالفت خود را با طرح جمهوری خواهی که یک نامزد (رضاخان) نیز بیشتر نداشت، ابراز کرد.

آیت‌الله مدرس، در پاسخ به عده‌ای که به او خُرده می‌گرفتند که چرا با حکومت جمهوری مخالفت می‌کند، طی نطقی گفته بود: «این جمهوری که می‌خواهند بر ما تحمیل کنند، بنا بر اراده ملت نیست. بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند آن را به ملت ایران تحمیل نمایند، تا حکومتی را که صد درصد دست‌نشانده و تحت اراده خود باشد در ایران برقرار سازند... اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادی‌خواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نمی‌نمودم».^۱

سرانجام، مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس، علما و مردم با طرح جمهوری رضاخانی، مقاصد او را با شکست روبه‌رو کرد.

برکناری سلسله قاجار و تغییر سلطنت

رضاخان و هوادارانش پس از شکست طرح جمهوری خواهی، درصدد برآمدند از طریق دیگر سلطنت را از دست خاندان قاجار درآورند. سرانجام پس از زمینه‌چینی و تبلیغات گسترده، مجلس شورای ملی در روز نهم آبان‌ماه ۱۳۰۴ ماده واحده‌ای^۲ مبنی بر خلع سلسله قاجار و واگذاری نیابت موقت سلطنت به رضاخان را تصویب کرد.

۱. مکی، همان، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. ماده واحده این بود: «مجلس شورای ملی، به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجار به اعلام نموده، و حکومت موقتی را در

حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید».

کوشش شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مدرّس برای جلوگیری از تغییر سلطنت مؤثر واقع نشد و اکثریت نمایندگان مجلس، به این ماده واحده، رأی مثبت دادند. آیت‌الله مدرّس در حالی که می‌گفت: «اگر صد بار رأی بدهید، [این کار] خلاف قانون اساسی است»، مجلس را ترک کرد. این در حالی بود که بسیاری از یاران قبلی او، توسط رضاخان، تطمیع، یا ترسانده شده بودند. در آذر همان سال مجلس مؤسسان که تمام اعضای آن از طرفداران رضاخان بودند، تشکیل شد و با تغییر چهار اصل از اصول متمّم قانون اساسی، سلطنت دائمی ایران را به رضاخان و «اعقابِ ذکور» او واگذار کرد، و در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵، رضاخان، به عنوان پادشاه ایران، رسماً تاج‌گذاری کرد.

بیشتر بدانید



ملک الشعرای بهار

بهار از جمله شخصیت‌های سیاسی و ادبی اواخر دوره قاجار و نیمه اول سلطنت پهلوی است. وی فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعرا بود و پس از مرگ پدرش ملک الشعرا آستان قدس رضوی شد. او همچنین در مشهد و تهران مدیر روزنامه نوبهار بود. بهار در دوره‌های سوم، چهارم، ششم، دهم و یازدهم نماینده مجلس شورای ملی بود. در دوران رضاشاه روزنامه او تعطیل و چندین بار زندانی و تبعید شد. وی شاعری آزادی‌خواه بود و علاوه بر دیوان شعر، دارای تألیفاتی است که از جمله آنها می‌توان «تاریخ احزاب سیاسی ایران» را نام برد.

۱. برای کسب اطلاع بیشتر ن. ک: هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۳۶۹.



محمد علی فروغی

با انتقال سلطنت به سلسلهٔ پهلوی، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک^۱) به عنوان اولین نخست‌وزیر دوران سلطنت رضاشاه منصوب شد. نخستین اقدام او، برپایی آیین تاج‌گذاری و نشستن رضاشاه بر تخت قدرت بود.

شرایط داخلی ایران: چنانکه در درس‌های گذشته با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دورهٔ قاجار آشنا شدید، حوادث تلخ دوران مشروطه، و انحراف آن نهضت از مسیر و اهداف اولیه، باعث سرخوردگی مردم و بسیاری از رهبران سیاسی و مذهبی ایران شده بود. بروز جنگ جهانی اول و مداخله‌های گستردهٔ بیگانگان در سرنوشت مردم ایران

که با غارت منابع ملی، فقر اقتصادی، قحطی، گرسنگی و ناامنی‌های اجتماعی همراه بود، برداشته این مصیبت‌ها افزود و استقلال ایران، با حضور قدرت‌های بیگانه در شمال و جنوب کشور، به شکلی فزاینده خدشه‌دار شده بود.

از سوی دیگر بی‌کفایتی احمدشاه و دولتمردان و سرپیچی حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، موجب شیوع آشوب و از میان رفتن امنیت در جامعه گردیده بود. از این رو، در میان خواسته‌های مردم، «نیاز به امنیت» یکی از موارد اساسی و کاملاً محسوس به شمار می‌رفت.

شرایط اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه در آن سال‌ها به گونه‌ای بود که به تدریج زمینه را برای حاکمیت مطلق رضاخان مساعد می‌کرد. رضاخان که موفق به سرکوب چند شورش داخلی شده بود^۲، رفته‌رفته به عنوان عامل برقرارکنندهٔ امنیت در کشور شناخته شد. افزایش حمایت انگلستان و جانبداری جریان‌ها و حزب‌های سیاسی از او نیز این باور را در میان مردم به وجود آورد که جز رضاخان، هیچ‌کس قادر به برقراری امنیت و آرامش در ایران نیست.

از جمله اقداماتی که نفوذ رضاخان را در میان مردم افزایش داد، سرکوب شورش «شیخ خزعل»

۱. برای کسب اطلاع و مطالعه بیشتر ن. ک: فریب‌نوند، *زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران*، ج ۵، صص ۹۷-۱۰۸؛ فردوست، همان، ج ۱، صص ۸۴ و ۹۵ و ج ۲، صص ۳۵-۴۵، کتیرایی، *فراماسونری در ایران*، ص ۱۲۵؛ *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، ص ۹؛ مکی، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۴، صص ۷-۲۳؛ راین، همان، ص ۱۲۹.

۲. سرکوب ابوالقاسم لاهوتی در کرمانشاه در سال ۱۳۰۰ و شورش اسماعیل سمینقو در سال ۱۳۰۱ ش. ن. ک: امیر احمدی، *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، صص ۱۳۰-۱۳۶.

بود. شیخ خزعل که وابستگی اش به انگلستان بر کسی پوشیده نبود، منطقه خوزستان را زیر سیطره خود درآورده بود. دولت انگلستان که در معادله های سیاسی جدید خود، خواهان افزایش قدرت رضاخان بود، به منظور جانبداری از او، دست از حمایت شیخ خزعل برداشت. در نتیجه، شیخ خزعل، تسلیم رضاخان شد. این واقعه که به قربانی شدن شیخ خزعل انجامید، در افکار عمومی، تصویری قهرمانانه و حتی ضد انگلیسی، از رضاخان ایجاد کرد.^۱

حزب ها و جریان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی : جریان دیگری که به همین میزان در دستیابی رضاخان به قدرت سهم داشت، گروهی از رهبران و حزب های سیاسی غرب گرا بودند که با شعار «تجدد» و «ترقی» خواهی، به تدریج در مجلس چهارم و پنجم، قدرت را در دست گرفته بودند. گروهی از نمایندگان توسط به اجبار و زور را برای ایجاد تحول های اجتماعی در ایران لازم می دانستند و در نشریه های وابسته به خود، به نظریه پردازی درباره لزوم استقرار نظام استبدادی در ایران پرداختند و آشکارا ندای «دیکتاتوری مُصلِح» را سردادند.^۲

بیشتر بدانید

«سفارت انگلیس در تهران به کنسولگری هایش در شهرها و شهرستان ها دستور داده بود که واکنش مردم را در برابر این دگرگونی بزرگ گزارش بدهند. بر روی هم، ۱۳ گزارش کوتاه و اصل شد: در اصفهان مردم هیچ علاقه ای نشان نمی دهند. در مشهد استقبال چندانی از جشن ها نشد و مردم شهر، تغییر سلطنت را «بُرد انگلیس و باخت روس ها» می دانند. در تبریز توده مردم بی اعتنائی نشان دادند. در شیراز نیز با استقبال سردی روبه رو شد. در کرمان هیچ کس جرئت ابراز عقیده مخالف نداشت و...» مردم، قاجار به را مقرر می دانستند و در عین حال از تقویت بیشتر قوای نظامی [نیز] نگران بودند...؛ روی هم رفته به نظر می رسد که اهالی شهرها، به طور کلی از سقوط قاجار به افسوس نخوردند، اما از ظهور سلسله جدید هم خوشحال نشده اند.^۳

۱. ن. ک: شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، صص ۳۴ - ۴۰.

۲. مضمون های اصلی و همبستگی این نشریه ها، سخنان مارکس درباره مذهب به عنوان «افیون توده ها»، مطالب ضد دین، تحقیر احکام اسلام و ستایش افراطی دوران باستان (بیش از اسلام) بود. برای نمونه، نخستین سرمقاله نشریه فرنگستان، چاپ آلمان، با این عبارت آغاز شده بود: «ایران خود را از استبداد سلطنتی رهانید اما اکنون به دیکتاتوری انقلابی نیاز دارد... تنها امید ما به فردی چون موسولینی است...» (فرنگستان، ش ۱، فروردین ۱۳۰۳، ص ۴۲).

۳. همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ۱۳۹۳، ص ۳۱۷.

پرسش‌های نمونه

۱. رضاخان در مدتی که وزیر جنگ بود، چه اقداماتی انجام داد؟
۲. همزمان با دوره نخست‌وزیری رضاخان، چه تحوّل‌ی در ترکیه به وقوع پیوست؟ این واقعه چه تأثیری در ایران داشت؟
۳. انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی چگونه برگزار شد و چه نتیجه‌ای داشت؟
۴. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مملکت، چه نقشی در فراهم کردن زمینه برای به قدرت رسیدن رضاخان داشت؟

اندیشه و جست و جو

۱. با مراجعه به کتاب *سرار سقوط / احمدشاه*، نقش انگلستان را در برکناری احمدشاه در کلاس بررسی کنید.
۲. سخنرانی یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی را که به انتقال حکومت به رضاخان رأی مثبت نداد، در کلاس بخوانید.
۳. چرا مجلس مؤسسان بندهایی از قانون اساسی مشروطه را تغییر داد؟ در این مورد تحقیق کنید.
۴. تحلیل کنید چرا گروه‌هایی از مردم ایران، سلطنت پهلوی را «بُرد انگلیسی‌ها» و «باخت روس‌ها» تلقی می‌کردند؟



ویژگی های حکومت رضاشاه

در این درس به طور فشرده با شاخصه های حکومت و سیاست های فرهنگی و مذهبی دوره پهلوی اول آشنا می شوید. هدف از طرح این مباحث، آشنایی بیشتر شما با ابعاد فرهنگی و اجتماعی دوران حکومت رضاشاه است.

الف - وابستگی: آغاز حکومت پهلوی نقطه عطفی در تاریخ فرایند وابستگی ایران محسوب می شود؛ زیرا تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه، پیدایش سلسله های پادشاهی و حاکمان ایرانی عموماً در چارچوب روابط قومی و یا اشرافیت داخلی شکل می گرفت. اگرچه برخی از پادشاهان ایرانی مورد حمایت قدرت های عصر خود بودند ولی خاستگاه و منشأ روی کار آمدن آنها، بیگانگان نبودند. ظهور سلسله پهلوی و روی کار آمدن رضاشاه از همان ابتدا در امتداد استقرار نظام سلطه جهانی و استعمار انگلستان شکل گرفت.

ب - خودکامگی و حکومت فردی: حکومت رضاشاه، حکومتی فردی و استبدادی بود. با وجود اصل تفکیک قوا در قانون اساسی، رضاشاه در همه کارها و ارکان مملکت دخالت می کرد. نمایندگان مجلس شورای ملی براساس فهرستی که توسط فرماندار، فرمانده لشکر و رئیس شهربانی حوزه انتخابیه تهیه و شخص رضاشاه آن را تأیید و به وزارت کشور ابلاغ می کرد، انتخاب می شدند.^۱

بنابراین هرچند که رضاشاه حکومت پارلمانی و نهاد مشروطه را از میان نبرد، اما روش حکومت او با حکومت پادشاهان مستبد قبل از مشروطه تفاوتی نداشت.^۲

علاوه بر مجلس، قوای قضائیه (عدلیه) و مجریه نیز فاقد استقلال بودند. دستگاه های دولتی و وزارت خانه ها، قدرت هیچ گونه تصمیم گیری نداشتند و برخی به سبب شناختی که از روحیه نظامی و

۱. قاضی، علل سقوط رضاشاه، ص ۱۵۳؛ خاطرات سردار اسعد بختیاری، ص ۲۲۳.

۲. کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۱۶۹.



رضا شاه

استبداد رأی رضا شاه داشتند، حتی قادر به اظهارنظر نبودند.^۱

ج - ترویج ملی‌گرایی افراطی: در دوران حکومت رضاشاه ملی‌گرایی افراطی با هدف به حاشیه راندن اسلام شدت گرفت.

کارگزاران فرهنگی حکومت رضاشاه، به تقلید از غرب «جدایی دین از سیاست»^۲ را از لوازم ملیت‌گرایی قلمداد می‌کردند. آنها بدون داشتن درک صحیح از شرایط تاریخی ایران، همستگی میان علایق ملی و دینی را که در ایجاد وحدت و اقتدار کشور و هویت ملی جامعه ایرانی نقش مؤثری داشت، نادیده گرفتند.

بیشتر بدانید

مریت هاکس نوشته است: روحیه جدید ملی‌گرایی در عصر رضاشاه ردپایی از فاشیسم^۳ به همراه داشت، زیرا بدون توجه به روابط و ارزش‌های تاریخی، تنها به گذشته [دور] می‌نگرد.^۴

یکی دیگر از شاخصه‌های ملیت‌گرایی افراطی دوران رضاشاه، قومیت‌ستیزی و نادیده گرفتن هویت اقوام ایرانی مانند ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن بود. اعمال تبعیض قومی و توسل به خشونت و نظامی‌گری برای از بین بردن گویش‌ها و لهجه‌های محلی، آداب و رسوم و لباس‌های زیبای محلی که تقویت‌کننده هویت ملی ایرانیان است با ادعاهای رضا شاه و کارگزاران حکومتی او ناسازگار بود^۵

۱. هدایت، همان، ص ۴۰۲.

۲. سکولاریسم

۳. فاشیسم: نام جنبشی که در ۱۹۱۹م. به رهبری موسولینی در ایتالیا به راه افتاد. فاشیسم بر دیکتاتوری و زور تأکید بسیار دارد.

موسولینی بر احیای قدرت امپراتوری روم باستان در ایتالیا تکیه می‌کرد.

۴. هاکس، ایران، افسانه و واقعیت، ص ۱۹۴.

۵. استارک، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ص ۱۶.

که آثار زبان باری بر جای گذاشت. علاوه بر این، برای تغییر الفبای فارسی به لاتین تلاش‌هایی صورت گرفت. تقی زاده که بر این کار اصرار می‌کرد، تغییر خط فارسی را تنها با حمایت و به کارگیری زور به دست رضاشاه ممکن می‌دانست.

در پایان حکومت رضاشاه، ملیت‌گرایی با جنبش نژادپرستانه نازی‌های آلمان به رهبری آدلف هیتلر نزدیکی و همبستگی پیدا کرد. رضاشاه به نشریه‌ها دستور داد تا به مقایسه شخصیت او با هیتلر بپردازند و از وی تجلیل کنند.

د - نظامی‌گری : رضاشاه به سبب خصلت‌های فردی و روحیه نظامی‌اش، ارتش را رکن و اساس حکومت خود قرار داد. او فرماندهان ارتش را نسبت به سایر مقام‌های دولتی برتر به شمار می‌آورد؛ و برای ایجاد ارتشی نوین، کوشش‌های زیادی انجام داد. اما ارتشی که او بنیان نهاد تنها برای ترساندن و سرکوب مخالفان داخلی، چپاول و غارت ایلات و عشایر و استحکام پایه‌های حکومت خود شکل گرفته بود و به هیچ وجه ارتشی ملی و مقتدر نبود تا در برابر نیروهای بیگانه کارایی داشته باشد.

رفتار رضاشاه با عشایر ایرانی همانند برخوردی بود که بیگانگان در زمان اشغال کشورمان با مردم این سرزمین می‌کردند. او در قیام مسجد گوهرشاد زنان و مردان بیگناه را به خاک و خون کشید.^۱

ه - تضعیف و تخریب ارزش‌های دینی : رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت، برای جلب اعتماد مردم و نزدیکی به علما، با ظاهرسازی می‌کوشید در مراسم عزاداری و مذهبی شرکت کند تا احساسات عمومی را به نفع خود و نقشه‌هایی که در سر می‌پروراند، جلب کند. یکی از مورخان، در این باره نوشته است: در نخستین سال پیروزی کودتا، در مراسم محرم و عزاداری امام حسین (ع)، رضاشاه در حالی که گِل بر پیشانی خود می‌مالید و گاه بر سر می‌ریخت، به شعایر مذهبی تظاهر می‌کرد.^۲

علاوه بر این، رضاشاه در خردادماه ۱۳۰۳ به وزارت معارف دستور داد که بر مطالب مذهبی و شرعی چاپ شده در مطبوعات نظارت و از درج مطالب خلاف شرع، جلوگیری به عمل آید؛ و نیز دستور تعطیلی مشروب‌فروشی‌ها و قمارخانه‌ها را صادر کرد.^۳ او در همان سال عازم عراق شد و ضمن ملاقات با عده‌ای از علما و مراجع نجف، خود را حامی اسلام معرفی کرد و قول داد که دومین اصل

۱. در این باره. ن. ک: عاقلی، *رضاء شاه و قشون متحدالشکل*، ص ۲۵۹؛ آبراهامیان، همان، ص ۱۹۰.

۲. مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج ۳، ص ۴۶۱؛ اعظام قدسی، *خاطرات من*، صص ۴۸ و ۴۹.

۳. مکی، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۳، ص ۳۱؛ اعظام قدسی، همان، ج ۲، ص ۳۹.

متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت علما بر مصوبه‌های مجلس را، به اجرا در آورد.^۱ با این همه، تظاهر به دینداری او، مدّت زیادی دوام نیاورد. او، بعد از دستیابی به قدرت مطلقه، به تدریج ماهیت ریاکارانه خود را آشکار کرد و هنگامی که به سلطنت رسید، دیگر ضرورتی برای عوام فریبی و تظاهر به دینداری، احساس نکرد.

اولین نشانه حمله علنی و آشکار رضاشاه به شعایر و ارزش‌های مذهبی، در نوروز سال ۱۳۰۶ در واقعه اعتراض آیت الله بافقی به زنان عضو خانواده سلطنتی که بدون رعایت موازین شرعی وارد حرم مطهر حضرت معصومه (س) شدند، آشکار شد. به دنبال این اعتراض، رضاشاه به قم رفت و با گستاخی تمام، با چکمه وارد حرم شد و آیت الله بافقی را زیر لگد انداخت. پس از آن نیز، دستور تبعید او را صادر کرد.

رضاشاه با سیاست حذف دین از اجتماع، سعی در محدود کردن روحانیون و کنترل حوزه‌های علوم دینی کرد. او با شعار «اصلاح دین»، کوشید تاریخه اسلام را برکند. جایگزین ساختن قانون‌های غربی به جای قوانین مذهبی، محدود کردن روحانیان و مراسم مذهبی، ممنوع کردن برگزاری مراسم سوگواری حضرت امام حسین (ع)، برپایی «کارناوال»^۲های شادی و رژه دسته‌های موزیک نظامیان در روز عاشورا، تخریب مدارس و حوزه‌های علمیه، تغییر کلاه و لباس، برداشتن حجاب و رواج منکرات و کارهای خلاف شرع، از دیگر برنامه‌های دین ستیزانه رضاشاه بود.

بیشتر بدانید

خانم هاکس سیاح اروپایی که در آن زمان از ایران دیدن می‌کرد، در کتاب خود می‌نویسد: «در ایران پدیده عجیب اسلام دولتی دیده می‌شود. به طوری که دولت در ظاهر در فکر تعدیل و شاید اصلاح دین و در واقع در فکر تباه ساختن دین از درون است».^۳

۱. برای کسب اطلاع بیشتر از سیاست مذهبی رضاشاه ن.ک. : بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۹۳؛ اعظام قدسی،

همان، ج ۲، صص ۳۹، ۴۸ و ۴۹؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۴، صص ۱۰۷، ۱۳۶ و ۱۳۷ و ج ۶، ص ۲۲۸؛ هدایت، همان، ص ۳۸۲ به بعد؛ مستوفی، همان، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. کارناوال: گروهی که با رقص و آواز در روزهای به خصوصی از سال (جشن‌ها) در خیابان‌ها به راه می‌افتند.

۳. هاکس، ایران افسانه و واقعیت، ص ۱۹۵.

اقدامات ضد دینی رضاشاه، محصول اندیشه خود او نبود. جریان هدایت‌گری که این برنامه‌ها را به وی القا می‌کرد، متشکل از کسانی بود که در روی کار آوردن و دستیابی او به قدرت، نقش داشتند.^۱ این اقدام‌ها، به ظاهر تحت عنوان **تجددخواهی** یا **اصلاح مذهبی** صورت می‌گرفت اما اسناد تاریخی آشکار می‌کنند که استعمار نوین، برای از میان برداشتن مظاهر دین و روحانیت که مانع سلطه آنها در ایران بود، به این روش‌ها متوسل می‌شد.^۲

بیشتر بدانید



آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی

یکی از اقدام‌های هوشمندانه مرجعیت شیعه در ایران، تأسیس حوزه علمی قم در سال ۱۳۰۱ ش پس از شکست عثمانی در جنگ اول و اشغال عراق توسط انگلیس بود، که توسط آیت‌الله «حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی» انجام گرفت. تا قبل از تأسیس حوزه علمی قم، پایگاه علمی مرجعیت شیعه، عمدتاً در نجف اشرف و دیگر شهرهای مذهبی عراق متمرکز بود. این اقدام ارزشمند و خردمندانه، در عصری که استعمار در صدد اجرای نقشه‌های ضد دینی خود در منطقه بود، پس از عصر صفویان، موجب تقویت ایران به عنوان پایگاه فقه و معارف شیعه شد. علاوه بر آن، زمینه را برای مهاجرت علما و مراجعی که علیه سیاست‌های استعماری انگلستان مبارزه می‌کردند، فراهم آورد.

ادامه یافتن این نهضت فرهنگی در سالیان دشوار بعد، حوزه علمی قم را مبدل به یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی کرد. تربیت عالمان و روحانیانی چون حضرت امام خمینی، یکی از ثمره‌های این اقدام بود.^۳

۱. برای کسب اطلاع بیشتر ن.ک. : فردوست، همان، ج ۲، ص ۱۵۲؛ اعظام قدسی، همان، ج ۲، صص ۶۵۷-۶۵۹.

۲. ستیزه جویی استعمار با دین، در آن مقطع زمانی، محدود به ایران نبود. انگلستان با هدف زدودن هویت اسلامی در هندوستان، ترکیه، عراق، عربستان، مصر و سایر کشورهای اسلامی، به تخریب و یا تحقیر مبانی اسلام پرداخته بود. احسان طبری که خود از نظریه پردازان حزب توده بود، ضمن ارائه تحلیلی درباره سیاست مذهبی جاری در این دوران، اعتراف کرده است که رضاشاه پس از سلطنت، به تدریج روش خود را دگرگون ساخت و سیاست از میان بردن نفوذ روحانیان و بسیاری از آداب مذهبی و حرکت به سوی تجدد و اروپایی‌گری را دنبال کرد. تمایل رضاشاه به تضعیف روحانیت شیعه، تنها از تمایل خود او برای از میان برداشتن رقیب نشأت نمی‌گرفت؛ بلکه ناشی از اراده استعمار طلبانه انگلستان بود که از دوران حوادث تنباکو و فتوای میرزا حسن شیرازی این نیرو را شناخته بود و قصد از میان بردنش را داشت. ن.ک. : طبری، *ایران در دو سده و پسین*، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۳. ن.ک. : شریف رازی، *گنجینه دانشمندان*، ج ۱، ص ۱۸۷.

رفتار خشونت‌آمیز رضاشاه با طلبه‌های علوم دینی و یورش به حوزه‌های علمیه، چهره واقعی و ماهیت او را آشکار ساخت، و دیری نپایید که با به‌شهادت رساندن علمای آگاه و مبارزی چون آیت‌الله مدرس و دستگیری و تبعید عالمان بزرگ، پرده از سیاست ضد‌دینی خود برداشت. آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله حاج حسین طباطبایی قمی در مشهد، آیت‌الله سید ابوالحسن انگجی و آقامیرزا صادق در تبریز و ... با حرکت‌های ضد‌مذهبی رضاشاه که تخریب هویت ملی و افزایش نفوذ استعمار را در پی داشت، به مخالفت پرداختند.

تغییر کلاه و لباس

تغییر کلاه و لباس، بخشی از برنامه شبیه‌سازی جامعه ایران و هم‌رنگ شدن مردم آن با اروپایی‌ها بود.^۱ لباس و پوشاک هر جامعه، به تناسب اعتقادات دینی، فرهنگ، آداب و رسوم ملی و شرایط اجتماعی و اقلیمی با دیگر جوامع، متفاوت است. اقوام ایرانی، از دیرباز، دارای لباس و پوشش مخصوص به خود بوده‌اند. نوع لباس و پوشش هر ملت نمایانگر هویت آن مردم است که در کشوری مثل ایران پس از گذر قرن‌ها و هزاره‌ها به تدریج شکل گرفته است. بنابراین محروم کردن اجباری مردم از لباس محلی و یا پوشش ملی ضربه زدن به هویت آن‌هاست.^۲

رضاشاه ابتدا با به‌کارگیری زور، کلاه لبه‌دار موسوم به «کلاه پهلوی» را در میان مردم متداول کرد اما پس از بازگشت از سفر ترکیه، به تقلید از «آتاتورک» دستور داد که کلاه پهلوی نیز ممنوع و منسوخ شود و اعلام کرد: «از این پس مردان باید «کلاه شاپو» بر سر بگذارند».^۳ در دی‌ماه سال ۱۳۰۷، قانون اجباری متحد‌الشکل کردن لباس در ایران، با قید دو فوریت، به تصویب مجلس هفتم رسید. براساس این قانون، همه مردم ایران، اعم از شهری و روستایی و عشایر چادرنشین موظف به رعایت آن بودند. مجازات متخلفان، جزای نقدی یا زندان بود.^۴

۱. صدرا لاشراف در خاطرات خود نوشته است که این طرح، توسط تجددخواهانی چون تیمورتاش، داور و نصرت‌الدوله فیروز، به رضاشاه توصیه شد. (ن.ک. : صدر، *خاطرات صدرا لاشراف*، ص ۲۹۱).

طرح تغییر کلاه و لباس، با شعارهای باستان‌گرایی و ملیت‌گرایی رضاشاه در تضاد بود و مردم را به اجبار، از لباس سنتی خود باز می‌داشت. «پیتراوری» ضمن بررسی این موضوع نوشته است: «پوشیدن لباس به شیوه اروپایی که با مقررات اجباری، به شدت اجرا می‌شد، باعث از میان رفتن سلیقه خوب ایرانیان در پوشیدن لباس شد» (آوری، *تاریخ معاصر ایران*، ج ۲، ص ۷۱).

۲. برای اطلاع بیشتر ن.ک. : مطهری، *نظام حقوق زن در اسلام*، صص ۲ و ۳؛ حداد عادل، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*،

ص ۷ به بعد.

۳. کلاه شاپو که به «کلاه لگنی» مشهور شد، اطراف آن تمام لبه‌دار بود.

۴. ن.ک. : تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، صص ۱-۲۳.



رضا شاه هنگام ملاقات با آتاتورک در ترکیه

کشف حجاب

تغییر لباس، مقدمه‌ای برای کاهش مقاومت و حساسیت جامعه نسبت به حجاب و در نهایت، برداشتن آن بود. ایرانیان از دیرباز مردمی نجیب و موقر بودند. فرهنگ و تمدن مردم ایران باستان در مقایسه با سایر تمدن‌های هم عصر خود، از اصالت، عقلانیت، اخلاق و معنویت متعالی‌تری برخوردار بود. با نگاهی به حجاری‌ها و نقش‌های برجسته تخت جمشید، بیستون و دیگر آثار برجامانده از ایران باستان، این حقیقت به روشنی آشکار می‌شود که خلاف فرهنگ برهنگی رایج در تمدن یونان و روم باستان، زنان ایرانی، در روزگاران قدیم نیز حجاب و عفاف داشته‌اند.^۱ به خصوص پس از پذیرش اسلام این سنت تقویت شد. پوشیدگی لباس زنان ایرانی جزو فرهنگ ملی و دینی آنان بوده است، لذا مبارزه با آن امری عقلانی نیست؛ به‌ویژه وقتی که با زور و تحقیر همراه باشد.

۱. در گزارش‌های مورخان یونانی و متون کهن پارسی آمده است که زنان پارسی دارای پوشش کامل (شبیه به جادر) امروزی بودند؛ از آراستن خود برای دیگران اجتناب می‌کردند. مردان پارسی نیز باز گذاشتن هریک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را خلاف ادب می‌شمردند. (ن. ک: ویل دورانت، همان، ج ۱، ص ۴۱۳؛ هرتسفلد، همان، ص ۱۴۱؛ تالوت رایس، همان، ص ۴۵؛ شهشاهی، همان، ص ۴۰).

بیشتر بدانید



مخبر السلطنه (مهدی قلی هدایت) به هنگام والیگری
آذربایجان (بار دوم)

مخبر السلطنه دربارهٔ حجاب نوشته است: «...چادر رسم ایرانیان بود و ریشه در فرهنگ گذشتهٔ ایران داشت ... در شاهنامه در سه جا ذکر «چادر» شده است و در گذشته، چادر حفاظ و فخر نجبا بود و ما که مدعی تجدید دورهٔ پهلوانی و باستانی هستیم، در تخت جمشید و یا نقش‌های بیستون، صورت زن، نیست».^۱

مقابله با حجاب که به کشف حجاب معروف شد، به طور رسمی از روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ آغاز و با به کارگیری زور و خشونت، دنبال شد. فرمان اجباری کشف حجاب، با مقاومت‌های مردم و عالمان دینی شهرهای مختلف ایران روبه‌رو شد. در شهر مقدس مشهد، مردم به نشانهٔ اعتراض، در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند. به دستور مستقیم رضاشاه، مأموران، مسجد را به محاصره درآوردند و با پتک در مسجد را شکستند و وارد صحن شدند و با مسلسل‌های سنگین، از اطراف و بام‌های حرم مشرف به صحن مسجد گوهرشاد، آنها را به گلوله بستند و جمع کثیری را به شهادت رساندند.^۲ بخش دیگری از فعالیت‌های بیدارگرانهٔ علما در زمان رضاشاه، مبارزه با گسترش کمونیسم در جامعه بود که در سال‌های پس از برکناری و تبعید او، تشدید شد.

۱. هدایت، همان، ص ۴۰۵.

۲. ن. ک. : هروی، *حقیقه الرویه*، صص ۲۲۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، و ۲۶۷؛ دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۲، ص ۱۶۱؛ بهلول، *خاطرات سیاسی بهلول*، صص ۶۶-۸۳؛ واحد، *قیام گوهرشاد*، صص ۵۱-۶۷، ۱۲۸، ۲۱۱-۲۱۵، ۲۲۵-۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۷-۲۳۹، ۲۶۲-۲۶۵؛ فردوست، همان، ج ۲، صص ۶۹ و ۷۰؛ *تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد*، صص ۷۵-۸۰.

پرسش‌های نمونه

۱. رضاشاه پیش از رسیدن به سلطنت برای تظاهر به دینداری چه اعمالی انجام داد؟
۲. رضاشاه در دوران سلطنت خود برای محدود کردن دین و شخصیت‌های دینی چه اقداماتی انجام داد؟
۳. اقدام‌های ضد دینی رضاشاه ریشه در چه جریان فکری و فرهنگی داشت؟
۴. در دوره سلطنت رضاشاه چه تغییراتی در لباس و کلاه مردم ایجاد شد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد شیوه برخورد مأموران حکومتی با زنان با حجاب در دوره رضاشاه، مطلبی تهیه کنید.
۲. با استفاده از کتاب «مسئله حجاب» استاد مطهری و تاریخ تمدن ویل دورانت، درباره ریشه‌های تاریخی اعتقاد مردم ایران به حجاب و حتی وجود پوشش چادر و حجاب برای خانم‌ها در ایران باستان تحقیق کنید و مقاله‌ای بنویسید.



سقوط رضا شاه

در این درس با موضوع‌های جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، سقوط رضاشاه، و همچنین، کارنامه مختصری از دوران حکومت رضاشاه آشنا می‌شوید. انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس، با راهنمایی دبیر محترم درس تاریخ، ضمن تحلیل علت‌های سقوط رضاشاه، به نتایج حاکمیت استبدادی رضاشاه، تأثیرهای آن بر تاریخ معاصر کشورمان و عبرت‌هایی که می‌توان از این دوران گرفت، پردازید.

گرایش رضا شاه به آلمان

در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول سیاست انگلستان نسبت به آلمان تغییر کرد؛ زیرا انگلستان و فرانسه از جانب حکومت کمونیستی شوروی بیشتر احساس خطر می‌کردند؛ بنابراین انگلیسی‌ها توسعه و تقویت آلمان نازی به رهبری هیتلر را برای مقابله با شوروی مناسب می‌دانستند. در چنین شرایطی بود که دولت انگلیس به حکومت رضاشاه اجازه داد تا مناسبات سیاسی و اقتصادی خود را با آلمان توسعه دهد. سطح روابط تجاری و صنعتی دو کشور به سرعت گسترش یافت و صدها کارشناس و تبعه آلمانی در ایران مشغول کار شدند.^۱

جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم^۲ با حمله برق‌آسای هیتلر به لهستان در شهریور ۱۳۱۸ / سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شد. انگلستان و فرانسه و بعداً آمریکا نیز به آلمان اعلان جنگ دادند. شوروی به دلیل امضای مخفیانه

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: اسکرین، جنگ جهانی در ایران، ص ۱۵۶؛ زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، صص ۴۰۰ و ۴۳۱-۴۳۴؛ بولارد، شترها باید بروند، صص ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۵ و ۴۶؛ متین‌دفتری، خاطرات یک نخست‌وزیر، ص ۱۵۷.
۲. این جنگ بین کشورهای محور متشکل از آلمان، ایتالیا و ژاپن و کشورهای متفقین متشکل از انگلستان، فرانسه، شوروی و آمریکا در گرفت و سرانجام در ۱۹۴۵/۱۳۲۴ش با شکست کشورهای محور پایان یافت.

پیمان عدم تجاوز مشترک با آلمان، تقریباً دو سال اول جنگ از صحنه درگیری برکنار ماند. دولت ایران با اعلام بی طرفی در آن جنگ، تأکید کرد به هیچ یک از طرف‌های جنگ اجازه نخواهد داد از خاک ایران عبور کنند.

در سال ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م ارتش هیتلر ناگهان روانه مرزهای شوروی شد و به سرعت در خاک آن کشور پیشروی کرد. پس از آن ایران به سبب موقعیت حساس خود مورد توجه متفقین قرار گرفت؛ زیرا مناسب‌ترین راه برای انتقال کمک‌های اقتصادی و نظامی انگلستان و آمریکا به شوروی بود تا ماشین جنگی هیتلر را متوقف کند. از سوی دیگر احتمال تسلط آلمان‌ها بر چاه‌های نفت ایران و خاورمیانه، انگلستان را به وحشت انداخته بود.

در تیر ۱۳۲۰، انگلستان و شوروی حضور اتباع آلمانی در ایران را بهانه کرده، خواستار اخراج آنان از ایران شدند و بعداً خواسته‌های دیگری را مطرح کردند. حکومت رضاشاه در شرایط سختی قرار گرفت. از یک سو شاهد پیروزی‌های مکرر آلمان در جنگ بود و هیتلر به رضاشاه قول داده بود در بهار ۱۳۲۱ سربازان او به ایران خواهند رسید و از سوی دیگر در معرض هجوم نیروهای متفقین قرار داشت.^۱

اشغال ایران

سرانجام در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰/۲۵ اوت ۱۹۴۱ سفیران انگلیس و شوروی، طی



اشغالگران از راه آهن ایران برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند.

یادداشت‌هایی که به طور جداگانه تسلیم دولت ایران کردند، اعلام داشتند: «چون دولت ایران در مقابل درخواست‌های آنان، سیاست مبهمی در پیش گرفته و در اخراج آلمانی‌ها اقدامی نکرده است، ارتش‌های شوروی و انگلستان وارد خاک ایران شده‌اند و مشغول پیشروی هستند». استناد به حضور اتباع آلمانی برای اشغال ایران بهانه‌ای بیش نبود؛ زیرا آلمان تعداد محدودی مستشار نظامی و صنعتی در ایران داشت. در واقع اشغال

۱- بولارد، همان، صص ۴۵-۵۲.

ایران با هدف بی‌خطر ساختن خطّ تدارکاتی متفقین، از نظر آن‌ها، ضروری بود. زیرا آن‌ها می‌توانستند تدارکات جنگی خود را از طریق راه‌آهن ایران به شوروی برسانند. با ورود نیروهای بیگانه از شمال و جنوب ایران توسط نیروهای متفقین اشغال شد.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا انگلیسی‌ها رضاشاه را وادار به استعفا کردند؟

برکناری و تبعید رضاشاه

ارتش نوین رضاشاه با استعداد یک صد و بیست هزار نفر و تجهیزات جنگی، در برابر هجوم نیروهای متفقین به ایران مقاومت زیادی نکرد، زیرا آحاد ارتش همانند سایر مردم ایران اعتقادی به حکومت دیکتاتوری وابسته به بیگانه نداشت و ظرف مدت شش روز، به کلی از هم پاشید. رضاشاه نیز توسط انگلیسی‌ها که روزی او را بر مسند قدرت نشانده بودند، از سلطنت برکنار و به جزیره «موریس» در اقیانوس هند، تبعید شد.^۲ اگرچه اشغال ایران توسط بیگانگان غرور ملی مردم میهن‌دوست ایران را جریحه‌دار کرد اما سقوط دیکتاتور وابسته به بیگانه آنان را خرسند نمود.

بیشتر بدانید

«سر ریدریولارد»، وزیر مختار وقت انگلستان، دربارهٔ علت برکناری رضاشاه نوشته است:
«شاه تقریباً مورد نفرت همگان و از جمله ما است که حامیان او می‌شویم. اقدام برای تغییر شاه و حتی سلسلهٔ او، مردم پسند خواهد بود».^۳
چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان در کنفرانس تهران، دربارهٔ رضاشاه اعلام کرد که: «ما خود او را آوردیم؛ خودمان هم او را بردیم».^۴

۱. برای اطلاع بیشتر ن. ک.: مدنی، همان، ج ۱، صص ۱۲۵-۱۲۷؛ هوشنگ مهدوی، همان، صص ۴۸-۷۴؛ استوارت، در آخرین روزهای رضاشاه، ص ۱۰۶؛ اسکرین، همان، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.
۲. ن. ک.: فردوست، همان، ج ۱، صص ۱۰۷-۱۱۰.
۳. یولارد، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر یولارد، ص ۱۳۳؛ استوارت، همان، ص ۲۲۱.
۴. اصل عبارت چنین است: We brought him. We took him.

کارنامه حکومت رضاشاه

۱. صنعت، کشاورزی و دامداری: در دوران حکومت رضاشاه، برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی، اقدام‌هایی نظیر تأسیس دانشکده کشاورزی در کرج و وارد کردن ماشین آلات کشاورزی، صورت گرفت. با این همه، توجه به نظامی‌گری و ایجاد ارتش متحدالشکل که از اولویت‌های حکومت رضاشاه و علاقه فردی او محسوب می‌شد، باعث شد که بخش‌های دیگر، از جمله کشاورزی و صنعت، از تحرک و رونق طبیعی بازماند. رشد غول‌آسای حجم ارتش و نقش تعیین‌کننده نظامیان در صحنه‌های مختلف، از جمله در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، و اختصاص چهل درصد از کل بودجه کشور به توسعه نظامی^۱، مانع از توجه لازم به عمران و توسعه اقتصادی کشور شد.

علاوه بر این، تصرف صدها هزار هکتار از زمین‌های مرغوب (اکثراً در خطه شمال) توسط شخص رضاشاه و رعایت نکردن حقوق دهقانان و کشاورزان، از انگیزه آنان برای تولید بیشتر کاست. روی هم رفته، کشاورزی که از پایه‌های استقلال و خودکفایی یک کشور به شمار می‌رود، در این دوران نه تنها در اولویت قرار نداشت، بلکه از رشد طبیعی خود نیز، بازماند.

با سیاست اسکان اجباری ایل‌ها و عشایر (تخته قاپو) توسط رضاشاه که با هدف مهار قدرت سیاسی و نظامی آنان صورت گرفت، دامداری سنتی، به سرعت تخریب شد؛ بدون آنکه دامداری صنعتی جایگزین آن شود.

در زمینه فعالیت‌های صنعتی، به ویژه با توسعه روابط ایران و آلمان، تعدادی کارخانه در کشور تأسیس شد. اما مشکل اساسی صنایع در آن زمان، وابستگی شدید به فناوری و نیروی انسانی ماهر خارجی بود. ماشین‌آلات صنعتی به مملکت وارد می‌شد، اما فکر ابداع و ساخت ماشین‌آلات توسط نیروی با استعداد ایرانی رواج نیافت. در نتیجه ایران به واردکننده و مصرف‌کننده محصولات آلمان تبدیل شد.

۲. شبکه راه‌ها و راه آهن: در ابتدای حکومت رضاشاه، راه‌های زمینی کشور بازسازی و یا تکمیل شد. اگر چه هدف اصلی از این اقدام، ایجاد زمینه مناسب برای حرکت نیروهای نظامی به قصد سرکوب شورش‌ها و مخالفت‌های احتمالی بود، ولی موجب شد که حمل و نقل کالاها، در جاده‌ها، سریع‌تر انجام شود. اقدام دیگری که در همان زمان (سال ۱۳۰۶) آغاز شد، احداث راه آهن بود.

بسیاری از مورخان بر این عقیده‌اند که رضاشاه، راه آهن سراسری ایران را برای جلب رضایت انگلیسی‌ها، و تأمین مقاصد نظامی آنان احداث کرد، زیرا برای مثال، ایجاد راه آهنی که بندر ترکمن را

۱. رشاد، بنیان‌گذاری ارتش ملی در ایران، صص ۶۹-۷۳؛ آبراهامیان، همان، ص ۱۵۲؛ کرونین، ارتش و حکومت پهلوی،

به بندر امام خمینی (کنونی) متصل می‌کرد، در واقع هدفی جز ایجاد راهی سهل و آسان برای انتقال نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال کشور نداشت. هدف‌های نظامی انگلستان ایجاب می‌کرد که در صورت پیشروی شوروی‌ها، بتواند به سرعت، نیروهای خود را به شمال کشور منتقل کند. این راه‌آهن، از هیچ شهر اصلی در آن زمان، غیر از تهران عبور نکرد. درحالی‌که منافع اقتصادی ایران، مستلزم عبور راه‌آهن از بندرهای مهم و پیوند شهرهای بزرگ به یکدیگر بود.^۱

بیشتر بدانید

دکتر محمد مصدق هنگام تصویب لایحهٔ احداث راه‌آهن، با استناد به نظر کارشناسی مهندس «کاساکوسکی» که در استخدام وزارت فواید عامه دولت ایران بود، مخالفت خود را با این لایحه، چنین بیان کرد: «هرکس به این لایحه رأی بدهد، خیانتی است که به وطن خود نموده است».^۲ وی بعدها با تأکید بر مخالفت خود گفت: «ساختن راه‌آهن در این مسیر هیچ دلیل نداشت جز اینکه می‌خواستند از آن استفادهٔ سوق‌الجیشی کنند و دولت انگلیس هم هر سال مقداری زیاد آهن به ایران بفروشد و از این راه پولی [را] که دولت از معادن نفت می‌برد، وارد انگلیس کند».^۳

۳. قرارداد نفت ۱۹۳۳م. ایران و انگلستان: یکی از قراردادهایی که در دوران رضاشاه منعقد شد، قرارداد نفت ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳م. بود که توسط تقی‌زاده امضا شد. این پیمان، بعد از لغو قرارداد «دارسی» بسته شد. انگلستان در سال ۱۹۳۳م، به این سبب که مدت قرارداد دارسی در حال پایان یافتن بود، تقاضای تجدید آن را کرد. رضاشاه، با ظاهری وطن‌پرستانه و در واکنشی تند، قرارداد را پاره کرد و اسناد آن را در آتش بخاری سوزاند. او با این ظاهرسازی عوام‌فریبانه، زمینه را برای قرارداد جدید که به مراتب ننگین‌تر از قرارداد سابق بود، فراهم کرد و پس از بستن قرارداد ۱۹۳۳م، دستور داد که هیچ‌کس و هیچ روزنامه‌ای، دربارهٔ آن سخن نگوید و مطلبی منتشر نکند. به این ترتیب، پروندهٔ آن، تا بعد از شهریور ۱۳۲۰، مسکوت ماند.^۴

۴. پیمان سعدآباد: دولت انگلستان در سال‌های میان دو جنگ جهانی دامنهٔ نفوذ و سلطهٔ خود را بر منطقهٔ مهم خاورمیانه افزایش داد. این دولت به منظور جلوگیری از نفوذ و توسعهٔ شوروی،

۱. ن. ک. : نجانی به نقل از کتاب مصدق تألیف علی‌جان‌زاده از زبان مصدق می‌نویسد: «دیکتاتوری با پول ما و به ضرر ما راه‌آهن کشید و بیست سال برای متفقین تدارک مهمات دید.» (نجانی، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت، ص ۱۵۳).

۲. مصدق، *خاطرات و تأملات*، ص ۳۵۰.

۳. مصدق، همان، ص ۳۵۱.

۴. بعدها تقی‌زاده اقرار کرد که در هنگام امضای نفت، آلت دست دولت انگلستان بوده است. ن. ک. : دولت‌آبادی، همان، ص ۳۲۵؛ هدایت، همان، صص ۴۶۴ و ۴۶۵.

پیمان همکاری و دفاعی چهار جانبه‌ای را موسوم به پیمان سعدآباد بین کشورهای ایران، عراق، ترکیه و افغانستان منعقد کرد. پیش از امضای پیمان سعدآباد، اختلافات مرزی ایران با سه کشور همسایه با حکمیت انگلستان به طور موقت حل و فصل شد و حکومت رضاشاه ناگزیر از، بخشیدن ارتفاعات کوه «آارات» به ترکیه، بخش‌هایی از شرق ایران به افغانستان و چشم‌پوشی دولت ایران از حق حاکمیت خود بر «اروند رود» شد. به همین سبب، برخی از مورخان معتقدند که رضاشاه به دلیل تعهدهایی که شخصاً به دولت انگلستان داشت، تمامیت ارضی ایران را نادیده گرفت.

۵. سلب آزادی، خشونت و بی‌رحمی: در دوران حکومت رضاشاه، فعالیت‌های سیاسی به کلی ممنوع بود و از فعالیت تشکل‌های سیاسی جلوگیری می‌شد. رضاشاه هیچ اعتقادی به احزاب نداشت و به همین دلیل تمام احزاب را منحل کرد. او به صراحت می‌گفت: «هر مملکتی رژیم دارد و رژیم ما یک نفره است».^۱ در حکومت رضاشاه، منتقدان و مخالفان سیاسی به شدت سرکوب می‌شدند. کسانی که برخلاف نظر او سخنی می‌گفتند و می‌نوشتند، سرنوشتی جز تبعید، زندان، شکنجه و مرگ نداشتند.^۲ رضاشاه حتی نسبت به دوستان و حامیان خود نیز با شقاوت و بی‌رحمی رفتار می‌کرد و با کمترین سوءظنی آنان را از بین می‌برد. اشخاصی مانند فیروز فرمانفرما، تیمورتاش و سردار اسعد بختیاری که نقش زیادی در به قدرت رسیدن و استحکام حکومت استبدادی او داشتند، سرانجام از مقامشان برکنار و روانه زندان شدند و در آنجا به قتل رسیدند.

۶. جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی: حاصل جاه‌طلبی‌ها و مال‌اندوزی‌های رضاشاه که با ترساندن و تهدید و زور همراه بود، ثروتی افسانه‌ای بود که او را تبدیل به یکی از ثروتمندترین مردان آن عصر کرد. بالغ بر یک میلیون هکتار زمین^۳، ده‌ها کاخ و ساختمان، هتل، شرکت، چندین کارخانه و مبلغ‌های بسیار هنگفتی پول در بانک‌های انگلستان و ایران، بخشی از ثروت او بود، که پس از شهریور ۱۳۲۰، آن‌ها را به فرزندش منتقل کرد.^۴

چون جمع‌آوری ثروت و مال‌اندوزی، تنها به غصب زمین‌های مردم و برقراری انحصارهای فروش برنج، پنبه و گندم ختم نمی‌شد؛ بلکه اعتبارها و بودجه مملکتی و خصوصاً درآمدهای نفت را، بدون هیچ حساب و کتاب، در اختیار خود درآورده بود و به میل و اراده شخصی، از آن‌ها استفاده می‌کرد.

۱. ن. ک. : راهبرد، فصل‌نامه مرکز تحقیقات استراتژیک، سال ۱۳۷۵، ص ۳۰.

۲. رضاشاه تنها در یک مورد، در توطئه‌ای از پیش طراحی شده، هشت تن از سران عشایر و ایل‌ها را اعدام، و بازده نفر از آنان را به زندان‌های طولانی مدت محکوم کرد.

۳. آبراهامیان، همان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۴. ن. ک. : مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، ص ۲؛ گذشته، چراغ راه آینده است، صص ۹۹-۱۰۲.

بیشتر بدانید

یکی از نمایندگان مجلس انگلستان که بعد از خروج رضاشاه از کشور در شهریور ۱۳۲۰ به ایران آمد، پس از بازگشت، نتیجه مشاهده‌های خود را چنین بیان کرد: «رضاشاه دزدان و راهزنان را از سر راه‌های ایران برداشت و به افراد ملت خود فهماند که از این پس در سراسر ایران فقط یک راهزن بزرگ باید وجود داشته باشد. او بی‌رحم، ستمگر، خیال‌پرور، حریص، طماع و در عین حال با انرژی بود. کسی او را دوست نداشت اما کسی هم نمی‌توانست در مقابلش عرض اندام کند. او، حریفان و مخاطبان خود را بدون ذره‌ای رحم و شفقت به زندان می‌انداخت و یا می‌کشت. رضاشاه کاری برای ملت خود انجام نداد و خیلی کم به ملت خود خدمت کرد؛ و یا اگر حقیقت را بخواهم بگویم، هیچ کاری به نفع توده مردم ایران انجام نداد. پادشاه مقتدر ایران، در پشت سرش کشوری باقی گذاشت و رفت که دارای سرمایه‌های دست نخورده و مسکن ملت فقیری بود»^۱.

پرسش‌های نمونه

۱. چرا خاک ایران مورد توجه کشورهای درگیر در جنگ جهانی دوم واقع شد؟
۲. در دوره سلطنت رضاشاه در زمینه شبکه راه‌ها و راه‌آهن چه اقداماتی شد؟ مورخان هدف از این اقدامات را چه می‌دانند؟
۳. ایران بر اساس پیمان سعدآباد چه مناطقی را از دست داد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در زمینه کارآمدی نظامیان در زمان سلطنت رضاشاه در مقابل سهم بودجه‌ای که به آنها اختصاص داده می‌شد، مطلبی تهیه کنید.
۲. در مورد برخورد حکومت رضاشاه با احزاب سیاسی، گزارشی مختصری تهیه کنید.

۱. ن.ک. : مدنی، همان، ج ۱، ص ۱۳۴.



اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن

در این درس به موضوع جانشینی محمدرضا پهلوی، آثار حضور متفقین در ایران، تشکیل حزب‌های سیاسی، و تصاحب امکانات و منابع ایران به وسیله اشغالگران در جنگ جهانی دوم، پرداخته می‌شود. مذاکره‌های نفت و تلاش برای تجزیه ایران، به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر فلسطین از دیگر مباحث این درس است.

نخستین سال‌های حکومت محمدرضا پهلوی

پس از عزل رضاشاه توسط انگلیسی‌ها، محمدرضا شاه با حمایت انگلستان، آمریکا و شوروی و تلاش‌های برخی از درباریان، به سلطنت رسید (۲۶ شهریور ۱۳۲۰).
رضاشاه قبل از خروج از ایران توانست وکالت انتقال اموال فراوان و املاک زیادی را که در طول سلطنت خود از مردم غصب کرده بود، به پسرش، واگذار کند و خود همراه با جواهرات سلطنتی که در حقیقت ثروت ملی بود، به جزیره «موریس»، تبعید شد و در پی آن، کشور میدان جوش و خروش و بحث‌های سیاسی شد؛ و در فرصت و آزادی به وجود آمده، همگان، به بحث دربارهٔ حوادث بیست سال گذشته پرداختند. مردم و مطبوعات، در مورد هزاران قتل، شکنجه، زندان و تبعید آزادی خواهان، و غصب اموال و تجاوز به حقوق عمومی، سؤال‌های بسیاری داشتند. یکی از مسائل جدی این دوران، محاکمه‌های جنجالی عوامل جنایت‌های دوران استبداد رضاشاه بود. خشم عمومی، سبب شد که معدودی از آن افراد، نظیر سرپاس رکن‌الدین مختاری، رئیس شهربانی تهران، مصطفی راسخ، رئیس زندان قصر و پزشک احمدی، پزشک زندان قصر که در جنایت‌های رضاشاه مشارکت داشتند، بازداشت و محاکمه شوند.

تصاحب امکانات و منابع ایران توسط متفقین

متفقین با تصاحب کلیه وسایل حمل و نقل خصوصی و دولتی، بخش قابل توجهی از امکانات کشور را در اختیار گرفتند.

در حالی که مردم ایران دچار قحطی شده بودند، مایحتاج عمومی از جمله گندم و برنج تولیدی داخلی به شوروی ارسال و یا توسط نیروهای اشغالگر مصرف می‌شد و کارخانه‌ها در اختیار متفقین قرار گرفت.

از طرف دیگر، مجلس سیزدهم، در آبان ۱۳۲۱ اختیار تنظیم امور مالی و اقتصادی کشور را به «آرتور میلسپو»، مستشار آمریکایی، سپرد. میلسپو علاوه بر امور مالی، قدرت وضع مقررات و قوانین و تغییر قیمت ارز (در جهت منافع متفقین) را نیز یافته بود و بر امور مالی ارتش و شهربانی هم نظارت می‌کرد. مجموعه سیاست‌های اقتصادی این دوره، آثار مهم و مخربی بر اقتصاد ایران گذاشت. با وجود نقاط مثبتی در این اصلاحات، سقوط ارزش ریال، نابودی درآمدهای دولت، ورشکستگی اقتصادی کشور، قحطی و بیماری از جمله نتایج ناگوار آن دوره است.

تشکیل حزب‌های سیاسی و دخالت بیگانگان

انگلستان، سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را، که در فلسطین به کار واسطگی خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و کمک به اشغال آن اشتغال داشت،^۱ به ایران بازگرداند و او، حزب «اراده ملی» را تشکیل داد. شوروی نیز به کمک جمعی از کمونیست‌های سابق، حزب «توده» را تشکیل داد. سپس، با نفوذ در ارتش، «سازمان نظامی» آن حزب را تأسیس کرد. همچنین، در آذربایجان و کردستان، فرقه «دمکرات» را سازمان داد. از طرف دیگر، قوام‌السلطنه، حزب «دمکرات» را ایجاد کرد، که گاهی متمایل به آمریکا و زمانی متمایل به شوروی بود.

برخی از احزاب و دسته‌جات سیاسی نیز برای پیشبرد اهداف و مقاصد شاه و دربار تأسیس شدند.^۲ جریان‌های مذهبی نیز چندین تشکل سیاسی و فرهنگی به وجود آوردند، جمعیت فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی از آن جمله است.

۱. ن. ک: طیرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ج ۲، ص ۳۰ به بعد؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۰۰؛ فردوست،

همان، ج ۱، صص ۴۸ و ۴۹؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۸۶.

۲. در این باره می‌توان از حزب «آریا» و «حزب سوسیالیسم ملی کارگران» که به اختصار «سومکا» نامیده می‌شد، نام برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

علت افزایش فعالیت احزاب سیاسی در سال‌های اولیه سلطنت محمدرضاشاه

چه بود؟

مذاکره‌های نفت و سیاست موازنه منفی

در سال ۱۳۲۳ ش چندین شرکت نفتی انگلیس و آمریکا خواستار امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) شدند. اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت به طور جدی مخالفت کردند. هم‌زمان دولت شوروی نیز درخواست امتیاز نفت شمال ایران را کرد، اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد. دولت شوروی برای تحمیل امتیاز نفت شمال با استفاده از اهرم‌هایی چون حزب توده و عوامل داخلی‌اش و همچنین قوای مسلح شوروی که به رغم پایان یافتن جنگ همچنان در خاک ایران حضور داشتند، دولت و مجلس را تحت فشار گذاشت.^۱

در مقابل این درخواست‌ها و فشارها، نمایندگان دوره چهاردهم مجلس طرحی را تصویب کردند که طبق آن مذاکره با کشورهای خارجی برای واگذاری امتیاز نفت، بدون تأیید مجلس ممنوع شده بود.^۲

این طرح به همت دکتر مصدق به مجلس ارائه شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید.^۳ این اقدام به منزله اتخاذ سیاست موازنه منفی بود، یعنی ممنوعیت واگذاری امتیاز نفت به قدرت‌های شرق و غرب که در برابر سیاست موازنه مثبت که اعطای امتیاز نفت به دو قدرت شرق و غرب بود، اتخاذ گردید.

شکست تجزیه‌طلبان و تخلیه ایران از نیروهای شوروی

با وجود تعهدات دول متفق در طول جنگ مبنی بر احترام به حق حاکمیت ایران و تخلیه سریع کشور پس از خاتمه جنگ (حداکثر ظرف شش ماه)، دولت‌های آمریکا و انگلستان اقدام به خروج نیروهای نظامی خود از ایران کردند^۴، اما هنوز نشانه‌ای از تخلیه ایران از سوی قوای شوروی مشاهده نمی‌شد. این دولت اهداف جاه‌طلبانه‌ای را دنبال می‌کرد، از جمله ایجاد حاشیه امنیتی و منطقه حائل از طریق تجزیه برخی از مناطق ایران (آذربایجان ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی) و دستیابی به

۱. هوشنگ مهدوی، همان، صص ۴۱۸-۴۳۹.

۲. کی استوان، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۳. لسانی، همان، ص ۴۳۶: مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۷۹، مورخ ۷ آذرماه ۱۳۲۳، روزنامه رسمی کشور.

۴. در این ایام، سیاست انگلستان و آمریکا در مقابل ایران، استفاده از نیروهای بومی و البته وابسته بود.

امتیاز نفت شمال و ...، زیرا از اوایل قرن بیستم امتیاز نفت جنوب در دست انگلیسی‌ها بود.^۱ بنابراین در آذربایجان که تحت اشغال شوروی‌ها بود، فرقه دمکرات، مقدمات جداسازی آن را از ایران فراهم کرد. این گروه از شوروی تجهیزات جنگی دریافت می‌کرد و با پشتیبانی نیروهای نظامی شوروی اقدام به تضعیف حاکمیت دولت مرکزی ایران و اشغال بخش‌هایی از آذربایجان کرد.

به مدت کوتاهی پس از بحران آذربایجان، حزب دمکرات کردستان نیز در بهمن ماه ۱۳۲۴ رسماً در مهاباد جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. فرقه دمکرات به دلیل وابستگی‌اش به شوروی و تفکرات مارکسیستی فاقد پشتوانه مردمی بود.

سرانجام غائله آذربایجان و کردستان که به بحران بزرگی تبدیل شد و ممکن بود باعث تجزیه این دو بخش از خاک ایران شود، با رشادت و مقاومت مردم وطن‌خواه و مسلمان آذربایجان و کردستان و با همان سرعتی که آغاز شده بود، به پایان رسید. البته فشارهای بین‌المللی^۲ و تلاش‌های قوام‌السلطنه که وعده امتیاز نفت شمال را به شوروی داده بود در این ماجرا تأثیر داشت.^۳

دولت‌های بی‌ثبات

پس از خروج متفقین از ایران، دولت‌های بی‌ثباتی یکی پس از دیگری روی کار آمدند. با سقوط دولت قوام‌السلطنه، در طول سه سال - از آذرماه ۱۳۲۶ تا اردیبهشت ۱۳۳۰ - شش دولت بر سر کار آمد.^۴ دخالت‌های آشکار و پنهان بیگانگان و عوامل آنها در امور داخلی ایران، ناهماهنگی میان مجلس و دولت و بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن، نقش اساسی در تزلزل کابینه‌ها در آن دوره داشت.

به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس

روی کار آمدن مجدد محمدساعده مراغه‌ای (در مهرماه ۱۳۲۷)، هم‌زمان با اعلام موجودیت دولت صهیونیستی در سرزمین غصب‌شده فلسطین بود. در این ارتباط، به دعوت آیت‌الله کاشانی و

۱. ن. ک: هوشنگ مهدوی، همان، صص ۲۱۸-۲۲۸.

۲. سیاست انگلستان و آمریکا برای جلوگیری از گسترش نفوذ روس‌ها در منطقه حساس خلیج فارس و ایران که منجر به اعمال فشار از طریق سازمان ملل گردید و همچنین توافق کنفرانس تهران (۱۳۲۲) از جمله عوامل بین‌المللی بود که در پایان دادن به غائله آذربایجان و شوروی مؤثر بود.

۳. اسکندری، *خاطرات سیاسی*، صص ۱۶۷-۱۶۹؛ طبری، *کزراره، خاطراتی از حزب توده*، صص ۶۲-۷۸؛ بهروز، *شورشیان*

آرمان‌خواه، *ناکامی چپ در ایران*، ص ۳۹.

۴. این کابینه‌ها عبارت بود از: ۱. ابراهیم حکیمی ۲. عبدالحسین هزیر ۳. محمد ساعده مراغه‌ای ۴. علی منصور

سیدمجتبی نواب صفوی، رهبر «فداییان اسلام»، اجتماع‌هایی گسترده در حمایت از مردم فلسطین برپا شد و بیش از پنج هزار نفر فدایی، برای اعزام به آن سرزمین، ثبت نام کردند.^۱

ولی در اوج کشمکش‌های منطقه‌ای و التهاب‌های داخلی ناشی از اشغال فلسطین، محمد ساعد مراغه‌ای، پس از دریافت چهارصد هزار دلار رشوه از اسرائیل، ضمن تعویض وزیر خارجه، با موافقت شاه، در دی‌ماه ۱۳۲۸، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۲

بیشتر بدانید

پیدایش دولتی بر پایه صهیونیسم

فکر ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین برای اولین بار توسط هرتزل^۳ با انتشار کتاب دولت یهود در سال ۱۸۹۶م به وجود آمد. تا قبل از جنگ جهانی اول فلسطین جزو قلمرو حکومت عثمانی بود. در جریان جنگ جهانی اول که این دولت به شدت ضعیف شده بود، انگلستان، فلسطین را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۹۱۷م/۱۳۳۶ق ارتور جیمز بالفور^۴ وزیر خارجه وقت انگلستان طی اعلامیه‌ای پشتیبانی انگلستان را از تأسیس کانون ملی یهودیان اعلام کرد. این بیانیه به منزله سنگ بنای رژیم اشغالگر فلسطین بود. صدور اعلامیه بالفور در فلسطین با مخالفت عمومی مواجه شد اما چون در آن زمان فلسطین زیر سلطه نیروهای انگلستان بود، مردم فلسطین نمی‌توانستند دست به اقدامی عملی بزنند.

در سال ۱۹۲۰م جامعه ملل، قیومیت فلسطین را به انگلستان سپرد. بدین ترتیب راه برای مهاجرت گسترده یهودیان هموار شد که موجب نگرانی مسلمانان و ساکنان این سرزمین شد. به‌ویژه آنکه برخی از گروه‌های شبه نظامی یهودی، اقدام به آزار و اذیت و ترور مسلمانان به منظور بیرون راندن آنها از خانه و کاشانه‌شان می‌کردند.

در طول جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها با تبلیغات گسترده اقدام به مهاجرت و کوچ دادن یهودیان به سرزمین فلسطین کردند و پس از جنگ در سال ۱۹۴۸م سازمان ملل متحد با اعمال نفوذ و حمایت قدرت‌های بزرگ غربی و روسیه رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل داد.

تغییر قانون اساسی برای افزایش اختیارات شاه

طرح الغای قرارداد نفت جنوب در مجلس، منافع دولت انگلستان را یک‌باره برهم زد. سوء قصد

۱. مدنی، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۲۴.

۲. ولایتی، ایران و تحولات فلسطین، صص ۵-۸.

3. Herzel

4. Arthur. James Balfor

به شاه در حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ با همه پنهان کاری‌هایی که در پشت پرده انجام شد، برای این هدف طراحی شده بود که مبارزه ضد استعماری ملت ایران متوقف گردد. پس از این واقعه، حزب توده، به عنوان عامل نفوذ سیاست خارجی شوروی منحل و آیت‌الله کاشانی ابتدا به زندان فلک‌الافلاک خرم‌آباد و سپس به لبنان تبعید شد. آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه شدیداللعنی درخواست لغو امتیاز نفت داده شده به انگلیس در زمان رضاشاه را مطرح کرده بود. محمدرضا شاه توانست در پنجم اسفند ۱۳۲۷ و در شرایط روانی به وجود آمده ناشی از ترورش - از جمله، برقراری «حکومت نظامی» - کار تغییر قانون اساسی را به انجام رساند. شاه که در قانون اساسی مشروطه غیرمسئول و فاقد اختیارات بود، در قانون اساسی جدید قدرت انحلال دو مجلس^۱، فرماندهی کل قوا، اعلان جنگ و صلح و نصب وزراء را به دست آورد.

جریان‌های دینی و فرهنگی

مطبوعات دینی و جنبش اسلامی دانشجویان (انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران) دو جریان روشنفکر بودند که در دهه ۱۳۲۰ ش. پا به عرصه وجود گذاشتند و نقش مؤثری در بیداری اسلامی ایفا کردند. یکی از اهداف مهم این جریان‌ها مقابله با اندیشه و جریان‌های غیراسلامی به‌ویژه کمونیسم بود. دغدغه اصلی روشنفکری دینی در آن سال‌ها، ارائه چهره‌ای تازه و پویا از اسلام بود که با مقتضیات زمان و علوم جدید سازگار باشد و مشکلات و نیازهای فکری نسل جوان و تحصیلکرده را پاسخ دهد.

۱. مدنی، همان، ج ۱، ص ۱۷۸.

پرسش‌های نمونه

۱. در اوایل سلطنت محمدرضا شاه چه احزابی در ایران تشکیل شد؟
۲. دولت شوروی برای به دست آوردن امتیاز نفت، از چه راه‌هایی ایران را تحت فشار گذاشت؟
۳. چرا دولت شوروی از تخلیه خاک ایران از نیروهای خود، خودداری می‌کرد؟
۴. محمدرضا شاه با تغییر قانون اساسی در پنجم اسفند ۱۳۲۷، چه اختیاراتی به دست آورد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در زمینه حمایت دولت شوروی از فرقه‌های تجزیه طلب دموکرات در کردستان و آذربایجان مطلبی تهیه کنید.
۲. در مورد اولین مقاومت‌های مجلس شورای ملی در مقابل واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی مطلبی تهیه کنید.



نهضت ملی شدن صنعت نفت

در درس گذشته با مذاکرات نفت شمال و فرجام آن آشنا شدید. در این درس با چگونگی وحدت میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و تلاش‌های مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

زمینه‌های شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت ایران

دولت انگلستان که از محصول نفت ایران و سایر کشورهای خاورمیانه درآمد بسزایی کسب می‌کرد،^۱ نماینده خود «نویل گس» را در چند مرحله برای انجام مذاکرات نفت به ایران فرستاد. او سرانجام در سال ۱۳۲۸ پس از مذاکرات مفصل با گلشائیان وزیر دارایی، قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ ایران و انگلستان را که به قرارداد «گس - گلشائیان» معروف شد،^۲ امضا کرد. محمدساعده^۳ که قول داده بود قرارداد الحاقی را به تصویب برساند، در پایان دوره پانزدهم مجلس شورای ملی آن را به مجلس برد ولی بر خلاف تصور او، نمایندگان مجلس به لایحه مذکور رأی ندادند. این موضوع و همچنین آگاهی مردم از ماهیت استعماری قراردادهای قبلی زمینه را برای مخالفت‌های بعدی و تلاش برای ملی کردن صنعت نفت ایران فراهم کرد. دولت ساعد به دلیل عدم تصویب قرارداد الحاقی استعفا کرد. دو ماه بعد از تشکیل دوره شانزدهم مجلس، علی منصور^۴ به نخست‌وزیری منصوب شد. او مجدداً لایحه قرارداد الحاقی را به مجلس ارائه کرد.

۱. تانزر، بحران انرژی، ص ۵۴.

۲. این قرارداد استعماری در سال ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م بعد از لغو قرارداد «داری» در زمان رضاشاه منعقد شد.

۳. برای آگاهی از متن قرارداد، ن. ک: گلشائیان، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، ج ۲، صص ۸۳۲ - ۸۳۶.

۴. نخست‌وزیری محمد ساعد مراغه‌ای (دوره دوم) از مهرماه ۱۳۲۷ آغاز و در فروردین ماه ۱۳۲۹ پایان یافت.

۵. نخست‌وزیری علی منصور از فروردین ۱۳۲۹ آغاز و در تیرماه همان سال به پایان رسید.

جبههٔ ملی به رهبری دکتر محمد مصدق که در سال ۱۳۲۸ ش تأسیس شد، در مجلس در اقلیت قرار داشت اما از محبوبیت برخوردار بود. این جبهه یک فراکسیون هشت نفره تشکیل داده بود که هدف آن مخالفت با قرارداد الحاقی «گِس - گلشائیان» بود.^۱

در همین زمان آیت الله کاشانی بعد از حدود یک سال تبعید در میان استقبال با شکوه مردم به ایران بازگشت و روح تازه‌ای به مبارزات ضد استعماری دمید.^۲ آیت الله کاشانی که از نفوذ و محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار بود، به حمایت از دکتر مصدق پرداخت. در نتیجه موجب پیوستن مردم و نیروهای مذهبی به مبارزات ضد استعماری شد.

برگی از تاریخ



آیت الله کاشانی (۱۲۶۱-۱۳۴۰ ش)

آیت الله کاشانی در ۱۲۶۱ ش در تهران به دنیا آمد. در شانزده سالگی راهی نجف شد. در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط انگلیس همگام با علمای مبارز به جهاد با انگلیس پرداخت. انگلیسی‌ها او را دستگیر و به ایران تبعید کردند. در زمان حضور او در ایران، نهضت ملی شدن نفت شروع شد. او با رهبری نیروهای مذهبی به حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق پرداخت و نقش بسیار مؤثری در پیشرفت این نهضت داشت.

سرانجام بار دیگر مجلس با پشتیبانی مردم از تصویب لایحهٔ قرارداد الحاقی خودداری کرد. در نتیجه دولت منصور به طور غیر منتظره‌ای استعفا کرد و رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش با تشکیل کابینه‌ای جدید به نخست‌وزیری رسید.^۳

۱. ن. ک: نجاتی، جنبش ملی شدن نفت ایران، صص ۸۴-۸۶؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۴؛ آبراهامیان، همان، صص ۳۱۱، ۳۱۲.

و ۳۲۰-۳۲۴.

۲. سمیعی، سی و هفت سال، ص ۱۶.

۳. نخست‌وزیری حاج علی رزم‌آرا از تیرماه ۱۳۲۹ آغاز و در اسفندماه همان سال با قتل وی به پایان رسید.

دولت رزم‌آرا مانعی بر سر راه ملی شدن نفت ایران

با روی کار آمدن دولت رزم‌آرا که مورد حمایت انگلستان و آمریکا بود، اتحاد نیروهای مذهبی و ملی افزایش یافت.^۱ آیت‌الله کاشانی و جبهه ملی اعلامیه‌ای علیه نخست‌وزیری رزم‌آرا صادر کردند و تشکیل دولت او را شبه کودتا نامیدند.^۲ رزم‌آرا می‌دانست که اگر لایحه الحاقی در دستور کار مجلس قرار بگیرد و بار دیگر رد شود، این موضوع باعث حساسیت افکار عمومی و آگاهی فزاینده مردم نسبت به سیاست‌های استعماری دولت انگلستان در قبال مسائل نفتی ایران می‌شود.^۳

نمایندگان اقلیت مجلس طرح «ملی شدن صنعت نفت» را به مجلس ارائه کردند اما به دلیل کمبود امضا، این طرح در مجلس طرح نشد.^۴ رزم‌آرا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت ایران به طور محرمانه وارد مذاکره با انگلستان شد و پیشنهاد جدیدی به جای قرارداد الحاقی که متضمن منافع انگلستان بود،^۵ ارائه کرد. علاوه بر این او با تحقیر روحیه ملی اعلام کرد که ایرانیان حتی قادر به اداره یک کارخانه سیمان نیستند و ملی کردن صنعت نفت ایران را بزرگ‌ترین خیانت برشمرد.^۶ در پی گسترش اعتراض‌های مردمی علیه رزم‌آرا در تهران گردهمایی‌های متعددی برگزار شد. مردم در این تظاهرات خواستار ملی شدن صنعت نفت بودند اما قدرت سیاسی و نظامی رزم‌آرا و تعداد کم نمایندگان مدافع نهضت ملی شدن نفت در مجلس، سبب بی‌نتیجه ماندن این فعالیت‌ها شد.^۷ سرانجام خلیل طهماسبی از اعضای برجسته فداییان اسلام رزم‌آرا را به قتل رساند.^۸ انگلستان که مهره قدرتمندی را در ایران از دست داده بود، کشته شدن رزم‌آرا را یک فاجعه توصیف کرد. بهای سهام شرکت نفت انگلستان به سرعت تنزل کرد. فردای آن روز یعنی در ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون نفت مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را تصویب کرد.^۹

۱. عمید زنجانی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، ص ۴۲۰.

۲. گذشته جراحی راه آینده است، ص ۵۳۵.

۳. ن. ک: اقبال، *نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، ص ۴۸.

۴. تعداد ۱۱ نفر از نمایندگان این طرح را امضا کردند در حالی که حد نصاب برای ارائه یک طرح به مجلس ۱۵ نفر بود.

۵. مشابه موافقتنامه شرکت نفت آمریکایی آرامکو با عربستان سعودی. ن. ک: گذشته جراحی راه آینده است، ص ۵۴۴.

۶. همان، ص ۵۴۲.

۷. لسانی، همان، ج ۲، ص ۲۲۸.

۸. در ملاقات میان اعضای فداییان اسلام، آیت‌الله کاشانی و رهبران جبهه ملی، همگی به توافق رسیده بودند که با از میان برداشتن رزم‌آرا صنعت نفت ملی خواهد شد. در این باره ن. ک: عراقی، همان، ص ۸۰؛ خسروشاهی، *فداییان اسلام تاریخ، عملکرد، اندیشه*، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ واحدی، *خاطرات*، مجله خواندنی‌ها، ش ۱۱، سال ۱۶، مورخ ۱۳۳۴/۸/۱۹.

۹. زنجانی، همان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

تصویب ملی شدن صنعت نفت

طرح ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ در مجلس به تصویب رسید و شادی و جشن سراسر کشور را فرا گرفت و ۵ روز بعد در ۲۹ اسفند ماه مجلس سنا همان مصوبه را تأیید و شاه نیز آن را امضا کرد.^۱ دولت انگلستان برای جلوگیری از به خطر افتادن منافعش در ایران شاه را تحت فشار قرار داد. آن دولت قصد داشت با انتصاب حسین علاء به نخست‌وزیری مانع از اجرای قانون ملی شدن نفت گردد.^۲

حسین علاء فردی بود که در ماجرای قرارداد ۱۹۳۳/م/۱۳۱۲ ش در زمان رضاشاه شرکت داشت و در کنار تقی‌زاده از عاقدین آن قرارداد ننگین بود. علاء^۲ برای آرام کردن بحران و مناقشات نفتی در خوزستان و متعاقباً در سایر مناطق نفت‌خیز جنوب حکومت نظامی برقرار کرد. حسین علاء برای الغای قانون ملی شدن نفت تلاش زیادی کرد اما در برابر اراده مردم ناکام ماند و سرانجام به علت ناتوانی در حل بحران نفت استعفا داد.

نخست‌وزیری مصدق

دکتر محمد مصدق، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مأمور تشکیل کابینه شد و مجلس‌های شورای ملی و سنا، طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساندند. مصدق با شرط تصویب این طرح، نخست‌وزیری را پذیرفت. طبق این طرح، دولت می‌بایست به خلع‌ید شرکت نفت ایران و انگلیس از نفت کشور می‌پرداخت؛ اساسنامه شرکت ملی نفت را تنظیم می‌کرد و نفت ایران را به مشتریان به نرخ عادلانه به فروش می‌رساند.

۱. گذشته چرخ راه آینده است، ص ۵۴۵.

۲. سفير انگلستان در تهران در اولين واکنش به تصویب ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد: «ایران نمی‌تواند این ظلم را در حق ما مرتکب

شود». ن. ک: ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه/ امتیاز داریسی تا کودتای ۲۸ مرداد، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. نخست‌وزیری حسین علاء از اسفندماه ۱۳۲۹ آغاز و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به مدت ۲ ماه ادامه یافت.

دکتر مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ش)



دکتر محمد مصدق در ۱۲۶۱ در تهران به دنیا آمد. وی در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت و بعدها برای تکمیل تحصیلات خود راهی سوئیس شد.

بعد از بازگشت به ایران عهده دار مناصب مهمی نظیر وزارت دادگستری و استانداری فارس شد. در دوره پنجم و چهاردهم از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. وی از سال ۱۳۲۹ ش رهبری نهضت مردمی برای ملی کردن نفت را در کنار آیت الله کاشانی به

عهده گرفت. دکتر مصدق در جریان این نهضت به نخست وزیری انتخاب شد اما در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اثر کودتایی که از سوی آمریکا و انگلیس و طرفداران شاه بر پا شد، از نخست وزیری عزل و در احمدآباد تحت نظر قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۵ درگذشت. وی یکی از پیشگامان نهضت ضد استعماری عصر ما بود که نه تنها در ایران بلکه در بین کشورهای جهان سوم هم از او به عنوان کسی که شجاعانه و با سرسختی تحسین برانگیزی مقابل استعمار انگلیس ایستاد، نام می‌برند.

در این دوره دولت با تقویت وحدت ملی، تلاش برای ملی شدن صنعت نفت را پی گرفت و هیئت خلع ید از شرکت نفت، اقدام‌های خود در مورد انتقال شرکت را آغاز کرد. دولت انگلستان ضمن شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه^۱، تهدید کرد که «چهار هزار چتر باز و رزمناوهای خود را به مرز آبی ایران خواهد فرستاد». اما در نقطه مقابل، آیت الله کاشانی اظهار داشت که «اعلام جهاد خواهد نمود».

با اقدام‌های دولت ایران در خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس، کارشناسان خارجی شرکت به طور دسته جمعی استعفا کردند و تلاش دکتر مصدق برای راضی کردن آنان به ادامه کار، به جایی نرسید. به دنبال آن، دولت کوشید از کشورهای دیگر نظیر آمریکا و هلند^۲ کارشناس استخدام کند اما به دلیل اعمال نفوذ انگلیس، موفق به این کار نشد. به همین سبب، تولید نفت، تا حد رفع نیاز داخلی، کاهش

۱. روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران، ص ۱۲۹.

۲. با وجود تلاش‌های دکتر مصدق برای قطع دست روسیه و انگلیس، اما به شکل جدی توجهی به توان داخلی و برنامه‌ریزی برای پرورش نیروهای متخصص ایرانی نمی‌شد. در عوض، از مستشاران آمریکایی و دیگر کشورها استفاده شد و اتکای به آمریکا، نهضت را در مراحل بعدی دچار مشکل کرد.

یافت. جز این، کشتی‌های نفتکش نیز، از بارگیری نفت ایران خودداری کردند. به این ترتیب در مرداد ۱۳۳۰، آخرین واحد پالایشگاه آبادان تعطیل شد.

با شکایت دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دکتر مصدق، برای پاسخ‌گویی در مورد ملی کردن صنعت نفت و اخراج انگلیسی‌ها به نیویورک رفت. او اسنادی از دخالت دولت انگلستان در امور داخلی ایران را به سازمان ملل متحد عرضه کرد. در همین زمان دولت آمریکا طرح جدیدی درباره کشمکش ایران و انگلیس ارائه داد. شورای امنیت نیز، به مسکوت ماندن شکایت انگلیس رأی داد. در نتیجه رأی شورا به نفع ایران تمام شد.^۱

به علت قطع صادرات نفت و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دولت انگلستان، درآمد دولت به سرعت کاهش یافت و کشور دچار مشکلات شدید اقتصادی شد. در نتیجه دولت ناچار به فروش اوراق قرضه شد.^۲

پرسش‌های نمونه

۱. رزم‌آرا در مقابل ملی شدن صنعت نفت چه رفتاری در پیش گرفت؟
۲. مصدق در دوره اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و عکس‌العمل دولت انگلستان در مقابل اقدامات او چه بود؟
۳. انگلستان از نخست‌وزیر شدن حسین علاء چه هدفی را دنبال می‌کرد و او در این راستا چه کارهایی کرد؟

اندیشه و جست و جو

۱. گزارشی از مذاکرات نمایندگان مخالف و موافق ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی تهیه کنید.
۲. در مورد زندگی و اقدامات شهید نواب صفوی مطلبی تهیه کنید.

۱. ن. ک: گازبوردسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۸؛ فاتح، پنجاه سال نفت ایران، صص ۵۶۸-۵۷۱.

۲. مکی، وقایع سی تیر ۱۳۳۱، صص ۵۷ و ۷۹.



زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد

در این درس، با علّت‌های استعفای دکتر مصدّق، قیام سی تیر و پیامدهای آن، نقش آیت‌الله کاشانی در سقوط دولت قوام‌السلطنه، روی کار آمدن مجدّد دولت مصدّق و زمینه‌های کودتا علیه دولت مصدّق آشنا می‌شوید.

قیام ۳۰ تیر

در تیرماه ۱۳۳۱ دکتر مصدّق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت، از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نپذیرفت، مصدّق استعفا کرد.^۱

بلافاصله پس از استعفای دکتر مصدّق، شاه، قوام‌السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. قوام‌السلطنه، طی اعلامیه شدیداللحنی به طرفداران نهضت ملی شدن نفت حمله کرد و تهدید به اجرای «اعدام‌های دسته جمعی» کرد. در پی آن آیت‌الله کاشانی از مردم خواست تا برای مقابله با قوام به میدان بیایند و اعلام کرد: «به خدای لایزال، اگر قوام نرود، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت، در پیکار شرکت می‌کنم». تلاش‌های دربار و نمایندگان قوام‌السلطنه در متقاعد کردن آیت‌الله کاشانی به نتیجه نرسید. آیت‌الله کاشانی اعلام کرد: «اگر در بازگشت دولت دکتر مصدّق اقدام نشود آتش انقلاب را متوجه دربار خواهیم کرد».^۲ در اولین ساعات روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مردم تهران درحالی که در محاصره نیروهای نظامی و انتظامی و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها قرار داشتند بی‌محابه به حرکت درآمدند و حماسه‌ای ملی و غرورآفرین خلق کردند. رشادت مردم تهران و سایر شهرهای کشور که منجر به شهادت تعدادی از آنها شد، موجب گردید تا شاه با برکناری قوام

۱. کاتوزیان، مصدّق و نبرد قدرت، ص ۲۲۳؛ مدنی، همان، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نجاتی، همان، صص ۲۲۲ - ۲۲۷. بعدها دکتر مصدّق

گفت: «اکنون اعتراف می‌کنم که راجع به استعفا خطای بزرگی مرتکب شدم». ن. ک. مصدّق، خاطرات و تألمات، ص ۲۵۹.

۲. کاتوزیان، همان، ص ۲۲۴.

بار دیگر دکتر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب کند.

دور دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق

با روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر مصدق علاوه بر ریاست دولت، وزارت جنگ را نیز شخصاً بر عهده گرفت و از موقعیت مستحکمی برخوردار شد.

با وجود این در آن دوران حوادث عبرت‌انگیزی روی داد که زمینه‌های بروز اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم کرد.^۱ این اختلافات با دسیسه‌چینی کانون‌های توطئه خارجی و عوامل داخلی اش تشدید شد. انگلستان که از ملی شدن نفت ایران ضربه خورده بود، به توطئه‌هایی علیه دولت مصدق دست زد. تا زمانی که اتحاد و همبستگی در میان رهبران نهضت وجود داشت، نهضت از حمایت گسترده و پشتیبانی مردم و افکار عمومی برخوردار بود، توطئه‌های سهمگین خارجی و دسیسه‌های شاه و دربار که در رأس آن مخالفان داخلی قرار داشتند، مؤثر واقع نشد. با بروز اختلاف و شکاف در میان رهبران نهضت، کوچک‌ترین توطئه مبدل به ضربه سهمگین بر پیکر ملی شدن صنعت نفت می‌شد و پایه‌های حمایت و پشتیبانی مردم که عامل مهمی در رویارویی با استعمار خارجی به شمار می‌رفت، سست می‌کرد.

در چنین شرایطی رهبران نهضت که برای قطع دست استعمار از منافع ملی ایران تلاش می‌کردند و می‌خواستند که ایرانی خانه خویش را خود بسازد، در رویارویی با توطئه‌های خارجی و دسیسه‌چینی مخالفان داخلی توانستند اهداف نهضت را به ثمر برسانند.

ضعف ساختاری و بی‌کفایتی برخی از اعضای کابینه دولت، رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، روند جدایی و بروز شکاف و تشنّت سیاسی مانع از آن شد که بار دیگر مردم همچون واقعه ۳۰ تیر در صحنه مبارزه حاضر شوند.

۱. از جمله اختلافات؛ موضوع سیاست مامشات، مسامحه و عدم تعقیب و مجازات مسببان کشتار مردم در سی‌ام تیرماه از سوی دولت و روی کار آمدن برخی از افراد که از حسن سابقه برخوردار نبودند و بعدها مسئله تمدید اختیارات به‌ویژه درخواست اختیارات فوق‌العاده از سوی دکتر مصدق و اقدام وی مبنی بر انحلال مجلس هفدهم از طریق فرماندوم و مراجعه مستقیم به آرای عمومی بود.

در این باره ن. ک: پیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۱۵۶؛ مدنی، همان، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۳؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۱۸؛ اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران صص ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۸۰-۱۸۲؛ کاتم، همان، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.

عوامل زمینه‌ساز کودتای ۲۸ مرداد

الف - عوامل خارجی:

۱. آمریکا: دولت آمریکا^۱ به دلیل رقابت نفتی با انگلستان در خاورمیانه، ابتدا به طور نسبی و مشروط به حمایت از نهضت ملی شدن نفت ایران پرداخت؛ زیرا این کشور در صدد بود در منابع نفت ایران سهم گردد^۲، و قانون ملی شدن نفت را گامی در راستای پایان بخشیدن به تسلط انحصاری انگلستان بر نفت ایران تلقی می‌کرد. از سوی دیگر چون در آن دوران، آمریکا در جنگ سرد با شوروی^۳ به سر می‌برد، قصد داشت با پشتیبانی از نهضت ملی شدن نفت و برقراری روابط دوستانه با دولت مصدق، ایران را زیر نفوذ و سلطه خود درآورد^۴. پس از مدتی آمریکا تصمیم گرفت میان ایران و انگلستان در موضوع نفت میانجیگری کند، چرا که حفظ ثبات بازار نفت را برای جلوگیری از بحران اقتصادی ضروری می‌دانست^۵. با گذشت زمان، سیاست دولت آمریکا نسبت به نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق از حمایت و میانجیگری به مداخله‌گری و همکاری با انگلستان برای براندازی تغییر یافت؛ زیرا از یک سو انگلیسی‌ها قول دادند، شرکت‌های نفتی آمریکایی را در منابع نفت ایران شریک سازند و از سوی دیگر خطر نفوذ کمونیزم و حزب توده را در ایران بزرگ جلوه دادند. در نتیجه چرخش سیاست آمریکا در قبال نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق، سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) مأموریت یافت با همکاری سازمان جاسوسی انگلستان، برای براندازی دولت مصدق و سرکوب نهضت ملی شدن نفت برنامه‌ریزی و اقدام نماید^۶.

۱. در آن زمان ترومن، از حزب دموکرات رئیس‌جمهور آمریکا بود.

۲. آمریکا در ابتدای روی کار آمدن دولت ملی مصدق آن را سدی در برابر سقوط ایران در دامن کمونیسم می‌دانست. ن. ک: بیل، مصدق، همان، صص ۴۲۸-۴۳۱.

۳. جنگ سرد: پس از پایان جنگ جهانی دوم دو بلوک شرق (کمونیسم) و غرب (سرمایه‌داری) در یک دسته‌بندی جدید به رقابت‌های نظامی و سیاسی با یکدیگر پرداختند. ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، رقابت‌های تسلیحاتی، تبلیغات رادیویی و سعی در ایجاد وحشت در طرف مقابل، از ویژگی‌های این دوره است. سال ۱۹۸۹ م یعنی سال انهدام دیوار برلین را پایان عصر جنگ سرد می‌دانند.

۴. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، صص ۳۷-۳۹؛ حضور چهره‌های طرفدار آمریکا در کابینه اول مصدق همچون سرلشکر زاهدی، وزیر کشور و رهبر آینده کودتا، علی‌امینی و مظفر بقایی نشان می‌دهد که آنها تا زمانی از مصدق حمایت می‌کردند که او با آمریکایی‌ها روابط خوبی داشت و با تغییر سیاست آمریکا آنها به عنوان مخالف در برابر دکتر مصدق قرار گرفتند (ن. ک: بهروز، همان، ص ۴۳).

۵. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۵.

۶. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۵.

بیشتر بدانید

پس از آنکه آمریکا تصمیم گرفت برای سرنگونی دولت دکتر مصدق با انگلستان متحد شود، سازمان سیا مأموریت یافت نقشه کودتا را طراحی کند و ژنرال آمریکایی ژرمن شوارتسکف^۱ جهت تشویق شاه برای مشارکت فعال در کودتا به ایران آمد.^۲ او از شاه خواست تا زاهدی را جانشین مصدق کند،^۳ اما شاه هم چنان دچار تردید و سردرگمی بود، زیرا از عواقب شکست کودتا وحشت داشت. هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کریمت روزولت^۴، فرمانده آمریکایی کودتا، فشار بر شاه را بیشتر کردند.

هندرسون به شاه هشدار داد که اگر مصدق در سمت خود باقی بماند و سیاست‌های نفتی خود را ادامه دهد، ایران همچنان رو به ویرانی خواهد رفت.^۵ او تهدید کرد که در صورت عدم همکاری شاه با اجرای کودتا، حکومت خاندان پهلوی به پایان خواهد رسید.^۶

۲. انگلستان: حل بحران نفت از طریق اعمال قدرت نظامی و توسل به کودتا برای نخستین بار از سوی دولت انگلستان تحت عنوان «عملیات چکمه»^۷ طراحی شد. دولت انگلستان با استفاده از شبکه جاسوسی خود که از دیرباز در ایران فعالیت داشت^۸، به شکل‌های گوناگون اقدام به تضعیف دولت دکتر مصدق کرد.^۹ از جمله این اقدامات تحریم خرید نفت ایران و تهدید کشورهای خریدار نفت ایران به تعقیب قضایی و مجازات بود.^{۱۰}

۱. H-Norman Schwarzkoph وی که قبلاً ریاست هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران را بر عهده داشت، رابطه دوستانه‌ای

با شاه داشت.

۲. بیل، شیر و عقاب، ص ۱۰۵؛ اسناد سازمان سیا، صص ۱۰۲، ۱۰۵-۱۰۶؛ پیش از این اسدالله رشیدیان، جاسوس ارشد سرویس اطلاعاتی انگلستان، به عنوان سخنگوی رسمی دولت انگلستان با شاه ملاقات کرد و درباره همکاری‌های آمریکا و انگلستان در عملیات سرنگون‌سازی دولت مصدق به شاه اطمینان خاطر داد.

۳. عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، صص ۶۲ و ۱۵۸.

۴. Kermit Roosevelt نوه تئودور روزولت رئیس‌جمهور آمریکا.

۵. گازیوروسکی، مصدق و کودتا، صص ۱۰۱-۱۰۵.

۶. عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۲.

۷. وقتی آمریکا با انگلستان در براندازی دولت مصدق همراه شد طرح «عملیات چکمه» انگلستان به طرح «عملیات آژاکس» مبدل شد و رهبری آن به دست کریمت روزولت آمریکایی سپرده شد.

۸. ن. ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت در ایران و پیامدهای آن، ص ۱۵۲ به بعد. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا،

صص ۱۷۹-۱۹۶.

۹. ن. ک: عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۸.

۱۰. ن. ک: نجانی، همان، ص ۲۱۲.

بیشتر بدانید

قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان و تعطیلی سفارت انگلستان در تهران ضرورت همکاری آمریکا را در براندازی دولت مصدق دو چندان می‌کرد. با وجود این با روی کار آمدن دولت آیزنهاور در ژانویه ۱۹۵۳/دی ماه ۱۳۳۱، سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران با دولت انگلستان همسوتر و شدیدتر شد. علاوه بر این، هر دو کشور نمی‌توانستند، جنبش‌های ملی درخاورمیانه را که دارای جنبه‌های ضد استعماری بود، نادیده بگیرند. با این همه عامل عمده‌ای که باعث شد آمریکا رهبری کودتا را بر عهده گیرد، سهمی شدن این کشور در منافع نفتی ایران بود. هدفی که آمریکا پس از کودتا با انعقاد قرارداد کنسرسیوم به آن دست یافت.^۱

بنابراین آمریکا و انگلیس با هدف تصاحب منابع عظیم نفتی ایران سیاست واحدی را علیه نهضت ملی در پیش گرفتند.

شوروی نیز با وجود شدت یافتن جنگ سرد با آمریکا در این دوران، برای کمک به ایران کاری انجام نداد و در شرایط سخت بحران اقتصادی ناشی از تحریم نفت ایران، حتی از پرداخت بدهی‌های خود به ایران سرباز زد.^۲

ب – عوامل داخلی:

۱. حزب توده: این حزب از آغاز نهضت ملی شدن نفت، جنبش را به عنوان یک حرکت وابسته به سرمایه‌داری غرب متهم می‌کرد و تنها خواستار ملی شدن نفت جنوب بود^۳؛ زیرا نفت شمال را حق شوروی می‌دانست.

حزب توده به دلیل وابستگی به شوروی از منافع آن دولت حمایت می‌کرد و همواره رفتار خصمانه‌ای با نهضت ملی شدن نفت داشت، اما پس از واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برخی از رهبران حزب تصمیم به حمایت از دکتر مصدق گرفتند^۴ و در مواردی چون خروج شاه از کشور (توطئه ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱) و رفراندوم برای انحلال مجلس دوره هفدهم از دولت دکتر مصدق پشتیبانی کردند.

در فاصله کودتای نافرجام ۲۵ مرداد تا کودتای ۲۸ مرداد حزب توده با وجود داشتن تشکیلات وسیع و سازمان نظامی^۵، نیروهایش را از خیابان‌ها فراخواند و در برابر کودتا هیچ واکنشی به جز پایین

۱. ن. ک: بیل، همان، ج ۱، صص ۱۴۲ و ۱۴۳؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۵۳.

۲. دولت شوروی به خاطر خرید گندم از ایران در زمان جنگ جهانی دوم یازده تن طلا به ایران بدهکار بود.

۳. بهروز، همان، ص ۱۵۳؛ منتصری، در آن سوی فراموشی، ص ۵۰؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۷.

۴. امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده/ایران، صص ۳۳۹-۳۴۱.

۵. خسرو پناه، سازمان نظامی یا سازمان افسران حزب توده/ایران.

کشیدن مجسمه‌های شاه و شعار الغای سلطنت و استقرار جمهوری دموکراتیک که به بهره‌برداری کودتاچیان در جنگ روانی منجر شد، انجام نداد.^۱

سازمان نظامی حزب توده از طریق شبکه اطلاعاتی خود در ارتش از توطئه کودتا آگاه بود و به دلیل در اختیار داشتن پست‌های نظامی مهم می‌توانست مانع موفقیت کودتا شود. یکی از علل بی‌واکنشی شوروی و حزب توده در قبال کودتا بلا تکلیفی ناشی از مرگ استالین بود.^۲

پس از پیروزی کودتا، حزب توده همچون کوه یخ آب شد و رهبران آن از کشور گریختند و یا برای نجات جان خود با سران کودتا همکاری کردند. برخی از اعضای حزب توده نیز بعدها به خدمت ساواک درآمدند.^۳

بیشتر بدانید

شبکه «بدامن»^۴ پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م با هدف مقابله با توسعه روزافزون نفوذ شوروی و حزب توده در ایران توسط انگلیسی‌ها شکل گرفت. این شبکه اقدام به یک سلسله عملیات با رمز «بدامن» کرد. عملیات‌های سیاسی و تبلیغاتی این شبکه توسط دو ایرانی با نام‌های رمزی «زن» و «سبلی» اداره می‌شد. این شبکه ۱۰۰ نفر عضو داشت و بودجه آن یک میلیون دلار بود.^۵

۲. شبکه بدامن: این شبکه از طریق نفوذ در احزاب و جریان‌های سیاسی^۶، ضمن ایجاد بلوا و آشوب در کشور و اختلاف افکنی میان اعضای نهضت ملی ایران، موجبات بدبینی نسبت به رهبران نهضت را فراهم آورد. فعالیت‌های پیچیده، سری و غیرشفاف این شبکه از حوزه نظارت دولت خارج بود، به طوری که هر گروه و حزبی در ابتدا تصور می‌کرد این فعالیت‌ها به نفع سیاست‌های آنان است.^۷

۱. ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، صص ۳۱۴-۳۱۶؛ امیرخسروی، همان، ص ۶۱۵.

۲. ن. ک: خسرو پناه، همان، صص ۱۵۹-۱۷۲؛ بهروز، همان، صص ۱۷۷-۲۲۵.

۳. مقاومت در برابر کودتاچیان تنها در اعضای رده پایین حزب توده صورت گرفت. از میان کادر رهبری افرادی چون بهرامی، یزدی، شرمینی و قریشی با رژیم همکاری داشتند و برخی تا آنجا پیش رفتند که اسرار تشکیلاتی و شبکه حزبی را در اختیار حکومت کودتا گذاشتند. ن. ک: بهروز، همان، ص ۴۷.

4. Bedamen

۵. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۲۵۶.

۶. از جمله حزب توده، جبهه ملی، حزب زحمتکشان، نیروی سوم، حزب ایران و ...

۷. فردوست، همان، ج ۲، صص ۱۷۹-۱۸۱؛ امیرخسروی، همان، صص ۵۹۹-۶۰۹؛ اسناد سازمان سیا، سایت اینترنت مجله

نیویورک تایمز، ص ۸۰.

بیشتر بدانید

یکی از اقدامات شبکهٔ بدامین که در پوشش حزب توده انجام شد، آشوب خیابانی ۲۳ تیر ۱۳۳۰، هم‌زمان با ورود اورل هرین^۱ نمایندهٔ مخصوص رئیس‌جمهور آمریکا به ایران بود و بر نگرانی آمریکایی‌ها از نفوذ و قدرت حزب توده و کمونیست‌ها در ایران افزود. اعضای شبکه بدامین در آستانهٔ کودتای ۲۸ مرداد، به‌نام طرفداری از دکتر مصدق به منزل آیت‌الله کاشانی نارنجک انداختند و به عزاداران امام حسین علیه السلام حمله کردند. شبکهٔ بدامین چندین روزنامه در اختیار داشت که همهٔ آنها در عملیات جنگ روانی مربوط به کودتا نقش مؤثری داشتند.^۲

۳. شاه و درباریان: محمدرضا شاه ابتدا در برابر نهضت ملی شدن نفت منفعل و مردد بود. او به شدت از پیامدهای نهضت که موجب تضعیف موقعیت و قدرت او می‌شد، وحشت داشت. با این همه او قدرت و شجاعت ایستادگی در برابر نهضت و ملت را نیز نداشت، از طرفی هم جرئت نمی‌کرد با آن همراهی کند؛ زیرا از انگلیسی‌ها می‌ترسید و هنوز خاطرهٔ برکناری و اخراج پدرش توسط آنان را، از یاد نبرده بود.

با این حال شاه هرگاه فرصت را مناسب می‌دید، آشکار و پنهان علیه نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق کارشکنی و دسیسه‌چینی می‌کرد. وقتی اختلافات رهبران و اعضای نهضت بالا گرفت، بر تحرکات و توطئه‌های شاه افزوده شد و سرانجام با تشویق و حمایت دولت‌های آمریکا و انگلستان به اجرای کودتای ۲۸ مرداد تن داد.

وابستگان شاه و درباریان، با صراحت و جدیت بیشتری با نهضت ملی شدن نفت و دولت برآمده از آن، مخالفت و دشمنی کردند^۳ و در طول دوران نهضت دائم مشغول توطئه‌چینی و دسیسه‌کاری بر ضد آن بودند. اشرف پهلوی،^۴ خواهر شاه، مادر شاه و افراد دربار از جمله اسدالله علم و شاپور ریپورتر بر ضد حقوق و منافع ملت ایران و به نفع دولت انگلستان، در مقابل نهضت ملی شدن نفت ایستادند.^۵

1. Averell Herriman

۲. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، صص ۲۷ و ۲۸.

۳. گازیوروسکی و برن، همان، صص ۵۴ و ۵۵.

۴. اشرف خواهر دو قلولی شاه، دکتر مصدق را عوام‌فرب و متعصب می‌خواند. او همچنین اعتراف کرده است که نسبت به مصدق

کینهٔ شخصی شدیدی دارد.

۵. گازیوروسکی و برن، همان، صص ۵۵-۵۷.

آنان حاضر بودند برای شکست نهضت به هرگونه همکاری با دولت انگلستان تن دهند.^۱ به همین سبب پس از قیام ۳۰ تیر، مصدق، اشرف پهلوی و مادرش را از ایران اخراج کرد.^۲

بیشتر بدانید

تا زمانی که اتحاد و همبستگی میان رهبران نهضت وجود داشت شاه جرأت رویارویی با دولت دکتر مصدق را نداشت.^۳ اما زمانی که کانون‌های توطئه‌گر خارجی و عوامل داخلی آنها با استفاده از اختلافات موجود میان رهبران نهضت اقدام به تضعیف نهضت ملی کردند نقش شاه و دربار در تقابل با حکومت دکتر مصدق پررنگ تر شد.

برخورداری از حمایت شاه جهت موفقیت طرح براندازی و کودتا علیه دکتر مصدق برای کودتاچیان بسیار مؤثر بود. اشرف در این ماجرا به عنوان بخشی از عملیات مشترک سیا و سرویس مخفی انگلستان (ام.آی.سیکس)^۴ نقش خود را ایفا کرد. او که در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد،^۵ پس از ملاقات‌های محرمانه با مأموران جاسوسی آمریکا و انگلستان با نام مستعار در سوم مرداد ۱۳۳۲ وارد تهران شد تا پیام‌ها و نقشه‌های کودتا را به اطلاع شاه برساند.^۶

۴. **مطبوعات:** کودتاگران با استفاده از مطبوعات به سازماندهی افکار عمومی پرداختند.

آنها از این طریق توانستند با ایجاد شایعات و تبلیغات ویرانگر به تخریب شخصیت دکتر مصدق و ایجاد نارضایتی عمومی از دولت او و تشدید اختلاف‌ها دامن بزنند.^۷

۵. **اشتباه مصدق در انحلال مجلس:** دکتر مصدق به بهانه نفوذ و تحریکات بیگانگان در

۱. علم، *ملکی شدن نفت ایران و پیامدهای آن*، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

۲. گازیوروسکی و برن، همان، ص ۵۵.

۳. زرگر، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و علل وقوع آن»، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران*، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۴. M.I.6: سازمان اطلاعات انگلستان (اینتلجنس سرویس) می‌باشد. (نظیر سازمان سیا در آمریکا) ایجاد شبکه‌های مأمور در

کشورهای مورد نظر، کسب هرگونه اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی، تلاش برای تغییر دولت‌ها از جمله وظایف این سازمان است.

۵. اشرف در این زمان در یک کازینو (قمارخانه) در «دوریل فرانسه» مشغول قمار بود. طبق اسناد منتشر شده سازمان سیا درباره

کودتای ۲۸ مرداد، سرهنگ استیفن جانسون مید (Colonel Stephen Johnson Mead) به نمایندگی از سوی سازمان سیا با اشرف در پاریس

گفتگو کرد و او را برای بازگشت به ایران و ملاقات با شاه ترغیب کرد. ن.ک: *اسناد سازمان سیا*، صص ۹۸-۱۰۰.

۶. بیل، *شیر و عقاب*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۷. *عملیات آژاکس*، صص ۲۶، ۲۷ و ۳۱. تندروی احزاب سیاسی موافق و مخالف دولت دکتر مصدق و ادبیات گزنده و مخرب

روزنامه‌های وابسته و غیر وابسته افراطی به آنها، آثار سویی در افکار عمومی مردم داشت و موجب تشنج و تشتت سیاسی در روزهای حساس

قبل از کودتا بود.

مجلس،^۱ تصمیم گرفت مجلس دوره هفدهم را منحل کند.^۲ تلاش آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از انحلال مجلس به جایی نرسید.^۳ انحلال مجلس فرصت مناسبی برای کودتاگران فراهم آورد؛ زیرا مشروعیت رئیس دولت را آشکارا مخدوش کرد و باعث هموار شدن عملیات کودتا شد.^۴ کودتاگران مدعی بودند پس از انحلال مجلس شورای ملی، دیگر دولت دکتر مصدق مشروعیت قانونی ندارد.^۵

۶. اعتماد بیش از حد دکتر مصدق به آمریکایی‌ها: در حالی که آنها درصدد تصاحب منابع نفتی ایران و گرفتن ماهی از آب گل‌آلود بودند.

۷. جدا شدن مصدق از روحانیت: دکتر مصدق در ششم مرداد ۱۳۳۱ نامه تندی به آیت‌الله کاشانی نوشت و از ایشان خواست که از هر گونه دخالت در امور سیاسی کشور خودداری کنند.

بیشتر بدانید

کرمیت روزولت ضمن برشماری مزایای حمایت شاه از کودتا می‌گوید، آخرین تضمین برای رفع شبهه و تردید شاه در براندازی مصدق و حمایت از کودتا این بود که آیزنهاور (رئیس‌جمهور آمریکا) این مطلب را با بیان جمله‌ای خاص و رمزی در یک سخنرانی اعلام و چرچیل (نخست‌وزیر انگلیس) نیز ترتیبی بدهد تا در ساعت اعلام برنامه رادیو. بی.بی.سی. در شب بعد، به جای گفتن اکنون نیمه‌شب است، بگوید: «اکنون درست نیمه شب است». شاه در اوایل مرداد این رمزها را از رادیو دریافت کرد.^۶

۱. در حالی که مستمسک اعمال نفوذ بیگانه نباید دلیل انحلال مجلس می‌شد. خصوصاً اینکه مجلس هفدهم به دلیل مشروعیت از مهم‌ترین مجالس پس از شهریور ۱۳۲۰ بود.
۲. عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.
۳. اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران، ص ۱۸۲.
۴. اسناد سازمان سیا، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۵. ن.ک. گازیروسکی و برن، همان، صص ۱۱۴-۱۱۷.
۶. روزولت، کودتا در کودتا، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

پرسش‌های نمونه

۱. چه عواملی موجب شد که مصدق در دور دوم نخست‌وزیری از حمایت مردم محروم بماند؟
۲. انگلستان از چه راه‌هایی همکاری آمریکا برای انجام کودتا در ایران را جلب کرد؟
۳. انگلستان از چه راه‌هایی به تضعیف دولت مصدق پرداخت؟
۴. موضع حزب توده نسبت به دولت مصدق چه بود و عملکرد آن حزب در کودتای ۲۸ مرداد چگونه بود؟
۵. در دوره نخست‌وزیری مصدق، عناصر فعالی دربار چه کسانی بودند و چگونه به تضعیف دولت مصدق پرداختند؟

اندیشه و جست و جو

۱. از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مطلبی در مورد قیام ۳۰ تیر تهیه کنید و در کلاس بخوانید.
۲. در مورد یکی از گروه‌های وابسته به بیگانه که در زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتند، مطلبی تهیه کنید.
۳. به نظر شما چرا دولت آمریکا به رغم اعتماد دولت ملی ایران به آنها، بازهم با سیاست انگلیس همراهی و همکاری نشان داد؟



کودتای بیست و هشتم مرداد

در این درس با چگونگی وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آشنا می شوید.

اجرای کودتا

بر اساس اسناد محرمانه کودتا روشن است که دولت ایالات متحده آمریکا نقش مهم و مؤثری در سازماندهی و هدایت نیروهای مخالف برای سرنگونی دولت مصدق ایفا کرده و هدایت و رهبری کودتا را برعهده داشته است.^۱

مقامات آمریکا^۲ در مشاوره با همتایان انگلیسی خود، فضل‌الله زاهدی را به عنوان فرماندهی نظامی کودتا انتخاب کردند و شاه را متقاعد نمودند که زاهدی را بپذیرد و از کودتا حمایت کند.^۳

۱. اولین نشانه توطئه مشترک آمریکا و انگلستان و ابادی داخلی شان، در براندازی دولت دکتر مصدق اجرای یک سلسله عملیات شبه کودتا مانند واقعه نهم اسفندماه ۱۳۳۱، ربودن سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور و قتل او در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ و بروز حوادثی که تنش‌های سیاسی را در کشور تشدید می کرد، بود. (در این باره ن. ک: آبادیان، *زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی*، صص ۹۶، ۱۶۵-۱۷۳؛ قنات‌آبادی، *خاطرات شمس قنات‌آبادی*، صص ۴۲ و ۴۳؛ کاتوزیان، *مصدق و نبرد قدرت*، صص ۹۸-۱۰۵).

۲. «استانلی تی. اسکودرو» یکی از مسئولین وقت سفارت سابق آمریکا در تهران، اظهار می کند: «ما در سرنگونی نخست‌وزیر چپ‌گرا و ناسیونالیست یعنی مصدق و بازگرداندن شاه از تبعید مختصرش در اروپا نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودیم.» (*اسناد لانه جاسوسی*، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۴۳).

۳. ن. ک: *عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، صص ۱۷-۳۲ و ۳۵-۴۶؛ همچنین گازیوروسکی و برن، *مصدق و کودتا*، ص ۲۸۵.

بیشتر بدانید

کرمیت روزولت گرداننده کودتا در بیست و هشتم تیرماه ۱۳۳۲ وارد ایران شد و در مخفیگاه زاهدی با او دیدار کرد. او توانست با همکاری زاهدی شمار زیادی از نظامیان پادگان‌های تهران را به سرپیچی از دستورات دولت وادار کند^۱. همچنین شعبه امنیتی سازمان سیا تصمیم گرفت به سرعت، سیاست حمله به دولت دکتر مصدق را از طریق جنگ روانی موسوم به «تبلیغات خاکستری» به مرحله اجرا درآورد.^۲

در ۲۴ مرداد ماه شاه فرمان عزل نخست‌وزیری دکتر مصدق و انتصاب فضل‌الله زاهدی را امضا کرد. در ساعت یک بامداد روز ۲۵ مرداد، نصیری که حامل نامه عزل دکتر مصدق بود به خانه وی رفت ولی بلافاصله به دستور دکتر مصدق بازداشت شد^۳ و شاه با حمایت کودتاگران و برای درامان ماندن از خطرهای احتمالی، از ایران خارج شد.

با فرار شاه به بغداد و سپس رم، در سراسر کشور تظاهرات عمومی برپا گردید. مجسمه‌های شاه و پدرش به پایین کشیده شد و عکس‌های او از اداره‌ها جمع‌آوری شد. در تجمع بزرگی که در میدان بهارستان برپا شد، دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه اعلام کرد: «نظام سلطنتی باید برچیده و حکومت جمهوری برپا شود، شاه ایران روی ملک فاروق مصر را سفید کرده است».^۴ البته این موضع شخصی فاطمی بود و دولت دکتر مصدق نسبت به فرار شاه از کشور، موضع خاصی را نشان نداد.

بنا بر گزارش مندرج در اسناد سازمان سیا درباره کودتا روزولت برای اینکه کودتا را از شکست کامل نجات دهد، به محل اختفای زاهدی رفت.^۵ آنها بی‌درنگ تصمیم گرفتند افکار عمومی را متقاعد سازند که

۱. پس از تسویه ارتش توسط دکتر مصدق و پیوستن افسران ناراضی به جمع کانون «افسران بازنشسته» که رهبری آنها را سرلشکر فضل‌الله زاهدی برعهده داشت، این کانون مبدل به مرکز مهمی برای توطئه علیه دولت مصدق شد. ضعف دولت دکتر مصدق در توسعه تسلط دولت بر نظامیان موقعیت مناسبی برای آمادگی ارتش در انجام کودتا فراهم آورد. ن. ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن. ص ۳۸۶؛ عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، صص ۴۱۴-۴۳۰. درباره نقش نظامیان در کودتا ن. ک: آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، صص ۳۴۳ و ۳۴۴؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد، صص ۱۹۷-۲۰۷.

۲. عملیات آژاکس، ص ۵۸.

۳. ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴. خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، صص ۲۳۹-۲۴۲. در سال ۱۳۳۱ ژنرال نجیب به همراه سرهنگ جمال عبدالناصر و عده‌ای

از افسران مصری، علیه ملک فاروق پادشاه مصر کودتا کردند و او را سرنگون کردند و از آن پس حکومت مصر تبدیل به نظام جمهوری شد.

۵. محل ستاد مخفی، در باغ مصطفی مقدم در محله اختیاریه تهران بود. عملیات آژاکس، ص ۲۰۱.

رئیس دولت قانونی زاهدی است و مصدق آن مقام را غضب کرده و در صدد انجام کودتا علیه شاه است.^۱ با تلاش کودتاچیان به زودی اوضاع دگرگون شد. بی توجهی دولت به کودتای مقدماتی و عدم پیش بینی کودتای بعدی موجب شد کودتاچیان بدون برخورد با مانع جدی و به سهولت غیرقابل انتظاری حکومت ملی را ساقط و رژیم آمریکایی را مستقر کنند؛ زیرا پس از وقوع کودتای نافرجام ۲۵ مرداد دیگر دلیلی برای خوش بینی وجود نداشت.^۲ عده ای وقوع کودتا را پیش بینی کرده بودند.^۳ کودتاچیان با هدایت سازمان سیا توانستند بدون کمک نیروهای نظامی اصفهان، کرمانشاه و همدان که با برنامه ریزی قبلی برای حرکت به سوی تهران آماده بودند، با بسیج دستجاتی از ارادل و اوباش که با پول های مراکز اطلاعاتی انگلستان و آمریکا سازماندهی شده بودند، نقشه های خود را عملی کنند. بخش عمده ای از آشوب های خیابانی در روز کودتا را شعبان جعفری^۴ معروف به شعبان بی مخ با عده ای از چماق داران خود و همراهی گروه های دیگر اوباش و ولگردها انجام دادند و خیابان های تهران را یکی پس از دیگری تصرف کردند.^۵ هم زمان با این اقدامات عوامل نظامی کودتا مناطق حساس از جمله ستاد ارتش، ایستگاه رادیو، مراکز پلیس و ژاندارمری، مرکز تلفن و تلگراف و خانه دکتر مصدق و یارانش را تصرف کردند.

زاهدی سوار بر تانک به نخست وزیری رفت و واحدهای انتظامی و نظامی طرفدار دکتر مصدق

۱. اسناد سازمان سیا، ص ۱۱۸.

۲. در این باره ن. ک: گازیوروسکی و برن، همان. ص ۲۸۱.

۳. الف آیت الله کاشانی طی نامه ای به دکتر مصدق وی را از وقوع یک کودتای حتمی توسط زاهدی آگاه کرد. (ن. ک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، صص ۲۷۹ و ۲۸۰).

ب) در روز ۲۵ مرداد یکی از صاحب منصبان بازنشسته وزارت دارایی (محمدحسین آشتیانی - عظام الدوله) برحسب تصادف از طریق بستگان خود که با دربار در ارتباط بود از جریان کودتا مطلع شد و موضوع را تلفنی به اطلاع دکتر مصدق رساند. (ن. ک: کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۴۵).

ج) طبق گزارش مندرج در اسناد منتشر شده سازمان سیا، روزنامه شجاعت جایگزین روزنامه به سوی آینده ارگان حزب توده در ۲۲ مرداد وقوع کودتا را پیش بینی کرده بود. این روزنامه نوشته بود که نقشه کودتا پس از دیدار ژنرال شوارتسکف در روز ۹ اوت ۱۸/ مرداد طرح ریزی شده بود. نکته قابل ذکر این است که ظاهراً حزب توده دست کم به اندازه دولت از ماجرای کودتا خبر داشته است. (ن. ک: اسناد سازمان سیا، ص ۳۲).

د) کیانوری ادعا می کند که از طریق ارتباط همسرش (مریم فیروز) که از خوشاوندان دکتر مصدق بود، او را در جریان کودتا قرار داده است. (ن. ک: کیانوری، خاطرات، صص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ برهان، کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق، ج ۲، صص ۱۲۰-۱۲۹؛ امیر خسروی، نظری از درون به نقش حزب توده ایران، ص ۵۸۲)

۴. شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ که به جرم شرکت در غائله نهم اسفند ۱۳۳۱ در زندان بود، در روز کودتا با همکاری مأموران شهربانی آزاد شد.

۵. ن. ک: عملیات آژاکس، صص ۱۹۱-۱۹۶.



فصل‌الله زاهدی

اقدام مؤثری علیه کودتا نکردند.^۱

لویی هندرسن سفیر آمریکا که نقش مهمی در روزهای حساس کودتا برعهده داشت، به دکتر مصدق تکلیف کرد که از پست خود کناره‌گیری کند ولی دکتر مصدق با عتاب او را از خانه‌اش بیرون کرد.

علاوه بر این دکتر مصدق با ممنوع کردن تظاهرات، عملاً «خیابان‌ها را از هواداران خود خالی کرد».^۲

اگرچه شرایط و اوضاع سیاسی در ۲۸ مرداد بسیار متفاوت با سی‌ام تیر ماه ۱۳۳۱ بود اما دولت مصدق از ظرفیت مردم استفاده نکرد و از آنجا که از جریان روحانیت که توان بسیج کردن مردم را داشت، فاصله گرفته بود، چندان امکان پشتیبانی مردمی را نداشت.^۳

طرح براندازی حکومت دکتر مصدق پیچیده بود اما به‌سهولت و با کمترین هزینه برای کودتاچیان و پیامدهای سهمگین و ناگوار برای ملت ایران که منجر به سلطه همه‌جانبه آمریکا در ایران گردید، همراه بود.

بیشتر بدانید

به گفته نجاتی در کتاب جنبش ملی شدن صنعت نفت، در آن سه روز سرنوشت‌ساز که آینده سیاسی ایران تعیین می‌شد، مسئولان مملکت و رهبران احزاب سیاسی در انجام وظایف خطیری که به عهده داشتند، غفلت کردند و فرصت‌های گران‌بها از دست رفت.^۴ مردم شهر تهران که چند بار توطئه‌هایی علیه نهضت ملی را با قیام خود و پشتیبانی از دولت مصدق خنثی کرده بودند، صبح روز ۲۸ مرداد، بدون رهبر و فرمانده شاهد تردید و تزلزل رهبران نهضت ملی و خیانت و سهل‌انگاری چند تن از فرماندهان نظامی و رؤسای سازمان‌های انتظامی بودند. پیروزی سریع کودتاچیان در روز ۲۸ مرداد نه تنها برای ملت ایران بلکه برای کریمیت روزولت و سردمداران کودتا باورکردنی نبود.^۵

۱. کویتینی، جان‌اتان، دسمنان بی‌شمار، ص ۲۲۳.

۲. ن. ک: عملیات آژاکس، صص ۲۲۴-۲۲۶.

۳. برخی از جمله غلامحسین صدیقی وزیر کشور دولت مصدق، معتقدند که دکتر مصدق می‌توانست با فراخوان همگانی، مردم را از طریق رادیو به خیابان‌ها بکشاند. ن. ک: صدیقی، چرا و چگونه نهضت ملی ایران ناکام گشت و از پای درآمد، صص ۱۴۴-۱۴۷؛ موحد، خواب آشفته نفت، ج ۲، ص ۸۳۸؛ نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، صص ۴۳۵-۴۳۹.

۴. نجاتی، همان، ص ۴۱۵.

۵. همان، ص ۴۳۹.

بازگشت محمدرضا پهلوی

به دنبال کودتا سرلشکر زاهدی نخست‌وزیر شد و محمدرضا پهلوی، به کشور بازگشت. به تعبیر امام خمینی: «محمدرضا رفت و «رضا شاه» برگشت»؛ در حالی که اکنون سلطنت خود را وام‌دار آمریکا و انگلیس می‌دانست.

شاه در ملاقات با کریمت روزولت ضمن تشکر از او گفت: «من تاج و تختم را از برکت خداوند، ملتّم و ارتشم و شما (کریمت روزولت) دارم».^۱

به این ترتیب عصری جدید در سرنوشت ملت ایران رقم خورد که هزینه آن، بیست و پنج سال سلطه مستقیم آمریکا، همراه با ده‌ها هزار کشته، زخمی، زندانی و تاراج میلیاردها بشکه نفت کشور بود.

نتیجه‌گیری

بدون تردید، بعد از تبعید رضاشاه، ملت ایران فرصت جدیدی پیدا کرد تا در جهت احیای نظام مشروطه گام‌های مؤثری بردارد. این حرکت که مدّت دوازده سال از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ به درازا کشیده بود، بر دو پایه عمده استوار بود: جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری پهلوی و کوتاه کردن دست استعمار. در این راه رهبران مذهبی و ملی دست به دست هم دادند و گام‌های مؤثری برداشتند که در نهایت منجر به محدود کردن قدرت دربار و ملی شدن صنعت نفت شد. لیکن همانند دوره مشروطه به دلیل دسیسه بیگانگان، اختلافات داخلی و فقدان رهبری مقتدر، بصیر و جامع، این نهضت دینی و ملی نیز به نتیجه نهایی نرسید. پس از کودتای ۲۸ مرداد دیکتاتوری و سلطه بیگانه بار دیگر به کشور بازگشت و مدّت ربع قرن بر مقدّرات ملت ایران حاکم شد.

البته این سخن به معنای نفی تلاش مخلصانه و دلسوزانه رهبران راستین نهضت نظیر دکتر مصدّق و آیت‌الله کاشانی و مردم متدین و فداکار نیست.

۱. روزولت، کودتا در کودتا، ص ۲۱۳.

پرسش‌های نمونه

۱. سازمان سیا چه نقشی در انجام کودتای ۲۸ مرداد داشت؟
۲. پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد برای ملت ایران چه بود و چه عبرت‌هایی برای امروز ما دارد؟
۳. حرکت مردم ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ بر چه پایه‌هایی استوار بود و چرا این حرکت به نتیجه نهایی نرسید؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد یکی از شخصیت‌های داخلی که در کودتای ۲۸ مرداد، نقش داشته، مطلبی تهیه کنید.
۲. از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مانند خاطرات ارتشبد حسین فردوست، مطلبی در مورد کودتای ۲۸ مرداد تهیه کنید و در کلاس بخوانید.



ربع قرن سیطره آمریکا بر ایران

در این درس با پیامدهای کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ و سیطره آمریکا بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران و تثبیت پایه‌های دیکتاتوری شاه و سرکوب مخالفان و تأسیس ساواک آشنا می‌شویم.

اوضاع سیاسی ایران پس از کودتا



شاه در ملاقات با آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا

آمریکا که از کمک به دولت دکتر مصدق اجتناب می‌کرد، پس از پیروزی کودتاچیان کمک‌های زیادی در زمینه‌های نظامی و اقتصادی به دولت کودتا کرد.^۱ باروی کارآمدن دولت نظامی زاهدی^۲، فضای تیره‌ای در جامعه ایران حکم فرما شد، فرمانداری نظامی تهران به سرتیپ تیمور بختیار سپرده شد. بختیار که افسری بی‌رحم و خونریز بود، برای استقرار و تثبیت حکومت کودتا، سرکوب نیروهای ضدکودتا

و میهن دوست را آغاز کرد. عده بسیاری از مخالفان را دستگیر و زندانی کرد و عده‌ای از آنها تبعید و تیرباران شدند.^۳ تظاهرات شهرستان‌ها و تهران با سرکوب شدید مواجه شد؛ فرمانداری نظامی، همچنین

۱. نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۲. نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۶ فروردین ۱۳۳۴.

۳. کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش که در دوره حکومت ملی، در روزنامه خود، انتقادات شدیداللحنی از خاندان سلطنتی کرده بود، زندانی و بدون محاکمه به دستور شاهپور و اشرف پهلوی در شب چهارشنبه سوری ۱۳۳۲ پس از شکنجه زنده زنده در آتش سوزانده شد. ن.ک: آل ابراهیم، شورش، زندگی و مبارزات کریم پورشیرازی، صص ۶۷-۷۱ و ۸۰. دکتر سیدحسین فاطمی، وزیر امور خارجه دکتر مصدق و مدیر روزنامه باختر امروز دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه نظامی درحالی که مجروح و بیمار بود، تیرباران شد. ن.ک: خاطرات و مبارزات دکتر سیدحسین فاطمی، صص ۲۹۴-۳۰۶.

سقف بازار تهران را تخریب و جمعی از بازاریان را به جزیره خارک تبعید کرد.^۱ دکتر مصدق نیز پس از دستگیری، در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد و عملاً تا آخر عمر، در احمدآباد، روستایی در اطراف تهران، تحت نظر بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف از تشکیل فرمانداری نظامی در تهران پس از کودتای ۲۸ مرداد

چه بود؟

انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی

در آستانه برپایی انتخابات دوره هجدهم در محیط وحشت و خفقان، آیت‌الله کاشانی و نهضت مقاومت ملی^۲ با مجلس فرمایشی که دست‌ساخته و مطیع حکومت کودتا بود، به مخالفت پرداختند.^۳ با برقراری مجدد ارتباط میان دولت کودتا و انگلیس، «سردنيس رایت» کاردار^۴ انگلیس وارد تهران شد و دو دولت ایران و انگلیس طی اعلامیه‌ای برقراری روابط سیاسی را اعلام کردند.^۵ در پی آن آیت‌الله کاشانی با این اقدام دولت زاهدی مخالفت کرد.

بیشتر بدانید

در شانزدهم آذر ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، با اطلاع از ورود نیکسون^۶ معاون رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس به تعطیل کردن کلاس‌های درس و جمع شدن در دانشکده فنی پرداختند. با محاصره دانشگاه توسط مأموران فرمانداری نظامی و تیراندازی به طرف دانشجویان در محل دانشکده فنی، سه نفر از دانشجویان به شهادت رسیدند.^۷

۱. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۷۴ و ۷۵.

۲. عده‌ای از شخصیت‌های ملی، استادان دانشگاه و برخی از روحانیون برای خاموش نشدن شعله‌های مقاومت تشکلی به نام نهضت مقاومت ملی به وجود آوردند.

۳. مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۰۲؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۴. در روابط خارجی، کاردار در مرتبه پایین‌تر از سفیر قرار دارد.

۵. نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۷۶.

6. Nicson

۷. شریعت رضوی، بزرگ‌نیا و قندچی. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۱۲.

انعقاد قرارداد کنسرسیوم^۱ نفت

قرارداد کنسرسیوم نفت یک قرارداد استعماری بود که بین ایران و چند شرکت نفتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی بسته شد. این قرارداد با هدف بهره‌برداری از مخازن نفت ایران توسط حکومت دست‌نشانده شاه به ایران تحمیل شد. این قرارداد که مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت بود، مجدداً نفت ایران را زیر سیطره بیگانگان درآورد.^۲ کنسرسیوم اختلافات میان آمریکا و انگلستان را بر سر مسئله نفت ایران حل کرد و همه ثمرات مبارزه ملت ایران در جریان نهضت ملی شدن نفت را بر باد داد.^۳ یکی از بندهای قرارداد کنسرسیوم، پرداخت غرامت از سوی ایران به شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود. اما این پایان تاوان سنگین ملت ایران برای ملی کردن نفت نبود؛ بلکه تأسف بارتر از آن، حضور فزاینده مستشاران آمریکایی بود که به تدریج مقدرات سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را زیر سلطه نوین آمریکا برد.

دولت حسین علاء

سپهد زاهدی، عامل اجرای کودتای ۲۸ مرداد که خود را «تاج‌بخش» شاه می‌دانست^۴، به علت اشتها به حیف و میل کمک‌های آمریکایی‌ها و بی‌اعتنایی به شاه، با کمک انگلیسی‌ها، کنار گذاشته شد^۵ و حسین علاء به نخست‌وزیری رسید.

با روی کار آمدن حسین علاء، وزیر سابق دربار که در برابر شاه و نزدیکان او اراده و اختیاری نداشت، شاه گام مهمی در تحکیم قدرت استبدادی‌اش برداشت و معیار قدرت دولت، شخص او شد.

۱. کنسرسیوم به مجموعه‌ای از چند شرکت چند ملیتی گفته می‌شود.

۲. گذشته چراغ راه آینده است، صص ۶۹۸-۷۱۱؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، صص ۱۸۱-۱۸۳؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج

ساله ایران، ج ۱، صص ۸۳-۹۲.

۳. براساس این قرارداد نفت ایران به نسبت‌های زیر، میان اعضای کنسرسیوم تقسیم شد. شرکت نفت ایران و انگلستان ۴۰ درصد، شرکت‌های آمریکایی ۴۰ درصد و شرکت هلندی-انگلیسی رویال داچ شل ۱۴ درصد و شرکت نفت دولتی فرانسه ۶ درصد. این قرارداد توسط علی امینی وزیر دارایی دولت کودتا و هواردیچ رئیس هیئت مدیره شرکت آمریکایی استاندارد اویل نیوجرسی منعقد و به قرارداد «امینی-بیچ» مشهور شد. هواردیچ پس از انعقاد قرارداد اعلام کرد، همه آنچه را که در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت از دست دادیم، بکجا به دست آوردیم. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۸۳-۹۰؛ گذشته چراغ راه آینده است. صص ۶۹۸-۷۱۱؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، صص ۳۰۵-۳۱۲؛ گازیوروسکی، روابط خارجی شاه و آمریکا، صص ۲۳۰-۲۳۲.

۴. ن. ک: مجله خواندنی‌ها، ش ۷۹، تیر ۱۳۴۳

۵. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۸۳.

در واقع همان گونه که یکی از نمایندگان مجلس آن زمان گفته بود: «هرچه اعلیحضرت بیسندند، همان قانون اساسی است». قبل از این نمایندگان مجلس شورای ملی با اراده شاه و دربار به مجلس راه می‌یافتند و انتخابات محصول گزینش و اراده مردم نبود.

پیمان بغداد

از حوادث مهم دوران نخست‌وزیری علاء، پیوستن ایران به پیمان امنیتی بغداد بود. پیمان بغداد به توصیه آمریکا ابتدا بین کشورهای ترکیه و عراق امضا شد و سپس پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند.^۱ این پیمان با هدف کامل کردن حلقه محاصره شوروی، به بهانه خطر کمونیسم و بر مبنای نظریه «آزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا، تشکیل شد. عضویت ایران در این پیمان، سیاست بی‌طرفی ایران را نقض می‌کرد.^۲ شهید نواب صفوی رهبر فداییان اسلام از مخالفان سرسخت این پیمان بود؛ زیرا معتقد بود که ورود ایران در پیمان بغداد زمینه‌ساز سلطه نظامی آمریکا بر ایران است.^۳

بوگی از تاریخ

شهید نواب صفوی

سیدمجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی در خانواده‌ای روحانی در محله خانی آباد تهران متولد شد. وی پس از اتمام دوره متوسطه برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت. او با تأسیس جمعیت فداییان اسلام موفق شد جوانان متدبّتی که عزم مبارزه با رژیم پهلوی را داشتند، گرد هم جمع کند. فعالیت فداییان اسلام در ابتدا یک حرکت فرهنگی بود و با ورود به عرصه سیاست تبدیل به یک کانون تأثیرگذار در صحنه سیاسی کشور شد.

فداییان اسلام در نهضت ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت دکتر مصدّق نقش مهمی ایفا

۱. با خروج عراق از پیمان بغداد در سال ۱۳۳۸، نام این پیمان به سنتو تغییر یافت و مرکز آن به آنکارا منتقل شد.

۲. الحسنی، مبنای تفکر روسای جمهوری آمریکا، صص ۴۹-۵۵؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، صص ۱۹۳-۲۰۰.

۳. هنگامی که حسین علاء برای شرکت در اجلاس نخست‌وزیران عضو پیمان بغداد عازم عراق بود، از سوی یکی از فداییان اسلام مورد حمله قرار گرفت که منجر به زخمی شدن او شد. متعاقب این اقدام فرمانداری نظامی، فداییان اسلام را دستگیر کرد. امینی، اندیشه و عملکرد فداییان/اسلام، ص ۲۹۵.



کردند. شهید نواب صفوی طرح حکومت اسلامی و اجرای آن را در قالب کتاب راهنمای حقایق پیشنهاد کرده بود.

سرانجام نواب صفوی به همراه یارانش، خلیل طهماسبی، سید محمد واحدی و مظفر ذوالقدر در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ تیرباران شدند و به شهادت رسیدند.^۱

شهید نواب صفوی

پس از عضویت ایران در پیمان بغداد و امضای قرارداد نظامی دوجانبه با آمریکا، حضور نظامیان و مستشاران آمریکایی در ایران گسترش یافت. حضوری که تمام هزینه‌های آن بردوش دولت و ملت ایران بود. سران رژیم به منظور رفاه حال نظامیان آمریکایی، خدمات کاملی به آنها ارائه می‌نمودند؛ به طوری که در گزارشی مربوط به شهریور ۱۳۵۷ آمده است: «یکی از مسائل دیگر، به میزان حضور آمریکا که اکنون معادل ۴۰ هزار نفر برآورد شده، مربوط است. بخش اعظم این آمریکایی‌ها به خاطر فعالیت‌های نظامی در ایران حضور دارند... و دولت ایران نیز که هزینه این حضور آنها را تأمین می‌کند، از هیچ‌گونه همکاری فروگذار نکرده است»^۲.

تأسیس ساواک

پس از کودتای ۲۸ مرداد، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ایران را به پایگاه اصلی قدرت خود در منطقه تبدیل کنند؛ بنابراین، شاه که راه بقای خود را در تبعیت از آمریکا می‌دانست، به کمک مستشاران آن کشور به تشکیل سازمان مخوف ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) اقدام کرد.

۱. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۲۰۹؛ عراقی، ناگفته‌ها، صص ۱۳۳-۱۳۶.

۲. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۶: ص ۸۲۱.

اهمیت تأسیس ساواک از دیدگاه آمریکا به دو جهت بود :

۱. همسایگی ایران با شوروی، به عنوان رقیب اصلی آمریکا

۲. حفظ و تثبیت نفوذ آمریکا در ایران

اولین رئیس ساواک، سپهبد تیمور بختیار، یکی از بی‌رحم‌ترین افسران ارتش و فرماندار نظامی تهران بود. این سازمان که گسترده‌ترین نهاد اطلاعاتی و امنیتی از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷ در حکومت محمدرضا شاه بود، نقش مهمی در شناسایی و سرکوب گروه‌های مخالف داشت. ساواک علاوه بر شکنجه جسمی و روحی مخالفان رژیم و ایجاد جوّ اختناق، رعب و وحشت، دولتمردان و نمایندگان مجلسین را نیز کنترل می‌کرد.^۱

ساواک، با هدایت و حمایت سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس و سپس با کمک سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد)، به صورت یک تشکیلات مخوف امنیتی و اطلاعاتی درآمد؛^۲ اما به جای آنکه دستاوردهای اطلاعاتی خود را در جهت منافع کشور به کار گیرد، در خدمت تأمین منافع آمریکا و انگلیس و سپس اسرائیل و به عنوان مانعی در برابر توسعه شوروی و کمونیسم، قرار گرفت.^۳

دولت منوچهر اقبال

در فروردین ۱۳۳۶، حسین علاء از نخست‌وزیری استعفا کرد و دکتر منوچهر اقبال، وزیر دربار،

به نخست‌وزیری رسید.

محمدرضا پهلوی که حکومتش با مشکل فقدان مشروعیت و نبود آزادی سیاسی روبه‌رو بود، برای جلب افکار عمومی، دست به تأسیس دو حزب «ملیون» (اکثریت) به رهبری نخست‌وزیر، دکتر اقبال، و «حزب مردم» (اقلیت) به رهبری اسدالله علم زد.

از آن به بعد، سال‌های طولانی، مطبوعات کشور صحنه جنجال‌های سطحی و ساختگی میان دو حزب دولتی بودند، تا توهم وجود دموکراسی‌های غربی در ایران را در ذهن‌ها ایجاد کنند.^۴

۱. نجاری راد، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، صص ۴۳، ۶۵، ۸۴؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی،

ج ۱، ص ۳۹۳؛ هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری، صص ۸۵-۹۰؛ ساواک و روحانیت، ص ۹۴؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، صص ۳۱۶-۳۲۰.

۲. دلانوا، ساواک، صص ۲۲۱، ۲۲۶-۲۳۱، ۲۳۴-۲۳۷؛ رجالی عصر پهلوی، تیمور بختیار به روایت اسناد، ج ۱، صص ۲۸-۳۲.

۳. نجاری راد، ساواک، ص ۳۹-۵۱.

۴. کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۴۲.

پرسش‌های نمونه

۱. پس از کودتای ۲۸ مرداد، چه وضعیتی بر مملکت حاکم شد؟
۲. علت مخالفت شهید نواب صفوی با پیمان بغداد چه بود؟
۳. تأسیس ساواک از چه جنبه‌هایی برای آمریکا اهمیت داشت؟
۴. بیگانگان چه نقشی در تأسیس و اداره کردن ساواک داشتند؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و یا واقعه اول بهمن ۱۳۴۰ دانشگاه تهران مطلبی تهیه کنید.
۲. در زمینه دستگیری و محاکمه اعضای یکی از احزاب سیاسی در دوره حاکمیت فرمانداری نظامی تهران مطلبی تهیه کنید.



زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران

در این درس، با هدف‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی موردنظر آمریکا در ایران و نیز اقداماتی که دولت‌های شریف امامی و امینی برای زمینه‌سازی و اجرای این سیاست انجام دادند آشنا می‌شوید.

تحول‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سیاست خارجی آمریکا در دوره ریاست جمهوری جان. اف. کندی^۱ در برابر کشورهای توسعه‌نیافته جهان سوم و خاورمیانه، اجرای اصلاحات از بالا به پایین با هدف پیشگیری از انقلاب‌های قهرآمیز بود.^۲ این سیاست با عنوان «اتحاد برای پیشرفت»^۳ در کشورهایی که در معرض خطر کمونیسم بودند، اجرا می‌شد؛^۴ بی‌آنکه نظام دیکتاتوری و استبدادی حاکم بر آن کشورها تغییر یابد و در صورت مقاومت مردم توسل به زور برای اجرای آن پیش‌بینی شده بود.^۵ اجرای این سیاست درباره ایران از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ زیرا رژیم دست‌نشانده شاه وابسته و متحد آمریکا بود و به دلیل همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی و موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی، در وضعیتی حساس و تعیین‌کننده قرار داشت.^۶

۱. جان. اف. کندی (John. F. Kenedy) در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ م / ۱۳۳۹ ش. به عنوان سی و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید بر مسند قدرت نشست.

۲. نظیر انقلاب‌هایی که در آمریکای لاتین، کوبا و ویتنام روی داده بود.

3. Alliance for Progress

۴. برای نخستین بار این سیاست در کشور وژوئلا در دوران ریاست جمهوری «رومولا بتانکورت» آزمایش شد. چون اجرای آن با مخالفت و تظاهرات گسترده مردم روبه‌رو شد، منجر به سرکوب و قتل جمع کثیری از مردم شهر کاراکاس شد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۳۳؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵. نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۱۳.

۶. بیل، همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

کارشناسان مسائل ایران در وزارت امور خارجه آمریکا، گزارش‌هایی^۱ از وضعیت فساد حکومت شاه و سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی تهیه کردند که نشان می‌داد وجود یک سلسله اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران ضروری است.^۲

علاوه بر این، صنایع و اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی نیازمند بازارهای مصرف جدیدی بود و کشورهای خاورمیانه به علت ساختار اقتصادی مبتنی بر رژیم ارباب و رعیتی، امکان مصرف تولیدات جدید را نداشتند.^۳

به باور زمامداران آمریکا، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی می‌توانست ضمن جلوگیری از «انقلاب سرخ» و کاهش خطر کمونیسم، زمینه ایجاد «انقلاب سفید» را فراهم آورد و از گسترش فعالیت‌های مردمی علیه حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده آمریکا جلوگیری کند.^۴

فکر کنید و پاسخ دهید:

منظور از انقلاب سفید، ماهیت و اهداف آن چیست؟



شریف امامی

نخست‌وزیری شریف امامی

در شهریور ۱۳۳۹، شاه با منصوب کردن شریف امامی به نخست‌وزیری و طرح شعارهایی مانند آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اقتصادی به استقبال از سیاست‌های جدید دولت آمریکا رفت. انتخاب شریف امامی در واقع حاصل توافق شاه و انگلستان با استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود.^۵

با وجود این، کندی رئیس‌جمهوری آمریکا به شاه و

۱. این گزارش‌ها در اواخر سال ۱۳۳۹ توسط جان. دبلیو بولینک John. W. Bouling و اوایل سال ۱۳۴۰ توسط کوتیلریانک

تهیه شد.

۲. نجانی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۸.

۳. با گذشت سالیانی که از جنگ جهانی دوم سپری شده بود؛ صنایع و اقتصاد اروپا دوباره فعال گردیده و نیاز به بازارهای مصرف

احساس می‌شد. ن. ک: الهی، دیکتاتوری کارتل‌ها، ص ۵.

۴. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۷۲؛ نجانی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۳۳.

۵. فردوست، همان، ج ۲، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

شریف‌امامی اعتماد نداشت و آنها را برای اجرای برنامه‌هایش در ایران مناسب ندید. آمریکا، در این زمان، برای هموار کردن سیاست‌های خود در ایران، با برخی از رجال ایران ارتباط برقرار کرد و خواستار برکناری شریف‌امامی و روی کار آمدن علی امینی شد.^۱ علی امینی در دوران تصدی سفارت ایران در آمریکا بیش از پیش به مقامات آمریکایی نزدیک شده بود و با کندی ارتباط صمیمانه‌ای داشت.^۲

اصلاحات دوره نخست‌وزیری علی امینی

با روی کار آمدن علی امینی، سیاست‌های پیش‌بینی شده آمریکا، در ایران به اجرا گذاشته شد. قدم اول این سیاست مبارزه با فساد اداری بود که برای جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی و افتادن حکومت ایران به دست کمونیست‌ها، صورت می‌گرفت. اقدام دوم، «اصلاحات اقتصادی» بود که برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور به اجرا درآمد.

علی امینی در اولین قدم، دست به اقدامی جنجالی زد. او از شاه درخواست انحلال مجلس‌های شورای ملی و سنارا کرد، تا موانع سر راه انجام نقشه‌های خود را از میان بردارد. به دنبال آن، جمعی زیاد از سران حکومت از نظامیان عالی رتبه گرفته تا مقام‌های اقتصادی را دستگیر کرد تا گناه مفاسد اقتصادی و سیاسی رژیم پهلوی را به گردن آنان بیندازد. علی امینی با این اقدام می‌خواست از تعمیق اعتراضات اجتماعی و مردمی علیه آمریکا جلوگیری کند.^۳ البته او به دنبال جاه‌طلبی‌های شخصی خود نیز بود و می‌خواست مستقل از شاه، با آمریکا ارتباط برقرار کند. شاه از این موضوع احساس نگرانی می‌کرد.^۴

اقدام دوم امینی، اجرای قانون اصلاحات ارضی بود. قانون «اصلاحات ارضی» که در بهمن ۱۳۴۰ در هیئت دولت به تصویب رسیده بود، از منطقه آذربایجان شروع شد. با سرعت گرفتن روند اصلاحات ارضی توسط علی امینی، شاه از ناحیه او احساس خطر کرد.

بیشتر بدانید

کندی، رئیس‌جمهور آمریکا، از مشاوران خود خواسته بود که برای دادن کمک به ایران شرایط خاصی تعیین کنند. آن هم در شرایطی که ایران به شدت به این وام نیاز داشت. شرط واگذاری

۱. منصور، قیام ۱۵ خرداد، ص ۳۷؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۱-۲۹.

۲. همان، صص ۱۷-۲۱؛ آبراهامیان، همان، ص ۵۱۹.

۳. رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۹ و ۳۰.

۴. هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.

وام ۳۵ میلیون دلاری آمریکا پذیرش نخست‌وزیری علی‌امینی از سوی شاه بود.^۱ آمریکا در دوران چهارده‌ماهه حکومت امینی، کمک‌های مالی که بالغ بر ۶۷ میلیون دلار بود، به ایران پرداخت کرد و این حمایت‌ها را منوط به حسن اجرای اصلاحات مورد علاقه‌اش کرد. امینی به دلیل ارتباط نزدیک با مقامات آمریکایی همواره مورد حسادت شاه قرار داشت. شاه بعدها با اعتراف به این موضوع گفت: «بدتر از همه این که موقع دیدارم از آمریکا هرجا می‌رسیدم، اول از همه حال و احوال نخست‌وزیر را از من می‌پرسیدند و رفتارشان به‌صورتی بود که گویی اصلاً من را به حساب نمی‌آوردند».^۲ با این همه وقتی که امینی درگیری‌اش بر سر لزوم کاهش بودجه نظامی آغاز شد، توانست حمایت آمریکا را جلب کند. این نخستین بار نبود که ایالت متحده آمریکا، در برابر نخست‌وزیر، جانب شاه را گرفته بود.^۳

محمدرضاشاه در فروردین ۱۳۴۱ به همراه اسدالله علم به آمریکا رفت و با کمک انگلستان توانست آمریکا را به برکناری امینی راضی کند و خود مجری اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران شود.^۴

پرسش‌های نمونه

۱. هدف آمریکا از انجام اصلاحات در کشورهای توسعه نیافته چه بود؟ این اصلاحات با چه عنوانی و در چه کشورهایی اجرا شد؟
۲. چرا دولت آمریکا انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران را ضروری می‌دانست؟
۳. آمریکا چه نقشی در برکناری شریف امامی و انتصاب علی‌امینی به نخست‌وزیری داشت؟
۴. علی‌امینی در دوره نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست و جو

— درباره کمک‌های آمریکا به ایران در دوره نخست‌وزیری علی‌امینی گزارشی تهیه کنید.

۱. رجال عصر بهلولی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۸ و ۲۹؛ فردوست، همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. هویدا، همان، ص ۱۴۰.

۳. آبراهامیان، همان، ص ۵۲۱.

۴. امینی، خاطرات، صص ۲۰۴-۲۰۷.



پیدایش نهضت روحانیت و اوج‌گیری بیداری اسلامی

در این درس با چگونگی روی کار آمدن دولت اسدالله علم و اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران از قبیل تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید آشنا می‌شوید و مخالفت و مقاومت روحانیت و مردم در برابر این اصلاحات را می‌خوانید.

دولت اسدالله علم

با رحلت آیت‌الله بروجردی مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان در فروردین ماه ۱۳۴۰، شاه تصور کرد که زمینه برای جانشینی مرجع یا مراجع تقلید به جای آیت‌الله بروجردی وجود ندارد. از این رو فرصت را برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا مناسب دید.^۱

بیشتر بدانید

برای تقویت مرجعیت و تمرکز آن، عده‌ای از مدرسان حوزه علمیه قم تصمیم به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای مهاجرت به قم گرفتند. از میان این عده، سرشناس‌ترین آنها آیت‌الله خمینی بود. به عقیده ایشان بازسازی حوزه علمیه قم تحت زعامت مرجعیت مقتدر تنها عامل نجات تشیع ایران بود. آیت‌الله بروجردی از شاگردان مراجع بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و جهانگیرخان قشقایی بود. در دوره زعامت و مرجعیت تامه وی، حوزه علمیه قم از جریان بیداری اسلامی باز نماند و همچون دانشگاه بر آن تأثیر گذاشت و از آن تأثیر پذیرفت و نقش بسیار مهمی در حفظ جامعه مسلمان ایران از آفت‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن مقطع حساس ایفا کرد. بسیاری از افرادی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشتند، از شاگردان ایشان بودند.^۲

۱. شاه تلاش کرد تا پایگاه مرجعیت از قم به نجف انتقال یابد. از این رو ضایعه درگذشت آیت‌الله بروجردی را به علمای نجف تسلیت

گفت. (ن.ک: منصور، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۲۴۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۲. دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۶۰۸؛ کرباسچی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، تاریخ حوزه علمیه قم، صص ۹۱-۱۰۴ و

۱۴۴-۲۱؛ ریحان یزدی، آینه دانشوران، صص ۴۷۴-۴۸۵.

در تیرماه ۱۳۴۱، شاه، علی امینی را به بهانهٔ اختلاف بر سر بودجهٔ نظامی^۱ بر کنار و اسدالله علم را که یکی از نزدیکان او بود، به نخست‌وزیری منصوب کرد.^۲ او همچنین تصمیم گرفت که قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در غیاب مجلس شورای ملی تغییر دهد.^۳



تصویب نامهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولین دورهٔ مجلس شورای ملی به منظور تشکیل شوراهای استان و شهرستان به تصویب رسیده بود و تا زمان نخست‌وزیری اسدالله علم این قانون بدون تغییر مانده بود. قانون مذکور در مهر ۱۳۴۱ توسط هیئت دولت تغییر کرد که براساس آن، شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف شد.^۴

بیشتر بدانید

شاه در پوشش تصویب این لوایح اهداف متفاوتی را دنبال می‌کرد. او می‌خواست علاوه بر سنجش میزان حساسیت علما و توان مذهبی مردم، روحانیت و جریان مذهبی را که همواره سدی در برابر نفوذ سلطهٔ بیگانگان در ایران به‌شمار می‌آمدند، در یک زورآزمایی کنار بزند تا مجبور به محافظه‌کاری در برابر آنها نباشد. به همین منظور مطبوعات رسمی کشور با تیرهای درشت به انعکاس تصویب این لوایح و اخبار مربوط به آن پرداختند.

این تصویب‌نامه اعتراض علما و مردم مسلمان ایران را برانگیخت. امام خمینی علمای طراز اول

۱. عاقلی، *نخست‌وزیران ایران*، صص ۹۱۸ - ۹۲۰؛ رجال عصر پهلوی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۴۰ و ۴۱.

۲. یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۳۴.

۳. شاهدهی، *مردی برای تمام فصول*، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۴. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، ص ۳۷۵.

قم را به نشست‌ها و گفت‌وگوهای متعدّد برای لغو این تصویب‌نامه فراخواند. وی با تشریح نقشه‌های استعمار و توطئه‌های آنها مسئولیت علما را در قبال صیانت از اسلام و استقلال کشور یادآور شد و مقرر شد با ارسال تلگرام‌هایی به شاه، لغو فوری تصویب‌نامه مذکور درخواست شود.

مبارزه‌ی بی‌گير امام خمینی، مراجع تقلید و دیگر علما سرانجام شاه و دولت را وادار به عقب‌نشینی و اعلام لغو تصویب‌نامه کرد. شاه در اجرای سیاست اسلام‌زدایی با شکست مواجه شد. این حرکت هماهنگ علما که به نهضت دو ماهه روحانیون شهرت یافت، اولین پیروزی سیاسی ملت ایران به رهبری امام خمینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود.^۱

برخی از علمای قم این اقدام را کافی دانستند، اما امام خمینی با هوشیاری به تشریح اهداف پشت پرده رژیم پهلوی پرداخت و ماهیت دخالت آمریکا و صهیونیسم را در امور مملکت افشا کرد. ابعاد و عمق مبارزات امام خمینی فراتر از لغو تصویب‌نامه بود. ایشان در اعلامیه‌ها و سخنرانی بعدی خود اعلام خطر کرد که اسلام و استقلال مملکت و اقتصاد ایران در معرض توطئه صهیونیست‌هاست و تا رفع این خطرها نباید از پا نشست.^۲ امام خمینی با دوراندیشی قصد داشت با استفاده از فرصت به وجود آمده مبارزه دامن‌داری را برای سرنگونی رژیم وابسته شاه و قطع سلطه آمریکا و اسرائیل و تشکیل حکومت مستقل و مردمی پایه‌ریزی کند.

انقلاب سفید

تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه اجرای حرکتی در جهت خواست آمریکایی‌ها برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بود که بعدها از سوی شاه و دربار انقلاب سفید نام گرفت. بعد از لغو تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه در اثر فشار آمریکا، خود به میدان آمد و اعلام کرد قصد دارد اصول شش‌گانه به اصطلاح انقلاب سفید را به نظر خواهی بگذارد.

در این هنگام امام خمینی با آگاهی از اهداف شاه و نتایج زیان‌بار سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در ایران، مراجع و علمای قم را به شرکت در یک جلسه اضطراری فراخواند. در این نشست پس از تبادل نظر تصمیم گرفته شد، برای اطلاع بیشتر درباره همه‌پرسی و اهداف آن از شاه توضیح بخواهند. آیت‌الله روح‌الله کمالوند به نمایندگی از سوی مراجع و علما به دیدار شاه رفت.^۳ در این دیدار، شاه

۱. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۱۷۷-۱۹۱.

۲. روحانی، همان، صص ۴۵۶-۴۶۰.

۳. آیت‌الله روح‌الله کمالوند از مدرسان توانای فقه، اصول و فلسفه حوزه علمیه قم بود.

به جای پاسخ به سؤالات مراجع و علما، زبان به تهدید گشود.^۱

بیشتر بدانید

محمدرضا شاه در دیدار با آیت‌الله کمالوند اعلام کرد: «اگر آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود، من باید این برنامه را اجرا کنم، زیرا اگر نکنم، از بین می‌روم». او ضمن شکایت از علمای ایران خواست تا به جای مخالفت، مانند روحانیون دیگر کشورها دعاگوی شاه کشورشان باشند. آیت‌الله کمالوند در پاسخ گفت: «علمای شیعه، در تاریخ هزار ساله خود، هیچ‌گاه مأمور حکومت‌ها نبوده‌اند و نخواهند بود».^۲

به دنبال پاسخ شاه، امام خمینی و علما دریافتند که شاه با حمایت آمریکا، به هر نحو ممکن مصمم به پیشبرد و اجرای این برنامه است. امام خمینی طی سخنانی فرمودند: «اکنون طرف حساب علما شخص شاه است نه دولت؛ زیرا او در مرز مرگ و زندگی قرار گرفته و چنان که خود اظهار داشته عقب نشینی او به قیمت سقوط و نابودی‌اش تمام خواهد شد. باید توده ملت را از اهداف استعماری این لویح آگاه کنیم».^۳

تحریم رفتارندوم و قیام مردم

با انتشار اعلامیه امام خمینی و اعلامیه‌های دیگر از سوی سایر علما و مراجع نظیر آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله خوانساری نسبت به غیرقانونی بودن رفتارندوم (همه‌پرسی)، مردم تهران و قم و دیگر شهرستان‌ها به خیابان‌ها ریختند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز با صدور اعلامیه‌ای اقدامات ضداسلامی و غیرقانونی رژیم را محکوم کردند.^۴

بازار تهران تعطیل شد و مردم در قسمت‌های جنوبی شهر تظاهرات اعتراض‌آمیز به پا کردند. رژیم برای کنترل اوضاع، تهران را به اشغال نظامی درآورد و به سرکوب مردم و هجوم به دانشگاه تهران پرداخت و تعدادی از روحانیون را دستگیر و روانه زندان کرد.^۵

۱. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، صص ۲۵۱-۲۵۳.

۲. ن. ک: رجعی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸.

۴. کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۳۰۲؛ ییل، همان، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۲۳۸.

بیشتر بدانید

در کنار مخالفت علما و روحانیون، نهضت آزادی نیز با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و برگزاری فراندوم مخالفت کرد. این تشکل سیاسی مذهبی پس از دیدار با مراجع قم و با صدور اعلامیه‌ای، به دفاع از نهضت روحانیت برخاست^۱ و مشی سیاسی خود را از جبهه ملی متمایز کرد و به افشای ماهیت اصلاحات شاه، کندی و انقلاب سفید پرداخت^۲، اما به زودی رهبران آن از جمله مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی دستگیر شدند. آنها تا پس از قیام ۱۵ خرداد در زندان باقی ماندند اما جبهه ملی تنها به شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» کفایت کرد.

در روز چهارم بهمن ماه ۱۳۴۱، شاه به قم رفت تا با سخنرانی در این شهر که کانون اصلی مخالفان بود، ثابت کند علما در مخالفت با اصول شش‌گانه یکپارچه نیستند. علمای قم به رهبری امام خمینی استقبال از شاه و حضور در مراسم را تحریم کردند.^۳ شهر قم یکپارچه تعطیل شد. شاه برخلاف انتظارش با مشاهده این حوادث طی نطقی که با عصبانیت تمام ایراد شد، به روحانیت و اسلام اهانت کرد.^۴

در چنین شرایطی که انتخابات تحریم شده بود، شاه با اعمال فشار و خشونت، همه‌پرسی فرمایشی خود را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برپا کرد و در پی آن، رئیس‌جمهور آمریکا و ملکه انگلیس این فراندوم را به شاه تبریک گفتند.^۵

چند روز بعد، دولت علم تصویب‌نامه لغو شده انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به صورت ماده اصلاحی قانون انتخابات به مورد اجرا گذاشت و این کار مورد اعتراض امام خمینی واقع شد، و آن را از نظر قانون اساسی و شرع بی اعتبار دانست.

۱. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۱۸۴-۱۸۶.

۲. فارسی، زوایای تاریک، ص ۷۵.

۳. حتی تولیت آستانه حضرت معصومه (س) نیز از شرکت در این مراسم خودداری کرده بود.

۴. فردوست، همان، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مدنی، همان، ج ۲، ص ۱۷.

۵. روزنامه اطلاعات (۱۳۴۱/۱۱/۱)، ن.ک: بیل، همان، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۲؛ رادیو مسکو

و مجله هفتگی «نویاگرینا» نیز به ستایش از اقدامات شاه پرداخت. جالب توجه این است که در جریان اصلاحات و انقلاب سفید دولت آمریکا و شوروی مواضع یکسانی در برابر نهضت مردم اتخاذ کردند. ن.ک: جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۱۸۱؛ عرفان‌منش،

خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۲، ص ۲؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۲۷-۲۷۲.

پرسش‌های نمونه

۱. در دوره نخست وزیری عَلم چه تغییری در شرایط انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد شد؟
۲. علت و نتیجه مخالفت امام خمینی و علما با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را توضیح دهید.
۳. امام خمینی (ره) و دیگر علما در مقابل رفراندوم اصول شش‌گانه (انقلاب سفید)، چه موضعی اتخاذ کردند؟

اندیشه و جست و جو

— درباره برنامه‌های رژیم پهلوی برای اسلام‌زدایی و محدود کردن روحانیون، مطلبی تهیه کنید.



قیام ۱۵ خرداد

در این درس با چگونگی گسترش نهضت امام خمینی و قیام پانزده خرداد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون و تبعید حضرت امام خمینی آشنا خواهید شد.

همان طور که در درس پیشین خواندید رژیم پهلوی، برای اجرای سیاست های آمریکا، دست به فراندوم انقلاب سفید زد که باعث اعتراض علما و مردم شد، زیرا اجرای سیاست های آمریکا، علاوه بر گسترش وابستگی کشور و نابودی بنیادهای اقتصادی، منجر به اسلام زدایی نیز می شد.

حمله به فیضیه

با نزدیک شدن نوروز ۱۳۴۲، امام خمینی، در اعتراض به سیاست های رژیم پهلوی، اعلام عزای عمومی کرد؛ دیگر مراجع و علما نیز، از او پیروی کردند. دوم فروردین ماه، در جریان برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت امام صادق (ع)، نیروهای ساواک و کماندوهای «شاه»^۱، در لباس غیر نظامی به مدرسه فیضیه قم حمله کردند و عده ای از روحانیان را به شهادت رساندند و یا زخمی کردند.^۲ آنان درهای حجره ها را شکستند و قرآن ها و کتاب ها را پاره کردند و به بیرون ریختند. حتی به مجروحان بستری شده این ماجرا در بیمارستان قم نیز حمله بردند و آنها را در بیمارستان، دستگیر کردند. هم زمان با این فاجعه، به مدرسه طالبیه تبریز نیز حمله شد و چند تن در این حادثه مجروح و شهید شدند.^۳ هدف رژیم، از یورش به مدرسه فیضیه ایجاد ارباب و وحشت بود.

امام خمینی، طی اعلامیه ای اظهار داشت: «ناراحت نشوید. مضطرب نگردید. ترس و هراس را از خود دور کنید. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت

۱. لشگر ۱ گارد شاهنشاهی.

۲. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۳۳۹ - ۳۴۸.

۳. کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ...، ج ۱، ص ۱۳۴.

چنگیزی خود را به خوبی نشان داد ... ما پیروز شدیم. ما از خدا خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند»^۱.

حادثهٔ خونین فیضیه پیامدهای مختلفی داشت و برخلاف انتظار رژیم مبارزه را جدی و آشکارتر کرد. روحانیون تهران، قم، مشهد، اصفهان، شیراز و برخی از دیگر شهرستان‌ها به منظور ابراز همدردی و پشتیبانی از حوزهٔ علمیه قم به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و از رفتن به مساجد و اقامهٔ نماز جماعت خودداری کردند.^۲

امام خمینی در اعلامیهٔ معروف خود، شاه دوستی را با غارتگری، جنایت و تجاوز به احکام اسلام مساوی دانست و به نام ملت، نخست‌وزیر را استیضاح کرد^۳ و فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام». رهبری نهضت همچین اظهار حقایق را به هر قیمتی واجب و تقیّه را حرام کرد.^۴

قیام پانزده خرداد

در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ ق. مطابق با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی به مدرسهٔ فیضیه قم رفت، تا دربارهٔ مسائل سیاسی روز، به ایراد سخن بپردازد. گزارش مأمور ویژه ساواک که در محل حضور داشته، در این باره، گستردگی اعتراض مردمی و حمایت از امام خمینی را به خوبی نشان می‌دهد وی می‌نویسد: «در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آن چنان صلوات فرستاد که تا دو کیلومتر صدای آنها شنیده می‌شد».^۵

یک روز پس از این سخنرانی، در بامداد چهاردهم خرداد، امام خمینی در خانهٔ خود دستگیر و به تهران منتقل شد. همزمان، چند تن دیگر از علمای شهرستان‌ها نیز دستگیر و زندانی شدند. با انعکاس خبر دستگیری امام خمینی، در پانزدهم خرداد موجی عظیم از اعتراض مردمی در قم به پاخاست. به دنبال

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۸.

۲. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۶۳؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۳. استیضاح یعنی توضیح خواستن از دولت یا وزیر در مورد یک واقعه.

۴. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۶۳.

۵. حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۴۶۶.

۶. هم‌زمان با دستگیری امام خمینی، آیت‌الله قمی در مشهد و آیت‌الله محلاتی را در شیراز دستگیر کردند و در مدت کوتاهی ۵۳ نفر

از علمای تهران و شهرستان‌ها نیز دستگیر شدند. (فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۱۳۰).



آن، در تهران و شهرستان‌های ورامین^۱، مشهد، قزوین، کاشان، شیراز^۲، تبریز^۳ و اصفهان^۴ و چند شهر دیگر نیز، تظاهرات اعتراض‌آمیز به راه افتاد.

اسدالله علم، نخست‌وزیر، به فرمان شاه، دستور کشتار بی‌رحمانهٔ مردم را صادر کرد. در تهران و قم دامنهٔ تظاهرات بسیار

گسترده بود. به همین سبب با اعلام حکومت نظامی، تانک‌ها و مسلسل‌های سنگین به خیابان آمدند. در قم هواپیماهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند.^۵ حضور زنان در تظاهرات اعتراض‌آمیز قم چشم‌گیر بود.^۶ مردم خواستار آزادی امام خمینی بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی به میان تظاهرکنندگان رفت و اعلام کرد: «نخواهیم گذاشت آسیبی به خمینی عزیزمان برسد».^۷ با حرکت روحانیون به سمت حرم، درگیری و صدای رگبار مسلسل‌ها شدت یافت. مأموران با محاصرهٔ تظاهرکنندگان آنها را مانند برگ پاییزی به زمین ریختند. تنها در یک کوچه تعداد ۳۲ نفر شهید و مجروح شدند.^۸ اجساد شهدا در کامیون‌های نظامی به مقصد نامعلومی حمل شد.^۹

۱. مردم پیشوای ورامین در حمایت از امام خمینی در حالی که کفن بر تن کرده بودند و با پای پیاده به سوی تهران در حرکت بودند، قبل از رسیدن به تهران، مورد هجوم نظامیان قرار گرفتند و دسته‌جمعی به خاک و خون کشیده شدند و عده‌ای از آنها به شهادت رسیدند و یک بار دیگر حادثهٔ ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در کشتارهای ورامین تکرار شد.

۲. در حوادث خونین ۱۶ خرداد در شیراز تعداد زیادی شهید و مجروح شدند که بیشترین آنها دانش‌آموزان و نوجوانان بودند. ن. ک: عرفان‌منش، *خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز*، ج ۱، صص ۵۶، ۶۶، ۷۰، ۸۹-۹۴.

۳. ن. ک: باقری، *خاطرات ۱۵ خرداد تبریز*، صص ۱۹، ۲۰، ۴۱، ۸۴-۸۶ و ۱۱۸.

۴. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۳، صص ۸۴-۸۶.

۵. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر*، ج ۲، صص ۴۵ و ۴۶.

۶. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۴۷۶.

۷. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۱، ص ۱۱۹.

۸. *کوچهٔ نمازی*. (ن. ک: مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۴۶).

۹. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۴۸.

در تهران، بازار تعطیل شد. مردم به سوی خیابان‌ها سرازیر شدند.^۱ دانشجویان دانشگاه تهران با شنیدن خبر دستگیری امام خمینی بلافاصله کلاس‌ها را تعطیل کردند و با شعار مرگ بر دیکتاتور، خواستار آزادی امام خمینی شدند که با نیروهای انتظامی مواجه شدند.^۲ در جنوب شهر تهران دسته‌ای از تظاهرکنندگان به سمت ایستگاه رادیو حرکت کردند. با ورود گارد شاهنشاهی، قتل‌عام صدها نفر از مردم آغاز شد.^۳ اسدالله علم، نخست‌وزیر، درباره کشتار مردم در ۱۵ خرداد اعتراف می‌کند که شاه نه تنها دستور تیراندازی داد؛ بلکه از قتل‌عام مردم پشتیبانی کرد.^۴ شاه بعدها اعلام کرد که از بابت دستور تیراندازی در واقعه ۱۵ خرداد ابداً متأسف نیست.^۵ نبود برنامه برای تظاهرات و خودجوش بودن حرکت اعتراض‌آمیز مردم (بدون سازماندهی) باعث شد که دولت امکان سرکوب تظاهرکنندگان را بیابد. به گفته ارتشبد فردوست، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران امنیتی شاه، آن روز اگر تظاهرکنندگان، تظاهرات خود را ادامه می‌دادند، قطعاً شاه از کشور می‌گریخت.^۶

برگی از تاریخ

فرازهایی از زندگانی امام خمینی رحمه الله علیه

روح‌الله موسوی خمینی در بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ ق. برابر با چهارشنبه اول مهر ۱۲۸۱ ش. هم‌زمان با سالروز میلاد بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (س) در خانواده‌ای از اهل علم و مبارزه در شهر خمین دیده به جهان گشود. او وارث سجایای پدرانش که نسل اندر نسل در کنار هدایت مردم به کسب معارف الهی کوشیده‌اند، بود.

درحالی که کمتر از ۵ ماه از ولادت روح‌الله می‌گذشت، پدرش آیت‌الله سید مصطفی موسوی^۷ که در شهر خمین حامی مردم در برابر ظلم خوانین و حکام منطقه بود، در دفاع از مردم، مظلومانه به شهادت رسید.

۱. باقری، *خاطرات ۱۵ خرداد*، صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹؛ عراقی، *ناگفته‌ها*، صص ۱۸۳ و ۱۸۴.
۲. منصور، *قیام ۱۵ خرداد*، ص ۱۷۵.
۳. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، صص ۴۸۵ و ۴۸۶؛ فردوست، همان، ج ۱، صص ۵۱۰-۵۱۳.
۴. لاینگ، *مصاحبه با شاه*، ص ۲۳۸.
۵. بلانسه، *ایران، انقلاب به نام خدا*، ص ۵۶؛ فالاجی، *مصاحبه با شاه ایران*، ص ۱۶.
۶. فردوست، همان، ج ۱، ص ۵۱۴. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، *اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام ۱۵ خرداد*، صص ۲۲-۳۸.
۷. آیت‌الله سید مصطفی موسوی از معاصران مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی بود. او پس از تحصیل در حوزه نجف و سامرا به درجه اجتهاد نایل آمد و به ایران بازگشت. او رهبری و اداره امور مردم خمین را برعهده گرفت.

به این ترتیب امام خمینی از او ان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبه‌رو شد. پس از شهادت پدرش دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌اش (بانو هاجر) که از خاندان علم و تقوا بود و همچنین عمه مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود، گذراند. دوران کودکی و نوجوانی روح‌الله همزمان با بحران‌های سیاسی و اجتماعی بود و از همان زمان او با مسائل سیاسی، دردها و رنج‌های مردم ایران آشنا شد. دیری نپایید که روح‌الله در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید. وی در سال ۱۲۹۸ ش. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی عازم حوزه علمیه اراک شد.

امام خمینی با بهره‌گیری از هوشی سرشار و استعدادی فوق‌العاده، رشته‌های مختلف علوم اسلامی را به سرعت طی کرد و علاوه بر فقه و اصول، فلسفه و عرفان را نیز در عالی‌ترین سطح نزد استادان برجسته آن زمان آموخت و در پی هجرت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حایری یزدی در سال ۱۳۰۱ ش به قم و تشکیل مرکزیت حوزه‌های علمیه، امام خمینی هم اندکی بعد مشتاقانه به قم مهاجرت کرد.

امام خمینی از سن ۲۷ سالگی به تألیف کتاب پرداخت. حاصل این تلاش، نگارش ده‌ها جلد کتاب در موضوعات مختلف فقه، اصول، تفسیر، عرفان، اخلاق، احکام و فلسفه است.

امام خمینی در کتاب کشف/سرار که در سال ۱۳۲۲ ش. منتشر شد، به انتقاد از سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی دوران ۲۰ ساله رضاشاه پرداخت و همچنین برای اولین بار در این کتاب به طرح مسئله «ولایت فقیه» و تشکیل حکومت اسلامی تأکید کرد.

نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی یک سال بعد (۱۳۲۳ ش) صادر شد. وی در این بیانیه به‌طور آشکاری علمای اسلام و جامعه مسلمان را به قیام عمومی فرا خواند و زنگ خطر و بیدارباش را در برابر سیاست‌های استعماری قدرت‌ها به صدا درآورد.

پس از ارتحال آیت‌الله العظمی بروجردی مرجعیت امام خمینی فراگیر شد و مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. بسیاری از علما ایشان را به‌عنوان مرجع اعلم معرفی کردند. این درحالی بود که وی به شدت از مطرح شدن خویش به‌عنوان مرجع تقلید پرهیز داشت. امام خمینی در طول حیات پربرکت خود شاگردان زیادی تربیت کرد که می‌توان به متفکرانی چون شهید استاد مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد.^۱

پس از سرکوب و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد، موج دستگیری‌ها و تبعیدها در سراسر کشور آغاز شد و یاران امام خمینی یکی پس از دیگری روانه زندان و تبعیدگاه شدند و جوانمردانی چون طیب حاج‌رضایی و حاج اسماعیل رضایی که پیشتاز تظاهرات مردم جنوب تهران، در ۱۵ خرداد بودند، پس از دستگیری و شکنجه‌های شدید تیرباران شدند.^۲ با خاموش کردن شعله‌های قیام ۱۵ خرداد و

۱. جهت اطلاع بیشتر، ن. ک: انصاری، حدیث بیداری، صص ۱۳-۳۵؛ رجبی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، ج ۱، صص ۹۳-۱۳۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۷۵، ۲۸۷، ۳۴۰.

۲. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۴، صص ۲۴۸-۲۵۴؛ نجانی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۲۹۷.

درهم شکستن قیام عشایر فارس و اعدام سران آنها که به پشتیبانی از نهضت امام خمینی و روحانیت برخاستند،^۱ احساس موفقیت در انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا در محمد رضا شاه آشکارتر شد.

بیشتر بدانید

مهاجرت علما به تهران و تلاش برای آزادی امام خمینی

پس از دستگیری امام خمینی و عده‌ای از علمای تهران و شهرستان‌ها، روحانیون شهرهای مختلف ایران و نجف، کربلا و کاظمین ضمن تعطیلی حوزه‌های علمیه، با صدور اعلامیه و تلگرام‌های متعدد ضمن محکوم کردن قتل عام و کشتار مردم عزادار و معترض در روزهای پانزدهم و شانزدهم خردادماه خواستار آزادی بی‌قید و شرط امام خمینی و سایر روحانیون شدند.^۲

این اقدام که به‌طور سریع و گسترده انجام شد، بی‌نتیجه ماند. تهدیدهای اسدالله علم نخست‌وزیر که اعلام کرده بود، روحانیون دستگیر شده از جمله امام خمینی را محاکمه صحرائی خواهد کرد،^۳ بر نگرانی آنها افزود؛ چون براساس شواهد، احتمال می‌رفت که رژیم پهلوی اقدام به اعدام رهبر نهضت کند.^۴ از این‌رو در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۲ گروه زیادی از علمای برجسته سراسر کشور در اقدامی هماهنگ - همچون مهاجرت صغری و کبری در نهضت مشروطه - به سوی تهران مهاجرت کردند تا حمایت و وفاداری خود را نسبت به امام خمینی اعلام کنند. رژیم اقدام به ممانعت از مهاجرت علما کرد و حتی هواپیمای آیت‌الله میلانی را که از مشهد عازم تهران بود، در نیمه راه بازگرداند.^۵ سرانجام تحصن و اعتصاب ۱۴ روزه علما و تلاش آنها موجب شد تا رژیم از محاکمه و تبعید امام خمینی عقب‌نشینی کند و پس از مدتی، امام را از زندان آزاد و به خانه‌ای در داودیه و سپس قیطره شمیران منتقل کرده و تحت نظر مأموران امنیتی قرار داد. در طول مدت مهاجرت ۱۴ روزه علما، بازار تهران تعطیل بود.^۶

۱. عشایر میهن‌دوست و غیرتمند فارس در حوادث مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران نقش مهمی در صیانت از استقلال کشور را بر عهده داشتند. در حوادث ۱۵ خرداد شیراز به حمایت از این نهضت پرداختند. رژیم پهلوی که از بیوستن عشایر احساس خطر کرد، برای کنترل و خلع سلاح آنها، اقدام به سرکوب گسترده جنبش عشایر در منطقه جنوب کرد. حضور سرهنگ گراتیان با تسویج کارشناس برجسته سازمان سیا در جنگ‌های روستایی حکایت از اهمیت عملیات جنوب دارد. به دستور شاه، سپهبد آریانا، با نهایت قساوت و بی‌رحمی به سرکوبی قیام عشایر پرداخت. او به بهانه انهدام مواضع عشایر که به کوه‌ها پناه برده بودند، با استفاده از هواپیمای بمب‌افکن آمریکایی و آتش توپخانه، مناطق مسکونی عشایر و سیاه‌چادرها را به‌طور وحشیانه‌ای ویران ساخت. او وقتی که مقاومت عشایر را مشاهده کرد، در یک جنگ روانی آنها را وادار به تسلیم کرد و سران وطن‌پرست و مسلمان آنها از جمله حبیب‌الله شهبازی را به جوخه اعدام سپرد. (ن. ک عرفان منش، *خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز*، ج ۱، ص ۵۴ و ۲، صص ۱۱۵ و ۲).

۲. دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۳، ص ۴۰۵؛ *سناد انقلاب اسلامی*، ج ۱، صص ۱۲۲-۱۳۵. ج ۲، صص ۷۹-۸۱.

۳. محاکمه صحرائی یعنی محاکمه فرد بدون حق انتخاب وکیل. در این باره، ن. ک: کرباسچی، *هفت‌هزار روز تاریخ ایران*، ص ۱۵۱.

۴. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ج ۱، ص ۵۵۹.

۵. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۵۵۹.

۶. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۵۴.

دستاورد های قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد دارای ابعاد ضد استعماری و ضد استبدادی بود که توانست به طور فراگیری توده های مختلف مردم را در صحنه مبارزه علیه رژیم دست نشانده پهلوی بسیج کند و به دلیل اعتقاد راسخ امام خمینی به حمایت از اسلام راستین که از سیاست جدا نیست، بذر فرهنگ مبارزه به عنوان یک تکلیف الهی در جامعه کاشته شد که ثمرات آن در پیروزی انقلاب اسلامی به بار نشست.

از دیگر پیامدهای قیام ۱۵ خرداد، افزایش رشد سیاسی در میان حوزه های علمیه و روحانیت و گرایش بیشتر روشنفکران و دانشگاهیان به ارزش های اسلامی به عنوان برافروخته مشعل مبارزات سیاسی بود و در جهانی که لیبرالیسم غربی و مارکسیسم شرقی کارایی خود را در رهای کشورهای تحت ستم از سلطه استبداد و استعمار از دست داده بودند، پیوستگی دین و سیاست ظهور کرد.

قیام ۱۵ خرداد همچنین به جریان های مبارز دینی و غیردینی نشان داد که رژیم شاه از طریق مسالمت آمیز و در چارچوب قانون اساسی اصلاح ناپذیر است و برای مبارزه با نظام استبدادی و وابسته راهی جز مبارزه مستمر وجود ندارد.

قیام ۱۵ خرداد نقطه عطف مهمی در جنبش های تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام به شمار می رود که شکل جدیدی از مبارزه را عرضه و آزمایش کرد و تجربه گران قدری بود که توانست با رهبری امام خمینی مبارزه ملت ایران را تا دستیابی به پیروزی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تا دوام و ثمر بخشد.^۱

دولت حسنعلی منصور

با برکناری اسدالله علم از نخست وزیری و روی کار آمدن حسنعلی منصور، نسل جدیدی از سیاستمداران، قدرت را به دست گرفتند. آنها برخلاف پیشینیان خود، بیش از انگلستان، موافق و همسو با سیاست های آمریکا بودند. دخالت آمریکا در روی کار آوردن منصور موجب نگرانی دولتمردان حامی سیاست های انگلیس در ایران شد.^۲ منصور پس از دستیابی به قدرت، به تغییرهایی گسترده در عرصه مدیران کشور دست زد. دولت منصور برای انجام سیاست های نیاز به آرامش داشت. شاه با هدف جلب رضایت امام خمینی و ترس از رویارویی با قیامی دیگر، در هفدهم فروردین ۱۳۴۳، ایشان

۱. جهت اطلاع بیشترن. ک: *النگار، انقلاب اسلامی*؛ بیل، همان، ج ۲، ص ۲۱۳؛ نجاتی، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، ج ۱، ص ۲۴۰؛ آبراهامیان، همان، صص ۵۲۳ و ۵۲۴.

۲. *حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک*، ج ۱، صص ۳۵۳-۳۵۵؛ فردوست، همان، ج ۲، صص ۳۵۵-۳۶۱.

را آزاد کرد. اما امام خمینی همچنان بر استمرار مبارزه پافشاری کرد.^۱

بازگشت کاپیتولاسیون

با افزایش حضور آمریکایی‌ها و مستشاران و نظامیان آنها در ایران، دولت حسنعلی منصور، ضمن تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورا که قبلاً در دولت علم تنظیم و تصویب شده بود، برای مستشاران و نظامیان آمریکایی و خدمتکاران آنها، درخواست مصونیت قضایی کرد^۲ (نظیر حق استعماری که در معاهده ترکمانچای برای اولین بار برای روس‌ها قائل شده بودند و موجب تحقیر ایرانیان شده بود که بعد از انقلاب بلشویکی ملغی شد). در جلسه نیمه شب بیست و یکم مهر ۱۳۴۳، با تطمیع و تهدید نمایندگان، بی سروصدا، این لایحه تصویب شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

لایحه کاپیتولاسیون، آمریکایی‌های مقیم ایران را از چه امتیازاتی برخوردار

می‌کرد؟

به دنبال تصویب این لایحه، آمریکایی‌ها اعطای وام دویست میلیون دلاری به ایران را برای خرید اسلحه به تصویب رساندند.^۳

امام خمینی که از طریق یکی از کارمندان دبیرخانه مجلس در جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون قرار گرفته بود^۴، طی یک سخنرانی بسیار مهیج که به قول یکی از محققان آمریکایی «یکی از مهم‌ترین بیانات سیاسی در ایران در این قرن» بود، به شدت آمریکا و اسرائیل و شاه را مورد حمله قرار داد.^۵

۱. امام خمینی در اولین سخنرانی خود بعد از آزادی از زندان، به صدور حکم محکومیت آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان اشاره کرد و نسبت به اعمال خلاف شرع هیئت حاکمه و خطر سلطه اسرائیل بر شئون کشور هشدار داد و عزم خود را بر ادامه نهضت اعلام و فرمودند: «خمینی را اگر دراز بزنند، تفاهم نخواهد کرد». ن. ک: کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۳۰۳؛ هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. در یکی از اسناد خیلی محرمانه لانه جاسوسی مربوط به تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۴۳ آمده است: «شاه در حین ملاقات با سفیر [آمریکا] در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: «نه به هیچ وجه».

۴. محلاتی، خاطرات، صص ۶۳ و ۶۴؛ عراقی، همان، ص ۲۰۷.

۵. بیل، همان، ج ۱، ص ۲۵۸.

بیشتر بدانید

امام خمینی در مخالفت با تصویب لایحه کاپیتولاسیون اظهار داشت: «این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است... عزت ما پای کوب شد، عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پای کوب کردند. قانونی در مجلس بردند... اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشنیز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند...»^۱

دستگیری و تبعید امام خمینی



به دنبال اعتراض شدید و تند امام خمینی به تصویب لایحه کاپیتولاسیون، رژیم با برقراری حکومت نظامی در تهران و قم، در نیمه شب سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳، امام خمینی را در خانه مسکونی اش دستگیر و به فرودگاه مهرآباد تهران منتقل و به ترکیه تبعید کرد.^۲ تبعید امام خمینی علاوه بر واکنش مردم ایران که با تظاهرات و اعتصابات همراه بود، دارای بازتاب جهانی و واکنش شخصیت‌های علمی و سیاسی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور بود.^۳ مدتی پس از تبعید امام خمینی و تحمیل فضای خفقان، یکی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی به نام محمد بخارایی، حسنعلی منصور را به جرم خیانت به کشور، در جلوی مجلس شورای ملی، ترور کرد که البته بعداً دستگیر شد و به همراه ۳ نفر دیگر از اعضای آن گروه تیرباران

امام خمینی (ره) در دوران تبعید در ترکیه. در این دوران، حکومت ترکیه استفاده از لباس روحانیت را برای امام ممنوع کرده بود.

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۸.

۲. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی؛ صص ۷۴ و ۷۴۱؛ فردوست می‌نویسد: «تبعید امام خمینی به دستور مستقیم

آمریکا صورت گرفت». ن. ک. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳. ن. ک. روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، صص ۶۳-۸۰.

شدند و به شهادت رسیدند. پس از حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری منصوب شد.

آثار و نتایج نهضت بیدارگری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)

۱. ورود جدی اسلام سیاسی به روند بیداری اسلامی و عرصه مبارزه با دیکتاتوری و استعمار خارجی؛
۲. ورود آشکار مرجعیت شیعه به عرصه مبارزه با استبداد داخلی و وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا و اسرائیل
۳. پیوند بیش از پیش حوزویان و دانشگاهیان و مخالفت صریح و عملی هر دو گروه با اقدامات دین‌ستیزانه رژیم پهلوی؛
۴. طرح اندیشه حکومت اسلامی بر پایه نظریه ولایت فقیه؛
۵. بازسازی کارکرد مسجد و منبر و تبدیل آنها به کانون‌های بیداری اسلامی.

پرسش‌های نمونه

۱. حمله به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز چه پیامدهایی به دنبال داشت؟
۲. دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ چه واکنشی در جامعه ایجاد کرد؟
۳. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ چه دستاوردهایی داشت؟
۴. لایحه کاپیتولاسیون چگونه به تصویب رسید و مفاد آن چه بود؟
۵. سه مورد از آثار و نتایج نهضت بیدارگری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را بنویسید.

اندیشه و جست و جو

۱. درباره کشتار مردم به وسیله مأموران حکومت پهلوی در پانزدهم خرداد ۴۲ مطلبی تهیه کنید.
۲. تبعید امام خمینی واکنش‌هایی در میان مردم و مجامع مذهبی به دنبال داشت. در مورد این واکنش‌ها مطلبی تهیه کنید.



تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی

در این درس مهم ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش و تداوم مبارزه امام خمینی و ملت ایران با رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

اوضاع سیاسی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش

سیاست داخلی: در این سال‌ها امیرعباس هویدا نخست‌وزیر بود. دوران نخست‌وزیری او که سیزده سال طول کشید، اوج استبداد و دیکتاتوری محمدرضا شاه در ایران است. نخست‌وزیر، وزیران، نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حتی مقامات پایین‌تر از آن، براساس میل و خواست شاه عزل و نصب و یا انتخاب می‌شدند^۱. شاه در تمام امور و شئون کشور دخالت می‌کرد و دولت و مجلس مجری فرامین او بودند. محمدرضا شاه حتی حزب‌های فرمایشی و دولت ساخته را تعطیل و نظام تک‌حزبی برقرار کرد و همه مردم ایران را مکلف ساخت که در حزب شاه، یعنی حزب رستاخیز عضویت یابند. حزب رستاخیز به مثابه یک سازمان امنیتی جدید در ذیل ساواک فعالیت خود را آغاز کرد که علاوه بر فعالیت‌های به ظاهر حزبی، عملکرد تمام گروه‌ها و بخش‌های فعال در سیاست رژیم را رصد کرده و گزارش آن را به شاه منتقل می‌نمود. بنای حزب رستاخیز بر این است که معترضان به برنامه

۱. سران رژیم پهلوی برای ترغیب مردم به مشارکت در رأی‌گیری، آنها را تهدید به قطع برخی خدمات اداری کردند. در این رابطه در یکی از اسناد سفارت آمریکا، بیان شده که «نخست‌وزیر هویدا چندین بار اعلام نمود که عدم ثبت نام در رأی‌گیری ایجاد زیان به حزب جدید محسوب خواهد گردید و مهم‌تر از آن به شناسنامه شرکت‌کنندگان مهر، نقش خواهد شد. آنان که شناسنامه‌شان عاری از این نقش باشد از خدمات اساسی مثل ویزای خروج محروم خواهند شد. [با این حال] در انتخابات نیمه ۱۹۶۰... عملاً هیچ کس رأی نداد و مقامات انتخاباتی به سادگی ارقام مبالغه‌آمیز دلخواه خود را برای حفظ وجهه برنده از پیش معین، اعلام کردند. (اسنادلانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸۶)

شاه در ایران، باید بین زندان، تبعید یا محو شدن، یکی را انتخاب کنند.^۱

در سال‌های مذکور شاه با تبلیغات وسیع، اصلاحات موسوم به انقلاب سفید را به اجرا گذاشت. تمام رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغی رژیم مأموریت داشتند از برنامه‌های انقلاب سفید تعریف و تمجید کنند. در عرصه فرهنگی، رژیم برنامه‌های گسترده‌ای را به قصد تضعیف ارزش‌های دینی و ملی و ترویج فرهنگ غربی تدارک دید. شاه جشن‌های تاج‌گذاری و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به همین منظور و با نوعی حس تفاخر برگزار کرد. این جشن‌ها رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود. او در مقایسه با بسیاری از شخصیت‌های مطرح جهان فاقد مقبولیت مردمی بود و برای کسب اعتبار کاذب، در صدد برآمد، حکومت و شخصیت خود را به کوروش، پادشاه بزرگ هخامنشی پیوند زند و از این طریق محبوبیت و مشروعیتی کسب کند. او با این کار، چندین هزار سال تمدن ایران باستان قبل از هخامنشیان و نیز هزار و چهارصد سال از تمدن ایران اسلامی را نادیده گرفت. تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی نیز در همین راستا بود. نتیجه این اقدام‌ها، تخریب و تضعیف مؤلفه‌های هویت ملی بود.

حکومت شاه در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش، سیاست فشار بر منتقدان و سرکوب مخالفان را شدت بخشید. نیروهای ساواک، شهربانی و ژاندارمری برای مقابله با مردم بسیج شدند؛ برای هماهنگی مطلوب در میان نیروهای سرکوبگر، کمیته مشترک ضدخرابکاری شکل گرفت. دستگیری، حبس، تبعید و ممنوع المنبر کردن، کمترین اقدام نیروهای امنیتی رژیم در برابر منتقدان و مخالفان بود. شدیدترین برخورد با مخالفان در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ ش صورت گرفت. در این سال‌ها ساواک وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه را علیه مبارزان به کار برد؛ جمع زیادی در زیر شکنجه شهید شدند و برخی دیگر تیرباران شدند.

زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، فرهنگیان، استادان دانشگاه و نویسندگان پیامدهای منفی بسیاری برای رژیم داشت. براساس اعلام سازمان عفو بین‌المللی، ایران در سال‌های مذکور از نظر تعداد زندانیان سیاسی، با حدود دویست هزار زندانی مقام سوم را در جهان داشت.^۲

سیاست خارجی: سیاست خارجی حکومت پهلوی در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش، همچون سال‌های پیش از آن و حتی بیشتر از آن تحت تأثیر منافع و اغراض قدرت‌های بزرگ جهان و به خصوص آمریکا قرار داشت.

در این سال‌ها سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا بر ایران افزایش یافت. با انتخاب

۱. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸۲

۲. کرباسچی، هفت هزار روز، ج ۲، ص ۷۴۵.



محمد رضا شاه در دیدار با نیکسون رئیس جمهور آمریکا

ریچارد نیکسون از حزب جمهوری خواه به ریاست جمهوری آمریکا، این کشور نقش ژاندارمی منطقه خلیج فارس را به شاه واگذار کرد. پشتیبانی آمریکا بر غرور و استبداد محمد رضا شاه در داخل ایران افزود و او را سرمست قدرت کرد.

روابط حکومت پهلوی در این دوران با سایر کشورهای غربی از جمله انگلستان نیز گرم و دوستانه بود. شاه همچنین با شوروی که رقیب و دشمن آمریکا بود، مناسبات سیاسی نسبتاً دوستانه‌ای داشت و به رغم سلطه آمریکا بر ایران، روابط حکومت پهلوی با شوروی سرد و خصومت‌آمیز نبود.^۱

خریدهای تسلیحاتی سنگین رژیم پهلوی و پیامدهای آن

۱. محمد رضا شاه که قدرتش را بر پایه‌های دیوان سالاری دولتی، دربار و ارتش استوار ساخته بود،^۲ به پیروی از پدرش رضا شاه، به طور غیر معقولی، به خرید تسلیحات نظامی روی آورد. به گونه‌ای که از سال ۱۹۷۴ م/ ۱۳۵۳ ش به بعد، شاه اولین مشتری سلاح‌های جنگی آمریکا در دنیا بود.^۳ سهم ایران در

۱. در یکی از اسناد سری سفارت آمریکا در تهران اذعان شده است: «از مقامات ایران گاه‌به‌گاه مدعی شده‌اند که اتحاد جماهیر شوروی به نحو فعالی از گروه‌های ناراضی در ایران پشتیبانی کرده است. ولی ما هیچ گونه مدرک مستقلاً برای تأیید این امر نداریم. شوروی‌ها شاه را به عنوان یک مخالف که قدرت سیاسی، مالی و نظامی برای برهم زدن هدف‌های منطقه‌ای شوروی به کار می‌برد، تلقی می‌کنند. ولی آنها تمایل نداشته‌اند تا به طور مستقیم در حوادث ایران درگیر شوند، مبادا با چنین درگیری، مناسبات دوجانبه کنونی که بین (تهران) و مسکو وجود دارد دچار مخاطره گردد». (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۱۹).

۲. آبراهامیان، همان، ص ۵۳۵.

۳. آمریکایی‌ها به هیچ وجه اجازه انتقال تخصصی لازم برای اداره و مدیریت تجهیزات را به ایرانی‌ها نمی‌دادند.

هزینه‌های نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی^۱ به طور متوسط سه برابر بیشتر از آمریکا و یا اتحاد جماهیر شوروی و شش برابر بیشتر از کشورهای فرانسه و انگلستان بود.^۲ شاه به طور متوسط، سالانه بیش از ۳۰ درصد از بودجه دولت را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد.

افزایش خرید تسلیحات نظامی ایران از آمریکا، موجب وابستگی بیشتر ایران به آمریکا و حضور گسترده مستشاران آمریکایی در کشور ما شد؛ به گونه‌ای که بیشترین تعداد مستشاران آمریکایی در یک کشور خارجی، در ایران حضور داشتند و این تعداد در اواخر حکومت پهلوی به ۹۰ هزار نفر رسید. افزایش سرسام‌آور بودجه نظامی آثار زیان‌باری بر اقتصاد ایران داشت. صنعت و به‌ویژه کشاورزی کشور ما به تدریج به سمت وابستگی پیش رفت. فرایند این وابستگی به سود آمریکا بود؛ زیرا درآمد حاصل از نفت، صرف واردات کالاهایی می‌شد که بیش از اصلاحات آمریکایی و انقلاب به اصطلاح سفید، کشاورزان و صنعت‌گران ایرانی تولید می‌کردند؛ بنابراین دلارهای نفتی، بار دیگر به مبدأ اولیه خود یعنی کشورهای غربی، به ویژه آمریکا باز می‌گشت.^۳

همچنین شاه بخشی قابل توجه از درآمدهای نفتی را به خرید سهام و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ورشکسته اروپایی^۴ و آمریکایی^۵ و دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب^۶، اختصاص داد.

گسترش فساد اقتصادی در ارکان حکومت پهلوی

فساد و دخالت‌های بی‌رویه خاندان سلطنت در اقتصاد ایران، باعث نابه‌نجاری‌های مختلفی شد. اعضای خانواده پهلوی، از طریق درآمد حاصل از فروش زمین‌های متصرفی در دوره رضاشاه و برداشت بیش از دو میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، ثروت زیادی اندوختند. آنان همچنین از قمارخانه‌ها

۱. تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پول، کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.

۲. فاروقی، *ایران بر ضد شاه*، ص ۱۱۹. به گفته تئودور سورنسون (Theodor Sornson) یکی از مقامات آمریکا، شاه بر پشتیبانی آمریکا از ارتش گران قیمتی اصرار می‌ورزید که برای امنیت داخلی بسیار بزرگ و برای یک جنگ تمام عیار بی‌فایده بود. ارتش شاه شبیه مرد افسانه‌ای است که این قدر سنگین وزن است که هیچ کار سبکی را نمی‌تواند انجام دهد و این قدر سبک است که قادر به هیچ کار سنگینی نیست (لطیفان، *ارتش و انقلاب اسلامی*، صص ۱۶۶-۱۷۶).

۳. فاروقی، همان، ص ۱۳۵؛ فوران، *مقاومت شکننده*، ص ۴۶۵.

۴. کروپ آلمان، اوریدیف و سوفیدیف فرانسه و هیلمن انگلستان.

۵. نظیر شرکت استودیویبیکر که اخیراً اتمبیل‌های رامبلر را تولید می‌کرد.

۶. نظیر کمک به رژیم محمد زایدباره رئیس‌جمهور سومالی و اهدای چندین فروند هواپیمای هرکولس به رژیم هابله سلاسی پادشاه اتیوپی و کمک به کشورهای دیگری نظیر مصر. در یک مورد شاه، ۹۰ فروند هواپیما را که از آلمان خریداری شده بود، به همراه مقادیر زیادی کمک‌های بلاعوض از جمله یک صد میلیون دلار به کشور پاکستان (که از متحدین آمریکا بود) هدیه کرد (ن. ک: طوفانیان، *خاطرات*، صص ۵۱-۵۵).

و سایر مکان‌های فساد، قاچاق مواد مخدر، دلالتی معامله‌های خارجی و مشارکت نامشروع در سهام صدها شرکت خصوصی و دولتی، سود کلانی می‌بردند. در رأس آنها، شخص محمدرضا شاه و برادران و خواهرانش قرار داشتند. همهٔ ارکان حکومت، اعم از نیروهای امنیتی، نظامی و اداری، در خدمت افزایش این ثروت‌های بادآورده بودند. «منابع غربی دارای‌های خانواده سلطنتی در ایران و خارج از کشور را بین پنج تا بیست میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.»^۱

استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی

«من برای دفاع از وطنم تبعید شدم». این اولین سخن امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه با افسر مأمور در درون هواپیما بود.^۲

امام خمینی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ از ترکیه به نجف اشرف تبعید شد.^۳ در نجف، استقبال کم‌نظیر و باشکوهی از امام خمینی به عمل آمد.^۴ شاه با تبعید امام خمینی می‌خواست رهبری نهضت را از ایران دور سازد تا شعله‌های بیداری را در ایران خاموش کند. به همین منظور ساواک برای جلوگیری از ارتباط امام خمینی با ملت ایران تلاش‌های زیادی انجام داد، حتی از چاپ و توزیع رسالهٔ امام خمینی به شدت جلوگیری و دارندهٔ آن را شش ماه تا دو سال به زندان محکوم می‌کرد.^۵ کوشش رژیم شاه برای دور کردن امام خمینی از ایران و فراموش شدن نام و راه ایشان، نتایج معکوسی به دنبال داشت؛ روزه‌روز پیوند رهبری با مردم عمیق‌تر و بر عظمت و محبوبیت وی افزوده شد.

امام خمینی در دوران تبعید با مواضع شجاعانه، هوشمندانه و نیز ساده‌زیستی مثال‌زدنی‌اش^۶ همهٔ محدودیت‌ها و تنگناها را تحمل کرد.^۷ او در اعماق دل مردم ایران و مبارزان مسلمان در کشورهای

۱. آبراهامیان، همان؛ ص ۵۳۷.

۲. رجبی، *زندگی‌نامهٔ سیاسی امام خمینی*، ص ۲۷۶.

۳. امام خمینی در زمانی که در ترکیه اقامت داشتند، اقدام به نوشتن کتاب *تحریر الوسیله* کردند. وی در این کتاب با طرح مسائل عبادی مربوط به سیاست و جامعه در کنار مسائل عبادت فردی، در جهت بی‌اثر ساختن اندیشهٔ استعماری تفکیک دین از سیاست گام ارزنده‌ای برداشت. (روحانی، *نهضت امام خمینی*، ج ۲، صص ۱۹۹ و ۲۰۰).

۴. روحانی، *نهضت امام خمینی*، ج ۲، صص ۲۰۴-۲۱۱.

۵. ن. ک. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۸۹۹.

۶. خبرنگار روزنامه لوموند محل سکونت امام خمینی را چنین توصیف می‌کند: «مسکن محقر آیت‌الله خمینی همانند مسکن فقیرترین افراد نجف است» (مجلهٔ *نور علم*، شماره ۳۱، ص ۱۱۲. دربارهٔ ساده‌زیستی امام خمینی ن. ک. با به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۲۱۳، ج ۴، ص ۲۰۶).

۷. ن. ک. روحانی، *نهضت امام خمینی*، ج ۲، صص ۴۰۶-۴۰۸، ۴۱۹، ۴۲۰.



امام خمینی، سال‌های تبعید در نجف

اسلامی و آزادی خواهان جهان جای گرفت. صفات و ویژگی‌هایی که در امام یکجا جمع شده بود، از وی شخصیت بی‌بدیل و متمایزی ساخته بود.^۱

امام خمینی در دوران تبعید پیوسته مردم را به استقامت^۲ دعوت می‌کرد و به آنان امید می‌بخشید.^۳ ایشان ضمن تحلیل‌های روشنگرانه دربارهٔ مسائل ایران و حوادث غرب آسیا (خاورمیانه) به ویژه جنگ اعراب و اسرائیل^۴، همواره خطر سلطهٔ همه‌جانبهٔ آمریکا بر ایران و پیامدهای فرهنگی و سیاسی ناشی از آن (که عظمت و استقلال ایران را مخدوش می‌کرد)،^۵ گوشزد می‌کرد.

امام خمینی نیز کوشید میان روحانیون و دانشگاهیان در مبارزه علیه شاه وحدت ایجاد کند. وی خطاب به روحانیون می‌فرمود: «شما دانشگاهیان را از خودتان دور نکنید؛ زیرا مقدرات ایران فردا به دست آنها است».^۶ امام خمینی برای حفظ پایه‌های دین و استقلال ایران، پیوند و احترام متقابل میان طبقات روحانی و دانشگاهی را ضروری می‌دانست.^۷

امام خمینی، ضمن تبیین نظریهٔ حکومت اسلامی که پیش از این در کتاب *کشف اسرار* به طرح آن پرداخته بودند، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر پایهٔ ماهیت سیاسی و اجتماعی دین مبین اسلام اهتمام ورزیدند.^۸

رهبری سیاسی امام خمینی به‌عنوان مرجع تقلید، اندیشهٔ جدایی دین از سیاست را که سالیان

-
۱. آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ص ۴۶۵؛ اولیویه وارن، شیر و خورشید، ص ۷۰؛ فوران، همان، ص ۵۴۴.
 ۲. امام خمینی دربارهٔ صبر و استقامت در مبارزه فرمود: «لازم است خود را مجهز نمایید و برای اعتلای کلمهٔ حق مهتای ناملايمات و سختی‌ها شوید تا موجب سرفرازی ملت مسلم و علمای اسلام را فراهم نمایید.» (صحیفهٔ امام، ج ۲، ص ۵۹).
 ۳. امام خمینی در سال ۱۳۴۶ فرمود: «من به شماها اطمینان فیروزی می‌دهم؛ اطمینان غلبهٔ حق بر باطل می‌دهم.» (صحیفهٔ امام، ج ۲، ص ۱۳۵).
 ۴. برای نمونه ن. ک: صحیفهٔ امام، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۸، ج ۳، ص ۳۴۵.
 ۵. ن. ک: همان، ج ۱۱، صص ۷۲، ۱۱۰ و ۱۱۱، ج ۳، صص ۲۱۰ و ۲۶۷.
 ۶. همان، ج ۳، ص ۲۴۹. و ج ۲، ص ۸۷.
 ۷. همان، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۳، ص ۳۲۶.
 ۸. ن. ک: امام خمینی، ولایت فقیه، صص ۴۷-۵۷.

طولانی توسط رژیم پهلوی تبلیغ و ترویج می‌شد، کمرنگ کرد و فصل نوینی در اندیشه سیاسی و فکری جامعه ایران گشود.^۱

بیشتر بدانید

مبارزات روحانیت و نقش آنها در بسیج توده‌های مردم

مبارزه مردم ایران در زمانی که رهبری نهضت در تبعید به سر می‌برد، با مجاهدت روحانیت ایران استمرار یافت و اندیشه‌ها، آرمان‌ها و مواضع سیاسی امام خمینی به مردم منتقل شد.^۲ در شهرهای مختلف ایران یک یا چند روحانی برجسته به‌عنوان نمایندگان امام خمینی حضور داشتند که علاوه بر انجام امور دینی و شرعی، رابطه میان مردم را با نهضت امام خمینی به‌طور مستمر زنده نگاه می‌داشتند. سازمان روحانیت شیعه با پیشینه تاریخی بیش از هزار سال به‌عنوان نهادی مستقل و مردمی در سراسر کشور و حتی در میان عشایر و روستاهای دورافتاده گسترده بود؛^۳ بنابراین اعلامیه‌ها، نوارها و پیام‌های امام خمینی با وجود فضای اختناق و کنترل‌های شدید نیروهای امنیتی و ساواک در سراسر کشور دست‌به‌دست منتقل می‌شد. این اقدام نقش مؤثری در بیداری و افزایش آگاهی سیاسی مردم ایران داشت.^۴

امام خمینی وظیفه اصلی روحانیت را بیدار ساختن توده‌های مردم اعلام کرد و بیداری ملت را مایه امید دانست.^۵

استمرار مبارزه با تحمل سختی، شکنجه و زندان و تبعید و اعدام همراه بود. در این میان تعداد زیادی از روحانیون دستگیر، زندانی و تبعید شدند^۶ و عده‌ای نیز در هجوم مأموران سرکوبگر

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: صحیفه امام، ج ۳، صص ۲۲۷ و ۲۲۸، ج ۴، ص ۲۳؛ حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، صص ۶۰۴-۶۳۱.

۲. حسینیان، همان، ص ۶۳۵.

۳. فردوست، همان، ج ۱، ص ۵۶۷.

۴. به گفته آخرین سفیر آمریکا در ایران؛ نه تنها رژیم شاه، بلکه ناظران خارجی از نفوذ و قدرت گسترده مذهب و روحانیت در میان طبقات مختلف مردم درک و ارزیابی درستی نداشتند (خاطرات دو سفیر، سولیوان، مأموریت در ایران، صص ۸۸-۹۲ و ۱۱۸).

۵. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۱. به‌عنوان مثال در ماه رمضان ۱۳۴۳ عده‌ای از روحانیون تهران برای روشنگری مردم در اقدامی هماهنگ تصمیم گرفتند هر شب در مسجد جامع تهران علیه احیای کاپیتولاسیون، سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا، نفوذ اسرائیل در ایران و تبعید غیرقانونی امام خمینی سخنرانی کنند. آنها قرار گذاشتند که به محض دستگیر شدن یک نفر، دیگری سخنرانی کند. مأموران ساواک اقدام به دستگیری سخنرانان کردند اما باز نفر بعدی بالای منبر می‌رفت این موضوع تا بیست شب ادامه یافت. سرانجام ساواک و قوای انتظامی به مسجد جامع بورس بردند و پس از ضرب و شتم مردم با بستن در مسجد، این برنامه را تعطیل کردند. تمامی روحانیون دستگیر شده، محکوم به زندان بین یک تا دو سال شدند (روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۷۹۲-۷۹۷).

۶. از شمار دستگیر و تبعیدشدگان روحانی آمار دقیقی در دست نیست اما براساس گزارش بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، از فعالیت‌های روحانیون در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶، تعداد ۱۴۷۵ نفر از روحانیون دستگیر و تبعید شدند (حسینیان، همان، صص ۶۶۲ و ۶۶۳).

رژیم پهلوی و یا در زیر شکنجه‌های هولناک و قرون وسطایی ساواک به شهادت رسیدند که از میان آنها می‌توان به آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، آیت‌الله حسین غفاری و سیدعلی اندرزگو اشاره کرد.^۱



آیت‌الله اندرزگو



آیت‌الله غفاری



آیت‌الله سعیدی

نقش مراجع تقلید در مبارزات مردم مسلمان ایران تأثیرگذار و مهم بود. موضع‌گیری آنها در قبال حوادث سیاسی بسیار تعیین‌کننده بود. در این باره می‌توان به مجاهدت‌های آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله نجفی مرعشی در قم و آیت‌الله خوانساری در تهران، آیت‌الله میلانی، سیدعلی بهبهانی و محلاتی در مشهد، اهواز و شیراز اشاره کرد. علاوه بر آن تشکّل‌های روحانی مانند جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین^۲ و مدارس حوزه‌های علمیه قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و ... نظیر مدرسه فیضیه نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های انقلاب و تربیت طلاب جوان و بسیج توده‌های مردمی داشتند. مهم‌ترین مراکز و کانون‌های بیداری و مبارزاتی در دوران انقلاب، مساجد و حسینیه‌ها بودند؛ جایی که تجمع‌ها و حرکت‌های انقلابی و پرشور در آن شکل گرفت.

مبارزات دانشجویی

جنبش دانشجویی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ آرمان‌هایی مانند عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و پیشرفت کشور را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. این جنبش پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با روحانیت و دین پیوند استواری برقرار کرد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان که پیش از این در دانشگاه تهران شکل گرفته بود، در سایر دانشگاه‌های ایران توسعه یافت. این تشکّل دانشجویی محور فعالیت‌های خود را بر موضوعات فرهنگی

۱. جهت اطلاع بیشتر: ن. ک: *پارن امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری*، صص ۱۴۴-۱۵۳؛

شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی، صص ۴۷۹-۴۹۰؛ *شهید سیدعلی اندرزگو*، صص ۴۰۹-۴۱۳.

۲. «جامعه روحانیت مبارز تهران» و «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» مهم‌ترین تشکّل‌های روحانیت و حوزه در طول تاریخ انقلاب

اسلامی از زمان شکل‌گیری آن تاکنون بوده است.

و مقابله با افکار مارکسیستی و الحادی و مخالفت با ایده جدایی دین از سیاست متمرکز ساخت.^۱ گرایش محمدرضا شاه به فرهنگ غرب باعث تضعیف هویت ملی (ایرانی و اسلامی) و ایجاد پدیده از خودبیگانگی فرهنگی در جامعه شد.^۲ در این زمان اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی و حوزوی، در برابر مسخ فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی، برای احیای هویت دینی و بازگشت به خویش‌تلاش‌های فرهنگی گسترده‌ای کردند که می‌توان به نقش شخصیت‌هایی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، دکتر باهنر، مهندس بازرگان، جلال آل احمد، دکتر شریعتی، دکتر مفتاح، علامه جعفری و علامه امینی (صاحب‌العُدیر) اشاره کرد.

گرایش‌های فکری و روش مبارزه مخالفان رژیم

مخالفان رژیم پهلوی، در این زمان، سه گروه بودند: گروه اول، مسلمانان انقلابی که با اعتقاد به رهبری امام خمینی مبارزه می‌کردند و به مبارزه، به عنوان یک وظیفه اسلامی و تکلیف شرعی می‌نگریستند. از دیدگاه امام خمینی، بهترین راه مبارزه با شاه، افزایش آگاهی عمومی و بسیج همگانی مردم برای مبارزه‌ای فراگیر بود.

گروه دوم، چپ‌گرایان بودند. این طیف، با تأثیر پذیرفتن از اندیشه‌های مارکسیستی، راه‌هایی را، در پیروی از نظریه‌های مارکسیستی می‌دیدند. از دیدگاه اغلب اینان، «تنها راه‌هایی، جنگ مسلحانه» بود. تعلیم و تربیت چریک و به راه انداختن جنگ چریکی علیه حکومت پهلوی، از جمله اصلی‌ترین روش‌های آنان برای مبارزه بود.

گروه سوم، ملی‌گرایان بودند. اغلب آنها اعتقادی به تغییر رژیم سلطنتی پهلوی نداشتند و معتقد بودند باید اصل سلطنت را پذیرفت ولی در جهت کاهش خودکامگی شاه تلاش کرد.^۳ در اواسط دهه ۱۳۵۰ ش، هر سه جریان به موازات یکدیگر فعالیت می‌کردند اما رشد و گسترش

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: کریمیان، جنبش دانشجویی، صص ۱۱۵-۱۲۰ و ۲۱۳-۲۱۸.

۲. ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۰۴.

۳. سنجایی، مصاحبه با رادوی بی. بی. سی.، «انقلاب ایران به روایت بی. بی. سی.»، ص ۲۹۵.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی جبهه ملی همچنان امیدوار بود با سیاست گام به گام و انجام اصلاحاتی در محدوده قانون اساسی نظام سلطنتی مشروطه را حفظ کند، اما با تشدید مبارزات ضد استبدادی به رهبری امام خمینی که مبانی مشروعیت رژیم پهلوی و غیرقانونی بودن آن را نشانه گرفته بود، موضع جبهه ملی و سایر نیروهایی که خواستار قانون اساسی مشروطیت بودند، در برابر مواضع قاطعانه امام خمینی کاملاً تغییر کرد (ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۷۷).

جریان اسلام انقلابی سریع تر و ریشه دارتر بود.

برگی از تاریخ



غلامرضا تختی (۱۳۰۹-۱۳۴۷ ش)

غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ در محله «خانی‌آباد» تهران، در خانواده‌ای محروم به دنیا آمد. علاقه به ورزش، به‌ویژه رشته کشتی، از دوران کودکی در او وجود داشت. همین علاقه و استعداد زیاد باعث شد بسیار زود به قهرمانی کشور برسد.

غلامرضا تختی در طول مسابقه‌های ورزشی خود چهار مدال طلا و پنج مدال نقره گرفت. تختی با نزدیک شدن به آیت‌الله طالقانی مخالفت خود را با رژیم حاکم ایران نشان داد. محبوبیت فوق‌العاده او در جامعه و مخالفتش با

نظام حاکم، رژیم پهلوی را نگران کرد. جسد او را در محل هتل آتلانتیک یافتند. دستگاه تبلیغاتی رژیم پهلوی مدعی شد که او خودکشی کرد ولی باور عمومی این بود که او به‌دست عوامل ساواک کشته شده است.

بیشتر بدانید

راهبرد امام خمینی و روحانیت در مبارزه برای ساقط کردن رژیم مستبد و وابسته پهلوی، مبتنی بر مبارزه فرهنگی و بیدارگری بود.^۱ امام خمینی هیچ‌گاه از مشی مبارزه مسلحانه حمایت نکرد اما در شرایط سخت مبارزاتی و تشدید سرکوب‌ها پس از قیام ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی، برخی از گروه‌های مسلمان به مشی مبارزه مسلحانه روی آوردند.^۲ البته این گروه‌ها برخلاف گروه‌های مارکسیستی قائل به اصالت مبارزه مسلحانه نبودند و به راهکارهای فرهنگی در کنار سایر زمینه‌ها توجه داشتند.^۳

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: هاشمی رفسنجانی، همان، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. آنها بر این باور بودند که اگر در برابر خشونت رژیم با نرمش برخورد شود، رژیم گستاخ‌تر می‌شود. (ن. ک: همان، ج ۱، ص ۲۴۱)؛

مشی مسلحانه قبل از آنکه انتخابی از سوی نیروهای مذهبی باشد، بر آنها تحمیل شد (ن. ک: حسینیان، همان، صص ۸۷۲ و ۸۷۳).

۳. هاشمی رفسنجانی، همان، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۵.

در این زمینه می‌توان به جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آنها گروه‌های کوچک دیگری مانند حزب‌الله، ابودر، الفجر، منصورون، مهدویون، موحدین، توحیدی صف، فلاح و سازمان توحیدی مجاهدین خلق که بیشتر در دهه پنجاه شکل گرفتند، اقدام به مبارزه مسلحانه کردند.^۱

پرسش‌های نمونه

۱. برنامه‌های فرهنگی رژیم پهلوی در فاصله ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش چه اهدافی را تعقیب می‌کرد؟
۲. اهداف و انگیزه‌های محمدرضا شاه از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله چه بود؟
۳. عملکرد ساواک و نیروهای امنیتی رژیم پهلوی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش چگونه بود؟
۴. به چهار مورد از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی امام خمینی (ره) در دوران تبعید اشاره کنید.
۵. مخالفان رژیم پهلوی در فاصله ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش، شامل چه گروه‌هایی بودند؟

اندیشه و جست و جو

— درباره زندگی و مبارزات شهید سیدعلی اندرزگو، گزارشی تهیه و در کلاس ارائه کنید.

۱. جهت اطلاع بیشتر ن.ک: جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، صص ۳۲۱ و ۵۱۷ - ۵۳۶؛ حسینیان، همان،



ایران در مسیر انقلاب اسلامی

در این درس با وضعیت کشور در آستانه انقلاب اسلامی آشنا می‌شوید. سوء استفاده آمریکایی‌ها از ایران تحت سلطه، روی کار آمدن جیمی کارتر، چگونگی برخورد با زندانیان سیاسی، سفر کارتر به ایران، رحلت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، انتشار مقاله اهانت آمیز نسبت به امام خمینی، قیام نوزدهم دی قم و کشتار هفده شهریور ۱۳۵۷ در تهران مهم‌ترین موضوع‌های مورد بررسی در این درس است.



کارتر و شاه

در جریان انتخابات آذرماه سال ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶م آمریکا، جیمی کارتر، رئیس جمهور شد. کارتر با شعار «حقوق بشر» و «فضای باز سیاسی» در کشورهای تحت سلطه آمریکا، وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شد. پیروزی او، در ابتدا به منزله شکست شاه تلقی شد؛ زیرا کارتر نامزد دمکرات‌ها بود و شاه در مبارزه انتخاباتی، هزینه زیادی

برای پیروزی رقیب او از حزب جمهوری خواه کرده بود.^۱ براساس راهبرد جمهوری خواهان، شاه نیز نقش ژاندارمی منطقه را برای آمریکا ایفا می‌کرد و هزینه‌های تأمین امنیت کشورهای همجوار، برعهده ایران بود.

۱. کرباسچی، هفت هزار روز؛ ج ۲؛ ص ۶۸۳.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا شاه در مبارزات انتخاباتی آمریکا، از نامزد حزب جمهوری خواه حمایت می کرد؟

دولت دمکرات آمریکا در یک جنگ تبلیغاتی علیه دولت شوروی، خود را مدافع «حقوق بشر» نشان داد. از سوی دیگر برای پیشبرد این شیوه تبلیغاتی ناگزیر شد تا از دیکتاتورهای خشن تحت سلطه خود، نظیر رژیم شاه بخواهد که از خشونت و شکنجه کمتری استفاده کنند. واقعیت این است که اصولاً طرح فضای باز سیاسی و حقوق بشر یک شعار تبلیغاتی بود. آمریکا حتی در اوج اعمال خشونت و کشتار بی رحمانه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، از شاه حمایت کرد.^۱ سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران نسبت به سیاست های دوگانه حقوق بشر و سیاست های سرکوب گرایانه آمریکا برای مهار انقلاب اسلامی، کارتر را متهم به نفاق می کند.^۲

برگی از تاریخ



دکتر علی شریعتی
(۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش)

علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ شمسی در روستای مزینان، از توابع سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خود محمدتقی شریعتی و دوره متوسطه را در دبیرستان های مشهد طی کرد و به دانشسرای تربیت معلم راه یافت. در سال ۱۳۳۲ در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه سوربن فرانسه در رشته زبان شناسی تطبیقی دکترا گرفت و در همان سال به ایران بازگشت.

۱. «در شب ۹ سپتامبر ۱۹۷۸، یک روز پس از کشتار بی رحمانه ۱۷ شهریور ماه، کارتر از محل «کمپ دیوید» با شاه تماس تلفنی برقرار کرد و حمایت کامل خود را از او اعلام کرد». ن.ک: لدین و لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۹.

۲. ن.ک: ذوعلم، جرعه جاری، ص ۱۵۶: به گفته یکی از محققان غربی حقوق بشر کارتر، نه شکل دهنده «اسب تراوا» در دربار شاه بود و نه عامل اصلی در بروز انقلاب به حساب می آمد. انقلاب اسلامی ایران دیر یا زود با حقوق بشر و یا بدون آن صورت می گرفت. ن.ک: همان، ص ۱۵۷.

شریعتی که فعالیت‌های سیاسی خود را در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با عضویت در شاخه‌ای از «نهضت مقاومت ملی» آغاز کرده بود، پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد جامعه‌شناسی، فلسفه و معارف اسلامی در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت اما پس از مدتی از تدریس در دانشگاه منع شد. وی توسط استاد مطهری به تهران دعوت شد و در حسینیه ارشاد با ایراد سخنرانی‌های پرشور به فعالیت خود ادامه داد. سرانجام، ساواک، حسینیه ارشاد را تعطیل کرد و دکتر شریعتی را دستگیر و زندانی کرد. پس از آزادی از زندان و تعطیلی حسینیه ارشاد به خارج از کشور عزیمت کرد و سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ به طرز مشکوکی در لندن از دنیا رفت. سخنرانی‌ها و نوشته‌های او درباره اسلام و تشیع مورد استقبال قشر تحصیل‌کرده کشور قرار گرفت و نقش مهمی در رویکرد جوانان به تفکر اسلامی داشت. البته برخی از دیدگاه‌های او مورد انتقاد اصولی بعضی از متفکران و صاحب‌نظران قرار گرفت.

دولت آموزگار

شاه، برای نشان دادن هماهنگی خود با سیاست «حقوق بشر» مورد نظر کارتر، اعلام کرد که در کشور، فضای باز سیاسی ایجاد خواهد کرد؛ لذا در مرداد ۱۳۵۶، امیرعباس هویدا را برکنار و جمشید آموزگار را به نخست‌وزیری منصوب کرد. به دنبال آن، اعلام شد که قانون محاکمه سریع مخالفان در دادگاه‌های سری نظامی لغو شده است و محاکمه‌هایی که در آنها محکومان اغلب به تیرباران و زندان‌های طولانی محکوم می‌شدند، بعد از آن علنی خواهد بود. همچنین با اعلام تشکیل «کمیسیون شاهنشاهی برای مبارزه با فساد»، رژیم به وجود فساد گسترده در دستگاه‌های دولتی، اقرار کرد.

رحلت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی

در اول آبان ماه ۱۳۵۶، آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی که به همراه ایشان در نجف در تبعید بود و نقش مؤثری در هدایت و هماهنگی مبارزه با رژیم داشت، به شکلی مشکوک درگذشت. امام خمینی این حادثه را از الطاف خفیه الهی خواندند. بر خلاف انتظار رژیم شاه مراسم ختم با شکوهی برای آن مرحوم در سراسر کشور برگزار شد. در این مجالس، سخنرانی‌های تندیه علیه شاه صورت گرفت. با وجود ممنوعیت شدید نام بردن از آیت‌الله خمینی، این حادثه باعث شد تا بار دیگر به طور گسترده‌ای نام امام خمینی بر سر زبان‌ها بیفتد.



آیت الله سیدمصطفی خمینی

(۱۳۰۹ - ۱۳۵۶ ش)

سیدمصطفی خمینی، فرزند امام خمینی، در سال ۱۳۰۹ در قم به دنیا آمد.

او، علاوه بر مقام و درجه‌ای که در اجتهاد و فقه و اصول داشت، در علوم معقول و فلسفه و کلام نیز متبحر بود. سیدمصطفی خمینی همراه و همگام با پدر بزرگوارش، علیه استبداد مبارزه می‌کرد و در جریان تبعید امام خمینی به ترکیه و عراق در سال ۱۳۴۳، همراه پدر بود.

سیدمصطفی، یکی از فرزندان و امید آینده اسلام بود. او تألیف‌های ارزشمندی در فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید از خود برجا گذاشت و از قوت حافظه بسیار بالایی برخوردار بود.

سرانجام این عالم مجاهد، در اول آبان ۱۳۵۶، به‌طور ناگهانی و به طرز مشکوکی از دنیا رفت. معروف است که توسط عوامل رژیم پهلوی مسموم شد. پیکر او در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از سخنان معروف مرحوم سید مصطفی خمینی این بود که «در راه آزادی کشته‌های بسیار خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است».

سفر کارتر به ایران، انتشار مقاله توهین آمیز و شروع انقلاب

در دی ماه ۱۳۵۶ رئیس جمهور آمریکا، کارتر، وارد تهران شد. چگونگی مراسم ضیافت شام، نحوه حضور اعضای خانواده سلطنت در آن و سخنان اغراق آمیز کارتر در ستایش از شاه، باعث تعجب همگان شد. خاصه آنکه کارتر، ایران را «جزیره ثبات» در یکی از پراشوب‌ترین نقاط جهان خواند.^۱

سرمرستی شاه از تمجید کارتر و حمایت آمریکا و کشورهای غربی از حکومتش، موجب شد تا پس از پایان سفر کارتر، شاه، همان روز دستور دهد که مقاله‌ای شدیدالحن علیه امام خمینی نوشته شود. یک هفته پس از بازدید کارتر، مقاله معروف به «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با امضای مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه «اطلاعات» روز هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسید. در آن مقاله،

۱. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۵۸.



سینمارکس آبادان

امام خمینی، به شدت مورد حمله و توهین قرار گرفته بود.^۱

قیام مردم قم و تبریز: انتشار مقاله اهانت آمیز در روزنامه «اطلاعات»، با واکنش فوری طلاب، روحانیون و مردم قم روبه‌رو شد. تظاهرات روز نوزدهم دی ماه، منتهی به حمله نیروهای نظامی به مردم شد که طی آن، چهارده نفر کشته و عده زیادی مجروح و جمعی از علما و روحانیون نیز دستگیر و تبعید شدند اما دامنه اعتراض‌ها افزایش یافت. در بیست و نهم بهمن، در شهر تبریز برای شهدای

قم، مراسم «اربعین» (چهل‌م) برگزار شد و ارتش، مردم را به گلوله بست. در یزد نیز به مناسبت برگزاری چهل‌م شهدای تبریز، این اتفاق تکرار شد و درگیری‌ها، شهر به شهر، ادامه یافت. در اصفهان و شهرضا حکومت نظامی اعلام شد و در مرداد ۱۳۵۷، سینما رکس آبادان در یک جنایت مهیب به آتش کشیده شد و ۴۷۷ نفر در آتش سوختند. مردم ساواک را عامل آتش‌سوزی می‌دانستند. سهل‌انگاری مسئولان رژیم در پیگیری موضوع و عدم رسیدگی مراکز امنیتی بر این باور صحه گذاشت.^۲

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قیام ۱۹ دی ماه نقطه عطف انقلاب اسلامی و سرآغاز حرکت خودجوش مردمی به شمار می‌رود؟

۱. کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۵۷.

۲. منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۱۸.

شریف امامی و ادامه گستاخها



در پی فاجعه سینما رکس، آموزگار مجبور به استعفا شد و جعفر شریف امامی (از فراماسون‌های برجسته بنیاد پهلوی) با تظاهر به شعار آشتی ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما او هم با طرح تغییر سیاست‌های رژیم نتوانست از گسترش اعتراضات جلوگیری کند.

تظاهرات گسترده مردم تهران که پس از اقامه نماز در عید فطر (۱۳ شهریور ۱۳۵۷) به امامت آیت‌الله مفتاح برگزار شد، وحشت شاه، دولت و آمریکا را افزایش داد؛ چرا که نمایش عظیمی از اتحاد و قدرت مردم بود.^۱

عظمت راهپیمایی روز عید فطر سبب شد که آمریکا، شاه و دولت، چاره را در اقدام به برقراری «حکومت نظامی» و توسل به خشونت گسترده ببینند.

سه روز بعد حدود ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران، با شعارهای «مرگ بر شاه»، «آمریکایی برو بیرون»، «حسین سرور ماست، خمینی رهبر ماست»، همچنین شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که برای اولین بار سرداده می‌شد، راهپیمایی کردند. در پایان آن راهپیمایی مقرر شد، فردا تظاهرات در میدان ژاله (شهدا) برگزار شود، اما در اخبار رادیویی ساعت ۲۴ (نیمه شب)، در حالی که اکثر مردم در خواب بودند، در تهران و یازده شهر دیگر، حکومت نظامی اعلام شد.^۲

صبح هفده شهریور مردم به خیابان‌ها آمدند، در تهران، هزاران نفر، در میدان شهدا، اجتماع کردند. نظامیان و کماندوها توانستند مردم را متفرق کنند و به اعتراف یک خبرنگار خارجی: «با مسلسل تانک‌ها، آنها را به گلوله بستند. چرخ‌بال‌ها (هلی‌کوپترها) نیز برای متفرق کردن مردم، از مسلسل و مواد تخریبی استفاده کردند و منظره، به میدان «اعدام دسته جمعی» شباهت داشت».^۳

۱. کیهان، ۱۴ شهریور ۱۳۵۷.

۲. آن یازده شهر عبارت بودند از: قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان.

۳. نجانی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۹۲.



پس از این کشتار گسترده، کارتر، طی پیامی، از شاه اعلام پشتیبانی و از اقدام‌های او در راه بازگرداندن نظم، حمایت کرد، اما در درون کاخ سفید بر سر چگونگی مقابله با انقلاب اسلامی اختلافات جدی وجود داشت. شورای امنیت ملی معتقد به کشتار گستردهٔ مردم، و وزارت امور خارجه درصدد نفوذ در انقلاب بود و این اختلاف سبب سردرگمی کارتر و شاه در سرکوب مردم و انقلاب اسلامی شده بود.

بیشتر بدانید

احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی

اسلام سیاسی به کمک آرای امام خمینی، که مشخصاً با انتشار کتاب کشف‌الاسرار در سال ۱۳۲۳ ش. انتشار یافت، رفته‌رفته به صورت رکن کلیدی فعالیت و رقابت سیاسی درآمد و طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ به ایدئولوژی برتر و برگزیده تبدیل گردید که قادر شد به توده‌ها هویت و مشروعیت بدهد و آنها را جذب و بسیج نماید. همچنین الگوی عقیدتی «ولایت فقیه» در دیدگاه امام خمینی، روند نوسازی و احیای اندیشهٔ دینی و بیداری اسلامی را رونق بخشید. گروهی از فعالان سیاسی و بخشی از جنبش دانشجویی این اندیشه را همراهی و تقویت کردند. هم‌گرایی و وحدت نظر گروه غیر روحانی جنبش بیداری با روحانیان، برای اثبات سازگاری دین اسلام با پیشرفت علوم و فنون و تمدن جدید بود.

در گفت‌وگو با احیای تفکر دینی و بیداری اسلامی اندیشه‌های امام خمینی و فرهنگ ایرانی – اسلامی، جایگاه مرکزی داشت که می‌توان برای تبیین آن اصطلاح «معنویت‌گرایی در سیاست» و «بازگشت به خویشتن انسان مسلمان ایرانی» را به کار برد.

پرسش‌های نمونه

۱. شاه برای هماهنگی با برنامه حقوق بشر کارتر، در سال ۱۳۵۶ چه تغییر و تحولاتی در ایران ایجاد کرد؟
۲. برگزاری مجالس ختم سیدمصطفی خمینی چه پیامدی به دنبال داشت؟
۳. انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه/اطلاعات در هفدهم دی ۱۳۵۶، چه واکنش‌هایی در جامعه ایجاد کرد؟
۴. عکس‌العمل دولت آمریکا را نسبت به کشتار مردم ایران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد واقعه سینما رکس آبادان مطلبی تهیه کنید.
۲. در مورد حادثه هولناک ۱۷ شهریور مطلبی تهیه کنید.



پیروزی انقلاب اسلامی

در این درس با هجرت امام خمینی به پاریس و تسریع روند انقلاب، روی کار آمدن دولت ازهاری، تظاهرات عاشورا، فرار شاه، نخست وزیری بختیار، بازگشت امام خمینی به ایران و پایان سلطنت پهلوی، اعلام تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب اسلامی آشنا می شوید.

هجرت امام خمینی به پاریس

با روزافزون شدن تظاهرات مردمی در ایران، رژیم عراق در پی یک توافق محرمانه با شاه و هماهنگی با آمریکا، اقدام به اخراج امام خمینی از آن کشور کرد. امام در سیزدهم مهر ۱۳۵۷ به طرف کویت رفت. اما دولت کویت اجازه ورود به وی نداد. این در حالی بود که عراق نیز به امام، اجازه بازگشت نمی داد. در نتیجه امام خمینی و همراهانش، در پانزده مهر ۱۳۵۷ به فرانسه رفتند، ولی رئیس جمهور



محل اقامت امام در پاریس، مرکز تجمع دانشجویان و ایرانیان ساکن آنجا بود.

فرانسه، به محض اطلاع از ورود غیرمنتظره امام خمینی، نظر شاه را در این باره جویا شد و بعد به امام اجازه اقامت داد.^۲ تصوّر شاه و آمریکا این بود که دور شدن امام خمینی از ایران، سبب جدایی وی از جریان انقلاب خواهد شد اما شرایط بهتر ارتباطات در فرانسه، به کمک رهبری انقلاب آمد. از آن پس، تماس ها راحت تر و پیام ها بیشتر شد.

۱. نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. زیسکارستن، قدرت و زندگی، ص ۱۱۵.

تشکیل دولت نظامی از هاری

در سیزدهم آبان ۱۳۵۷، جمع زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان تظاهرکننده، در دانشگاه تهران، توسط نیروهای نظامی و انتظامی به شهادت رسیدند. پخش صحنه‌هایی از این ماجرا در تلویزیون، احساسات مردم را برانگیخت. به دنبال آن، شریف‌امامی از نخست‌وزیری برکنار و ارتشبد از هاری، به جای او منصوب شد اما در همان روز، مجدداً در تهران تظاهراتی شدیدتر برگزار گردید و طی آن، بخشی از سفارت انگلیس به آتش کشیده شد. در روز پانزدهم آبان، شاه طی سخنانی، اعتراف کرد که «پیام انقلاب ملت ایران» را شنیده است و سوگند یاد کرد که خطاها و فساد و ظلم و بی‌قانونی، دیگر تکرار نخواهد شد.^۱

از هاری، در اولین اقدام برای ایجاد کاهش نارضایتی و برقراری آرامش، جمعی از سران بدنام رژیم پهلوی، نظیر امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر اسبق و ارتشبد نصیری، رئیس سابق ساواک را دستگیر کرد اما امام خمینی به مردم ایران هشدار داد این اقدامات ظاهری و فریب‌کارانه است.^۲

برگی از تاریخ

آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



آیت‌الله طالقانی از ابتدای نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از دوره رضاشاه وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شد. اوج مبارزات او در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ بود. در این سال‌ها چندبار دستگیر و زندانی شد. مسجد هدایت در تهران که آیت‌الله طالقانی امام جماعت آن را برعهده داشت، یکی از مراکز مهم روشنگری مردم علیه رژیم ستم‌شاهی بود. این مجاهد خستگی‌ناپذیر، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد و کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نخستین امام جمعه تهران از سوی امام خمینی انتخاب شد ولی در سال ۱۳۵۸ درگذشت. امام خمینی در پیامی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی، از او به عنوان «ابوذر زمان» یاد کردند.

۱. اطلاعات، ۱۳۵۷/۸/۱۶.

۲. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۲، صص ۱۶۰-۱۶۹.

تظاهرات گسترده مردم، در داخل کشور، با هماهنگی های شخصیت هایی چون آیت الله مطهری، آیت الله طالقانی، آیت الله دکتر بهشتی، آیت الله خامنه ای، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر علما و روحانیون شاخص تهران و شهرستان ها، همچنین شخصیت های سیاسی و فرهنگی مسلمان و سایر گروه ها همچنان ادامه داشت اما قدرت تعیین کننده، رهبری امام خمینی بود.^۱

سران گروه های سیاسی و روحانیون برجسته و مبارز، مانند آیت الله بهشتی و آیت الله مطهری، برای هماهنگی مبارزات به ملاقات امام خمینی به پاریس شتافتند.

تظاهرات عاشورا: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

یکی از فرازهای مهم و سرنوشت ساز انقلاب اسلامی تظاهرات و راهپیمایی تاریخی مردم در عاشورای سال ۱۳۵۷ است. با آغاز ماه محرم، امام خمینی با صدور پیامی که برخاسته از ماهیت و فلسفه قیام عاشورا بود،^۲ مردم را به راهپیمایی در این روز بزرگ دعوت کردند.^۳ با وجود برقراری حکومت نظامی، مردم در اولین شب محرم به خیابان ها آمدند اما رژیم، عزاداران حسینی را به گلوله بست. کشتار بی رحمانه مردم در جنوب تهران و سایر شهرهای کشور زمینه را برای راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا فراهم کرد.^۴ جمعیتی که در تهران با نظمی شگفت آور به سوی میدان آزادی حرکت کردند، حدود ۴ میلیون نفر و در سراسر کشور بالغ بر ۱۶ میلیون نفر برآورد شده است.^۵ این راهپیمایی عظیم سراسری ناظران خارجی را شگفت زده کرد؛ به گونه ای که در ظهر عاشورای ۱۳۵۷ تحلیل گران مسائل سیاسی و خبرگزاری های مختلف جهان عمر حکومت شاهنشاهی را در ایران پایان یافته تلقی کردند.^۶ مردم در این تظاهرات که به منزله یک رفراندوم (همه پرسی) بود، خواستار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی شدند.^۷ عظمت و گستردگی تظاهرات این دو روز و نظم و انسجام آنها، وحشت شاه

۱. نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ص ۱۷۷.

۲. محرم ماهی است که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال طلبان و حق گویان بر تانک ها و مسلسل ها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۲.

۳. کوثر: مجموعه سخنرانی های حضرت امام خمینی، ج ۲، صص ۴۵۱-۴۶۱.

۴. موحّد، دو سال آخر، صص ۲۳۳-۲۳۴.

۵. کوثر: مجموعه سخنرانی های حضرت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۸۰؛ منصور، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۳.

۶. کوثر: مجموعه سخنرانی های حضرت امام خمینی، ج ۲، صص ۴۸۱ و ۴۸۲.

۷. برخی از شعارهای محوری مردم در سراسر ایران این بود: رفراندوم عاشورا، پیام ما به دنیا. الغای شاهنشاهی، حکومت اسلامی. این شاه آمریکایی اخراج باید گردد. حکومت اسلامی ایجاد باید گردد. امام خمینی پس از این راهپیمایی بار دیگر تأکید کرد که سلطنت شاه قانونی نیست. صحیفه نور، ج ۲، ص ۵۲۹.

و آمریکا را بیش از پیش کرد.^۱

قطعه‌نامه راهپیمایی روز عاشورا که توسط آیت‌الله بهشتی قرائت شد، تأکیدی مجدد بر سرنگونی نظام سلطنتی، بازگشت امام خمینی به کشور و تشکیل جمهوری اسلامی و همچنین دعوت از ارتش، برای پیوستن به مردم بود.

نخست‌وزیری بختیار: در چنین شرایطی ارتشبد از هاری، کناره‌گیری کرد و شاپور بختیار، از اعضای جبهه ملی به نخست‌وزیری منصوب شد، اما اختلاف نظر میان دستگاه‌های سیاست‌گذار آمریکا، شرایط را برای کارتر و شاه وخیم‌تر کرده بود. شورای امنیت ملی آمریکا به دنبال اجرای کودتا و به راه انداختن جوی خون در ایران بودند اما کارتر، وزارت امور خارجه و سازمان سیا، به فکر فریب مردم، از طریق جایگزینی بختیار به جای شاه و سوار شدن بر موج انقلاب بودند.

بیشتر بدانید

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود می‌گوید: هنگامی که تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورا پیش آمد، «محمدرضا و از هاری با هلیکوپتر (چرخ‌بال) تمام سطح شهر را بازدید کردند». محمدرضا خطاب به از هاری گفت: «همه خیابان‌ها مملو از جمعیت است پس موافقین من کجا هستند؟» از هاری پاسخ داد: «در خانه‌هایشان». آخرین امید محمدرضا به یأس بدل شد و گفت: «پس فایده ماندن من در این مملکت چیست؟» از هاری پاسخ داد: «این بسته به نظر خودتان است».^۲

فرار شاه

با بسته شدن همه راه‌ها و دست‌آویزها برای باقی ماندن شاه در کشور، اهتمام عمده آمریکا بر حفظ ساختار ارتش قرار گرفت. به همین دلیل، ژنرال رابرت هایزر، معاون نیروهای آمریکا در اروپا، در دی‌ماه ۱۳۵۷ به ایران فرستاده شد.

وظیفه ژنرال هایزر، هماهنگی با سران ارتش، برای حمایت از دولت بختیار و در صورت لزوم، انجام کودتای نظامی علیه انقلاب و حفظ مراکز راهبردی مورد نظر آمریکا بود. تلاش آمریکا برای غلبه بر تظاهرات مردمی و ایجاد تفرقه در بین نیروهای انقلابی به نتیجه نرسید و مردم همچنان خواستار سقوط سلطنت و برقراری حکومت «جمهوری اسلامی» بودند.

۱. یکی از مقامات آمریکا بعد از این راهپیمایی اعلام کرد: «آنچه در ایران پیش می‌آید، یک تراژدی برای غرب است». موحد،

دو سال آخر، ص ۲۳۸.

۲. فردوست، همان، ج ۱، صص ۵۸۹-۵۹۰.

به دستور امام خمینی، «شورای انقلاب اسلامی» تشکیل شد و موظف گردید به بررسی چگونگی تشکیل دولت موقت، نحوه انتقال قدرت و فراهم کردن مقدماتی تصویب قانون اساسی جدید بپردازد.

روز بیست و ششم دی ماه، محمدرضا شاه و همسرش، پس از تشکیل شورای سلطنت، از ایران گریختند. با اینکه قرار بود شاه به آمریکا برود، کارتر با فریب کاری، او را به مصر فرستاد. به دنبال اعلام خیر فرار شاه از رادیو، جشن و سروری بی سابقه در سراسر کشور برپا شد. مردم با ریختن به خیابان‌ها، پخش نقل و شیرینی، روشن کردن چراغ اتومبیل‌ها به شادی و شکرگزاری پرداختند.

تظاهرات اربعین و بازگشت امام خمینی

با فرار شاه، تظاهرات در شهرهای مختلف ادامه یافت. در پاره‌ای از شهرها، عوامل رژیم، مردم را به گلوله بستند. شاپور بختیار که تصور می‌کرد پس از رفتن شاه، قدرت اصلی در ایران شده است، به دنبال تحقق آرزوهای خام خود بود.

امام خمینی از نظامیان خواست پادگان‌ها و خدمت در ارتش شاه را ترک کنند. در پی آن فرار افسران و سربازان از پادگان‌ها، سرعت گرفت. در راهپیمایی عظیم و تاریخی روز اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)، مصادف با بیست و نهم دی ماه ۱۳۵۷، مردم، بار دیگر نفرت خود از حکومت پهلوی و درخواستشان را برای استقرار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تکرار کردند. امام خمینی اعلام کرد که به‌زودی به ایران باز خواهد گشت. تلاش‌های آمریکا و بختیار برای به تعویق انداختن سفر وی به نتیجه نرسید.

بیشتر بدانید

سیدجلال‌الدین تهرانی که در غیاب شاه به عنوان رئیس «شورای سلطنت» تعیین شده بود، در اولین جلسه، ضمن اشاره به غیرقانونی اعلام شدن آن از سوی امام، از ریاست و عضویت خود در شورای مذکور استعفا داد. او با وجودی که عملاً جانشین شاه شده بود، ملاقات با امام خمینی را بر آن ترجیح داد؛ زیرا پیش شرط ملاقات با امام خمینی، استعفای او از عضویت در آن شورا بود. به این ترتیب، شورای سلطنت، عملاً از هم پاشید.

بیشتر بدانید

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در خاطرات خود می‌گوید: فعالیت‌های من و سفارت آمریکا برای حفظ منافع ملی آمریکا بود. من با پیش‌بینی این احتمال که شاه قدرت خود را از دست بدهد و یا از صحنه خارج شود، می‌بایست زمینه‌ای برای ادامه حضور آمریکا در صحنه، در صورت چنین پیشامدی فراهم سازم و از فرصت‌طلبی شوروی‌ها برای سوءاستفاده از این انقلاب جلوگیری به عمل آورم. در اواخر دسامبر برای من تردیدی باقی نماند که حفظ شاه بر سریر قدرت امکان‌پذیر نیست و ما باید به‌طور جدی آماده انطباق خود با شرایط بعد از رفتن شاه باشیم.

سوم ژانویه ۱۹۷۹ پیامی دریافت کردم که در آن گفته شده بود، نزد شاه بروم و به او بگویم به نظر دولت آمریکا، مصالح ایجاب می‌کند که شاه از کشور خارج شود. شاه به سخنان من گوش کرد و با لحنی کم و بیش ملتسمانه، گفت: «خیلی خوب! اما کجا باید بروم؟»

گفتم: «ملک شخصی شما، در سوئیس چطور است؟»

گفت: «امنیت ندارد». بعد گفت: «ما در انگلستان ملکی داریم ولی هوای آنجا خیلی بد است.»

بعد گفتم: «آیا میل دارید ترتیب مسافرت شما را به آمریکا بدهم؟»

شاه یک مرتبه از جای خود بلند شد و با هیجانی شبیه حرکت یک پسر کوچک، گفت: «اوه...!»

شما این کار را برای من می‌کنید؟^۱



به رغم تلاش‌های آمریکا، دولت بختیار و مخالفان غیر مذهبی حکومت شاه برای جلوگیری از ورود و یا به عقب انداختن بازگشت امام خمینی^۲ به میهن و همچنین با وجود احتمال سوء قصد به جان وی، امام در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷، در میان عظیم‌ترین استقبال تاریخی، به ایران بازگشت.^۳ ایستادن امام خمینی بر پله‌های هواپیما در فرودگاه مهرآباد، نماد خاتمه یافتن دوران استیلای بیگانگان بر کشور و آغاز عصر جدیدی در تاریخ سیاسی ایران بر پایه استقلال و احیای ارزش‌های اسلامی و ملی بود.

امام در سخنرانی خود در بهشت زهرا در همان روز، ضمن

۱. سولیوان و پارسونز، *خاطرات دوسفیر*، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲. اعترافات ژنرال، صص ۲۰۸ و ۲۲۶. ژنرال هایزر در خاطرات خود می‌گوید: «خطر بالقوه اصلی که به فاجعه‌ای برای آمریکا

منجر می‌شد، بازگشت سریع [امام] خمینی به ایران بود». هایزر، *مأموریت در تهران*، ص ۱۷۸.

۳. جهت اطلاع از جزئیات بازگشت امام خمینی به وطن ن.ک: کوثر: *مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی*، ج ۲،

صص ۶۱۶-۶۳۳ و ج ۳، صص ۱-۸.



تسلیم گفتن به خانواده شهدا، دربارهٔ مشروعیت نداشتن رژیم پهلوی سخنانی ایراد کرد. رهبر انقلاب، با بیان اینکه نظام سلطنت، به دلیل دخالت نداشتن مردم در تعیین سرنوشت خود و فساد شاهان موروثی، خلاف عقل بشری است، اعلام کرد: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم. ما نمی‌گذاریم دلت‌های سابق، اعاده شود».^۱

اعلام تشکیل دولت موقت

با پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان، به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت، انتخاب شد و خبر آن، در شانزدهم بهمن ماه، رسماً به اطلاع مردم رسید.

در پی آن، امام خمینی از مردم خواست تا با برگزاری تظاهراتی آرام، از دولت بازرگان، حمایت کنند، اما شاپور بختیار، در همان روز، طی اقدامی خیانت‌آمیز، قرارداد تحویل تجهیزات نظامی قبلاً خریداری شده از آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار را لغو کرد. با توجه به اینکه وجه این قرارداد قبلاً پرداخت شده بود، با این اقدام بختیار، کل این مبلغ نیز به جیب آمریکا رفت.^۲

در این زمان درگیری میان نیروهای ارتش، آغاز شده بود. بسیاری از سربازانی که مجبور به تیراندازی به طرف مردم بودند، سلاح خود را به طرف فرماندهان‌شان نشانه می‌گرفتند، یا از میدان درگیری می‌گریختند.

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۳، صص ۲۷-۴۷.

۲. اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۱۵.

تلاش برای کودتا و پیروزی انقلاب اسلامی

با شدت گرفتن درگیری‌ها، ساعت حکومت نظامی در تهران ۷/۵ ساعت طولانی‌تر شد. چرا که با تلاش ژنرال هایزر آمریکایی، فرماندهان نظامی، در صدد کودتا بودند تا با دستگیری امام خمینی و سایر شخصیت‌ها، انقلاب را شکست دهند.^۱

امام خمینی در همان روز اعلام کرد: «... اعلامیه امروز فرماندار نظامی، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهند؛ که به خواست خداوند تعالی، حق، پیروز است».^۲

اگر امام خمینی با مواضع قاطعانه خود کودتایی را که در شرف وقوع بود، خنثی نمی‌ساخت، حادثه خونینی روی می‌داد.

با صدور اعلامیه امام خمینی در ۲۱ بهمن ماه، مردم از نیروی هوایی که لشکر گارد شاهنشاهی به آن حمله کرده بود، حمایت کردند. در مدت کوتاهی با مشارکت وسیع زنان و مردان در سراسر کشور، مراکز حساس به تصرف مردم درآمد و پایگاه‌های رژیم یکی پس از دیگری سقوط کرد. با مشاهده این وضع، شورای فرماندهان ارتش، طی اطلاعیه‌ای، بی‌طرفی خود را اعلام کرد.^۳



۱. هایزر، همان، صص ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۶؛ برژنسکی، *توطئه در ایران*، صص ۱۵۳-۱۵۷؛

متن مذاکرات سران ارتش، مثل برف آب خواهیم شد، صص ۲۰۳-۲۴۷.

۲. *اطلاعات*، ۱۳۵۷/۱۱/۲۲.

۳. ن. ک: کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۳، صص ۲۹۸ و ۳۳۳.

سرانجام رژیم سلطنتی شاه که ایران را تا مرز یک کشور مستعمره و تحت سلطه آمریکا پیش برده بود، در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ به طور کامل سقوط کرد و مردم با شنیدن صدای انقلاب از رادیو در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با سرور و شادی وصف ناپذیری پایان پادشاهی و طلیعه انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران حادثه بزرگی بود که حیرت جهانیان را برانگیخت و حادثه بزرگ قرن نام گرفت.

پرسش‌های نمونه

۱. هجرت امام خمینی به پاریس چه پیامدهایی را در پی داشت؟
۲. از هاری برای برای برقراری آرامش به چه اقداماتی دست زد؟
۳. دولت آمریکا در دوره نخست وزیری بختیار چه سیاستی نسبت به ایران اتخاذ کرد؟
۴. چرا برپایی تظاهرات عاشورا به منزله یک همه‌پرسی عمومی تلقی شد؟
۵. دولت موقت چگونه شکل گرفت؟

اندیشه و جست و جو

— آمریکا در جریان انقلاب اسلامی یکی از مأموران خود را به نام ژنرال هایزر به ایران اعزام کرد. در مورد مأموریت هایزر در ایران مطلبی تهیه کنید.



دولت موقت مهندس مهدی بازرگان

در این درس با مهم‌ترین رویدادهای مربوط به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مانند برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی، تأسیس نهادهای انقلابی، تدوین و تصویب قانون اساسی و همچنین توطئه‌های آمریکا و ضدانقلاب داخلی آشنا می‌شوید.

مهندس مهدی بازرگان که در پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیشنهاد شورای انقلاب، از طرف امام خمینی به نخست‌وزیری منصوب شده بود، با استقرار در ساختمان نخست‌وزیری، کار خود را آغاز کرد. امام خمینی در حکم خود، علاوه بر شرط «در نظر نگرفتن روابط حزبی و گروهی»، چهار وظیفه برای دولت موقت تعیین کرد:

۱. اداره امور مملکت
۲. اجرای رفراندوم درباره تعیین نظام سیاسی کشور

برگی از تاریخ

مهندس مهدی بازرگان

(۱۲۸۷-۱۳۷۳ ش)



مهندس بازرگان در سال ۱۲۸۷ش در تبریز متولد شد و پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از گذراندن تحصیلات خود در رشته مهندسی ترمودینامیک و بازگشت به ایران، به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. وی فعالیت سیاسی خود را

در جبهه ملی آغاز کرد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله مؤسسان نهضت مقاومت ملی بود و به همین علت در سال ۱۳۳۴ دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۰ به همراه دکتر یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نهضت آزادی ایران را تأسیس کردند و در دی ماه ۱۳۴۱ نیز همراه با دیگر سران نهضت آزادی دستگیر و تا سال ۱۳۴۶ در زندان به سر برد. وی اندیشه‌های خود را در کتاب‌های متعدد به رشته تحریر درآورده است. مهندس بازرگان از پایه‌گذاران روشنفکری دینی در ایران است. وی در روشن نگه داشتن مشعل مبارزه علیه رژیم پهلوی تلاش ارزنده‌ای کرد. مهندس بازرگان در زمان اوج انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی به عنوان نخست وزیر دولت موقت تعیین شد و در سال ۱۳۷۳ به دیار باقی شتافت.

۳. تشکیل مجلس منتخبان مردم برای تدوین و تصویب قانون اساسی

۴. برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان ملت، طبق قانون اساسی جدید

امام خمینی ضمن اعلام حمایت جدی از مهندس بازرگان، دولت وی را دولتی «شرعی» معرفی کرد و از مردم خواست که از آن حمایت کنند.^۱ هم‌زمان به فرمان امام خمینی، تمامی اعتصاب‌ها شکسته شد و همه به سر کار خود بازگشتند و عصری جدید از کار و تلاش و سازندگی آغاز شد. مهندس بازرگان در بیست و پنجم بهمن ۱۳۵۷ کابینه خود را که تقریباً همگی از اعضا یا طرفداران نهضت آزادی و جبهه ملی بودند، معرفی کرد.

برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی ایران

با آنکه مردم ایران در «تظاهرات» چندمیلیونی خود، با شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مدل نظام سیاسی آینده کشور را تعیین کرده بودند، امام خمینی مصمم بود که با انجام یک همه‌پرسی ملی، در همان روزهای اول انقلاب، نوع حکومت جدید ایران را مشخص و تثبیت کند. با برگزاری همه‌پرسی اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به «جمهوری اسلامی» رأی دادند.^۲

تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پس از تعیین جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی کشور در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، امام خمینی، طی فرمانی، از دولت موقت خواستار برگزاری انتخابات برای تشکیل «مجلس خبرگان»، و تدوین و

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل اول.

تصویب قانون اساسی شد. این مجلس با انتخاب هفتاد و دو نماینده، توسط مردم، در مردادماه ۱۳۵۸ تشکیل شد.

مجلس خبرگان، قانون‌های اساسی کشورهای مختلف غربی و اسلامی را بررسی کرد و با توجه به قانون اساسی سابق کشور و مباحثات فقهی و اسلامی، همچنین نظریات نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی و فکری، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد.^۱

با جدی شدن تصویب اصول مربوط به «ولایت فقیه»، مخالفت‌ها با مجلس خبرگان از سوی مخالفان، بیشتر شد. اما امام خمینی، مردم و نیروهای انقلابی، به دفاع از اصل مذکور پرداختند و آن را «ضد دیکتاتوری» و «مخالف استبداد» دانستند.^۲

بر اساس قانون اساسی جدید، در اسفند ۱۳۵۸ شورای نگهبان^۳ تشکیل شد تا علاوه بر تشخیص عدم مغایرت و تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی، بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نظارت و از آرای مردم پاسداری کند.^۴

تأسیس نهادهای انقلابی

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی با درایت و تیزبینی کامل فرمان تشکیل نهادهای انقلابی را یکی پس از دیگری صادر کردند. به همین منظور کمیته انقلاب اسلامی با هدف برقراری نظم و امنیت شکل گرفت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان برای دفاع از کشور و ارزش‌های انقلاب اسلامی به وجود آمدند. به منظور سازندگی و رفع محرومیت از روستاها جهادسازندگی تأسیس شد. همچنین کمیته امداد امام خمینی به قصد دستگیری از محرومان و نهضت سوادآموزی برای کاهش نرخ بالای بی‌سوادی در ایران، فعالیت خود را آغاز کردند.

اوضاع داخلی کشور، در زمان دولت موقت

هرچند دولت موقت برآمده از شرایط انقلاب کشور ایران بود اما اعضای آن قادر به بهره‌برداری

۱. در بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۵۸ مجلس خبرگان، قانون اساسی را از تصویب نهایی گذراند. این قانون، در یازدهم و دوازدهم آذرماه به همه‌پرسی گذاشته شد، و با ۹۹/۵ درصد آرای موافق شرکت‌کنندگان، به تصویب رسید.

۲. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۶۷.

۳. شورای نگهبان متشکل از دوازده عضو است. شش نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان که توسط رهبر انقلاب منصوب می‌شوند و شش نفر حقوقدان که با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عضویت آن شورا در می‌آیند.

۴. قانون اساسی وظایف و مسئولیت‌های مهم دیگری از جمله تفسیر قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان نهاده است.

از این شرایط نبودند. بی ارادگی و ناتوانی در تبعیت از روش انقلابی امام خمینی، موجب شد به تدریج بین دولت موقت و امام و یاران امام فاصله ایجاد شود.^۱ یکی از اعضای برجسته دولت موقت، اجرای احکام اسلام را غیر مفید اعلام کرد.

توطئه‌های آمریکا و گروهک‌های تروریستی ضد انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا یکی از پایگاه‌های امن خود را در خاورمیانه که دهه هزار نفر از مستشارانش در آن مستقر بودند و از آن به نام «جزیره ثبات» نام برده می‌شد، از دست داد. آمریکا پیروزی انقلاب ایران را بزرگ‌ترین خطر برای خود تلقی می‌کرد و به توطئه‌چینی برای نابودی آن کمر بست. تضعیف، حذف و ترور اندیشمندان و متفکران دینی، یاران امام که از ارکان اصلی انقلاب اسلامی، تلقی می‌شدند، ایجاد گروه‌های سیاسی مخالف، حمایت از ساواکی‌ها، ایجاد آشوب در استان‌ها، حمله نظامی به طبرستان، تحریم و محاصره اقتصادی، جنگ تبلیغاتی و شایعه‌پراکنی علیه انقلاب اسلامی، طراحی کودتا و جنگ تحمیلی هشت ساله، رئوس اصلی توطئه‌های آمریکا علیه ملت به پاخاسته ایران بود.

بهترین ابزار برای آمریکا، گروه‌های سیاسی مختلفی بودند که در سایه قیام مردم و رهبری امام خمینی فرصت خودنمایی یافته بودند. آنان در حرکت‌هایشان چنان راه افراط در پیش گرفتند که خود را وارثان اصلی انقلاب قلمداد کردند. این گروه‌ها، دولت موقت و شورای انقلاب را که به دستور امام خمینی تشکیل شده بود، به رسمیت نمی‌شناختند. در مقابل، با رواج شایعات دروغین، جامعه را به ورطه تردیدهای بزرگ و فتنه‌های ویرانگر می‌کشاندند.

بیشتر بدانید

گروه‌های ضدانقلاب با در پیش گرفتن خط‌مشی‌های مختلف، از جمله، با انتشار نشریه‌ها، بیانیه‌ها، پوسترها و شب‌نامه‌های گوناگون به نفی و رد دستاوردهای انقلاب اسلامی و سران آن پرداختند. همچنین، با تشکیل دادن ستادها و کانون‌های عملیاتی و خانه‌های تیمی در دانشگاه‌ها، مدارس و حتی میدان‌ها و خیابان‌ها، به جذب جوانانی که با پیروزی انقلاب اسلامی شور سیاسی و طبع احساسی آنان به اوج خود رسیده بود، پرداختند و کشور را با یک بحران جدی مواجه ساختند.^۲

۱. برزین، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان، صص ۲۹۴-۲۹۹.

۲. ن. ک: رضوی، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، صص ۱۵۹-۱۶۱.

این گروه‌ها، خواهان انجام سه تغییر عمده در جریان انقلاب بودند: تغییر در ترکیب شورای انقلاب، مسلح کردن گروهک‌ها و انحلال ارتش.^۱ برآورده شدن این سه خواسته، زمینه را برای تسلط این گروهک‌ها بر کشور، فراهم می‌ساخت؛ زیرا از طریق نفوذ در شورای انقلاب که تصمیم‌های اساسی را در آن شرایط حساس و بحران‌زده می‌گرفت، آنها می‌توانستند به عالی‌ترین نهاد انقلاب دست پیدا کنند و با دریافت سلاح و انحلال ارتش نیز، به هدف‌های خطرناک سیاسی خود دست می‌یافتند. اصلی‌ترین این گروهک‌ها حزب خلق مسلمان، در آذربایجان شرقی، («حزب دمکرات کردستان»، «حزب خلق عرب» در خوزستان و تشکل‌های مشابه در بلوچستان و ترکمن صحرا بودند.^۲

توطئه حزب خلق مسلمان در آذربایجان

حزب خلق مسلمان در تابستان ۱۳۵۸، هم‌زمان با انتخابات مجلس خبرگان حمله به مراکز نظامی رسمی کشور را آغاز کرد.^۳ سردمداران حزب خلق مسلمان ابتدا تهدید کردند که انتخابات را تحریم خواهند کرد. پس از انجام انتخابات نیز به نتیجه آن اعتراض کردند.

چون این گروهک تلاش‌های علمای بزرگ تبریز از جمله شهید آیت‌الله مدنی را برای حفظ آرامش نادیده گرفت و به آشوب و اغتشاش ادامه داد^۴، امام خمینی طی یک سخنرانی فعالیت این حزب را قیام بر ضد اسلام و حکومت اسلامی برشمردند.^۵ به دنبال سخنرانی امام و افشا شدن اسنادی در خصوص رابطه سخنگوی حزب خلق مسلمان با آمریکا^۶، مردم مسلمان آذربایجان با حضور حماسی در صحنه، کار این گروهک را یکسره کردند و به فعالیت‌های تفرقه افکنانه و فتنه جویانه آن پایان دادند.

توطئه دشمن در کردستان

بارزترین نمونه آشوب‌های منطقه‌ای که توسط عوامل استکبار، به منظور تجزیه بخشی از میهن اسلامی طراحی شد، غائله کردستان بود. حزب دمکرات کردستان، مهم‌ترین جریان سیاسی آغازگر

۱. در این زمان شیرازه ارتش از هم پاشیده بود و گروهک‌ها بر انحلال کامل آن اصرار می‌کردند تا به راحتی بر اوضاع مسلط شوند و با تشکیل دادن گروه‌های شبه نظامی سرنوشت جامعه را به دست بگیرند ولی امام خمینی بر بقای ارتش اصرار می‌کردند. ن. ک: رضوی، همان، ص ۱۶۳.

۲. همان، صص ۱۶۹-۱۷۶، استمیل، درون/انقلاب/یران، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۳. ن. ک: کیهان، ۱۳۵۸/۵/۳.

۴. همان، ۱۳۵۸/۹/۱۵.

۵. همان، ۱۳۵۸/۹/۱۹.

۶. رضوی، همان، ص ۳۰۶.

این بحران بود که ریشه آن، به جریان‌های مارکسیستی دهه ۱۳۲۰ کشور می‌رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، این حزب نیز مجدداً فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و کمونیست‌های داخل و خارج، از آن پشتیبانی کردند. به فاصله‌ای اندک، حزب کومله نیز اعلام موجودیت کرد. به موازات این حزب، حزب‌ها و گروه‌های دیگری نیز در کردستان شکل گرفت که ابتدا خواهان «خودمختاری» و سپس «استقلال» (تجزیه) کردستان شدند.

بیشتر بدانید

اقوام ایرانی

ایران کشوری با قومیت‌های متعدّد است. در میان اقوام ایرانی اختلاف و تفاوت وجود دارد ولی به‌طور طبیعی کشمکش و نزاع قومی مشاهده نمی‌شود. دو عامل مهم در منازعات قومی ایران نقش دارند یکی سیاست‌های غلط دولت‌ها است که به اختلافات قومی و نزاع‌های داخلی دامن زده است و مهم‌تر از آن، مداخلات بیگانگان است. سیاست کشورهای استعماری در طول تاریخ معاصر همواره ایجاب کرده است که هرگاه منافع آنها در راستای تضعیف قدرت حکومت مرکزی ایران بوده است، قدرت‌های محلی و اقوام ایرانی را بر علیه حکومت مرکزی تقویت کرده و هرگاه منافع آنها در راستای تقویت حکومت مرکزی بوده به تضعیف اقوام ایرانی روی آورده است. بیگانگان بیشتر از ابزار قومیت‌گرایی برای ایجاد فشار بر روی دولت مرکزی و یا تحرکات جدایی‌طلبانه برای از میان بردن وحدت و یکپارچگی ایران و سلطه‌گری بهره برده‌اند. حوادثی چون مسئله جدایی هرات از ایران در زمان ناصرالدین شاه، قوم‌ستیزی و تضعیف ایلات و عشایر در دوران رضاشاه، حوادث آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ و غائله کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان و آذربایجان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمونه‌هایی از مداخلات مستقیم و غیرمستقیم کشورهای سلطه‌گر به‌شمار می‌روند. با وجود این‌ها، اقوام ایرانی در حوادث مهم ملی مانند انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشارکت گسترده‌ای داشته‌اند و همواره در دفاع کیان ملی در برابر بیگانگان اتحاد و همبستگی داشته‌اند. عامل به هم پیوستگی و هم‌گرایی هویت‌های قومی و ملی در ایران که همچون ریسمانی متعدّد این سرزمین را در طول تاریخ به هم پیوند داده است، دین اسلام، زبان پارسی^۱، سرزمین و تاریخ مشترک و دیرین است. از این‌رو اقوام ایرانی هویت خود را در پرتو هویت ایرانی - اسلامی می‌یابند و آن را تقویت‌کننده هویت ملی می‌دانند. تجربه تاریخی همچنین بیانگر این واقعیت است که رمز بقا و یکپارچگی ملی در کشورهای چند قومی در رعایت عدالت و حقوق مساوی و احترام به همه اقوام است. اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی

۱. زبان پارسی زبان یک قوم نیست. بلکه زبانی فراگیر و ملی است که سیری تکوینی یافته. تاریخ و فرهنگی که با این زبان شکل گرفته است به همه ایرانیان تعلق دارد. بیشتر اقوام ایرانی علاوه بر حفظ زبان مادری خود، برای ارتباط با سایر هموطنان خود با لهجه و یا گویش‌های متنوع به زبان پارسی سخن می‌گویند.

جمهوری اسلامی تأکید دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد شد. همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.^۱

از سوی دیگر، عوامل کشورهای غربی (در رأس همه آمریکا) و بلوک شرق (در رأس آنها شوروی سابق) و عامل‌های آنان در منطقه مانند رژیم بعث عراق، با ارسال پول و اسلحه، به این غائله‌ها دامن می‌زدند.^۲ بنابراین، مسئله، تنها به چند گروه داخلی مربوط نمی‌شد. بلکه هدف، توطئه‌ای بود که از آذربایجان در شمال غربی تا خوزستان و حتی مناطق مرکزی و مرزهای شرقی را در بر می‌گرفت. همزمان، دولت عراق نیز بر تحرک‌های خود در منطقه می‌افزود و به این موضوع دامن می‌زد.^۳ هم‌جواری کردستان با عراق، برای غائله‌آفرینان این امکان را فراهم می‌ساخت که به هنگام احساس خطر، به داخل خاک آن کشور عقب‌نشینی کنند و تحت حمایت رژیم بعثی عراق قرار گیرند.^۴

در کنار این عوامل، از هم‌پائیدگی ارتش، هم‌زمان با سقوط سلسله پهلوی، و نوپایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سبب شده بود که انقلاب اسلامی، نیروهای دفاعی منظمی نداشته باشد. در نتیجه در کردستان، گروهک‌ها، با اشغال مراکز نظامی، پادگان‌ها، مقر لشکرها و واحدهای نظامی، امکانات و اسلحه لازم برای غائله‌آفرینی را به دست آوردند.^۵ حتی اکثریت مردم و وطن‌خواه کردستان نیز که زیر بار توطئه‌های آنها نمی‌رفتند، از خشونت آنها در امان نبودند و به جرم مخالفت با تجزیه‌طلبی و حفظ تمامیت ارضی ایران به شهادت رسیدند. مردم کردستان ایران نه تنها همواره مدافع دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و با عوامل ضدانقلاب به سختی مبارزه کرده‌اند، بلکه در تهاجم بعثی‌ها به ایران، دفاع جانانه‌ای از وطن خود کردند. در این زمینه، حتی می‌توان به تعلق خاطر کردهای سایر کشورهای منطقه به فرهنگ ایران و اسلام، و ایستادگی کردهای عراقی در برابر صدام حسین متجاوز به ایران اشاره کرد. کردها در این راه، از سوی رژیم بعثی، هم در عراق و هم در ایران، مورد وحشیانه‌ترین جنایات جنگی قرار گرفتند. بمباران شیمیایی حلبچه در عراق و سردهشت در ایران، از جمله جنایات رژیم بعث در مورد

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صص ۶۵ و ۶۶.

۲. ن. ک: مهاجری، انقلاب اسلامی، راه آینده ملت‌ها، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۳. مهاجری، ص ۲۲۰.

۴. ن. ک: جلائی‌پور، کردستان، علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی.

۵. رضوی، همان، ص ۲۸۹.

کردهای ایرانی و عراقی است.

از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق مردم و علمای کردستان، اعم از شیعه و سنی، حامی انقلاب اسلامی و حافظ تمامیت ارضی ایران بودند، فتنه‌های تجزیه‌طلبانه‌ای که ریشه در خارج از کشور داشت، نتوانست راه به جایی ببرد.

توطئه دشمن در ترکمن صحرا

بلوای ترکمن صحرا، از فروردین ۱۳۵۸ آغاز شد و تا اواخر زمستان همان سال ادامه یافت. این آشوب، با سوء استفاده آشوبگران از اختلاف‌ها و تفاوت‌های مذهبی و قومی آغاز شد. اختلاف ناشی از عملکرد حکومت پهلوی و سیاست‌های سوء آن در منطقه بر سر مالکیت زمین‌های کشاورزی نیز، از دیگر عوامل مورد بهره‌برداری این گروه‌ها بود.^۱

این غائله، شرایط و وضعیتی عجیب در منطقه به وجود آورد. چریک‌های فدایی خلق که یک سازمان کمونیستی طرفدار شوروی بود، با تشکیل «ستاد خلق ترکمن»، دست به مصادره خودسرانه زمین‌ها و اموال در این منطقه زدند. این توطئه نیز با هوشمندی مردم منطقه و حضور نیروهای انقلابی خنثی شد.

توطئه گروهک‌ها در خوزستان و سیستان و بلوچستان

هم‌زمان، گروهکی دیگر به نام «خلق عرب»، در خوزستان، با حمایت برخی کشورهای عربی؛ به خصوص عراق، با نیروهای انقلابی درگیر، و به جنگ برخاسته بود. در سیستان و بلوچستان نیز گروهکی به نام «خلق بلوچ» حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ای را آغاز کرده بود.

وجوه مشترک عمده این گروه‌ها در چند عامل خلاصه می‌شد:

۱. اغلب ماهیت چپ و مارکسیستی داشتند و یا به ظاهر چنان می‌نمودند.
۲. هرکدام به یک یا چند قدرت خارجی منطقه‌ای یا بین‌المللی وابسته بودند.
۳. از تفاوت‌های مذهبی و قومی در جهت تفرقه‌افکنی و فتنه‌انگیزی سوء استفاده

می‌کردند.^۲

۱. ن. ک: محدثی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، صص ۱۵۷-۱۶۷؛ بازرگان، مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب،

ص ۴.

۲. ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، صص ۳۷۹-۳۸۲؛ بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، صص ۲۱۴-۲۲۴.

استعفای دولت موقت انقلاب

مهندس بازرگان به علت ملاقات محرمانه^۱ با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر که از آمرین مستقیم کشتار مردم ایران در زمان شاه بود، مورد اعتراض شدید گروه‌های سیاسی و انقلابیون واقع شده بود.^۲ از سوی دیگر ورود شاه به آمریکا و نگرانی‌های فزاینده از مداخلات سفارت آمریکا در تهران موجب تسخیر سفارت آمریکا، توسط گروهی از دانشجویان و به‌گروگان‌گرفتن اعضای سفارت در روز سیزدهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ شد. مجموع این عوامل باعث شد بازرگان در چهاردهم آبان ۱۳۵۸ استعفا دهد. امام خمینی، نیز پس از قبول استعفای وی اداره کشور را به «شورای انقلاب» سپرد.^۳

پرسش‌های نمونه

۱. امام خمینی چه وظایفی را به دولت موقت محول کرد؟
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه تدوین و تصویب شد؟
۳. مهم‌ترین دسیسه‌ها و توطئه‌های آمریکا را بر ضد انقلاب اسلامی برشمارید.
۴. گروه‌های ضدانقلاب خواستار چه تغییراتی در انقلاب اسلامی بودند؟

اندیشه و جست و جو

— در مورد همکاری‌های داوطلبانه مردم با حکومت نوپای جمهوری اسلامی مطلبی تهیه کنید (گفت‌وگو با بزرگ‌ترها، یکی از راه‌های انجام این تحقیق است).

۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه، مهندس بازرگان در مصاحبه با نیویورک‌تایمز چنین می‌گوید: «دولت ایران مشتاق است روابط خوب خود را با آمریکا از سرگیرد.» (روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۳) و در جایی دیگر، علی‌رغم سابقه کودتای ۲۸ مرداد و روابط خسارت‌بار آمریکا و ایران، مهندس بازرگان در مصاحبه با خبرنگار نیویورک چنین گفت: «ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم این روابط را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ کنیم.» (همان، روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۳).
تحلیلی که در اسناد لانه جاسوسی آمریکا نیز درج شده است، نشانگر تفاوت دیدگاه مهندس بازرگان و امام خمینی در مسئله رابطه با آمریکا است: «دولت موقت ایران و [امام] خمینی [ره] درباره ارزش مناسبات با آمریکا اختلاف نظر دارند. ماهیت ضدآمریکایی نظریات [امام خمینی] [ره] باعث شده است که فعالیت‌های ضدآمریکایی افزایش یابد، درحالی که دولت موقت ایران اهمیت مناسبات حسنه را با ما [آمریکایی‌ها] به رسمیت شناخته است، آیت‌الله خمینی و اطرافیان او چنین اهمیتی را به رسمیت نمی‌شناسند.» (سناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۲).

۲. کدی، همان، ص ۴۴۲؛ سمیعی، طلوع و غروب دولت موقت، صص ۲۳۲، ۲۳۸-۲۴۰.

۳. ن. ک: سمیعی، طلوع و غروب دولت موقت، ص ۲۴۰.



اولین دوره ریاست جمهوری

در این درس با حوادث سیاسی داخلی، به ویژه آرایش جناح‌های سیاسی و توطئه‌های استکبار جهانی در جریان انتخاب اولین رئیس جمهور، آشنا می‌شوید.

پس از استعفای مهندس بازرگان، به دستور امام خمینی، شورای انقلاب جریان امور مملکت را به دست گرفت و زمینه برای انتخابات ریاست جمهوری فراهم آمد. در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری (بهمن ۱۳۵۸) ابوالحسن بنی‌صدر با بیش از ده میلیون و پانصد هزار رأی، به عنوان اولین رئیس جمهور ایران انتخاب شد. او در نیمهٔ بهمن ماه، در بیمارستان قلب (که امام خمینی در آنجا بستری بودند)، در حضور ایشان و اعضای شورای انقلاب و مقام‌های مملکتی، سوگند وفاداری به قانون اساسی یاد کرد و حکم ریاست جمهوری وی، از سوی امام تنفیذ شد. در اواخر بهمن ماه همان سال نیز، به سبب شرایط خاص کشور و وجود آشوب در استان‌های گوناگون، امام خمینی با اعلام اینکه در این شرایط ویژه بیش از هر مرحله به تمرکز قوا نیاز است، مقام نیابت فرماندهی کل قوا را به بنی‌صدر واگذار کرد.



ابوالحسن بنی‌صدر

ریاست جمهوری بنی‌صدر و آرایش جدید گروه‌های سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از بزرگان و پیش‌کسوتان انقلاب با پیشنهاد و مدیریت شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، برای سازماندهی تشکیلاتی و همبستگی بیشتر ملی، «حزب جمهوری اسلامی» را تأسیس کردند. این اقدام، تأثیر اساسی بر آیندهٔ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران داشت. از آن پس، اعضای این حزب، سرپرستی بعضی از حیاتی‌ترین نهادهای کشور را به دست گرفتند. به همین سبب حزب جمهوری اسلامی، از

همان ابتدا، مورد عناد و مخالفت نیروهای معارض نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفت. بنی صدر که روزنامه «انقلاب اسلامی» را منتشر می کرد و جمعی را در اطراف خود گرد آورده بود، از همان آغاز، به ضدیت آشکار با این حزب پرداخت.^۱

برگی از تاریخ

آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ش)



شهید بهشتی در آبان ماه ۱۳۰۷ در اصفهان متولد شد. در دوره متوسطه به تحصیل در حوزه نیز مشغول شد و از استادانی نظیر آیت الله بروجردی، آیت الله محقق داماد، امام خمینی و علامه طباطبایی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۰ موفق به دریافت لیسانس الهیات شد. وی در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت فعال داشت و پس از آن تحصیلات دانشگاهی را تا دریافت دکتری فلسفه ادامه داد. از جمله فعالیت های فرهنگی شهید بهشتی شرکت در جلسه های سخنرانی به نام «گفتار ماه» در تهران بود.

وی در سال ۱۳۴۳ با هدف ارشاد جوانان و مقابله با

گرایش های مادی گرایانه به هامبورگ رفت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹، با کمک عده ای دیگر از علمای بزرگ و پیشتاز در مبارزه، «جامعه روحانیت مبارز تهران» را تشکیل دادند. شهید بهشتی از اعضای شورای انقلاب و یکی از بنیان گذاران حزب «جمهوری اسلامی» بود و در مجلس خبرگان قانون اساسی به عنوان نایب رئیس، مؤثرترین نقش را در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت. آخرین سمت حکومتی ایشان ریاست قوه قضاییه بود که در این سمت نقش اساسی در تطبیق قوانین قضایی کشور با قوانین اسلامی و شکل گیری قضای اسلامی داشت. وی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

پس از انتخاب شدن بنی صدر به ریاست جمهوری، این مخالفت وارد مرحله جدیدی شد؛ زیرا در اسفند ماه همان سال انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد و حزب جمهوری اسلامی و نیروهای طرفدار امام و انقلاب اسلامی، توانستند اکثریت قاطع کرسی های مجلس را به دست آورند. در نتیجه، مواضع اصلی قدرت، میان این دو گروه تقسیم شد و رقابت آشکار آنها، در جریان انتخاب نخست وزیر

۱. ن. ک: رضوی، همان، صص ۱۹۹-۲۰۰.

و اعضای کابینه، به مرحله‌ای دشوار و همراه با کشمکش رسید.^۱ ریشه اصلی اختلاف‌ها، همان مسائلی بود که نیروهای اصولگرا و انقلابی با لیبرال‌ها داشتند. بنابراین، رفته رفته جریان‌های سیاسی به دو جناح کلی تقسیم شدند: نیروهای انقلابی و مدافع اسلام و نیروهای مخالف این جریان شامل لیبرال‌ها و نیروهای چپ. گروه دوم به تدریج با حمایت بنی‌صدر شروع به فعالیت و جوسازی و اخلال کردند. در این میان، رسانه‌های تبلیغی غربی نیز، با ایجاد جو تبلیغاتی مسموم، به حمایت از بنی‌صدر و طرفدارانش پرداختند.^۲

برگی از تاریخ

شهید محمدعلی رجایی (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین متولد شد. پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی، به کار در بازار پرداخت و در چهارده سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی به استخدام نیروی هوایی درآمد. در دوران نهضت ملی نفت، جذب شعارهای فداییان اسلام شد و سپس به «جامعه تعلیمات اسلامی» پیوست. پس از کودتای ۲۸ مرداد از نیروی هوایی اخراج شد. سپس به دانش‌سرای عالی راه یافت و موفق به دریافت مدرک لیسانس شد و به کسوت معلمی درآمد. در اردیبهشت ۱۳۴۵ بازداشت و بعد از پنجاه روز از زندان آزاد شد. در آذرماه ۱۳۵۳ مجدداً دستگیر شد و تا آبان ۱۳۵۷ در زندان به سر برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شد. سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری که توسط یکی از افراد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) انجام شده بود، به شهادت رسید.

انتخاب نخست‌وزیر و اوج‌گیری اختلاف‌ها

نخستین مرحله اختلاف بین دو جریان مورد اشاره، در انتخاب نخست‌وزیر شدت گرفت. طبق قانون اساسی (اولیه و قبل از بازنگری)، رئیس‌جمهور بایستی فردی را جهت تصدی سمت نخست‌وزیری به مجلس شورای اسلامی معرفی کند و پس از رأی اعتماد نمایندگان مجلس، منصب او رسمیت و اعتبار می‌یافت. بنی‌صدر و گروهک‌های پشتیبان او برای تحمیل کردن فرد موردنظر خود

۱. ن. ک: محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۶۷.

۲. ن. ک: مهاجری، همان، صص ۲۳۵-۲۴۰؛ محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

به مجلس، اقدام به هياهو و جوسازی گسترده کردند، اما به دلیل ایستادگی نمایندگان مجلس، سرانجام رئیس جمهور مجبور شد، محمدعلی رجایی را که مورد اعتماد مجلس بود معرفی کند و با رأی قاطع نمایندگان، رجایی نخست‌وزیر شد.

انقلاب فرهنگی

در این دوره بحران زده، دانشگاه‌ها محلّ مجادلات و درگیری‌های سیاسی شده بود زیرا گروه‌های سیاسی، کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و حتی برخی از دبیرستان‌های بزرگ را به دفترهای گروهی خود تبدیل کرده بودند. ضمن نگهداری اسلحه و وسایل و تجهیزات نظامی در آنها، تشنج آفرینی‌های خیابانی و آشوب را در اقصا نقاط کشور هدایت می‌کردند.^۱ به همین دلیل در اردیبهشت سال ۱۳۵۹، شورای انقلاب، به پیشنهاد دانشجویان مسلمان، دانشگاه‌ها را موقتاً تعطیل کرد تا به مدیریت آنها نظم و سازماندهی بدهد. در تاریخ انقلاب، پاک‌سازی گروه‌های مُعاند که در مراکز دانشگاهی نفوذ کرده بودند و همچنین ایجاد تحوّل در درس‌های آموزش عالی، با عنوان «انقلاب فرهنگی» شناخته می‌شود.^۲

برکناری بنی‌صدر

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، توطئه‌ای سنگین تراز اختلاف‌های داخلی، یعنی جنگ تحمیلی، با حمله عراق به ایران آغاز شد. این کشمکش‌ها، بر روحیه رزمندگان اسلام در جبهه‌ها تأثیری مخرب نهاده بود. بنی‌صدر که فرماندهی کلّ قوا را نیز بر عهده داشت، سبب بسیاری از ناهماهنگی‌ها در جنگ بود، که در درس آینده، با آنها بیشتر آشنا خواهید شد.

وقتی اختلاف‌ها به مرحله‌ای رسید که امکانی برای اصلاح باقی نماند، و اساس اسلام و انقلاب در خطر قرار گرفت، امام در بیستم خرداد ۱۳۶۰، طی حکمی، بنی‌صدر را از فرماندهی کلّ قوا عزل کرد. به دلیل کج‌روی و احساس مسئولیت نکردن بنی‌صدر در شرایط حسّاس و خطیر کشور، مجلس شورای اسلامی، مطابق قانون اساسی^۳، با اکثریت آرا به عدم صلاحیت بنی‌صدر برای ادامه مسئولیت ریاست جمهوری رأی داد.^۴ این رأی به تأیید امام نیز رسید و با پشتیبانی قاطبه مردم ایران روبه‌رو

۱. مهاجری، همان، ص ۱۹۴.

۲. ن. ک: انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و پیامدها، ص ۱۸۳.

۳. به موجب بند ۵ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر پس از رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و یا پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی، او را از سمت ریاست جمهوری عزل می‌کند.

۴. مهاجری، همان، ص ۲۳۹.

شد. پس از این رویداد تاریخی، مردم همان گونه که هنگام فرار شاه از ایران شادمان بودند، به خیابان‌ها ریختند و ابراز شادی کردند.^۱

ترور شخصیت‌های طراز اول کشور

ترور رهبران نهضت‌های ضد استعماری و استقلال طلبانه، در تاریخ معاصر جهان سابقه‌ای طولانی دارد و یکی از شناخته شده‌ترین شیوه‌های خشونت آمیز برای مهار انقلاب‌ها به‌شمار می‌رود. این شیوه زمانی به کار می‌رود که راه‌های دیگر برای به‌سازش کشیدن رهبران انقلاب اثربخش نباشند. در انقلاب اسلامی ایران، «ترور شخصیت»، از همان روزهای اول شکل گرفت.

ترور فیزیکی در فاصله کوتاهی از عمر انقلاب آغاز شد و دو مرحله داشت. مرحله اول آن از ابتدای سال ۱۳۵۸ آغاز شد: در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، تیمسار قرنی، اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساندند. در شامگاه یازدهم اردیبهشت ماه همان سال، رئیس شورای انقلاب، علامه شهید، آیت‌الله مرتضی مطهری، که پس از امام، دارای بالاترین موقعیت دینی، سیاسی و فرهنگی کشور بود و از نظر علمی نیز موقعیت بسیار ممتازی در میان علمای زمان خویش داشت و از نظریه پردازان بسیار ارزشمند انقلاب اسلامی به‌شمار



شهید دکتر محمد مفتاح

می‌رفت، به شهادت رسید. استاد مطهری از معماران و استوانه‌های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بود که منشأ خدمات ارزشمندی برای اسلام و ایران شد. در چهارم شهریور همین سال، حاج مهدی عراقی، یکی از چهره‌های شاخص انقلابی، و فرزندش به شهادت رسیدند. مدتی بعد، آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز، و در آذرماه، دکتر محمد مفتاح، استاد دانشگاه الهیات تهران و یکی از علمای برجسته انقلابی، به شهادت رسیدند. این ترورها عمدتاً توسط گروهک چپ التقاطی «فرقان» انجام می‌گرفت.^۲ با دستگیری اعضای اصلی فرقان در دی ماه ۱۳۵۸، این مرحله از ترورها خاتمه یافت.

۱. ن. ک: محمدی، همان، صص ۱۸۹-۱۹۲.

۲. مهاجری، همان، ص ۲۲۴.

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)



مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در فرمان خراسان چشم به جهان گشود. مقدمات علوم اسلامی را در شهر مشهد گذراند. در سال ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیل به قم رفت و مراتب عالی علوم حوزوی را نزد استادانی چون: آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی و علامه محمد حسین طباطبایی، طی کرد.

استاد مطهری با آغاز به تدریس در دانشگاه، نقشی عمده در نزدیک کردن اندیشه‌های حوزوی و دانشگاهی ایفا کرد. وی بیست و دو سال استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود.

آیت الله مطهری یکی از نظریه پردازان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. وی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به همراه گروه زیادی از روحانیون، دستگیر و زندانی شد.

در سال ۱۳۵۶، رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، آیت الله مطهری یکی از اعضای اصلی شورای انقلاب شد. آثار استاد جزو منابع برطرفدار در شناخت اسلام و مبانی آن در ایران و سایر کشورهای اسلامی است.

آیت الله مطهری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸، به وسیله گروهبان «فرقان» ترور شد و به شهادت رسید.

مرحله دوم ترور، ابعادی وسیع تر داشت. بسیاری از ترورها، توسط سازمان مجاهدین خلق انجام گرفت و در فاصله ای کوتاه، عده ای قابل توجه از برجسته ترین مسئولان و شخصیت های مملکتی به شهادت رسیدند. این حرکت که به نوعی به کودتا شباهت داشت، پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری آغاز شد. واضح بود که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، در اثر از دست دادن تکیه گاه اصلی خود (بنی صدر)، این شیوه خسونت آمیز را در پیش گرفته بودند.^۱ اولین ترور، در ششم تیرماه ۱۳۶۰، یعنی شش روز پس از عزل بنی صدر، متوجه آیت الله سید علی خامنه ای شد و او را به شدت مجروح ساخت. روز بعد از این حادثه یعنی در هفتم تیرماه بر اثر انفجار بمب در محل دفتر حزب جمهوری اسلامی، بیش از هفتاد نفر از نمایندگان مجلس، وزیران و دولتمردان انقلابی که نقشی

۱. مهاجری، همان، صص ۲۴۰-۲۴۲.

برجسته در تدوین قانون اساسی و هدایت انقلاب در مسیر اصلی خویش ایفا کرده بودند، به شهادت رسیدند. دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در رأس این گروه قرار داشت.

این اقدام به تنهایی می‌توانست نظام اسلامی را به سقوط بکشاند. در تاریخ ترورهای جهان معاصر، چنین واقعه‌ای کم‌نظیر است، اما قدرت رهبری امام و نقش برجسته مردم، دو عامل اصلی حفظ نظام در گرداب این حادثه سهمناک بودند. بی‌تردید برای مردم ایران، تحمل چنین حادثه سهمگینی جز در سایه برخورداری از فرهنگ اسلامی و تاسی به سرور شهیدان، امام حسین (ع) که روز عاشورا ۷۲ تن از یارانش شربت شهادت نوشیدند، امکان‌پذیر نبود. از آن پس، در پی هر ترور، تروری دیگر انجام می‌شد و یاران انقلاب، یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند. با وجود این، مردم و مسئولان حکومت با صبر و استواری و شجاعت، حضور خود را در صحنه ادامه دادند. به دنبال بمب‌گذاری سازمان مجاهدین خلق در محل تشکیل هیئت دولت در هشتم شهریور ۱۳۶۰، آقایان رجایی و دکتر باهنر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، به شهادت رسیدند.

برگی از تاریخ

شهید دکتر محمد جواد باهنر (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)



محمدجواد باهنر، در سال ۱۳۱۲، در کرمان متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد مرحوم مجاهدی و سلطانی و درس‌های خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌الله بروجردی و امام خمینی گذرانید. مدت شش سال نیز فلسفه را در محضر آیت‌الله طباطبایی فراگرفت. سپس فوق لیسانس علوم تربیتی و دکترای الهیات را از دانشگاه تهران گرفت. در اواخر سال ۴۲ دستگیر و مدت چهار ماه در زندان به سر برد. در سال ۱۳۴۳ به دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش راه یافت و به تألیف کتب درسی دینی پرداخت، اما پس از مدتی برکنار شد. پس از پیروزی انقلاب، از جمله بنیان‌گذاران حزب جمهوری اسلامی بود. مدتی وزیر آموزش و پرورش و سپس نخست‌وزیر شد و سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسید.

پس از این حادثه، سران ضد انقلاب در خارج از کشور اظهار امیدواری کردند که به زودی بتوانند به ایران برگردند و حکومت دلخواه خود را بر سر کار آورند. بنی صدر طی پیامی از ارتشیان



شهید آیت الله دستغیب

خواست تا به افسران فراری خارج از کشور بپیوندند. اما این قتل‌های ناجوانمردانه، مردم را در عزم خویش استوارتر می‌ساخت. ترورهای پی‌درپی منافقین، تنها شخصیت‌های بلندپایه کشور را دربر نمی‌گرفت، آنها فقط در عرض یک ماه، ۳۷۰ نفر زن، مرد و حتی کودک را آماج حملات خود قرار دادند. برای ایجاد رعب و وحشت، بسیاری از ترورها مقابل چشمان سایر اعضای خانواده انجام می‌شد. تروریست‌ها حتی در مساجد و کانون‌های دینی و مصلاهای نماز جمعه، به انفجار بمب و ترور ائمه جمعه و جماعات اقدام می‌کردند. شهدای محراب، آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در شیراز، آیت‌الله مدنی در تبریز، آیت‌الله صدوقی در یزد، آیت‌الله اشرفی اصفهانی در کرمانشاه و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد، دانشمند و روحانی مؤثر مشهد، از این جمله بودند. ترور این دانشمندان و حتی عالمانی از روحانیان اهل سنت، نشانگر این بود که دشمنان انقلاب بیش از هر چیز، از اندیشه متفکران اسلامی بیمناک‌اند.

بیشتر بدانید

درباره برداشت دوگانه زمامداران کاخ سفید از تروریسم خانم فلور الوئیز، نویسنده آمریکایی، درباره مفهوم تروریسم از نظر زمامداران کاخ سفید در سال ۱۹۸۶ م. چنین می‌نویسد: «برداشت ما از مفهوم تروریسم این است که اگر کسی در برابر ادعاهای ما قد بلند کند، تروریست بالفطره است و چنین آدمی وقتی مورد حمله ما قرار گیرد، باید به حقانیت این حمله، بسان یک کیفر آسمانی اذعان کند. حمله ما به چنین فردی، شامل قوانین مربوط به جنگ نمی‌شود. زیرا این کار ما جنگ نیست، بلکه نوعی «جهاد مقدس صلیبی» است. بنابراین به عقیده [زمامداران] آمریکا، تروریست کسی است که در مقابل حمله ما از خود دفاع کند.»^۱

در یک جمع بندی کلی، دشمنان انقلاب با حمایت آمریکا برای به سقوط کشاندن انقلاب اسلامی، به اقدام‌های زیر دست زدند:

۱. تقویت و تشویق گروهک‌های ضد انقلاب که جو سیاسی-اجتماعی کشور را کاملاً آشفته و

بحرانی ساخته بودند.

۲. به وجود آوردن آشوب‌های استانی در قالب حرکت‌های قومی؛ سران آشوب‌ها با گروهک‌ها

۱. روزنامه «نیویورک تایمز»، ۳۲ فوریه ۱۹۸۶.

به یکدیگر مرتبط بودند و آشوب سراسری را همچون زنجیره‌ای به هم وصل می‌کردند.

۳. ایجاد اختلاف در ارکان اصلی نظام.

۴. ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب؛ گستره این توطئه بسیار وسیع بود و مردم بی‌بوسته نظاره‌گر

شهادت افراد صاحب‌نام انقلاب بودند.

۵. جوسازی و ایجاد جنگ روانی، و ایجاد رعب و وحشت بین مردم همراه با تبلیغ‌های وسیع

از شبکه‌های سراسری خبری و مطبوعاتی.

۶. حمله نظامی آمریکا به ایران؛ زمامداران آمریکا پس از تسخیر سفارت این کشور در تهران،

برای رهایی از این بحران و نمایش اقتدار خود، تصمیم گرفتند به بهانه نجات گروگان‌ها به عملیات

تلافی جویانه‌ای دست بزنند. این عملیات که با ۹۰ کماندو از میان نیروهای مختلف آمریکایی، با هشت

چرخ بال نیروی دریایی و شش هواپیما انجام شد، از ماه‌ها پیش طراحی شده بود و پس از آزمایش‌های

طولانی به اجرا درآمد.

بیشتر بدانید

برژینسکی که از طراحان اصلی تجاوز به طیس بود، در کتاب خود می‌نویسد: «از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به عملیات نظامی علیه ایران می‌اندیشیدم ... در جریان روزهای قبل از آغاز عملیات، ما سعی کردیم با اقداماتی در جهت آغاز مذاکرات تازه با ایرانی‌ها، آنها را اغفال کنیم ... طبق پیشنهاد من، عملیات با تدارک عملیات تلافی جویانه‌ای هم همراه بود...»^۱

طبق محاسبات نظامی آمریکا، عملیات با دقت فراوان محاسبه شده بود. حتی براساس پیش‌بینی‌های

علمی اداره هواشناسی آمریکا، در شب عملیات، هوای کویر ایران مهتابی بود.^۲ مهاجمان وارد حریم هوایی

ایران شدند و در کویر «طیس» در تاریکی شب فرود آمدند و طبق برنامه از پیش تعیین شده، چرخ‌بال‌ها

و هواپیماها برای اجرای مرحله بعدی عملیات اقدام به سوخت‌گیری کردند. یکی از چرخ‌بال‌ها دچار

نقص فنی شد. فرمانده عملیات تصمیم گرفت وضعیت را به کاخ سفید گزارش دهد. اما برای هرگونه

تصمیم دیگر، زمان کافی نداشت، زیرا توفان شن آغاز شده و آنها را دچار حیرت کرده بود. در اثر

برخورد یک هواپیما با یک چرخ‌بال، هردو منهدم شدند و هشت تن از متجاوزان در آتش سوختند و

سایرین فوراً منطقه را ترک کردند. تنها لطف الهی و امداد غیبی بود که توانست ایران را از تهاجم و

۱. برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۹۶.

۲. روزها و رویدادها، ج ۱، ص ۲۵۴.



توطئه‌ای حتمی نجات دهد.^۱

۷. طراحی کودتا؛ پس از ناکامی در حمله نظامی به ایران، دشمنان انقلاب تصمیم به اجرای کودتا گرفتند تا از طریق اشغال و یا بمباران مراکز مهم کشور، از جمله قم، تهران و اقامتگاه امام، تکلیف انقلاب را یکسره کنند. عاملان این کودتا که به «کودتای نُوزه» معروف است، بنا بود در بیستم تیرماه ۱۳۵۹ از پایگاه هوایی شهید نُوزه همدان، عملیات خود را آغاز کنند و با ساقط کردن نظام، حکومتی به اصطلاح سوسیال-دمکرات را در ایران برقرار سازند. کودتاجیان برنامه‌های خود را با سازمان «سیا» نیز هماهنگ ساخته بودند و به آنان در مورد حفظ بنی صدر نیز توصیه شده بود. ولی این کودتا نیز با نفوذ نیروهای مؤمن و وطن‌خواه انقلاب در درون کودتاجیان، هوشیاری نظام نوپای انقلابی و از همه بالاتر لطف الهی، شکست خورد و کودتاجیان دستگیر شدند و به سزای خود رسیدند.

۸. مخالفت با دستیابی ایران به فتاوری هسته‌ای صلح‌آمیز؛ یکی از دسیسه‌های آمریکا و برخی کشورهای استعماری بر ضد انقلاب اسلامی، تلاش برای جلوگیری از دست یافتن ایران به دانش هسته‌ای صلح‌آمیز در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.^۲ این کشورها می‌خواهند دانش ارزشمند هسته‌ای در انحصار کامل خودشان باشد و دیگر کشورها به آن دسترسی نداشته باشند. به همین دلیل، با وجود عضویت ایران در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.بی.تی) و نظارت

۱. برای اطلاع بیشتر ن. ک: جردن، بحران، صص ۳۱۷-۳۵۲؛ استمیل، همان، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

۲. انصراف کشورهای آلمان و ژاپن از اجرای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در همین جهت بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا و هم‌پیمانانش برای توقف و تعطیلی برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کوشش کرده‌اند. این در حالی است که آمریکا چند هزار بمب اتمی در اختیار دارد و در اواخر جنگ جهانی دوم با بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، هزاران انسان بی‌گناه را به کام مرگ کشاند.

پرسش‌های نمونه

۱. در دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر، بین جریان اصولگرا (انقلابی و حزب‌الله) و جریان لیبرال و چپ، چه اختلاف‌هایی بروز کرد؟
۲. سه مورد از مهم‌ترین اقدامات تروریستی سازمان مجاهدین خلق را در سال ۱۳۶۰ بنویسید.
۳. انقلاب فرهنگی در چه شرایطی و با چه هدفی انجام شد؟
۴. بنی‌صدر چرا و چگونه از ریاست جمهوری عزل شد؟
۵. علت مخالفت دولت آمریکا و برخی کشورهای استعماری با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران چیست؟

اندیشه و جست و جو

– در مورد آزادی‌گروگان‌های آمریکایی مطلبی تهیه کنید.



جنگ تحمیلی رژیم بعثی حاکم بر عراق علیه ایران

سی و یکم شهریور ۱۳۵۹، درحالی که مردم ایران به زندگی عادی خود مشغول بودند، یک باره هواپیماهای نظامی ارتش بعثی عراق در آسمان چند شهر ایران از جمله تهران ظاهر شدند و به بمباران مناطقی از آنها پرداختند. بدین ترتیب جنگ عراق علیه ایران به طور رسمی شروع شد. طولی نکشید که نیروهای زمینی عراق نیز مرزهای غربی و جنوبی ایران را مورد حمله همه جانبه قرار دادند. این درحالی بود که مردم و مسئولان ایران، به دلیل اشتغالات داخلی پس از انقلاب، برای مواجهه با لشکرکشی عراق، از آمادگی کافی برخوردار نبودند. با این حال، امام خمینی با صدور اعلامیه‌ای شجاعانه، تکلیف همگان را در برابر تجاوز دشمنان روشن ساختند. اکنون می‌خواهیم بدانیم، چرا صدام دست به تجاوز علیه ایران زده، و جنگ چه روندی را طی کرد و سرانجام چگونه پایان یافت.

سابقه دشمنی دولتمردان عراق با ایران، به سال‌ها قبل از انقلاب بازمی‌گردد. در دوران صفویان، دولت عثمانی به قصد کشورگشایی، ایران را آماج حمله‌های خود قرار داد. صفویان برای حفظ تمامیت ارضی ایران تا حد زیادی کوشیدند و مانع تجاوز دولت عثمانی به خاک ایران شدند.

پس از جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و در سال ۱۲۹۸ ش، از ترکیب سه استان بغداد، موصل و بصره، کشوری به نام «عراق» تأسیس شد که زیر سلطه مستقیم انگلستان قرار گرفت. سردمداران عراق نیز مثل پیشینیان خود، همواره نسبت به بخش‌های غربی ایران ادعاهای واهی داشتند. تا آنجا که در سال ۱۳۳۸ ش عبدالکریم قاسم، رئیس جمهور عراق، ادعا کرد خرمشهر قسمتی از خاک عراق است. حتی پس از آن، ارتش بعثی عراق در قسمت‌های مرزی، به تجاوز به خاک ایران دست زد. در پی آن، موضوع در سازمان ملل مطرح شد و در نهایت با وساطت رئیس‌جمهور وقت الجزایر، «عهدنامه الجزایر» در سال ۱۳۵۴ ش بین ایران و عراق به امضا رسید.

۱. براساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مرزهای زمینی مطابق قرارداد ۱۹۱۳ قسطنطنیه (استانبول) تأیید و مرز آبی در اروندرود براساس

خط القعر یا تالوگ (Thalweg) مشخص شد.

بیشتر بدانید

خلیج فارس نامی به درازای تاریخ ایران

نام خلیج فارس یکی از کهن‌ترین نام‌های جغرافیایی گیتی است که چندین هزار سال پیش توسط اقوام آریایی ساکن ایران به پهنه‌آبی نیلگون جنوب فلات ایران داده شد. خلیج فارس در طول تاریخ همواره در حوزه جغرافیای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران قرار داشته است. علاوه بر مورخان و جغرافی‌دانان یونانی و رومی، نویسندگان عرب کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی نیز همواره عنوان خلیج فارس را به کار برده‌اند. تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه بحث و جدلی درباره نام خلیج فارس وجود نداشت و در تمام منابع اروپایی، آسیایی و آمریکایی، دانشنامه‌ها و نقشه‌های جغرافیایی عنوان خلیج فارس درج شده است. نخستین بار نمایندگان سیاسی دولت انگلستان در شیخ نشین‌های تحت قیمومت خود در خلیج فارس از عنوان جعلی خلیج ع - ر - ب - ی استفاده کردند. آنها با فریب کاری و براساس مطامع استعماری خود این نام جعلی را به اعراب آموختند. یکی از اهداف صدام از تحمیل جنگ بر ایران، محدود کردن نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران و توسعه روابط بین‌الملل با کشورهای این منطقه بود.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تضعیف ارتش و نیروهای مسلح و بروز بحران‌های داخلی، رژیم بعثی عراق تصور کرد که زمینه خوبی برای تجاوز به میهن ما فراهم شده است و به دلیل وقوع انقلاب، کشور آمادگی رویارویی با جنگ خارجی را ندارد. همانند تمام انقلاب‌های جهان، شرایط ویژه پس از انقلاب، حکومت اسلامی را با مسائل و مشکلات زیادی مواجه ساخته بود. به همین دلیل سردمداران رژیم بعثی عراق گمان می‌کردند با حمله همه‌جانبه به ایران می‌توانند، در کمترین زمان ممکن، به اهداف از پیش تعیین شده خود برسند. آنها در حمله علیه ایران، از حمایت مادی و معنوی برخی کشورهای عربی و نیز قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، فرانسه، انگلیس و شوروی سابق برخوردار بودند. در تمام طول سال‌های جنگ نیز میزان حمایت‌هایی که از صدام می‌شد، رو به افزایش گذاشت؛ چنانکه صدام از پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی روز دنیا، حتی سلاح‌های ممنوعه شیمیایی نیز برخوردار شد و همه آنها را علیه ملت ایران به کار برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قدرت‌های بزرگ و برخی از کشورهای منطقه، در جنگ تحمیلی، به شدت از رژیم متجاوز صدام حمایت می‌کردند؟

۱. ن. ک: غفریان، خلیج فارس، ص ۹۵ به بعد.

بنابراین رژیم متجاوز بعثی عراق با پشت گرمی و حمایت کشورهای دیگر، به تهاجمی همه جانبه علیه ایران دست زد. از آنجا که ایران هنوز آمادگی کافی برای مواجهه با جنگی بزرگ را نداشت، نیروهای زمینی صدام موفق شدند به سرعت از مرزها بگذرند و با کشتار مردم بی گناه و اسارت آنها، بخش هایی از مناطق غربی و جنوبی کشور را اشغال کنند. ارتش بعثی صدام قسمت هایی از استان های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خوزستان را به اشغال خود درآورد؛ خرمشهر به اشغال آنها درآمد و شهر آبادان نیز محاصره شد. صدام به علت نداشتن درک صحیح از میهن دوستی ایرانیان و علاقه مردم به انقلاب و کشور، اعلام کرده بود که طی شش روز جمهوری اسلامی را نابود خواهد کرد!



ایرانیان بسیج می شوند

در چنین اوضاعی، امام خمینی با اعتماد به نفسی که از ایمان و شجاعت او ناشی بود، از مردم خواست تا در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کنند و فرمان داد مردم به خصوص جوانان، آماده رویارویی



با دشمن شوند. به فاصله ای کوتاه و به شکلی خودجوش، پیر و جوان به مراکز سپاه پاسداران روی آوردند و داوطلبانه به جبهه های جنگ اعزام شدند. مساجد نیز به مراکز مهم جمع آوری لوازم و کمک های مردمی تبدیل شدند. زنان شیردل ایرانی نیز از هیچ کوششی برای

کمک به دفاع ملی دریغ نورزیدند. پس از چند هفته، دشمن متجاوز دریافت که خیال تصرف ایران، خام



ورودی شهر خرمشهر در زمان جنگ تحمیلی

و ناپخته بوده است. بیروزی‌های پی‌درپی ایران در جبهه‌های جنگ، به تقویت وحدت ملی در کشور انجامید. با همت غیور مردان ایران، آبادان از محاصره خارج و خرمشهر آزاد شد. دیری نگذشت که دشمن متجاوز در بقیه نقاط مرزی نیز تن به شکست‌های بزرگی داد.^۱ با شکست‌های پی‌درپی نیروهای متجاوز عراقی در صحنه‌های جنگ، برخی دولت‌های عربی و غربی، به میزان کمک‌های آشکار و پنهان خود به عراق، افزودند.

برگی از تاریخ

شهید دکتر مصطفی چمران

(۱۳۱۱-۱۳۶۰ ش)



شهید چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد و پس از طی دوران متوسطه و تحصیلات دانشگاهی در رشته الکترومکانیک دانشکده فنی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل به آمریکا اعزام و از دانشگاه برکلی موفق به دریافت دکترا در رشته الکترومکانیک و فیزیک پلاسما شد. چمران که در دوران تحصیل در آمریکا، وارد مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی شده بود، پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به مصر رفت و دوره جنگ‌های چریکی را آموزش دید. سپس در لبنان، در کنار امام موسی صدر، به

۱. در دفاع مقدس هموطنان ما از اقلیت‌های دینی نیز مشارکت داشتند و شهیدانی تقدیم این مرز و بوم کردند.

تقویت شیعیان جنوب لبنان در مقابل رژیم اشغالگر قدس پرداخت. وی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و اولین گروه از پاسداران انقلاب را آموزش داد. پس از آن نیز مدتی پست وزارت دفاع را برعهده گرفت. با آغاز جنگ تحمیلی، ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد و فعالانه در جبهه‌های جنگ شرکت کرد. سرانجام در سی و یکم خرداد ۱۳۶۰ در منطقه دهلاویه به شهادت رسید.

صدام و حامیانش در جست‌وجوی چاره

در حالی که نیروهای ایرانی، پی‌درپی متجاوزان بعثی را عقب می‌راندند، صدام ندای صلح خواهی و مظلوم‌نمایی سر داد. او اعلام کرد که آماده صلح با ایران است. سازمان ملل متحد نیز که باید از همان آغاز حمله صدام، اقدام او را محکوم می‌کرد، اما تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، از این کار طفره می‌رفت، اکنون با او هم صدا شده بود و طرفین را به آتش بس — و نه عقب‌نشینی عراقی‌ها به مرزها — دعوت می‌کرد. دولتمردان ایران نمی‌توانستند چنین پیشنهادی را بپذیرند، زیرا هنوز بخش‌های زیادی از خاک ایران در تصرف متجاوزان بعثی بود و قبول آتش بس موجب تثبیت حضور آنان در خاک ایران می‌شد. به علاوه، آنان می‌دانستند که صدام در صدد است طی آتش بس، فرصتی به دست آورد تا به تجدید قوا و بازسازی نیروهای خود بپردازد. از طرف دیگر، صدام طی حمله به ایران، هزاران نفر از ایرانیان را قتل‌عام و خانواده‌های زیادی را داغ‌دار کرده بود. پس باید به عنوان آغازگر جنگ، محکوم و تنبیه می‌شد. در غیر این صورت ممکن بود، با تحریک سلطه‌جویان غربی نظیر آمریکا که به خاطر انقلاب، منافع نامشروع خویش را در ایران از دست داده بودند، از مرز دیگری ایران را مورد تجاوز قرار دهند. در آن صورت ممکن بود، مانند سال‌های جنگ‌های اول و دوم جهانی که به بهانه هجوم نیروهای انگلیسی از جنوب، روس‌ها هم از شمال حمله می‌کردند، شوروی‌ها هم به بهانه حفظ امنیت مرزهای جنوبی خود، شمال ایران را تصرف کنند. براساس بعضی گزارش‌ها، پس از حمله صدام به ایران، یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی پیشنهاد کرده بود که شوروی نیز آذربایجان و کردستان ایران را تصرف کند.

حمله موشکی عراق به شهرهای ایران

هنگامی که صدام با مقاومت مردم ایران مواجه شد و پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ، روزبه‌روز او را نگران‌تر ساخت، به جنایت‌های تازه‌ای دست زد. او شهرهای بی‌دفاع را مورد

هجوم قرار داد. حملهٔ موشکی به شهرها با هدف شکستن روحیهٔ مقاومت مردم ایران آغاز شد. برخورد نخستین موشک دشمن به تهران در ۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزلهٔ آغاز مرحلهٔ جدیدی از حملات نیروهای صدام به مردم بی‌دفاع و اماکن غیرنظامی ایران بود. شهر دزفول بیش از ۲۰۰ بار مورد اصابت موشک‌های غول‌پیکر قرار گرفت. علاوه بر این، دزفول بیش از ۵۰۰۰ بار توسط هواپیما، راکت و توپخانهٔ دشمن بمباران شد. با وجود این، مردم مقاوم دزفول دلیرانه در برابر تجاوز دشمن ایستادگی کردند. مردم استان خوزستان و استان‌های مرزی ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان‌های غربی و شرقی و سایر استان‌ها، در طول هشت سال دفاع مقدس، با رشادت و ایثار از خاک میهن اسلامی حفاظت کردند.

علاوه بر این، رژیم بعثی عراق در جنگ روانی، با طرح شایعهٔ استفاده از سلاح‌های شیمیایی در شهرهای بزرگ ایران، می‌کوشید تا هستهٔ مرکزی دفاعی و قدرت جمهوری اسلامی ایران را که حمایت‌های مردمی بود، کاهش دهد.

در طول مدت جنگ شهرها، ارتش عراق موشک‌های دوربرد بسیاری به شهرهای ایران پرتاب کرد.^۱ به علاوه، استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ را در پیش گرفت. در چنین شرایطی، آمریکا رسماً به کمک نیروهای صدام آمد. اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس و هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران در تیرماه ۱۳۶۷، از جمله اقدامات ناجوانمردانهٔ آمریکایی‌ها بود.



دزفول در پی یکی از حملات موشکی

۱. کشورهای غربی و شوروی در تهیهٔ انواع موشک‌های پیشرفته، به رژیم عراق کمک کردند. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،

سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۵، صص ۳۶ و ۳۷.

شهید علی صیاد شیرازی (۱۳۲۳ - ۱۳۷۸ ش)



امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در کبود گنبد مشهد در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش فردی نظامی بود، به همین دلیل از شهری به شهری منتقل می‌شد. علی سال ششم متوسطه را در تهران گذراند و در ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم شد. در سال ۱۳۴۳ در کنکور دانشکده افسری شرکت کرد و پذیرفته شد. او همواره به عنوان فردی مذهبی شناخته می‌شد. با اوج‌گیری مبارزات ملت مسلمان، علناً به دفاع از انقلاب پرداخت و به همین دلیل، دستگیر و زندانی شد. با پیروزی انقلاب، او نیز مانند سایر زندانیان آزاد شد. در جریان حوادث کردستان، به غرب

کشور اعزام شد و همراه با سایر فرماندهان سپاه و ارتش، سنجند را از محاصره ضدانقلاب آزاد کرد. علی در سال ۱۳۶۰، به خاطر رشادت‌ها و لیاقت‌های خود، توسط امام خمینی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد. او ضمن هماهنگی با فرماندهان سپاه، در عملیات بسیاری شرکت کرد و پیروزی‌های بزرگی را برای ایران اسلامی به ارمغان آورد.

در سال ۱۳۷۸ به درجه سرلشکری رسید و به فاصله کوتاهی، توسط یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که در جریان جنگ تحمیلی، ستاد خود را در خاک عراق و تحت حمایت صدام ایجاد کرده بودند، ترور شد و در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به شهادت رسید.

قطعه نامه ۵۹۸

در عرصه سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه نوپای جمهوری اسلامی با اقدام‌های روشنگرانه خود، به تدریج متجاوز بودن دولت حاکم بر عراق را به دنیا قبولاند. در قطعه نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تابستان ۱۳۶۶ ش/ ۱۹۸۷ م، به تصویب رسیده بود، برای نخستین بار پس از ۷ سال از شروع جنگ، دو خواسته ایران مورد توجه قرار گرفت: عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی پس از آتش‌بس و تعیین متجاوز. در نتیجه، ایران قطعه نامه را پذیرفت.

مذاکرات ایران و عراق بین وزرای خارجه دو کشور شروع شد و قریب دو سال به درازا کشید. سرانجام در پی ایستادگی هیئت مذاکره کننده ایرانی در حفظ حقوق ایران در اروندرود، و پافشاری بر اجرای قرارداد مرزی سال ۱۹۷۵ م، مذاکرات با پیروزی ایران به پایان رسید. رئیس جمهور رژیم بعثی عراق طی نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور وقت ایران حجت الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی،

به اعتبار قرارداد سال ۱۹۷۵م (الجزایر) صحه گذاشت و خطِ تالوگ در اروندرود، به عنوان مرز آبی دو کشور تثبیت شد؛ درحالی که هدف اصلی صدام در حمله به ایران، به هم زدن این قرارداد و تصرف کل اروندرود بود.^۱ و این اولین بار در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران بود که به دنبال جنگ با کشوری خارجی، حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد.^۲

ارتحال امام خمینی و رهبری آیت الله خامنه‌ای

روح بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، در شب چهاردهم خردادماه سال ۱۳۶۸ به ملکوت اعلا پیوست. امام خمینی که در دوران حیات خود بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ معاصر را رهبری کرد و پرچم هویت، عزت و بیداری اسلامی را در جهان اسلام برافراشت، با رحلت خود انقلابی دیگر برپا کرد؛ میلیون‌ها دل بی‌قرار بر پیکر پاک او گرد آمدند^۳ و صدها میلیون نفر در سراسر جهان در غم او عزادار شدند.

بلافاصله پس از عروج ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری تشکیل جلسه داد و با اکثریت آراء حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را به دلیل داشتن شرایط و ویژگی‌های مندرج در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اجتهاد، عدالت، تقوا، پیش‌صحیح سیاسی و اجتماعی، درایت، تدبیر، شجاعت و توانمندی‌های مدیریتی لازم برای

۱. جهت آگاهی بیش‌تر ن. ک: ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

۲. در ابتدای حکومت قاجار، وسعت ایران قریب دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع بود که تا زمان انقلاب اسلامی قریب یک میلیون کیلومتر مربع از آن جدا شده بود. بخش مهمی از آن به دلیل جنگ‌های زمان قاجار و بخش‌های دیگری نظیر بحرین، آارات و اروندرود، زمان حکومت سلسله پهلوی، به دلیل وابستگی آنها به استعمار، به دستور دولت انگلیس از ایران جدا شد و به حکومت‌های وابسته به بریتانیا واگذار شدند. کسانی که از طولانی شدن جنگ به دلیل خودداری ایران از قبول صلح تحمیلی انتقاد می‌کنند، از این نکته غفلت دارند که تمام قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل به دلیل نفوذ حامیان صدام در شورای امنیت سازمان ملل که تحریک‌کنندگان او برای حمله به ایران به قصد نهایی ساقط کردن حکومت انقلابی و یا تجزیه ایران بودند، ناقص و علیه منافع ایران بود، زیرا در هیچ کدام عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر پیش‌بینی نشده بود و بعد از بازپس‌گیری خرمشهر از نیروهای صدام، هنوز هزاران کیلومتر از خاک وطن عزیز ما در اشغال دشمن بود. اگر ایران فقط آتش بس را می‌پذیرفت و جنگ متوقف می‌شد، اغلب نیروهای مدافع مرزهای ایران زمین، از داوطلبان غیرنظامی بودند که در آن صورت به خانه‌های خود برمی‌گشتند. درحالی که نیروهای جنگی ارتش بعثی عراق همگی نظامیان رسمی بودند که صدام با پول کشورهای عربی و اسلحه کشورهای غربی و شرقی ۱۲ لشکر خود را در طول جنگ به ۴۰ لشکر رسانیده بود و اگر جبهه‌ها سرد می‌شد، اهرمی در دست مذاکره‌کنندگان ما نبود تا نیروهای عراقی را که با خیال راحت در خاک ایران مستقر شده بودند، وادار به عقب‌نشینی کند و حتی ممکن بود حملات را ادامه دهند و بخش‌های بیشتری را تصرف کنند.

۳. در مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره) بالغ بر ده میلیون نفر شرکت کردند. کوثر، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ص ۵۳.



هدایت امت اسلام) به مقام رهبری برگزید. ایشان از آغاز مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، پیرو، همراه و هم‌رزم امام خمینی (رحمة الله علیه) بودند و در صحنه‌های مختلف مقابله با رژیم پهلوی حضور تأثیرگذاری داشتند؛ به همین سبب مکرر دستگیر، زندانی و تبعید شدند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در دوران جمهوری اسلامی و در شرایطی که کشور گرفتار توطئه‌های پیچیده دشمنان خارجی و ضدانقلاب داخلی و نیز جنگ تحمیلی بود، همواره یابوری بصیر و ثابت قدم برای انقلاب و حضرت امام (رحمة الله علیه) بودند و مسئولیت‌های خطیری را از جمله دو دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران

بر عهده گرفتند. خبرگان ملت بر اساس چنین ویژگی‌ها و سوابقی، ایشان را برای رهبری انقلاب اسلامی، صالح، شایسته و لایق تشخیص دادند.

این انتخاب سریع و قاطع با توجه به شناخت عمومی مردم ایران از کفایت و شایستگی ایشان، همچنین باعث شد که نگرانی مردم ایران و سایر علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی در سراسر جهان از فقدان امام خمینی، برطرف شود و نسبت به استمرار قدرتمندانه نظام جمهوری اسلامی، آرامش و اعتماد عمومی حاصل گردد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در اولین پیام‌ها و بیانات خود اعلام نمودند که هدف و راه امام خمینی را به دقت دنبال خواهیم کرد.^۱ به این ترتیب، مردم ایران که به رهبری امام، انقلاب اسلامی را شکل داده و با همه وجود از آن حراست کرده بودند، پس از رحلت امام با بیعت با آیت الله خامنه‌ای، بر استمرار و ادامه آن عملاً تأکید کردند.

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره ن. ک: حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، ج ۱، صص ۵ و ۲۲.

پرسش‌های نمونه

۱. چرا در ابتدای جنگ، ارتش صدام به پیشرفت‌های سریع در خاک ایران موفق شد؟
۲. نتیجه پیروزی‌های پی‌درپی ایران در جبهه‌های جنگ چه بود؟
۳. صدام چه موقع ندای صلح خواهی سرداد؟
۴. چرا در ابتدا ایران آتش‌بس را نمی‌پذیرفت؟

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد قرارداد الجزایر مطلبی تهیه کنید.
۲. خاطراتی از رشادت‌های رزمندگان در جبهه‌های جنگ گردآوری و در کلاس بیان کنید.



آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی

در این درس به طور خلاصه با آرمان‌ها، هدف‌ها، آثار و گوشه‌ای از نتیجه‌های انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، آشنا می‌شوید.

آرمان‌ها و هدف‌های انقلاب اسلامی

هر انقلابی آرمان‌ها و اهدافی دارد که کلیه فعالیت‌ها، مبارزه‌ها و ایثارگری‌های دوران قیام، به خاطر تحقق آنها شکل می‌گیرد و این تلاش‌ها با هدف حفظ آن آرمان‌ها و ارزش‌ها، پس از پیروزی نیز ادامه می‌یابد. همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندید، هدف‌های اصلی و عمده انقلاب، «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» بود که به عنوان محوری‌ترین شعار دوران مبارزه، توسط توده‌های میلیونی مردم مطرح می‌شد. به این ترتیب، هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف - استقلال

استقلال، نخستین آرمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که یکی از آرزوهای دیرین مردم ما در طول تاریخ، خاصه دو سده اخیر بود. تجربه تاریخی ایران و سایر جامعه‌هایی که روزگاری زیر سلطه و استعمار قدرت‌های بیگانه بوده‌اند، نشان می‌دهد، هیچ کشوری تا خود را از بند اسارت و سلطه بیگانگان نجات ندهد، به سعادت، تعالی و اقتدار نخواهد رسید.

استقلال ابعاد متفاوتی دارد؛ مانند استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی.

۱. استقلال فکری: استقلال فکری در هر کشور زمانی حاصل می‌شود که مردم باور کنند، بیگانگان بر آنان برتری ذاتی ندارند و آنها نیز با همت و پشتکار خود می‌توانند به سازندگی، پیشرفت، نوآوری و تعالی برسند. شرط تحقق استقلال فکری و فرهنگی ملت ایران، ایجاد نوعی تحوّل عمیق اندیشه‌ای و اعتقادی در آنان، و بازگشت به فرهنگ غنی اسلام و ایران است.

امام خمینی در اهمیت استقلال فکری گفته است: «استقلال فکری، شرط اول استقلال است».^۱



۲. استقلال سیاسی: استقلال سیاسی هر کشور که از جایگاهی بسیار مهم برخوردار است، به این معنی است که مدیران، مسئولان و سران کشور، در تعیین خط مشی و اجرای برنامه های کشور، تابع دستور بیگانگان و مداخله آنها نباشند.

۳. استقلال اقتصادی: به معنای نداشتن وابستگی در ابعاد گوناگون اقتصادی است. کشوری به استقلال اقتصادی می رسد که برای تأمین نیازهای اساسی جامعه اش، به دیگران وابسته نباشد. البته بدیهی است که هر کشور، در زمینه های گوناگون، به محصول های سایر کشورها نیاز دارد. بنابراین مبادله اقتصادی میان کشورها، به معنی فقدان استقلال اقتصادی نیست.

استقلال در همه ابعاد آن، یکی از اساسی ترین شعارها و خواسته های مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب بود و از آرمان های اصلی و مهم آن به شمار می رفت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا امام خمینی استقلال فکری را شرط اول استقلال مملکت معرفی کرده است؟

بیشتر بدانید

خانم اسکاج پُل که یکی از نظریه‌پردازان معروف مقایسهٔ انقلاب‌ها در روزگار ماست، در چارچوب مقایسه‌ای انقلاب‌های جهان می‌نویسد: «شاه ایران یک پادشاه مستبد بود و از دیگر پادشاهان رژی‌های فرانسه، روسیه و چین قبل از وقوع انقلاب در این کشورها بسیار قدرتمندتر بود، زیرا او ارتشی کاملاً مدرن و نوعی پلیس مخفی بی‌رحم و همه‌جا حاضر در اختیار داشت. براندازی چنین حاکمیتی که حمایت قدرت‌های استعماری جهان را نیز به همراه داشت، کار مشکل و سختی بود. از این رو، اهمیت و ارزش انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان نظیر فرانسه، روسیه و چین، کاملاً آشکار می‌شود. این عظمت را باید در قدرت رهبری انقلاب (امام خمینی)، ایدئولوژی انقلاب و مردم مسلمان ایران جست‌وجو کرد».^۱

ب- آزادی

استعدادهای نهفته در وجود انسان‌ها، در پرتو آزادی شکوفا می‌شود. آزادی و آزادگی، از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی است. این اصل، ریشه در تعلیم‌های اسلام دارد. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) نوشته است: «هرگز بردهٔ دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است».^۲

البته آزادی به مفهوم مطلق آن، نفی‌کنندهٔ برخی آزادی‌های اصیل فردی و اجتماعی دیگران و خود است؛ زیرا رهایی از هر گونه قید و بند و انجام اعمال خودسرانه، هرگز با منطقی و عقل سازگار نیست و عملاً، نتیجه‌ای جز سلب آزادی دیگران و بازداشتن انسان از رسیدن به تعالی و کمال ندارد. واژهٔ آزادی، همواره در کنار قانون و معنویت مفهوم و معنی می‌یابد. این نوع آزادی، مطابق عقل و فطرت الهی همهٔ انسان‌هاست. بنابراین، حکومتی که قانون‌های آن از دستورهای الهی سرچشمه گرفته باشند، تأمین‌کنندهٔ آزادی و آزادگی به مفهوم حقیقی آن است. در چنین نظامی، آزادی به حفظ مصلحت‌ها و منافع همگانی و رشد معنوی جامعه منجر می‌شود.

شعار محوری «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که آرمان‌بنیادی انقلاب اسلامی است، «آزادی» را در کنار «استقلال» و «جمهوری اسلامی» قرار داده است. این به معنای آن است که مردم ایران، خواهان آزادی در راستای تأمین استقلال و مطابق با قوانین متعالی و نجات‌بخش اسلام هستند.

۱. اسکاج پُل، حکومت تحصیل‌دار و اسلام تسبیح در انقلاب ایران، ص ۱۹۱؛ به نقل از: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی،

ص ۱۸۶.

۲. نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱.

ج - جمهوری اسلامی

یکی از رکن‌های مهم آرمانی انقلاب مردم ایران، «جمهوری اسلامی» است. جمهوری اسلامی از دو واژه «جمهوری» و «اسلامی» تشکیل شده است. جمهوری اسلامی یا حکومت «مردم سالاری دینی»، به آرای مردم و حاکمیت قانون‌های متعالی اسلام متکی است. امام خمینی در این باره گفته است: «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد»^۱. مطابق تعالیم اصیل شیعی، ولایت فقیه به عنوان هسته مرکزی و جوهر وجودی نظام جمهوری اسلامی، دارای مشروعیت الهی است که با مقبولیت مردمی تحقق و عینیت می‌یابد.

بدیهی است که آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، دامنه‌ای گسترده دارد. برپایی عدل و عدالت اجتماعی، دوری از هر گونه تبعیض و نابرابری، نفی ظلم و استبداد و ستم، قانون‌گرایی، توجه به مردم به‌ویژه محرومان جامعه، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی و مانند اینها، در زمره هدف‌های این انقلاب قرار دارند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با گذر از بحران‌های سالیان اولیه پس از پیروزی، دچار جنگی ناخواسته و تحمیلی شد که به مدت هشت سال، مردم و مسئولان و بیشتر امکانات کشور را به خود مشغول کرد. اگرچه تجربه و دستاوردهای دفاع مقدس نیز به نوبه خود بسیار ارزنده و کم‌نظیر است، اما علاوه بر آن، انقلاب اسلامی در مدت زمانی که از عمر آن می‌گذرد، آثار و نتیجه‌هایی عظیم و در مواردی شگفتی‌آور به همراه داشته است. این دستاوردها در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی قابل بررسی هستند:

الف) ابعاد سیاسی

اولین نتیجه انقلاب اسلامی در داخل کشور، تغییر رژیم وابسته و خودکامه شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آرا و خواست‌های مردم به جای آن بود. دستاورد دیگر انقلاب، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی است که ثمره دو قرن مبارزه بی‌گیر مردم مسلمان ایران علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است و میثاق ملی کشور محسوب می‌شود. از مهم‌ترین اصل‌های قانون اساسی، اصل «ولایت فقیه» است. این اصل مترقی، ضامن حفظ تمامیت

۱. آیین انقلاب اسلامی، ص ۱۸۲.

ارضی، حراست از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و منافع ملی مردم ایران و مانع مهمی در جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری و نفوذ بیگانه به‌شمار می‌رود.

افزایش مشارکت مردمی در امر حکومت، از دیگر دستاوردهای انقلاب است. مهم‌ترین شاخصه رسمی و قانونی مشارکت سیاسی مردم، حضور آنان در «انتخابات» گوناگون، مثل انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی شهرها و روستاها است که نظیر آن را به ندرت می‌توان در دیگر انقلاب‌های جهان مشاهده کرد.



استقلال سیاسی و کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و هزار فامیل‌ها از مقدرات کشور، از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی ایران است. همان‌طور که در درس‌های گذشته مطالعه کردید، انقلاب اسلامی ایران، برخلاف بسیاری از انقلاب‌های معاصر که با حمایت یکی از قدرت‌های شرق و غرب شکل گرفتند، تنها با اتکا به قدرت الهی و حمایت و پشتیبانی مردم، توانست استقلال سیاسی و حاکمیت ملی خود را به‌دست آورد. این موضوع به قدری افتخارآفرین و غرورآمیز است که بسیاری از اندیشمندان جهان، آن را از شاخصه‌های بی‌همتای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. انقلاب

اسلامی که خارج از دایره نفوذ بلوک‌های غرب و شرق به پیروزی رسید، خود به یک قطب در جهان اسلام مبتدل شد. کشوری که در گذشته، دست‌نشانده و تابع قدرت‌های غربی بود، امروز در جهان سیاست، به‌عنوان قدرتی مستقل و تأثیرگذار مطرح است.

مقاومت مردم ایران در برابر انواع توطئه‌های خارجی و عوامل داخلی استکبار جهانی، اُبّهت قدرت‌های غرب و شرق و سایر قدرت‌های سلطه‌گر بیگانه‌گر را درهم شکست. این مقاومت و تحول شگرف که در تاریخ ایران بی‌سابقه است، معلول تحوّل سیاسی جامعه ما و برخورداری از روحیه تسلیم‌ناپذیری و شهادت‌طلبی مردم ایران است.^۱

نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی که از ارکان سیاست خارجی است، از دستاوردهای مهم سیاسی انقلاب اسلامی است. در تاریخ معاصر ایران، کشور ما تا قبل از انقلاب، همواره تحت نفوذ و سلطه قدرت‌های بزرگ استعماری و بیگانه (روس، انگلیس و آمریکا) بوده است. علاوه بر آن، حفظ استقلال همه‌جانبه کشور و برقراری روابط صلح‌آمیز با دیگر کشورها، به‌جز کشورهای متخاصم و محارب، از دستاوردهای سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود. از نمودهای عینی این سیاست، قطع رابطه سریع با رژیم اشغالگر قدس و رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود.

بیشتر بدانید

با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت‌های محروم جهان، برای رهایی از جنگال حکومت‌های مستبد و وابسته به ابرقدرت‌ها، با الگو قرار دادن هدف‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، حرکت‌های رهایی‌بخشی را آغاز کردند. اوج این مبارزه‌ها، در کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه بود. انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود، دریچه‌های امید را به روی میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف در سراسر جهان گشود. حمایت بی‌دریغ مردم مسلمان ایران از مبارزان فلسطینی، به پیدایش نوعی رستاخیز اسلامی در مناطق اشغالی فلسطین، تحت عنوان انتفاضه، انجامید. جنبش رهایی‌بخش فلسطین که از طرح‌های سازشکارانه، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی، به بن‌بست رسیده بود، با الگو قرار دادن آرمان‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، به پیروزی‌های بزرگی دست یافت.

به‌طور کلی، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. تغییر رژیم وابسته و خودکامه شاهنشاهی و رفع استعمار و استبداد از ملت ایران.
۲. استقرار نظام جمهوری اسلامی (تحقق خواسته مردم ایران مبنی بر شکل‌گیری نظام حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه و نقش تعیین‌کننده مردم در سرنوشت خویش).

۱. ن. ک: ذوعلم، همان، ص ۳۰۳.

بیشتر بدانید

میشل فوکو^۱، از نظریه پردازان بزرگ معاصر غربی، معتقد است: «انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب «فرامردن» عصر حاضر است که برخلاف بسیاری از انقلاب‌های جهان، با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت نگرفته است»^۲. او در کتاب ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، می‌نویسد: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه می‌زند. امروز هیچ رئیس دولت و هیچ رهبر سیاسی حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش، نمی‌تواند ادعا کند مردمش با او چنین پیوند نیرومندی دارند... ایرانیان با انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز خود را هدف قرار داده بودند. آنان راه اصلاح جامعه را در اسلام یافتند. اسلام برای آنان هم دوی درد فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص اجتماعی بود»^۳.

۳. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. استقلال سیاسی.

۵. پیوند دین و سیاست و ارائه الگویی نوین برای مردم سالاری دینی.

۶. رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی مردم و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون.

۷. شکست اُبّهت قدرت‌های غرب و شرق و قدرت‌های سلطه‌گر خارجی.

۸. عدم سلطه‌پذیری (از قدرت‌های شرق و غرب) و نفی هرگونه سلطه‌جویی نسبت به

سایر کشورها.

۹. ترسیم چهره صلح طلبانه‌ای از اسلام با اثبات مظلومیت مردم ایران در جریان جنگ

تحمیلی و سایر تهاجمات، با طرح تشنج‌زدایی در سطح دولت‌ها.

ب) ابعاد فرهنگی

برای رسیدن به درکی واقع بینانه از ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی، یادآوری وضعیت فرهنگی دوران قبل از انقلاب، ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در درس‌های قبل مطالعه کردید، یکی از شاخصه‌های فرهنگی حاکمیت استبداد دوران پهلوی، تخریب سنت‌های اصیل دینی و ملی مردم مسلمان ایران بود. این سیاست، به بهانه تجددخواهی و نوگرایی، با ترویج فرهنگ مبتذل غربی، بسیاری از مظاهر فرهنگ ملی را که نشانه هویت تاریخی مردم مسلمان ایران بود، از میان برد.

1. Micheal Foucault

۲. فوکو، رهبر اسطوره‌ای قیام ایران، ص ۷۴، به نقل از: ذوعلم، همان، صص ۸۹ و ۹۰.

۳. فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ص ۶۴.

بیشتر بدانید

رواج فرهنگ ابتدال، لابلالی گری و بی بندوباری های اخلاقی و اقتصادی که به طور رسمی و آشکار توسط سینما، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه های عمومی نظیر مطبوعات تبلیغ می شد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را به تباهی و نابودی سوق داده بود و هویت اسلامی و ایرانی جامعه را رو به نابودی می برد. فسادهای گسترده در جامعه ایران قبل از انقلاب، به صورت یک «ارزش» درآمد بود و رژیم پهلوی، آشکارا به ترغیب و تبلیغ آنها می پرداخت. بریایی نمایش های مبتذل تحت عنوان جشن هنر، تشکیل مجلس های فساد در دربار و توزیع انواع مواد مخدر در کشور توسط اشرف پهلوی -خواهر شاه- و سایر عوامل وابسته به رژیم، تنها گوشه ای از سیاست رواج رسمی فساد و فرهنگ ابتدال آن دوران به شمار می رود. اما آنچه که در دوران حکومت پهلوی بیش از هر چیز ایرانیان را رنج می داد، ستایش و ترویج فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ «خودی» بود. این سیاست که ریشه در خودباختگی و بی ریشه گی رژیم حاکم بر کشور داشت، منزلت و شأن تاریخی مردم ایران را خدشه دار کرده و کرامت انسانی آنان را از بین برده بود. سیاست های ضداسلامی، از جمله تأکید بر «جدایی دین از سیاست» و به حاشیه راندن تعالیم و دستورهای دینی، عامل هایی بودند که سرانجام مردم مسلمان ایران را به رویارویی با حاکمیت و سرنگونی آن کشاندند.

دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی، با زدودن زنگارها و اوهام از چهره دین، به احیای فرهنگ اسلامی به عنوان مکتبی پویا و حیات بخش پرداخت. احیای دوباره تعالیم اسلام در ایران ضمن تحکیم استقلال، همبستگی و هویت فرهنگی مردم مسلمان ایران، موجب تقویت احساس خودباوری و اعتماد به نفس و مانع احساس حقارت و خودباختگی ایرانیان در برابر بیگانگان شد. مردم کشور ما پس از انقلاب با تکیه بر تعالیم حیات بخش اسلام، مکتب اهل بیت (ع)، میراث عظیم فرهنگ ایران زمین، توکل بر خدا و اعتماد به نفس، توانستند با بهره گیری از نیروهای درونی و استعداد های سرشار خود، به موفقیت هایی چشمگیر در زمینه های علمی، فرهنگی و اجتماعی دست یابند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی با هدف پاکسازی جامعه از آلودگی های فرهنگی و اجتماعی، اقدام به بستن کانون های فساد و زشت کاری، و مبارزه با ترویج مادیگری و مظاهر فرهنگ غربی کرد.

یکی از نتیجه ها و دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، افزایش سطح آگاهی عمومی، افزایش و رشد مطبوعات و نشریات، گسترش کانون های آموزشی و تربیتی درون کشور و درخشش و تعالی آثار هنری و فرهنگی ایران در سطح جهان است. انقلاب اسلامی همچنین موفق شد شخصیت اصیل زن ایرانی را که در رژیم گذشته تحت تأثیر فرهنگ منحط غربی، هویت خود

را از دست داده بود، احیا کند. حضور گسترده زنان در جامعه پس از انقلاب اسلامی در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیانگر این حقیقت است. یکی از نمودهای بارز این امر، درخشش دختران و زنان در امر آموزش و تحصیل، به ویژه در سطح دانشگاه‌هاست.

احیای تفکر دینی، تحوّل در ارزش‌ها و نگرش‌ها و همچنین احیای مفاهیمی مانند جهاد و شهادت و اینار و اخلاص، مردمی شدن قوای مسلح و سازمان‌دهی نیروی بسیج مردمی، هماهنگی بین تعهد و تخصص و دیانت و روشنفکری و همکاری حوزه و دانشگاه، از دیگر دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود.^۱

ج) ابعاد اقتصادی

اقتصاد ایران در دوران قبل از انقلاب، وابسته و «تک‌محصولی» بود که بر مبنای فروش مهارگسیخته نفت در چارچوب معیارهای توسعه غربی - بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این کشور - استوار بود. در نتیجه به‌کارگیری چنین سیاستی، به جای فعالیت‌های زیربنایی و عمرانی و توجه به تولید و صادرات غیرنفتی، دارایی و امکان‌های کشور، عمدتاً صرف برنامه‌های غیربنیادی و غیرمولد می‌شد. اکثر فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد حاصل از فروش نفت بود که جز وابستگی اقتصادی، نبودن تعادل در بخش‌های گوناگون اقتصادی، و نفی عدالت اجتماعی، نتیجه‌ای در پی نداشت. به‌کار گرفته نشدن درآمدهای سرشار نفتی در تقویت بنیه اقتصادی کشور - خاصه در دهه ۱۳۵۰ - ایران را به یکی از عمده‌ترین واردکنندگان کالاهای مصرفی غرب تبدیل کرده بود.

با وجود مشکل‌های بی‌شمار اقتصادی بازمانده از دوران قبل از انقلاب و همچنین، معضله‌های اقتصادی عظیم ناشی از جنگ تحمیلی و کارشکنی‌ها و تحریم‌های اقتصادی، انقلاب توانست از آغاز پیروزی، به تولید بیشتر کالاها در داخل و حتی صدور بعضی از آنها به خارج از کشور، نایل آید.^۲ در نتیجه چنین سیاستی، سهم صادرات غیرنفتی به طرز چشمگیری افزایش یافت. با این همه، تارسیدن به سطح مطلوب، راهی طولانی در پیش است.

توجه به عمران و آبادی روستاها و برخوردار کردن اکثر روستاهای ایران از نعمت آب، برق،

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: انقلاب اسلامی ایران، جمعی از نویسندگان، صص ۲۱۹-۲۳۹.

۲. از جمله دستاوردهای علمی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به فولادهای آلیاژی، دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، تولید محصولات پتروشیمی، تولید ماشین‌آلات صنعتی و خودروهای سبک و سنگین، ساخت کارخانه ذوب آهن در کشورهای دیگر، پیشرفت شگرف در تخصص‌ها و فوق تخصص‌های پزشکی و پیوند اعضا، ترقی علوم پایه (مثل حوزه‌های بیولوژی مولکولی، مهندسی ژنتیک و سلول‌های بنیادی) اشاره کرد. ایران چهارمین کشور تولیدکننده بنزین، سیزدهمین کشور در تولید فولاد، ششمین کشور در فناوری نانو، جزو ۹ کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای و دومین کشور پیشرفته در حوزه سلول‌های بنیادین در میان کشورهای دیاست (طبق آمار سال ۲۰۱۷).

مخابرات، مرکزهای آموزشی و بهداشتی، جاذبه و امکانات رفاهی، از دیگر نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی است که در قبل از انقلاب، بیشتر آنها، از آن محروم بودند.

د) ابعاد علمی و فناوری های نوین

یکی از دستاوردهای مهم ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی، توجه به صنایع سنگین و اقدام های بنیادی و زیربنایی در این زمینه است. توسعه روزافزون در صنایع دفاعی، نفت، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، برق و همچنین ساخت سدهای بزرگ و گسترش یا نوسازی راه های کشور در این دوران، نقشی مهم در رشد و شکوفایی سایر بخش های اقتصادی کشور دارد. پیشرفت های عظیم در حوزه علم و فناوری، بیولوژی مولکولی و سلول های بنیادی، از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب به شمار می روند.

دستیابی به فناوری هسته ای صلح آمیز، یکی از عظیم ترین و افتخار آمیزترین دستاوردهای فنی و علمی انقلاب اسلامی است. دسترسی به چرخه سوخت هسته ای، یعنی فرایند تبدیل اورانیوم طبیعی به



تأسیسات هسته ای نظنز

سوخت مورد نیاز برای تولید انرژی هسته ای، دانش فنی بسیار پیچیده و پیشرفته ای است که تنها معدودی از کشورهای جهان به آن دست یافته اند. اما با همت والا و عزم راسخ دانشمندان جوان ایرانی و به رغم توطئه ها و مخالفت های همیشگی دشمنان انقلاب اسلامی، دانشمندان هسته ای ایران موفقیت های بسیاری کسب کرده اند.

امام خمینی درباره حفظ دستاوردهای انقلاب گفته است: «به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آورده اید، همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می آید، نهراسید که
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُؤْتِكُمْ أَقْدَامَكُمْ»^۱.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۱.

بیشتر بدانید

گزیده‌ای از زندگی نامه حضرت آیت الله خامنه‌ای

حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، فرزند آیت‌الله سید جواد حسینی خامنه‌ای، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. خانواده پدری و مادری ایشان از خاندان علم و فقاقت و دانشوری و سیاست بودند. لذا ایشان از اوان کودکی آموزش‌های دینی را آغاز کردند و هم‌زمان با تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی، وارد حوزه علمیه مشهد شدند و دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه به پایان بردند. ایشان که از شانزده سالگی درس خارج فقه و اصول را در مشهد، نزد مرحوم آیت‌الله میلانی آغاز کرده بودند، با سفر به نجف اشرف و هجرت به قم، از محضر بزرگان و آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، حائری یزدی و علامه طباطبایی، در فقه، اصول و علوم عقلی بهره‌مند شدند و در حدود سن ۲۵ سالگی به مقام اجتهاد نائل شدند.

هم‌زمان با آغاز نهضت امام خمینی (سال ۱۳۴۱) در حلقه یاران نزدیک ایشان قرار گرفتند و در طول شانزده سال مبارزه سیاسی، یکی از مؤثرترین چهره‌های انقلاب اسلامی بودند. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۴۳ به دلیل بیماری پدر، به مشهد مراجعه کردند و ضمن تدریس علوم اسلامی، به ترویج نهضت امام خمینی و تألیف و ترجمه پرداختند. نوآوری و ابتکار در آثار و بیانات ایشان، نقش مهمی در جذب و تربیت طلاب و دانشجویان جوان داشت و سخنرانی‌های متعدّد ایشان در سرتاسر کشور، کانون طرح مباحث بنیادین اندیشه اسلامی و انقلابی بود. مجاهدت پرفراز و نشیب ایشان در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی باعث شد تا در طول دوران نهضت، چندین بار دستگیر شود، به زندان بیفتد و شکنجه شود. ایشان در سال ۱۳۵۶ به ایران‌شهر تبعید شدند و در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری جریان مردمی انقلاب اسلامی، از تبعیدگاه آزاد شدند، به مشهد بازگشتند و در صف مقدم مبارزه علیه رژیم پهلوی، همراه با دیگر یاران، رهبری مبارزات مردم را برعهده گرفتند.^۱ چندی بعد به دعوت آیت‌الله شهید استاد مطهری، برای شرکت در جلسات شورای انقلاب، عازم تهران شدند.

پس از پیروزی انقلاب

هم‌زمان با عضویت در شورای انقلاب، ابتدا از سوی امام خمینی مأمور رسیدگی به امور دانشجویان شدند. در سال ۱۳۵۸ معاونت وزارت دفاع را برعهده داشتند. مأموریت دیگری که امام به ایشان محوّل کرد، نمایندگی در امور ارتش بود. همچنین مدتی به عنوان سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شدند. در ۲۴ دی ۱۳۵۸ از سوی امام به عنوان امام جمعه تهران تعیین شدند. ایشان در دوره اول مجلس شورای اسلامی نیز نمایندگی مردم تهران را برعهده داشتند و پس از تشکیل شورای عالی دفاع، نماینده امام خمینی در آن شورا بودند. ایشان در عین عهده‌دار بودن مسئولیت‌های حساس و خطیر، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لباس رزم بر تن کردند و به‌طور مستمر در جبهه‌های

۱. از دیگر اقدامات مردمی ایشان، مشارکت فعال در سامان‌دهی امدادرسانی به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی سیل و زلزله شهرستان‌های

ایران‌شهر، طبس، اسفراین، فردوس و ... بود.

دفاع مقدس، حضور فعال و مخلصانه داشتند. آن هنگام که دشمنان ملت ایران با هدف ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی، به ترور شخصیت‌ها و نیروهای انقلاب پرداختند، آیت‌الله خامنه‌ای جزو اولین اهداف آنها بود. ترور نافرجام ایشان در سال ۱۳۶۰ هنگام سخنرانی در مسجد ابودر تهران، توسط مجاهدین (منافقین) خلق، به مجروحیت شدید ایشان منجر شد که به طرز معجزه‌آسایی حیات مجدد یافتند و آسیب‌دیدگی دائمی دست ایشان، یکی از نشانه‌های افتخارآمیز جانبازی ایشان در راه انقلاب بود. به دنبال موج ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی و شهادت شهیدان دکتر بهشتی، رجایی و باهنر، و وظیفه ایشان برای حضور در عرصه مدیریت عالی کشور، بیش از پیش سنگین شد و دو دوره پیاپی، با رأی قاطع مردم ایران به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. شایستگی‌های مدیریتی و اقدامات ایشان در دوران ریاست جمهوری به عنوان رئیس جمهور، رئیس شورای عالی دفاع و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی سال‌های ۶۰ تا ۶۸ که مملو از بحران‌های داخلی و خارجی بود، در تثبیت کامل انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نقش اساسی داشت و نشانه‌هایی از لیاقت رهبری را در ایشان آشکار ساخت.

این سوابق اسلامی، انقلابی، سیاسی و مدیریتی موجب شد، پس از ارتحال امام، مجلس خبرگان رهبری، بدون کوچک‌ترین اتلاف وقت و با رأی قاطع، ایشان را به جانشینی امام خمینی (ره) انتخاب کند.

از آن زمان تاکنون، کشور ما به دلیل موقعیت بسیار حساس جغرافیایی و سیاسی خود و همچنین به دلیل بیداری فراگیرنده در کل جهان اسلام، هم‌زمان با فروپاشی شوروی (سابق) و تحولات و تلاطم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با حوادث بسیار پیچیده و حساسی مواجه بوده است و با درایت و مدیریت هوشمندانه و بسیار ارزشمند ایشان توانسته از همه این مراحل سخت و مخاطره‌آمیز با موفقیت بگذرد. درحالی‌که از زمان فروپاشی شوروی و به هم خوردن معادلات جهان دو قطبی، تعدادی از کشورها و پیمان‌های نظامی و سیاسی تغییرات اساسی کرده‌اند و حتی برخی از پیمان‌ها (نظیر ورشو و کمکون) و برخی از کشورها نظیر یوگسلاوی و شوروی، از صحنه سیاست جهانی حذف شدند. هنجارهای سیاسی تغییر کرده‌اند و سازمان ملل از اعتبار سابق تنزل کرده است و پیمان ناتو و گروه سیاسی «جی ۸» عملاً جایگزین صلح‌بانان سازمان ملل و شورای امنیت شده‌اند. ادامه حیات سیاسی قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی، بدون تردید نتیجه رهبری توانمند و خردمندانه آیت‌الله خامنه‌ای است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره مسئولان و قشرهای مختلف مردم را از آفات و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند: «میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی



تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گردی است. پرداختن به مال و مال اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی - مالی و داخلی که خود فساد بسیار خطرناک است و جاه‌طلبی، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند»^۱.

پیش‌نویس چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام که مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه ابلاغ فرمودند، راه آینده کشور را روشن می‌کند. هدف‌گذاری که در این چشم‌انداز مورد تأکید رهبری نظام قرار گرفته، این است که پس از بیست سال، ایران در حوزه‌های فرهنگی، علمی، فناوری اقتصادی، دفاعی و سیاسی، به قدرت اول منطقه آسیای جنوب غربی، خاورمیانه، خلیج فارس، قفقاز و آسیای میانه تبدیل شود. به تصدیق همه صاحب‌نظران بین‌المللی، ایران هم‌اکنون در حوزه سیاسی و بین‌المللی، به دلیل تأثیر انکارناپذیرش بر کل تحولات منطقه خاورمیانه شامل عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان و آسیای مرکزی و قفقاز به طور خاص و در کل جهان اسلام به طور عام، به مؤثرترین و با نفوذترین قدرت منطقه‌ای و جهان اسلام تبدیل شده است.

بیشتر بدانید

احیای هویت ایرانی - اسلامی

با آغاز انقلاب اسلامی، هویت ایرانی - اسلامی حیاتی دوباره یافت و «کیستی» نسل جوان و جامعه ایرانی را که سال‌ها در پیچ‌وخم مکاتب مادی، الحادی و استعماری «خفته» بود، «بیدار» کرد. بازگشت به خویشتن، خودباوری و مجد و عظمت ایران اسلامی را به ارمغان آورد. اعتماد به نفس و عزت ملی به ایرانیان نیرویی قوی بخشید تا به جای دنباله‌روی و یا تقلید از دیگران به ابتکار و نوآوری روی آورند و پایه‌های مستحکم برای تمدن‌سازی را بی‌ریزی کنند. اکنون با پیشرفت‌های شگفت‌انگیز دانشمندان ایرانی معلوم شده است که ملتی که در گذشته تمدن‌ساز بوده است، می‌تواند با فراهم آوردن شرایط لازم بار دیگر در عرصه تمدن‌سازی بدرخشد.

۱. بیانات ایشان در روز سوم شعبان برابر با ۱۵ دی ماه ۱۳۷۳: www.khamenei.ir.

پرسش‌های نمونه

۱. منظور از استقلال سیاسی، استقلال فکری و استقلال اقتصادی چیست؟
۲. انقلاب اسلامی از جنبه سیاسی در داخل کشور چه دستاوردهایی داشته است؟
۳. ولایت فقیه به‌عنوان هسته مرکزی نظام جمهوری اسلامی چه نوع مشروعیتی دارد؟
۴. سه مورد از دستاوردهای بزرگ اقتصادی انقلاب اسلامی را بنویسید.
۵. در زمینه فناوری هسته‌ای، انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی داشته است؟

اندیشه و جست و جو

– مفهوم آزادی در مکتب اسلام و نظام جمهوری را با آزادی در مکتب‌ها و نظام‌های سیاسی غرب مقایسه کنید.



بیداری اسلامی در جهان اسلام

در درس‌های گذشته با روند بیداری اسلامی در ایران که سرانجام به انقلاب اسلامی منتهی شد، آشنا شدید؛ در این درس با تعریف بیداری اسلامی، علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن در دیگر کشورهای اسلامی آشنا می‌شوید.

تعریف بیداری اسلامی

بیداری، از نظر لغوی به معنی هوشیاری و برخورداری فرد از آگاهی است. بیداری اسلامی، به معنای حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی، تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه، دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و بازگشت به خویشتن اسلامی است.^۱

اهداف بیداری اسلامی

عمده‌ترین هدف بیداری اسلامی بازگرداندن دین به عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. هدف‌های غایی و متعالی آن، ساختن تمدن جدید اسلامی و در نهایت تأسیس یک تمدن اسلامی با گستره جهانی است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود.^۲

خاستگاه و سرآغاز بیداری اسلامی

بیداری اسلامی متعلق به کشور و منطقه خاصی نیست و به کل جهان اسلام تعلق دارد؛ با این حال

۱. این درس در سال ۱۳۹۲ توسط آقای دکتر علی اکبر ولایتی به عنوان ضمیمه کتاب تاریخ معاصر ایران به طور جداگانه تألیف و منتشر شد. سپس با اعمال تغییراتی به کتاب درسی ملحق گردید.

۲. صوفی نیارکی، تقی، *بیداری اسلامی (هویت تمدنی و چالش‌های پیش رو) در اندیشه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری*، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۳۰.

خاستگاه اولیه آن چهار کشور مهم ایران، مصر، عثمانی و هند بوده است. در هر کدام از این کشورها، رخداد‌های مهمی به وقوع پیوست که باعث جهش فکری اندیشمندان، متفکران، مبارزان مسلمان و سپس مردم برای بازیابی هویت واقعی خود، یعنی هویت اسلامی از طریق بازگشت به خویشتن اسلامی شد. آشنایی با غرب نیز به همان اندازه در شکل‌گیری بیداری اسلامی تأثیر داشته است که اندیشمندان و متفکران مسلمان اقدام به مطالعه و سپس مقایسه علل پیشرفت جهان غرب و علل عقب‌ماندگی جهان اسلام کردند. به عبارت دیگر، متفکران و مبارزان مسلمان اقدام به ریشه‌یابی علل افول تمدن اسلامی پس از تجربه کردن دوران درخشان و پرافتخار گذشته و همچنین شکل‌گیری تمدن غرب پس از سپری کردن دوران جهل و تاریکی قرون وسطی کردند.

تعیین تاریخی دقیق برای آغاز بیداری اسلامی کار آسانی نیست؛ اما در هر یک از کشورهای ذکر شده حوادثی رخ داد که نقطه آغازی برای تاریخ بیداری محسوب می‌شود. در اینجا به اختصار این موضوع را در سه سرزمین اسلامی بررسی می‌کنیم.

۱. عثمانی: شکست امپراتوری عثمانی از دولت‌های اروپایی و از دست دادن برخی مناطق مسلمان‌نشین، متفکران این منطقه را به بازنگری در افکارشان واداشت.

۲. مصر: سلطه استعماری انگلستان بر این کشور، نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب می‌شود و باعث شد اندیشمندان مصری را به تفکر وادارد.

۳. هند: تسلط استعمار انگلیس بر شبه‌قاره هند و شکست مقاومت مسلحانه مسلمانان هند در برابر انگلیسی‌ها، سرآغاز بیداری دانشمندان مسلمان این منطقه بود.

عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری بیداری اسلامی

۱. آگاهی نسبت به عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی؛
۲. آگاهی از پیشرفت‌های مادی و علمی جهان غرب و مقایسه آن با جوامع اسلامی؛
۳. توجه به گذشته پرافتخار و پرشکوه جهان اسلام و موفقیت آن در ایجاد تمدن اسلامی؛
۴. توجه به میراث علمی و غنی اسلام در عرصه‌های مختلف علوم و معارف بشری و نقش دانشمندان اسلامی در هدایت قافله بشری؛
۵. توجه به خرافات، بدعت‌ها و کاستی‌های موجود در عرصه اندیشه دینی در جهان اسلام؛
۶. توجه به تشنه، تفرقه و درگیری‌های فرقه‌ای در جوامع اسلامی؛

۱. ولایتی، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (مدخل: بیداری اسلامی)، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱۳.

۷. استبداد، ظلم، چپاول اموال و بی‌عدالتی حاکمان کشورهای اسلامی؛
۸. وابستگی برخی از سردمداران جوامع اسلامی به کشورهای استعمارگر؛
۹. استعمار کشورهای اسلامی و آگاهی به ابعاد و پیامدهای آن؛
۱۰. آشنایی با مفاهیم جدید فکری، سیاسی و اجتماعی موجود در غرب، از قبیل آزادی، برابری، استقلال و....

برگی از تاریخ

شیخ محمد عبده (۱۲۴۸-۱۲۸۴ ش/۱۸۴۹-۱۹۰۵ م)



متفکر، متکلم، مصلح، مفتی دانشگاه الازهر و روزنامه‌نگار مصری؛ وی از برجسته‌ترین نواندیشان و احیاگران دینی و اصلاح‌طلبان اجتماعی در جهان اسلام، به‌ویژه در جهان عرب محسوب می‌شود. او از شاگردان برجسته سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود و از افکار و اندیشه‌های وی نیز تأثیر زیادی پذیرفت. عبده در کنار تدریس و خطابه، به روزنامه‌نگاری هم روی آورد. او به همراه سیدجمال روزنامه «عروة الوثقی» را در پاریس منتشر کرد. عبده توجه خاصی به بحران اندیشه دینی مسلمانان

در مواجهه با تمدن غرب و مقتضیات جدید جهان اسلام داشت. او همچون سیدجمال در پی وحدت جهان اسلام بود و مقالات زیادی در این زمینه نوشت. همچنین با تعصب‌های فرقه‌ای مخالف بود و استبداد داخلی و استعمار خارجی را از عوامل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانست. به نهج‌البلاغه توجه خاصی داشت و به قول خودش، وقتی نهج‌البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد. عبده گرایش به اعتدال داشت و توانست نهضت بیداری اسلامی زمانه خود را به سمت اعتدال سوق دهد. این موضوع در آن عصر اهمیت زیادی داشت.

ویژگی‌های مشترک بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون

- تمایل برای بازگشت به اسلام راستین و اصیل؛
- توجه به وحدت جهان اسلام؛
- استعمارستیزی و ضدیت با نظام سلطه؛

– مبارزه با استبداد و دیکتاتوری حاکمان؛
– مردمی بودن و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در آن.

برگی از تاریخ

حسن‌البناء (۱۲۸۵–۱۳۲۷ش/۱۹۰۶–۱۹۴۹م)



مبارز اسلام‌گرای مصری بود که به همراه عده‌ای از همفکرانش جمعیت اسلامی «اخوان المسلمین» (الاخوان المسلمون) را در اسفند ۱۳۰۶/ مارس ۱۹۲۸ بنیان نهاد. هدف وی ایجاد پیوند برادری و وحدت امت اسلامی برای بازیابی عظمت و شکوه اسلام از طریق احیای احکام و شعائر مذهبی، مبارزه با فسق و فجور و بی بندوباری، از بین بردن

روحیه تردید و بی‌اعتقادی بود. از نظر وی وحدت امت اسلامی ستون جامعه اسلامی محسوب می‌شد. حسن‌البناء برای تحقق اندیشه‌ها و نظریات خود مؤسسات گوناگون فرهنگی – مذهبی تأسیس و روزنامه «اخوان المسلمین» را منتشر کرد. وی به منظور ارتقای سطح معرفتی و انسانی زنان مسلمان نیز تشکیلات «اخوات المسلمات» را تأسیس کرد. وی همچنین از پیشگامان تقرب مذاهب اسلامی و جزو مؤسسان «جماعة التقرب بين المذاهب الاسلامیة» در قاهره بود. در نهضت بیداری تحت رهبری حسن‌البناء، مسئله صهیونیسم و استعمارگر جدید یعنی آمریکا جایگاه مهمی داشت. با تلاش‌های مستمر او، اخوان المسلمین روز به روز گسترش یافت و شعبه‌های آن از چهار شعبه در سال ۱۳۰۸ش/ ۱۹۲۹م به هزار شعبه در سال ۱۳۲۷ش/ ۱۹۴۸م رسید و بین سال‌های ۱۳۲۵–۱۳۲۷ش/ ۱۹۴۶–۱۹۴۸م نیز شعبه‌های آن در فلسطین، سودان، عراق و سوریه دایر شد. در اوایل زمستان ۱۳۲۷/ اواخر ۱۹۴۸م، اخوان المسلمین خطری جدی برای پادشاهی مصر به‌شمار می‌رفت؛ از این رو، تصمیم به انحلال آن گرفته شد. حسن‌البناء نیز در ۲۳ بهمن ۱۳۲۷/ فوریه ۱۹۴۹ توسط عوامل دولت مصر ترور شد.

حسن‌البناء، با «جدایی دین از سیاست» (سکولاریسم) و نیز ملی‌گرایی غیردینی، به شدت مخالف بود و جدایی دین از سیاست را «نخستین گام سستی و منشأ فساد» می‌دانست. همچنین درباره عرب‌گرایی نیز بر این عقیده بود که اسلام هیچ‌گونه مرز جغرافیایی، یا اختلافات نژادی یا شهروندی را به رسمیت نمی‌شناسد. حسن‌البناء تمام مسلمانان را یک «امت» و کشورهای مسلمانان را تنها یک کشور می‌دانست.



عبدالرحمن کواکبی

بیداری اسلامی در جهان عرب

سرآغاز بیداری اسلامی در جهان عرب به تحولاتی برمی‌گردد که کشورهای عربی از راه‌های گوناگون با فرهنگ و تمدن غربی و نظام سیاسی غرب آشنا شدند و در مقایسه خود با غربی‌ها به عمق عقب‌ماندگی خود پی بردند. متفکران و اندیشمندان مسلمان عرب، یکی از راه‌های رفع عقب‌ماندگی را در بازگشت به اسلام اصیل و راستین دانستند.

بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند

بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند ارتباط مستقیمی با ورود استعمارگران به هند و سلطه آنان بر این سرزمین داشت. در طول دوران سلطه استعماری انگلستان بر هندوستان، امیران، عالمان و اندیشمندان مسلمان آن کشور برای احیای اسلام و مبارزه با استعمارگران به پا خاستند؛ برخی از طریق مبارزه سیاسی و نظامی و عده‌ای از طریق فعالیت‌های فکری و فرهنگی اهداف خود را تعقیب می‌کردند.^۱ به دنبال استقلال پاکستان از هندوستان در سال ۱۳۲۶ ش/ ۱۹۴۷ م، شخصیت‌ها و جمعیت‌های اسلامی شیعه و سنی جریان بیداری اسلامی را پیش بردند. «نهضت فقه جعفری» که به رهبری مفتی جعفر حسین تأسیس شد، یکی از مهم‌ترین جریان‌های بیدارگری اسلامی در پاکستان بود.

برگی از تاریخ

ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹ م/ ۱۲۸۲-۱۳۵۸ ش)

روزنامه‌نگار، متفکر، احیاگر دینی و فیلسوف سیاسی در شبه‌قاره هند؛ وی یکی از اندیشمندان جهان اسلام است که دیدگاه‌های سیاسی کلامی او تأثیرات عمیقی در جهان اسلام، به‌ویژه در شبه‌قاره هند داشته است. او برای پیشبرد اندیشه‌هایش، ابتدا در سال ۱۹۳۸ م/ ۱۳۱۷ ش مؤسسه دارالسلام و سپس در سال ۱۹۴۱ م/ ۱۳۲۰ ش جماعت اسلامی را برای این کار تأسیس کرد. جماعت اسلامی پاکستان، حزبی است که معتقد به احیای اسلام واقعی بوده است. جماعت اسلامی مخالف تشکیل کشور پاکستان بود اما پس از تقسیم هند، مودودی به پاکستان رفت. او معتقد به بازگشت به سنت‌های اصیل اسلامی و اسلام سیاسی بود. وی دین اسلام را دینی کامل می‌دانست که در تمامی

۱. خامنه‌ای، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص ۲۰؛ موقفی، جنبش‌های اسلامی معاصر، صص ۱۸۸-۲۰۴.

حوزه‌های زندگی انسان اعم از خصوصی و عمومی حضور دارد و به همین سبب نظام سیاسی مورد نظری نیز کاملاً رنگی دینی و اعتقادی داشت. هدف اصلی حزب جماعت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام در کشور پاکستان بود. مودودی تلاش می‌کرد تا با استمداد از اصول دینی، و بهره‌گیری از نظریات جدید سیاسی، نظریه‌ای هماهنگ با جهان امروز و در عین حال کاملاً اسلامی ارائه کند. از مهم‌ترین آثار مودودی، «جهاد در اسلام» است. نشریه‌ای را نیز به نام «ترجمان قرآن» راه‌اندازی کرد که تا پایان عمرش منتشر می‌شد. او در سال ۱۹۵۳م/۱۳۳۲ش دستگیر و به اعدام محکوم شد، اما مدتی در زندان ماند و بعدها مجازاتش تخفیف یافت و از زندان آزاد شد و عاقبت در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۸ش درگذشت.

بیداری اسلامی در عثمانی و ترکیه

بخش مهمی از جریان بیداری اسلامی در عثمانی در واکنش به ناکامی در برابر تهاجم دولت‌های اروپایی و ورود امواج غرب‌گرایی به آن امپراتوری شکل گرفت که در قالب اصلاحات به مرحله اجرا درآمد. بخش دیگری از بیداری اسلامی نیز به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه نفوذ علما و نیروهای مذهبی پدید آمد. واکنش‌های احیاگرانه اسلامی غالباً از سوی پیروان طریقت‌ها، علما و طلاب علوم دینی بود. در دوره‌های اصلاحات، گام‌های مهمی برای غربی‌سازی نظام اداری و سیاسی، پذیرش نهادهای مدنی غرب، عرفی کردن نظام حقوقی و قضایی صورت گرفت که موجب ضعف نهادها و نظام آموزش دینی شد. متقابلاً، واکنش‌های قابل توجهی از سوی علما و نیروهای مذهبی علیه این جریان شکل گرفت.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری کشور ترکیه، کمال آتاتورک در آن کشور به قدرت رسید. او به دنبال غربی‌سازی ترکیه و جدایی دین از سیاست بود؛ به همین دلیل جنبش‌های اسلامی مخالف برنامه‌های خود را به شدت سرکوب کرد.

پس از مرگ آتاتورک، اسلام‌گرایان در ترکیه فرصت فعالیت پیدا کردند و مساجد، مؤسسات فرهنگی و نشریات مذهبی رونق یافت. به مرور گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه به دو شاخه سنت‌گرا و متجدد تقسیم شدند. سنت‌گرایان از اساس مخالف غرب بودند ولی متجددان در پی یافتن راهی برای سازش میان اصول دین و دستاوردهای دانش نوین بودند.

از ویژگی‌های بارز بیداری اسلامی در ترکیه، روی کار آمدن دولت‌های اسلام‌گرا و سرنگونی آنها با کودتاهای ارتش است که خود را میراث‌دار آتاتورک می‌داند.

علل ناکامی حرکت‌های بیداری اسلامی در گذشته

۱. خودباختگی در برابر توسعه فنی، علمی و مادی تمدن غرب؛
۲. تسلط تحصیل کردگان در جوامع غربی و شرقی در امور مدیریتی، فرهنگی و علمی جوامع اسلامی؛
۳. استیلای نظامی غرب و شرق از طریق تهدید، اشغال و یا کودتا و ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و وابسته؛

۴. غلبه روحیه یأس و ناامیدی بر افکار عمومی مسلمانان و از میان رفتن اعتماد به نفس آنها در امکان ایجاد تغییر و تحول بنیادین؛
۵. ایجاد و غلبه روحیه سازش با حکومت‌های جائز در میان مسلمانان؛
۶. رسوخ و نفوذ تفکرات مادی مکاتب سرمایه‌داری غرب و کمونیستی شرق در جوامع اسلامی؛
۷. نبود رهبران قوی، آگاه و مردمی که بتوانند در آحاد جامعه وحدت و انسجام به وجود بیاورند.

تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در درون خود حامل پیام به همه مردم جهان، به خصوص مسلمانان بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روح تازه‌ای به اسلام دمیده شد. مسلمانان احساس هويت و شخصیت کردند و اعتماد به نفس آنها برای مبارزه جهت تأسیس حکومت اسلامی افزایش یافت. به اختصار تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

۱. تبدیل رهبری معنوی و مشی سیاسی امام خمینی به الگویی برای حرکت‌ها و خیزش‌های اسلامی؛
۲. احیای کاربردهای دین در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی؛
۳. تغییر در مفاهیم رایج فلسفه سیاسی با ایجاد گفتمان دین‌محور و نظریه‌پردازی حول محور دین و به چالش کشیدن مفاهیم رایج در فلسفه سیاسی غرب و شرق؛
۴. تبدیل ایران به ام‌القرای جهان اسلام؛
۵. تبیین راهکارهای عبور از فرهنگ غرب و احیای فرهنگ اسلامی توسط امام خمینی و رهبران جمهوری اسلامی؛
۶. ارائه الگوی جهانی از سوی امام خمینی برای نجات همه ملت‌ها و اثبات کارایی دین در عرصه جهانی؛
۷. ارائه راهبرد «نه شرقی، نه غربی» در عرصه سیاست خارجی و نفی سلطه سیاسی استکبار شرق و غرب؛

۸. حمایت از ملل محروم، مستضعف و تحت ستم در سرتاسر جهان؛
۹. الهام‌گرفتن ملت‌های مسلمان از محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
۱۰. ارائه مدل عملی مردم‌سالاری دینی.^۱

بسترهایی که موجب شد جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام از انقلاب اسلامی ایران تأثیر بپذیرد، وجود مشترکات و عناصر تقویت‌کننده همگرایی از جمله ایده واحد، دشمن مشترک، آرمان مشترک، وحدت‌گرایی و مردم‌مداری بوده است.^۲

بیشتر بدانید

نامه امام خمینی (ره) به گورباچف (۱۱ دی ۱۳۶۷ش / اول ژانویه ۱۹۸۹م)

نامه امام خمینی به رهبر شوروی، در حقیقت نامه‌ای بود به تمام کشورهایی که زیر سایه اردوگاه کمونیسم جمع شده بودند. نامه در شرایطی منتشر شد که هنوز ایدئولوژی کمونیسم بر این کشور به‌عنوان یک مجموعه واحد حاکم بود. همچنین، هنوز جنگ سرد تمام نشده بود و دیوار برلین همچنان به‌عنوان نماد جدایی اردوگاه شرق و غرب فرو نریخته بود.

بلافاصله پس از انتشار نامه امام، موجی از اظهارات و تحلیل‌های مثبت و منفی پیرامون آن شکل گرفت؛ اما متأسفانه گورباچف و آن دسته از سیاسیونی که می‌بایست متوجه منظور امام شوند، نشدند. کما اینکه هشت هفته بعد، هنگامی که ادوارد شوارز نادره، وزیر خارجه وقت شوروی در روز ۷ اسفند ۱۳۶۷ پاسخ رهبر شوروی را در حسینیة جماران به اطلاع امام خمینی رساند، روشن شد که حاکمان شوروی بیش از آنکه درصدد تبیین و تحلیل محتوای نامه امام برآمده باشند، سعی کرده‌اند تا اقدامات و اعمال خود را توجیه کنند. به همین علت، حضرت امام (ره) پس از شنیدن سخنان شوارز نادره به او پاسخ دادند: «ان شاء الله سلامت باشند، ولی به ایشان بگوئید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگ‌تر باز کنم. من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند». ده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۸ و در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) گورباچف طی مصاحبه‌ای با خبرنگار واحد مرکزی خبر در مسکو از اینکه به هشدارهای آن روز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بی‌اعتنایی کرده بود، اظهار تأسف کرد. گورباچف گفت: «من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران است و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم».

۱. منیری، انقلاب اسلامی و احیای کارکردهای دین در عرصه جهانی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی، ص ۱۷-۵۰.

۲. شعبانی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران طیعه بیداری اسلامی، صص ۳۹۸-۴۰۰؛ مطلبی جونفانی، مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی، صص ۳۰۳-۳۰۷.

شکل‌گیری امواج نوین بیداری اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تعبیر بیداری، آن را «به ستوه آمدگی بشریت»^۱ و «بازگشت به هویت اسلامی و تمسک به اسلام»^۲ بیان می‌کنند. از نگاه ماهیت‌شناسانه نیز، بیداری پدید آمده را بیداری اسلامی می‌دانند و عنوان‌های دیگری مانند بیداری انسانی و بهار عربی را رد می‌کنند. ارائه‌الگو برای حرکت‌های آزادی‌خواهانه ضد استبدادی و ضد استعماری در بیداری اسلامی از جمله اهداف آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری بوده است. ایشان در نخستین روزهای سال ۱۳۹۰ در این زمینه گفتند که «آنچه من به‌طور قطع عرض می‌کنم، این است حرکتی که در منطقه ایجاد شده، حرکت ملت‌هاست، حرکت امت اسلامی است، حرکت با شعار اسلام است، حرکت به سمت اهداف اسلامی است و نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست». ایشان ظهور بیداری اسلامی در جهان اسلام را حاصل انقلاب اسلامی ایران و پیروزی ملت ایران می‌دانند.

امام خمینی بیداری اسلامی را از نظر به مرحله عمل آورد و وارد زندگی سیاسی مردم کرد و آن را از یک خرده‌گفت‌مان به گفت‌مان مسلط در عرصه سیاسی جوامع اسلامی تبدیل کرد. پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای ادامه‌دهنده راه امام خمینی در تبیین گفت‌مان بیداری اسلامی گردیدند. رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی را مظهر بیداری اسلامی می‌دانند.^۳ ویژگی دیگر اندیشه بیداری اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر انطباق آن با اندیشه بیداری اسلامی امام خمینی، پیوستگی آن در خط اعتدال آرمان‌گرایی می‌باشد.^۴ ایشان بیداری را حتی فراتر از اسلام و دنیای اسلام می‌دانند و معتقدند که این جنبش تا قلب اروپا هم پیش خواهد رفت. به همین دلیل ایشان در صدد بازتعریف واژه بیداری نیز برآمده‌اند و از واژگان و عباراتی چون «بیداری ملت‌ها»، «بیداری مردم»، «بیداری ملت‌های مظلوم»، «بیداری انقلابی»، «بیداری معنوی»، «بیداری ایمان»، «بیداری جهانی»^۵ و... نام برده‌اند. ایشان همچنین با استناد به آیات گوناگون قرآن، بیداری اسلامی را تحقق وعده نصرت الهی می‌دانند و آن را نتیجه مقاومت آگاهانه امت اسلامی تلقی می‌کنند.^۶

۱. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، بیانات، ۲ اسفند ۱۳۸۹.

۲. همان، بیانات، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲.

۳. همان، بیانات، ۱۱ شهریور ۱۳۸۴.

۴. صوفی نیارکی، نظریه بیداری اسلامی، خط اعتدال آرمان‌گرا در حرکت‌های اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (صص ۱۸۴-۱۸۵).

۵. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، بیانات، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ همان،

۲۲ شهریور ۱۳۶۸؛ همان، ۲ فروردین ۱۳۶۹؛ همان، ۱۹ بهمن ۱۳۶۸، همان، ۱۴ تیر ۱۳۶۸؛ همان ۱۷ بهمن ۱۳۷۲؛ همان، ۱۲ آبان ۱۳۷۷.

۶. معتمد رضایی، بررسی وعده قرآنی نصرت الهی در بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، صص ۶۱-۷۰.

سید عارف حسین حسینی (۱۳۲۶-۱۳۶۷ ش)

رهبر انقلابی شیعیان پاکستان و رهبر نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان؛ وی از علما، دانشمندان و رهبران بیداری اسلامی پاکستان و شبه قاره هند است. او با تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف و حضور در کلاس‌های درس امام خمینی، در شمار یاران و پیروان امام خمینی درآمد. آشنایی وی با امام خمینی سرآغاز دگرگونی فکری و سیاسی او بود. وی در سال ۱۳۵۲ از عراق اخراج شد و به پاکستان بازگشت. در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل راهی ایران شد و رهسپار حوزه علمیه قم گردید. وی به دلیل فعالیت‌های سیاسی در جهت نهضت امام خمینی توسط ساواک دستگیر و از ایران اخراج شد. در سال ۱۳۶۳ وی



شهید عارف حسینی در محضر رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

به طور رسمی از سوی امام خمینی به عنوان نماینده ایشان در پاکستان انتخاب شد. وی زبان‌گویای انقلاب اسلامی ایران در پاکستان بود. در بهمن ۱۳۶۳ به عنوان رهبر «نهضت اجرای فقه جعفری» پاکستان انتخاب شد. در نهایت فعالیت‌های فکری و سیاسی وی باعث شد که دشمنان اسلام و تشیع وی را در مرداد ۱۳۶۷ به شهادت برسانند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی امواج بیداری اسلامی را از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون به سه دوره تقسیم می‌کند:

۱. موج اول؛ پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛
۲. موج دوم؛ پس از فروپاشی کمونیسم؛
۳. موج سوم؛ انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی.^۱

بیشتر بدانید

نقشه‌راه بیداری اسلامی در حال و آینده از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱. توکل به خداوند و باور قلبی به وعده‌های نصرت الهی؛
۲. به کارگیری خرد، عزم و شجاعت؛
۳. ثبات قدم و استقامت؛

۱. ابوطالبی، سه موج بیداری اسلامی و توجه به اسلام پس از انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، صص ۳۶۵-۳۸۵.

۴. بازخوانی دائمی اصول و شعارهای انقلاب و تطبیق آنها با اصول مسلم اسلامی؛
۵. پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی؛
۶. نظام‌سازی بر اساس الگوی اسلامی؛
۷. اعتماد به نسل جوان و تقویت روح اعتماد به نفس؛
۸. حضور و نقش مردم در مدیریت کشور؛
۹. انتخاب نظام مردم‌سالاری اسلامی؛
۱۰. تفکیک اسلام‌گرایی از تحجر و قشری‌گری و تعصب‌های جاهلانه و افراطی.

الف) بیداری اسلامی در تونس: تونس کشوری اسلامی در شمال آفریقا است که در کنار دریای مدیترانه واقع شده است و به دلیل موقعیت جغرافیایی، سیاسی، تجاری و سوق‌الجیشی، نقش مهمی را در سیاست کلی آفریقا و کشورهای عربی برعهده دارد و به همین علت، از دیرباز مورد طمع قدرت‌های استعماری بوده است. به گونه‌ای که ژول فری، نخست وزیر اسبق فرانسه از تونس به عنوان «کلید خانه فرانسویان» یاد می‌کند.^۱ فعالیت‌های سیاسی در تونس به دلایل مختلف، از جمله نزدیکی جغرافیایی با اروپا، آشنایی اکثریت مردم به زبان فرانسه، وجود مراکز متعدد آموزش عالی، رفت و آمد میلیون‌ها جهانگرد خارجی به خصوص اروپاییان، گسترش فعالیت مطبوعات و به‌طور کلی گسترش آگاهی‌های عمومی مردم، از سایر کشورهای منطقه و جهان عرب بیشتر است. کوشش مردم تونس برای کسب استقلال و آزادی پس از جنگ جهانی دوم افزایش یافت و دولت فرانسه به ناچار استقلال آن کشور را به رسمیت شناخت و در سال ۱۳۳۵ ش/ ۱۹۵۶م به‌عنوان



تظاهرات مردم تونس علیه دیکتاتور وابسته به غرب

۱. امیرشاهی، لیبی، صص ۱۶-۱۷.

کشوری مستقل شناخته شد، اما به جای روی کار آمدن حکومت مردمی، نظام دیکتاتوری در پوشش حکومت جمهوری بر آن کشور حاکم شد؛ به طوری که تا سرنگونی حکومت زین العابدین بن علی در این کشور تنها دو رئیس جمهور آن هم از طریق انتخابات فرمایشی زمام امور را در دست گرفتند. نیروهای اسلام‌گرای تونس نیز به رهبری شیخ راشد الغنوشی تشکل و انسجام یافتند. با بسترهای مناسبی که حزب النهضة ایجاد کرده بود، خودسوزی محمد بوعزیزی در اعتراض به حکومت دیکتاتوری بن علی، آتش در انبار باروت خشم مردم تونس افکند که به سقوط دیکتاتوری بن علی و فرار او به عربستان سعودی انجامید.

برگی از تاریخ

شیخ راشد الغنوشی (تولد: ۱۰ شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۳۱ اوت ۱۹۴۱ م تونس) رهبر حزب

اسلام‌گرای «النهضة» تونس

غنوشی از اوایل دهه هفتاد میلادی به فعالیت سیاسی اسلامی پرداخت. الغنوشی ابتدا جمعیت پاسدار قرآن کریم را تأسیس کرد. به دلیل فعالیت‌های سیاسی چندین بار در زمان حکومت «حبيب بورقیبه» و «زین العابدین بن علی» به زندان رفت و یا تبعید شد. وی بخش عمده‌ای از دوران فعالیت سیاسی خود را با «حرکت الاتجاه الاسلامی» پشت سر نهاد و در سال ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م به ریاست آن رسید. الغنوشی همان سال به ۱۱ سال زندان محکوم شد. اما با روی کار آمدن زین العابدین بن علی در سال ۱۳۶۶ ش/ ۱۹۸۷ م از زندان آزاد شد. وی در سال ۱۳۷۱ ش/ ۱۹۹۲ م دوباره دستگیر شد و به زندان افتاد و سپس به الجزایر و سودان و سرانجام به انگلیس (لندن) تبعید شد. در پی سرنگونی حکومت استبدادی «بن علی» بار دیگر به تونس بازگشته و رهبری مسلمانان این کشور را برعهده گرفت.

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تفکر غنوشی اعتقاد وی به جامعیت شریعت اسلامی برای اداره زندگی سیاسی و اجتماعی انسان مسلمان در چارچوب نظامی هدفمند است. وی به شدت از انقلاب اسلامی ایران و نهضت و شخصیت امام خمینی (ره) تأثیر پذیرفته است. به عقیده وی اسلام می‌تواند به کمک اندیشه‌های سیاسی خود هم نظام دموکراسی غربی را در برگرد و نقاط مثبت آن را برای بشر و مسلمانان حفظ کند و هم از رهگذر اصل اسلامی «شورا» یعنی مشارکت امت در حکومت و نظارت مردم بر حاکمان، می‌تواند این تجربه بشری را پر بارتر کند. دغدغه‌های اصلی شخص راشد الغنوشی را می‌توان در اعلامیه تأسیس حرکت اتجاه اسلامی تونس جست‌وجو کرد که یکی از مسئولیت‌های این حرکت «مشارکت در احیای دوباره موجودیت کیان سیاسی و فرهنگی اسلام و یکی از ابزارهای تحقق این مهم، ترسیم چهره‌ای از نظام حکومت اسلامی است».

او آثار گوناگونی دارد که از معروف‌ترین آنها می‌توان به «حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام» و «ما و غرب» اشاره کرد.

ب) **بیداری اسلامی در مصر** : مصر در شمال قاره آفریقا و در کنار دریای مدیترانه و دریای سرخ قرار دارد.^۱ موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی این کشور به‌ویژه وجود کانال سوئز در آن و همچنین هم‌جواری با فلسطین اشغالی و کشورهای لیبی و سودان، باعث شده است که مصر در جغرافیای سیاسی منطقه نقش حساس و مؤثری را ایفا کند.

جامعه مصری از قدیم‌الایام ساختار مذهبی داشته و خاستگاه بسیاری از پیامبران الهی بوده است. از زمان ظهور اسلام تا دوران معاصر این کشور فارغ از کشاکش‌های سیاسی و مداخلات استعماری، از نظر اندیشه سیاسی و دینی رشد والایی داشته است و علما و متفکران بسیاری را در خود پرورش داده است.



مبارک دیکتاتور مخلوع مصر و او باما رئیس‌جمهور آمریکا

در سال ۱۲۶۰ ش/۱۸۸۱م انگلیسی‌ها، مصر را اشغال کردند. تحت تأثیر تحولات ناشی از جنگ جهانی اول، کوشش مصری‌ها برای رهایی از سلطه استعماری انگلستان بیشتر شد و سرانجام انگلیس به وضعیت تحت‌الحمایگی این کشور پایان داد و در این کشور نظام سلطنتی مشروطه اعلام کرد. در ۱۹۵۲م/۱۳۳۱ش سرهنگ جمال عبدالناصر، پس از آنکه قدرت را به

دست گرفت، نظام مصر را جمهوری اعلام کرد و ناسیونالیسم عربی را ایدئولوژی حکومتی خود قرار داد. بعد از او، انور سادات و سپس حسنی مبارک برای کنار زدن ناسیونالیسم عربی یا پان‌عربیسیم و جایگزینی آن با میهن پرستی مصری محور، تلاش کردند. سادات و مبارک نظامی سکولار بر مصر حاکم کردند و کوشیدند جنبش‌ها و نیروهای اسلام‌گرا را دور از قدرت نگه دارند و با دولت‌های غربی و اسرائیل روابطی دوستانه برقرار کنند.

فساد سیاسی و اقتصادی رژیم حسنی مبارک باعث رشد فعالیت‌ها و جنبش‌های اسلامی به‌ویژه جمعیت اخوان المسلمین شد که در نهایت موجب سرنگونی رژیم دیکتاتوری مصر و سقوط مبارک گردید.

بیداری اسلامی در مصر ریشه‌دار بود و به همین دلیل شعله‌های انقلاب مردم مصر با یک تظاهرات

۱. وزارت امور خارجه، *حزب سیاسی مصر*، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و خدمات آموزشی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱.

زبانہ کشید و بہ سرعت بہ مناطق دیگر ہم سرایت کرد. امواج سہمگین انقلاب مردم حسنی مبارک را مجبور بہ تسلیم و شکست کرد.



قیام مردم مصر در میدان التحریر (آزادی)

برگی از تاریخ

محمد غزالی (۱۲۹۶-۱۳۷۵ ش/۱۹۱۷-۱۹۹۶ م)

شیخ محمد غزالی، از اندیشمندان و فقہای بزرگ اسلامی مصر و یکی از رہبران جمعیت اخوان المسلمین بود. او با تألیف بیش از ۵۰ اثر در حوزه اسلام شناسی، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های دینی قرن بیستم به شمار می‌رود. او یکی از داعیان اندیشہ تقریب مذہب اسلامی بود و برای این کار، تلاش‌های بسیاری را انجام داد. اما پس از گذشت ده‌ها سال، او متوجه شد کہ اصلاحات موضعی، گرہ از بدبختی امت اسلامی نمی‌گشاید و راه چارہ را در بازگشت بہ قرآن و شکستن رویہ تقلید و تقدیس اشخاص و نام‌ها، دید. این روش، همان دیدگاهی بود کہ حدود یک قرن قبل از وی، توسط محمد عبده بہ وجود آمدہ بود، اما با نفوذ و ہابیت و حمایت‌های تلویحی غرب، مکتب اصلاحی عبده بہ انحراف و نابودی کشانده شد. غزالی، ریشہ انحرافات از اسلام راستین را در دوری از قرآن و وجود انواع و اقسام احادیث کذب و جعلی کہ تحت نام سنت نبوی، بہ دروغ بہ اسلام، افترا زدہ شدہ‌اند، می‌دانست. گرچہ بہ او مقام دولتی دادہ شد ولی بہ فعالیت‌های فکری و سیاسی خود وسعت بخشید کہ بہ برکناری او انجامید. پس از آن بہ مکہ رفت و در دانشگاه ام‌القری بہ تدریس پرداخت و پس از ہفت سال مجدداً بہ مصر بازگشت و بہ معاونت وزارت اوقاف رسید. وی پس از مدتی بہ الجزایر رفت و بہ ریاست دانشگاه امیر عبدالقادر منصوب شد و همچنین بہ تدریس درس تفسیر قرآن

پرداخت. شاذلی بن جدید، رئیس جمهور الجزایر نشان لیاقت را که بالاترین نشان آن کشور است، به غزالی داد. عاقبت در ۱۹ اسفند ۱۳۷۵ ش/۹ مارس ۱۹۹۶ م در اثر حمله قلبی درگذشت.

غزالی اندیشه اصلاحی خود را با تبلیغ و دعوت درهم آمیخت و به عنوان یکی از داعیان اندیشه تقریب مذاهب اسلامی تلاش‌های بسیاری را انجام داد. ده‌ها سال تجربه و تدریس در مصر، سعودی، الجزایر، قطر و... غزالی را به این نتیجه رساند که راه نجات امت اسلامی از گمراهی و عقب افتادگی در بازگشت به قرآن و ترک خرافات ضد قرآنی است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های حیات فکری غزالی را می‌توان رویارویی فکری وی با سکولاریسم دانست. از نظر او، اسلام دینی جامع است و اصول و احکام آن قابلیت اجرا در همه زمان‌ها و مکان‌ها را دارد. از این رو وی سکولاریسم، به معنای جدایی دین از سیاست و عدم اجرای شریعت اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، را مساوی با ارتداد می‌دانست. وی دوری مسلمانان از تعقل و تجربه‌گرایی را مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی جهان اسلام تلقی می‌کرد.

پ) بیداری اسلامی در لیبی: کشور اسلامی لیبی در شمال آفریقا واقع شده است. حکومت لیبی به رغم داشتن شالوده‌های اولیه اسلامی، دارای نوعی ایدئولوژی سیاسی سکولار مبتنی بر پان‌عریسم بود. سرهنگ معمر قذافی دیکتاتور لیبی، اسلام را ابزاری برای اجرای منویات خود می‌دانست. با بالا گرفتن قیام مردم لیبی، قذافی در نخستین واکنش، قیام‌کنندگان را مشتی جوان وابسته به القاعده و مصرف‌کنندگان قرص‌های روان‌گردان توصیف کرد. با ورود ناتو در مسئله لیبی کفه قدرت به نفع مخالفان قذافی سنگینی کرد. سرانجام پس از ماه‌ها درگیری نظامی با سقوط طرابلس، حکومت قذافی سرنگون و خود او کشته شد. نکته جالب در مورد قذافی این است که وضعیت او بیش از هر دیکتاتوری به صدام شبیه بود.



قذافی و سارکوزی رئیس جمهور پیشین فرانسه



سرهنگ قذافی دیکتاتور پیشین لیبی در کنار
نخست‌وزیر انگلستان

ت) بیداری اسلامی در یمن: جمهوری یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع است و دارای نژادهای عرب (۸۶ درصد)، ترک، هندی، ایرانی و سومالیایی است. بیش از ۵۰ درصد یمنی‌ها شیعی مذهب‌اند که غالباً در منطقه صعدة و شمال یمن ساکن‌اند. البته عمده شیعیان یمن زیدی‌اند که بعد از امام سجاد (ع)، زید بن علی (ع) را امام می‌دانند. مردم یمن در پی انقلاب‌های گوناگون در کشورهای اسلامی، اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای را در شهرهای مختلف علیه رژیم دیکتاتوری علی عبدالله صالح آغاز کردند که علی‌رغم طولانی و گسترده بودن مخالفت، با سرکوب شدید مواجه شدند. عاقبت علی عبدالله صالح از یمن گریخت ولی جانشین او نیز همان سیاست‌های غرب‌گرایانه را ادامه می‌دهد. انقلاب یمن همچنان آتش زیر خاکستر است.



قیام مردم مسلمان یمن

ث) بیداری اسلامی در بحرین: بحرین کوچک‌ترین کشور خاورمیانه است و پس از مالدیو کم‌وسعت‌ترین کشور در جهان اسلام می‌باشد. بیش از ۸۰ درصد مردم بحرین شیعه‌اند، اما حاکمیت سیاسی به اقلیت سنی تعلق دارد.^۱ بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به‌شمار می‌آید. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره با مذهب تشیع به حدی محکم و قوی است که در نزد اهالی شبه جزیره و ساحل نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره به نام «اهل البحرین» خوانده می‌شوند، نه بحرانی.

سابقه جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی در بحرین به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصاً به اوایل دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد.^۲ اما بروز انقلاب اسلامی در ایران را باید منشأ تحولات

۱. نشأت، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت کانون کتاب، ۱۳۴۴، ص ۴۴۳.

۲. بحرین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱.

و دگرگونی‌های جدید سیاسی در بحرین به حساب آورد. مردم بحرین به‌طور جدی خواستار انجام اصلاحات اساسی و برکناری حکومت آل خلیفه هستند و در این راه شهدای زیادی را تقدیم کرده‌اند ولی به دلیل حمایت خارجی از آن رژیم و سرکوب شدید مردم، انقلاب بحرین هنوز به نتیجه نرسیده است.



میدان لؤلؤ، نقطه آغازین قیام بحرینیان

موج ناآرامی‌ها در بحرین از زمانی آغاز شد که درخواست برپایی مجدد پارلمان (که از سال ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵م منحل شده بود) و همچنین درخواست برای به جریان انداختن قانون اساسی را کد مانده، از جانب امیر شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، بایب اعتنایی روبه‌رو شد؛ حتی این درخواست با خشونت نظامی حکومت روبه‌رو شد.

نقش ولایت فقیه در موج جدید بیداری اسلامی

در بررسی سیر تاریخی نظریه‌پردازی بیداری اسلامی در تاریخ معاصر، دیدگاه‌ها و تئوری‌های گوناگونی توسط علمای سنی و شیعه مطرح شد و مبنای عمل قرار گرفت که بعضی از آنها شاخص‌تر از بقیه بودند.

ولی در بین این مجموعه متفکرین و پیشوایان دینی باید از سه نفر در صدر نظریه‌پردازان عصر جدید و موج جاری بیداری اسلامی نام برد: ۱- آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین نائینی ۲- استادحسن البنا ۳- حضرت امام خمینی(ره). مرحوم نائینی برای اولین بار نظریه حکومت مشروطه مشروعه را در کتاب ارزشمند تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة تبیین و نوعی از مردم‌سالاری دینی را در مقابل دموکراسی سکولار غرب ارائه کرد و بعداً شهید شیخ فضل‌الله نوری با افزودن اصل دوم متمم قانون اساسی،

نظارت پنج نفر مجتهد تراز اول را بر قوانین موضوعه، مشروعیت مشروطه را با خون خود امضا کرد. استاد حسن‌البناء با رد مطلق تبعیت از فرهنگ غرب و حرکت در چارچوب اصول اسلامی و احیای قرآن و سنت، نهضت اخوان‌المسلمین را پایه‌گذاری کرد که بدون تردید اصیل‌ترین حرکت فکری در جریان بیداری اسلامی اهل سنت در عصر حاضر است.

اندیشه و نهضت امام خمینی (ره) نقطه عطف تاریخ دویست ساله بیداری اسلامی در سراسر جهان اسلام بود. دیدگاه جامع حضرت امام خمینی در کتاب ولایت فقیه بر پایه‌های محکم قرآن و سنت و احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام با پشتوانه فقه، عرفان، کلام، فلسفه و اجتهاد پویای اسلامی پاسخی به سؤالات مسلمانان محروم و تحقیر شده توسط فرهنگ استعمار و سرخورده از مکاتب تقلیدی چپ، راست و التقاطی بود.

ایمان، تقوا، اخلاص، هوشمندی، شجاعت و از خودگذشتگی امام نقش اساسی در عملی کردن نظریه ولایت فقیه داشت.

نکته مهم دیگر، استمرار راه امام توسط آیت‌الله خامنه‌ای، ولی فقیه پس از امام بود. اهمیت حوادثی که در زمان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای رخ داد، کمتر از زمان حضرت امام نبود. فروپاشی جهان کمونیسم، حمله عراق به کویت و دو نوبت تهاجم امریکائیان به عراق و اشغال آن کشور، پیروزی حزب‌الله، حماس و جنبش جهاد اسلامی بر رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان، ۲۲ روزه و ۸ روزه غزه که همگی این پیروزی‌ها به کمک ایران به دست آمد.

اصول انقلاب‌های کنونی در کشورهای اسلامی

۱. احیای عزت و کرامت ملی؛
۲. اسلام‌گرایی؛
۳. ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه غرب؛
۴. مبارزه با رژیم جعلی صهیونیستی؛
۵. مردمی بودن.

عناصر هویتی بیداری اسلامی کنونی

۱. مردمی بودن؛
۲. اسلامی بودن؛
۳. استکبارستیزی.

پیامدهای بیداری اسلامی نوین در کشورهای اسلامی

۱. ایجاد شور و نشاط اجتماعی و احیای خودباوری دینی و اجتماعی در ملت‌های مسلمان؛
۲. از بین رفتن حاکمان دیکتاتور و دولت‌های دست‌نشانده و سرسپرده به نظام سلطه؛
۳. نفوذ و تحکیم روابط اسلامی بین ملت‌ها و دولت‌ها و فراهم شدن زمینه‌های همگرایی مسلمانان؛
۴. فراهم آمدن فرصت برای پیگیری مطالبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود به‌ویژه در مورد قدرت‌های سلطه‌گر؛
۵. از میان رفتن یا تضعیف پایگاه‌ها و حامیان رژیم صهیونیستی در کشورهای اسلامی دارای تجربه بیداری اسلامی؛
۶. قدرت‌گیری و رشد اقتدار جنبش‌های اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی، به ویژه جنبش‌های حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب الله لبنان.

بیشتر بدانید

۱. آسیب‌های احتمالی پیش روی بیداری اسلامی
۲. سطحی‌نگری و عدم درک صحیح تعالیم اسلامی؛
۳. نادیده گرفتن نظرات مجتهدان و فقهای اسلامی؛
۴. خودباختگی و تقلید از فرهنگ غرب و دور شدن از هویت اسلامی؛
۵. یأس و وادادگی در برابر فشارهای دشمن؛
۶. برگزیدن شیوه‌های نادرست مبارزاتی؛
۷. تحریک و تطمیع از سوی نظام سلطه؛
۸. تحجر؛
۹. اختلافات مذهبی و فرقه‌ای.

دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در خصوص اهداف بیداری اسلامی

... استکبارستیزی همچون؛ «نفی صریح صهیونیسم، عدالت خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، سوءظن به اروپا و آمریکا و ناتو و باور نکردن وعده آنها، هدف گرفتن آزادی فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها، پرهیز از الگوهای لائیک، لیبرال، ناسیونالیستی و مارکسیستی در نظام‌سازی، قرارداد امت واحده و ایجاد تمدن اسلامی به عنوان بخشی از اهداف نهایی بیداری اسلامی می‌باشد. (۱۳۹۰/۶/۲۶)

مکتب حاج قاسم سلیمانی، مکتب مقاومت

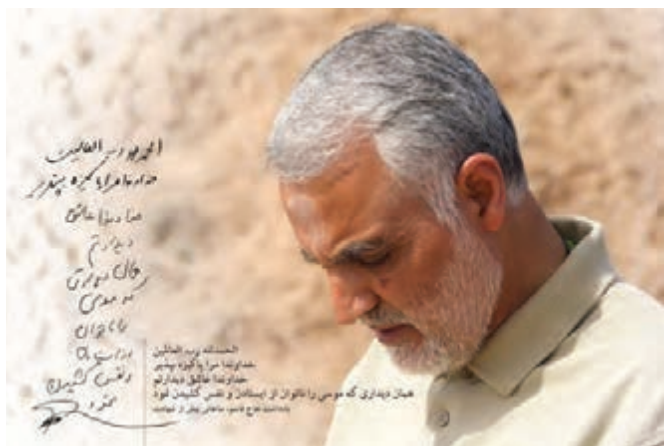
سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی فرماندهی سخت‌کوش بود که از سالیان قبل در سمت یکی از فرماندهان جوان دفاع مقدس و سپس در مقام فرمانده سپاه قدس، تمام زندگی‌اش را صرف تحقق آرمان‌های بلند اسلام و انقلاب کرد. علاوه بر توانایی بالایی نظامی، اخلاق، ایمان و اخلاص این فرمانده شجاع باعث شده بود تا در جایگاه فردی محبوب در میان ملت ایران و در واقع همه ملت‌های آزاده جهان شناخته شود.



شکل‌گیری و تقویت هسته‌های مقاومت در منطقه تا حدی زیاد به تلاش‌های سپهبد سلیمانی مدیون است که از آن جمله می‌توان حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان و ... را نام برد. از همین رو سرانجام استکبار جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ، آمریکا، حضور این فرمانده عاشق امت و نظام اسلامی را تحمل نکرد و در اولین ساعات جمعه، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ش در حمله موشکی ناجوانمردانه در فرودگاه بغداد او و برخی هم‌زمانش در جبهه مقاومت از جمله ابومهدی المهندس را طی یک عملیات تروریستی به شهادت رساند و چنین بود که خون پاک این رهرو راستین اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخته شد.

در تشییع پیکر مطهر سردار دل‌ها از نجف و کربلا تا مشهد و تهران و قم تا کرمان چنان جمعیتی حاضر شدند که در تاریخ بی‌سابقه است. این حضور بی‌سابقه به معنای حمایت از راه و هدف شهید سلیمانی و مهر تأییدی بود بر همراهی مستحکم مردم با رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شروع گام دوم آن.

رهبر انقلاب این روز را یک «یوم‌الله» دیگر در تاریخ انقلاب اسلامی دانستند و در این باره فرمودند: «هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد، کار برکت پیدا می‌کند، رشد و نمو پیدا می‌کند، کار به نحوی می‌شود که اثر آن به همه می‌رسد، برکات آن در میان مردم باقی می‌ماند؛ این ناشی از اخلاص است. نتیجه آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه شدن روحیه انقلابی مردم است. اما اینکه ما بیایم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی، «شهید عزیز» و به ابومهدی، «شهید عزیز» به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت و قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می‌کند... ملت ایران نشان داد که از خط مجاهدت شجاعانه دفاع می‌کند، ملت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد، ملت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست.»^۱



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۹۸/۱/۲۷

پرسش‌های نمونه

۱. بیداری اسلامی را تعریف کنید.
۲. به چهار مورد از عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری بیداری اسلامی اشاره کنید.
۳. سه مورد از علل ناکامی حرکت‌های بیداری اسلامی را در گذشته بنویسید.
۴. پیروزی انقلاب اسلامی چه آثاری بر جریان بیداری اسلامی جهان اسلام داشت؟ (به ۴ مورد اشاره کنید).
۵. ویژگی‌های بیداری اسلامی از نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی کدامند؟
۶. به سه مورد از پیامدهای امواج نوین بیداری اسلامی اشاره کنید.

اندیشه و جست و جو

جست‌وجو کنید جوانان و نوجوانان چه نقشی در بیداری اسلامی سال‌های اخیر داشتند.

